

ویرایش دوم

# خرزستان جدید

# اطلس خوزستان

عراق

شاهگان

اهواز

اندیشک

دزفول

عبدالجان  
(الوان)



سرشناسه: پورجباری، پژمان، ۱۳۵۹-

عنوان و نام پدیدآور: اطلس جغرافیای حماسی ۱: خوزستان در جنگ/مؤلف پژمان پورجباری؛ بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

مشخصات نشر: تهران؛ صریح، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: (۲۴۹) ص: مصور، نقشه.

شابک: ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۵۶-۶۶-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. (۲۴۷-۲۴۹)

عنوان دیگر: خوزستان در جنگ

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷، خوزستان

شناسه افزوده: ستاد مرکزی راهیان نور

رده‌بندی کنگره: ۹۱۴۸۹: پ ۵۳ و ۲۰۱۷/ DSR

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۵۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۵۷۸۲۲

ستاد مرکزی راهیان نور

این نوبت از چاپ با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است

## خوزستان در جنگ



## مشاوران نظامی:

سردار سر تیپ فتح‌الله جعفری، مرحوم سردار سر تیپ احمد سیاف‌زاده،  
امیر سر تیپ سیدعلی‌اکبر موسوی قویدل، امیر سر تیپ عبدالحسین مفید

ناظر: سرهنگ پاسدار حسن رسولی منفرد

نویسنده: پژمان پورجباری

تهیه عکس: مهدی ثابت، محمدرضا پارسا

ویراستار: ایوب نصیری، سعید سرمدی

ترسیم نقشه: سیدمهدی موسوی

مدیر هنری: عبدالحمید قره‌داغی

طرح جلد: محمد جواد مرآتی

صفحه آرایی: محمدمهرابی

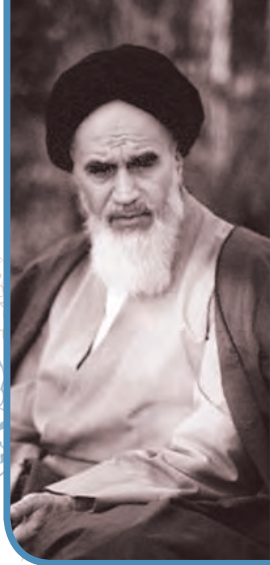
قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال

نوبت چاپ: پنجم-زمستان ۱۳۹۱

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

نشانی: تهران | خیابان شهید دکتر بهشتی | خیابان شهید جواد سرفراز  
کوچه شهید افشین حق‌پرست | شماره ۱۸ | شماره تماس: ۴-۸۷۴۲۷۰۳

نشر صریح: خیابان انقلاب | مقابل درب جنوبی دانشگاه تهران |  
شماره ۱۳۹۶ | شماره تماس: ۰۸۶۶۹۵۴۱



## خوزستان در جنگ به روایت امام خمینی (ره)

خوزستان دین خودش را به اسلام ادا کرد. خوزستان برای اسلام و برای ارزش‌های انسانی و برای شرافت خود و کشور خود کوشش کرد و کوشش می‌کند و مردانه ایستاده است و شهدای بزرگوار خود را نزد خدای تبارک و تعالی فرستاد. خوزستان در این عرصه تهاجم باطل به حق و دفاع حق و در برابر باطل پیش قدم است و اسوه است از برای سایر اهالی کشور... من به شما اهالی خوزستان و سایر مرزنشینانی که مورد تهاجم واقع شدید، تبریک عرض می‌کنم و به شما دو جمله از کتاب خدا را تذکر می‌دهم: «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَيْكُمْ» (بر آنچه از دستتان می‌رود اندوهگین نباشید و بدانچه به دستتان می‌آید شادمانی نکنید-سوره حدید، آیه ۲۳) این تعلیم خدای تبارک و تعالی است به انسان‌ها از اول تا آخر که در پیشامدها چنانچه پیشامدی بود که برای شما ضرری داشت، به حسب ظاهر و چشم‌های ظاهربین، شما محزون نباشید، که این‌ها ضرر نیست. برای آن چیزی که از دستتان رفته است، نه تأسف بخورید و نه محزون باشید... خداوند تمام شهدای راه اسلام را و تمام کسانی که در راه اسلام معلول شدند، در راه اسلام خائمان خودشان را از دست دادند، در راه اسلام به آوارگی رسیده‌اند را به سعادت‌های ابدی برساند و من به تمام بازماندگان این شهدا هم تسلیت عرض می‌کنم و هم تبریک. مبارک باد بر اهالی خوزستان و بر اهالی جنوب و غرب این خدمت‌گزار و این جان‌نثاری و این پایداری.

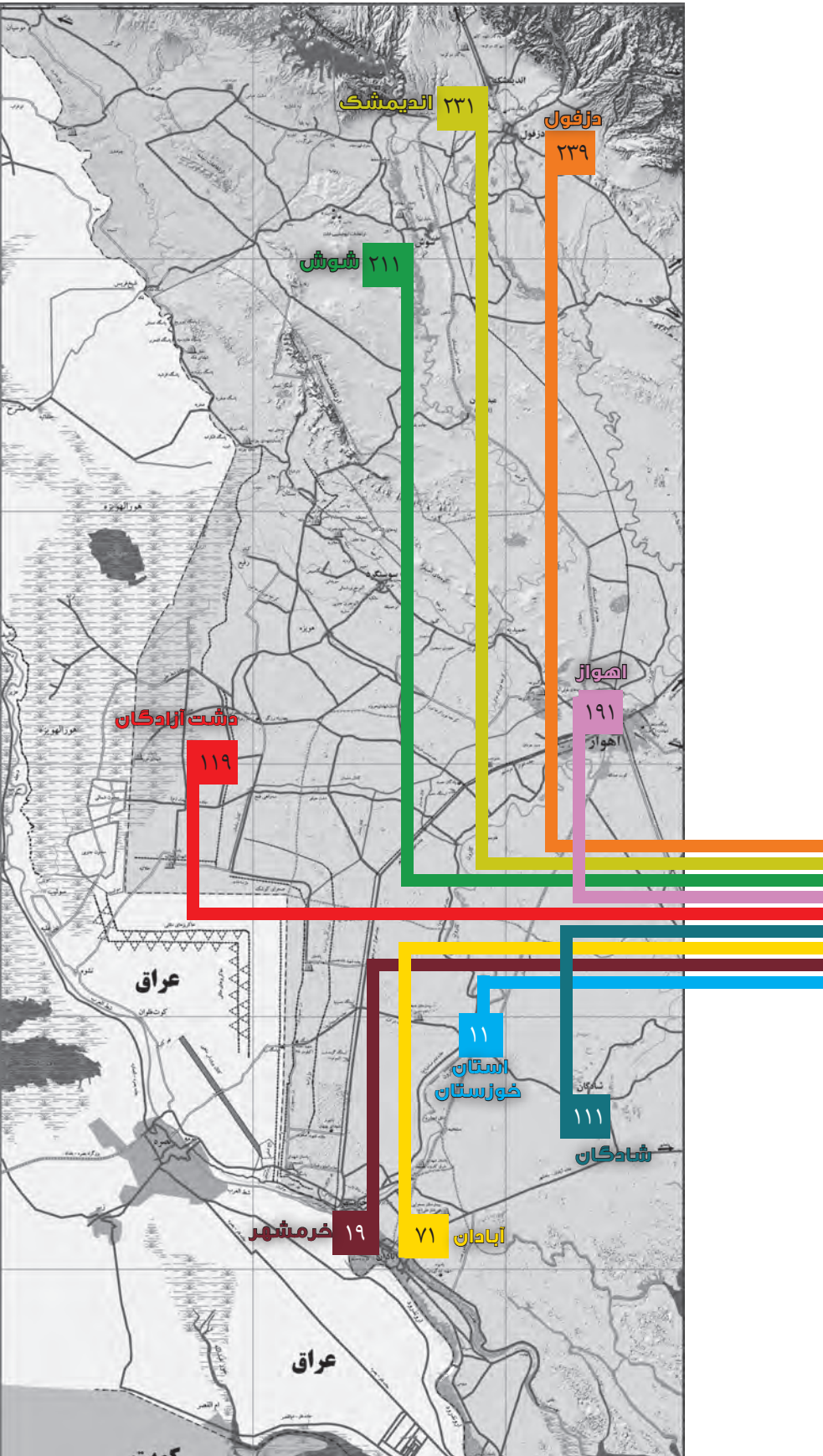
بیانات امام خمینی (ره) در جمع خانواده شهدا و جانبازان استان خوزستان- ۱۳۶۰/۱/۱۳



## خوزستان در جنگ به روایت رهبر معظم انقلاب

دست دشمن، نقشه استکبار، برنامه‌ریزی دستگاه‌های فعال صهیونیستی و استعماری همه با هم این‌طور ترتیب دادند که این بخش از میهن عزیز ما، در معرض یکی از سخت‌ترین آزمایش‌های الهی خون‌بار قرار گیرد. جنگ تحمیلی هشت سال به طول انجامید. در این مدت شما مردم شجاع و دلاور این استان (خوزستان) در معرض این امتحان بسیار دشوار قرار داشتید. البته دشمن جنگ را بر خوزستان تحمیل نکرد؛ بر ایران تحمیل کرد و همه ایران در مقابل او قیام کردند تا از کشور دفاع کنند؛ اما خوزستان در معرض سخت‌ترین و شدیدترین ضربات دشمن قرار گرفت و به وسیله دشمن بیشترین فاجعه‌آفرینی در این استان واقع شد. بیش از همه مردم کشور، مردم استان‌های مرزی و بیش از همه استان‌های مرزی، استان خون‌بار خوزستان رنج جنگ را تحمل کرد. در سراسر این استان ممتحن و مجرب، مردان و زنان و خانواده‌ها، شهری‌ها و روستایی‌ها، عشایر عرب و لر و بختیاری و مردم فارس که در این استان هستند، همه و همه در کنار یکدیگر دست در دست هم، در مقابل متجاوزان ایستادند. البته ملت ایران به کمک استان‌های مرزی آمد- در این شکی نیست- و آزمایش بزرگ، آزمایش ملت ایران بود؛ اما چه کسی است که نداند استانی که در کنار مرز است، در مقابل اولین حملات دشمن، چه شکنجه و درد دشواری را تحمل می‌کند و این استان هشت سال این دشواری را تحمل کرد و ایستاد و فداکاری نمود. در دوران قبل از انقلاب اسلامی - یعنی شاید هفتاد، هشتاد سال قبل از این - باز مردم مؤمن و علمای خوزستان، در مقابل تجاوز انگلیسی‌ها ایستادگی کردند. آن هم یک تجربه دیگر است. مردم این استان در چنین کارهای بسیار با عظمت و پرشکوهی سابقه دارند.

بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع بزرگ مردم اهواز- ۱۳۷۵/۱۲/۱۸



اندیمشک ۳۳۱

دزفول  
۲۳۹

شوش ۲۱۱

اهواز  
۱۹۱

دشت آزادگان  
۱۱۹

عراق

استان  
خوزستان ۱۱

شادگان  
۱۱۱

خرمشهر ۱۹

آبادان ۷۱

عراق

## استان خوزستان

استان خوزستان | ۱۳

### شهرستان خرمشهر

شهرستان خرمشهر ۲۱ | خرمشهر ۳۳ | شلمچه ۲۵ | نهر خین ۲۷ | پل نو ۲۸ | صد دستگاه ۲۹ | میدان کشتارگاه ۲۹ | جاده اهواز - خرمشهر ۳۰ | پلیس راه ۳۱ | پادگان دژ ۳۲ | کوی طالقانی ۳۳ | خیابان چهل متری و فلکه فرمانداری ۳۴ | مسجد جامع خرمشهر ۳۵ | گلزار شهدای خرمشهر ۳۶ | بندر خرمشهر ۳۷ | پل خرمشهر ۳۹ | مرکز فرهنگی دفاع مقدس (موزه جنگ) ۴۰ | منطقه عملیاتی «فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا» ۴۱ | مارد ۴۳ | منطقه عملیاتی بیت المقدس ۴۴ | ایستگاه حسینییه ۴۷ | جاده زید (حسینییه) ۴۹ | ایستگاه گرم دشت ۵۰ | منطقه عملیاتی رمضان ۵۱ | جاده شهید شاه حسینی (یادمان شهدای عملیات رمضان) ۵۴ | منطقه عملیاتی کربلای ۵ | منطقه عملیاتی کربلای ۵۸۵ | جاده شهید صفوی (بنای یادبود شهدای شیمیایی بهبهان) ۶۱ | منطقه عملیاتی کربلای ۸ | یادمان شهدای شلمچه ۶۴ | دژ جمهوری ۶۵ | بیمارستان صحرائی امام حسین<sup>(ع)</sup> ۶۵ | منطقه عملیاتی بیت المقدس ۶۷ | منطقه عملیاتی سر نوشت ۶۸

### شهرستان آبادان

شهرستان آبادان ۷۳ | آبادان ۷۵ | پالایشگاه آبادان ۷۷ | اروندرود ۸۰ | بهمن شیر ۸۲ | اروندکنار ۸۳ | جزیره مینو ۸۵ | اسادات (بنای یادبود شهید تندگویان) ۸۷ | پل ایستگاه ۷ و ۱۲ | آبادان ۸۸ | کلیسا و مدرسه آرامنه ۸۹ | مسجد قدس ۹۰ | هتل های آبادان ۹۱ | منطقه عملیاتی کوی ذوالفقاری ۹۲ | منطقه عملیاتی تپه های مدن ۹۳ | منطقه عملیاتی سه راهی آبادان ۹۴ | منطقه عملیاتی توکل ۹۵ | منطقه عملیاتی شهید چمران ۹۶ | منطقه عملیاتی ثامن الائمه<sup>(ع)</sup> ۹۷ | جاده وحدت ۱۰۰ | منطقه عملیاتی والفجر ۱۰۱ | پل متحرک خضر ۱۰۵ | پل بعثت ۱۰۷ | بیمارستان صحرائی امام علی<sup>(ع)</sup> ۱۱۰

### شهرستان شادگان

شهرستان شادگان ۱۱۳ | دارخوین ۱۱۴ | سلمانیه (خط شیر) ۱۱۶ | دکل ابوذر ۱۱۸



### شهرستان دشت آزادگان

شهرستان دشت آزادگان ۱۲۱ | بستان ۱۲۳ | هویزه ۱۲۵ | منطقه عملیاتی نصر (هویزه) ۱۲۷ | سوسنگرد ۱۳۰ | سبحانیه و خز علیه ۱۳۲ | منطقه عملیاتی امام مهدی (عج) ۱۳۴ | منطقه عملیاتی امام علی (ع) (خیر) ۱۳۵ | سید خلف ۱۳۶ | گلپهار ۱۳۷ | تپه‌های الله اکبر ۱۳۸ | منطقه عملیاتی شهیدرستمی ۱۴۰ | دهلاویه (یادمان شهید چمران) ۱۴۱ | منطقه عملیاتی طراح ۱۴۳ | کرخه‌نور (کرخه‌کور) ۱۴۴ | مناطق عملیاتی شهیدان رجایی و باهنر و نصر ۱۴۵ | منطقه عملیاتی شهید آیت الله مدنی ۱۴۶ | منطقه عملیاتی طریق القدس ۱۴۷ | ابوچلاچ ۱۵۰ | البوعفری ۱۵۱ | جاده پیروزی ۱۵۲ | خاکریز عصایی ۱۵۳ | ارتفاعات میشداغ ۱۵۴ | منطقه عملیاتی ام‌الحسنین (س) ۱۵۵ | تنگ چزابه ۱۵۶ | منطقه عملیاتی والفجرمقدماستی ۱۵۷ | فکه ۱۶۰ | پاسگاه‌های مرزی منطقه فکه - چزابه ۱۶۲ | نبعه ۱۶۴ | پل سابله ۱۶۶ | بیمارستان صحرایی امام حسن مجتبی (ع) ۱۶۷ | جنگل عمق ۱۶۸ | هورالهوره ۱۶۹ | منطقه عملیاتی خیر ۱۷۱ | منطقه عملیاتی بدر ۱۷۵ | طلائی ۱۷۹ | شط علی ۱۸۱ | پل خیر ۱۸۲ | بیمارستان صحرایی امام رضا (ع) ۱۸۳ | کوشک ۱۸۵ | جاده صاحب الزمان (عج) ۱۸۶ | جاده سیدالشهدا (ع) ۱۸۷ | جاده شهید همت (یادمان شهدای هور) ۱۸۹

### شهرستان اهواز

شهرستان اهواز ۱۹۳ | اهواز ۱۹۴ | کارون ۱۹۶ | حمیدیه ۱۹۸ | منطقه عملیاتی شهید غیور اصلی ۲۰۰ | یادمان شهدای گمبوعه ۲۰۲ | دُبَّ حردان ۲۰۳ | کارخانه نورد ۲۰۴ | تپه‌های فولی آباد ۲۰۵ | جُفیر ۲۰۶ | پادگان حمید ۲۰۷ | کانال سلمان ۲۰۸ | پایگاه منتظران شهادت (کف) ۲۰۹

### شهرستان شوش

شهرستان شوش ۲۱۳ | شوش ۲۱۵ | بارگاه دانیال نبی (ع) ۲۱۷ | کرخه ۲۱۸ | زعن، عنکوش و شلیبه ۲۱۹ | کانال هندلی ۲۲۰ | منطقه عملیاتی فتح‌المبین ۲۲۱ | بلتا ۲۲۴ | تپه چشمه ۲۲۵ | علی‌گره زد و علی‌گریزد ۲۲۶ | سایت‌های ۵، ۴ و رادار ۲۲۸ | رقابیه ۲۲۹ | یادمان شهدای فتح‌المبین ۲۳۰

### شهرستان اندیمشک

شهرستان اندیمشک ۲۳۳ | اندیمشک ۲۳۴ | پل نادری ۲۳۶ | پادگان دوکوهه (احمد متوسلیان) ۲۳۷

### شهرستان دزفول

شهرستان دزفول ۲۴۱ | دزفول ۲۴۳ | پایگاه وحدتی دزفول ۲۴۵

## مقدمه

«حقایق زندگی گذشتگان را تصدیق کن و از حوادث گذشته تاریخ، برای آینده عبرت گیر، که حوادث روزگار با یکدیگر همانند بوده و پایان دنیا به آغازش می‌پیوندد»  
فرازی از نامه امام علی<sup>(ع)</sup> به حارث همدانی

روزهای آخر شهریور ماه برای مردم خوزستان مثل روزهای اول آن با خاطرات تلخی همراه است. در جنگ جهانی دوم نیروهای متفقین در سوم شهریور ۱۳۲۰ از زمین و هوا و دریا به ایران هجوم آوردند و از اولین نقاطی که به آن وارد شدند استان خوزستان بود. آن روز جنگ بیش از چندساعت طول نکشید، اما در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ یعنی ۳۹ سال پس از آن شهریور شوم، بار دیگر جنگی جهانی و تحمیلی بر میهن ما سایه افکند و این بار خوزستان هشت سال تمام جنگ را تجربه نمود و در این میان بیش از همه دین خویش را به اسلام و انقلاب ادا نمود.

تاریخ از مجموعه حوادثی شکل گرفته که جملگی در بستر مکان ظهور و بروز یافته‌اند، اما نباید فراموش کرد که اعتبار مکان‌ها به انسان‌هایی است که در آن زیسته‌اند و به همین جهت است که پس از سه دهه از آغاز مهم‌ترین واقعه تاریخ انقلاب اسلامی؛ جغرافیای سیاسی، نظامی، طبیعی، اقتصادی و انسانی جنگ را در قالب نوپای جغرافیای حماسی بازگو می‌کنیم. هرچندکه تاریخ‌نویسی جغرافیای حماسی دفاع مقدس به معنای بازآفرینی کل گذشته در متن، شاید هیچ‌گاه میسر نشود.

پژوهش حاضر با عنوان «اطلس جغرافیای حماسی خوزستان در جنگ» شامل چکیده‌ای از جغرافیای رخداد‌های مهم حماسی استان خوزستان در جنگ در قالب نوشتار، عکس و نقشه است که بر مبنای هشت شهرستان درگیر در جنگ این استان، فصل‌بندی و به مدد سامانه موقعیت‌یاب جهانی و تصاویر ماهواره‌ای و توپوگرافی منقش شده است. امید است این اثر که با حمایت مرکز دایرةالمعارف دفاع مقدس و همکاری جمعی از فرماندهان جنگ به ثمر رسیده است، مورد توجه و بهره‌برداری اساتید، دانشجویان، محققان و راویان حماسه دفاع مقدس و عموم علاقه‌مندان قرار گیرد.

## راهنمای نقشه‌ها

مرز کشور 

مرز استان 

مرز شهرستان 

بزرگراه 

جاده آسفalte 

جاده شنی 

راه آهن 

رودخانه و نهر 

کانال 

خاکریز 


دریا و دریاچه 

مناطق مسکونی 

جنگل و نخلستان 

هور 

مسجد و اماکن مذهبی 

یادمان 

ایستگاه راه آهن 

محور عملیات (مرحله اول) 

محور عملیات (مرحله دوم) 

محور اجرا نشده 

# استان خوزستان

عراق

عراق

شادگان

اهواز

آبادان

عبدالجبار  
(الون)

خورالهدیزه

خورالهدیزه





## استان خوزستان

۱۳

استان خوزستان با مساحت ۶۴ هزار و ۳۳۶ کیلومترمربع در جنوب غربی ایران و در جوار خلیج فارس و اروندرود قرار دارد و شهر اهواز مرکز آن است. خوزستان از شمال به استان لرستان، از شمال شرقی به استان چهارمحال و بختیاری، از شمال غربی به استان ایلام، از شرق و جنوب شرقی به استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و بوشهر، از جنوب به خلیج فارس و از غرب به کشور عراق محدود می‌شود.

خوزی‌ها قوم اولیه ساکن این سرزمین و با ایلامیان هم‌تبار بودند. بنابر سنگ نوشته داریوش، در دوران هخامنشی نام استان خوزستان «خوجیا» بوده است. از سوی دیگر «خوز» را به معنی شکر و نیشکر نیز معنا می‌کنند، زیرا خاک حاصلخیز و بارور خوزستان استعداد ویژه‌ای برای رشد این گیاه داشته و بهترین محصول نیشکر را به دست می‌داده است. پس از هخامنشیان در دوران اشکانی، ساسانی و تمام دوران اسلامی، شوشتر مرکز حکومتی خوزستان بوده است تا آنکه در سال ۱۳۰۳ ش و در پی شیوع بیماری وبا در شوشتر، مرکز حکومتی خوزستان به مدت یک سال به دزفول و سپس به اهواز منتقل شد و تاکنون نیز اهواز است.

در سال ۱۲۸۷ ش نخستین چاه نفت ایران در خوزستان و در شهر مسجدسلیمان حفر و

نفت از آن استخراج شد. این چاه که به «چاه شماره يك» مشهور است، نخستین چاه نفت در جهان است که از آن در مقیاس صنعتی، نفت استخراج شده و اولین گام در تأسیس صنعت نفت ایران به شمار می‌رود. اکنون چاه شماره يك، به صورت موزه با مدیریت شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب ایران اداره می‌شود.



◆ عکس تاریخی چاه شماره یک

استان خوزستان غنی‌ترین استان ایران در زمینه منابع نفت و گاز است که در حال حاضر عمده درآمد کشور از راه صدور این دو محصول طبیعی حاصل می‌شود. تا چندی پیش قابلیت کشتیرانی تجاری در رود کارون

تا شهر اهواز وجود داشت اما در حال حاضر کشتیرانی تجاری عملاً ناممکن شده است. آب فراوان رودهای کارون، کرخه، هندیجان، جراحی، مارون، اروند و دز که از جمله پرآب‌ترین رودهای ایران هستند و ساختار جلگه‌ای استان خوزستان، قابلیت بالقوه کشاورزی فراوانی در آن ایجاد کرده است. علاوه بر کشاورزی سنتی و نیمه مکانیزه محصولات سنتی (مثل برنج، گندم، مرکبات و صیفی‌جات)، نیشکر هم به صورت صنعتی در قالب طرح توسعه نیشکر و صنایع جانبی استان خوزستان در ابعاد وسیعی کاشت و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

با اینکه مذهب رسمی مردم این استان شیعه است، پیروان دیگر آیین‌ها نیز در این استان زیسته‌اند. در شهر اهواز و اروندکنار گروه اندکی صابئین (در خوزستان به آنها صَبّی می‌گویند) در کرانه رود کارون ساکنند و بیشتر به کار زرگری مشغولند.

خوزستان تنها استانی است که در طول جنگ دچار بیش‌ترین آسیب و خسارت شد. خوزستان و به ویژه اروندرود یکی از مطامع اصلی رژیم بعث عراق در حمله به ایران اسلامی بود. این استان به علت داشتن ذخایر غنی نفت و موقعیت راهبردی، تاریخ پرماجرایی داشته است و تا قبل از جنگ يك‌بار توسط قوای عثمانی و دوبار توسط قوای انگلیس مورد تعرض قرار گرفته است. قبل از آغاز جنگ مناقشات متعددی بر سر حاکمیت بر اروندرود بین ایران و رژیم بعث وجود داشت که با عقد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر این مناقشات مدتی فروکش کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مخالفین تحركات زیادی برای براندازی جمهوری اسلامی ایران انجام دادند که یکی از آنها راه‌اندازی جریان خلق‌عرب و ایجاد تفرقه بین مردم خوزستان و در نهایت تجزیه خوزستان بود که در این میان، رژیم بعث سهم ویژه‌ای داشت. پس از شکست همه توطئه‌ها و با توجه به سابقه زیاده‌خواهی‌های حزب بعث و صدام، حمله به ایران توسط عراق آغاز شد. صدام قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را مقابل دوربین تلویزیون عراق پاره کرد و بلافاصله



نقاط مهمی از کشور و به ویژه استان خوزستان مورد بمباران و هجوم قرار گرفت.

جنگنده‌های عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (روز آغاز رسمی جنگ) شهرهای اهواز، دزفول، امیدیه، آبادان و... را بمباران کردند. بمباران و بعدها موشک باران شهرها به حدی بود که شهر دزفول به عنوان «بلد الصواخیخ» یعنی شهر موشک‌ها نام گرفت. علاوه بر بمباران هوایی، نیروهای زمینی عراق نیز به خوزستان هجوم آوردند و شهرهای خرمشهر، سوسنگرد، بستان و هویزه را تصرف نموده و تا منطقه دبحردان در نزدیکی اهواز پیشروی کردند. شهر آبادان نیز به محاصره ۲۷۰ درجه درآمد و شهرهای شوش، دزفول و اندیمشک در تیررس دشمن قرار گرفت.

در سال ۱۳۵۹ و اوایل ۱۳۶۰ وضعیت جنگی به نفع رژیم بعث عراق بود تا آن‌که پس از عزل بنی‌صدر و آغاز تحول انقلابی در صحنه جنگ، عملیات‌های پیروزمندانه آغاز شد. با عملیات ثامن‌الائمه<sup>(ع)</sup> و شکست حصر آبادان و سپس عملیات طریق‌القدس و آزادی بستان، جنگ در جبهه خوزستان روند بهتری یافت و در نهایت با انجام دو عملیات فتح‌المبین در شمال خوزستان و بیت‌المقدس در جنوب، تقریباً همه مناطق اشغالی استان آزاد شد. استان خوزستان تا آخرین روزهای جنگ شاهد عملیات‌های بزرگ دیگری همچون والفجر مقدماتی، والفجر ۱، خیبر، بدر، والفجر ۸ و کربلای ۵ بود.

از آغاز تا پایان «جنگ شهرها» بالغ بر ۱۲۷ شهر کشور مورد تهاجم هوایی و موشکی دشمن قرار گرفت. در این میان، آبادان با بیش از ۱۰۱۷ بار، بیش از همه مورد تهاجم واقع شد. این تعداد معادل ۲۱/۳ درصد از کل مجموع حملات به شهرهای کشور است. شهر اهواز، با ۳۱۶ بار حمله و ۶/۶ درصد از کل حملات به شهرها، در درجه دوم قرار گرفته و سپس دزفول با ۲۴۱ تهاجم، ۵/۱ درصد از کل حملات را متحمل شده است. به‌طور کلی استان خوزستان با ۲۰۰۸ مورد بیش از ۴۲ درصد از حملات هوایی دشمن را در طول جنگ متحمل بوده است.



◆ جدول آمار تهاجم‌هوایی عراق به شهرهای استان خوزستان در طول جنگ

تعداد تهاجم	نام شهر
۱۰۱۷	آبادان
۳۱۶	اهواز
۲۴۱	دزفول
۱۲۸	خرمشهر
۵۷	سوسنگرد
۵۲	اندیمشک
۳۳	مسجدسلیمان
۲۹	آغاجاری
۲۵	رامهرمز
۲۲	شوشتر
۱۷	بستان
۱۱	شادگان
۱۱	بندرماهشهر
۱۰	هویزه
۹	حمیویه
۹	بندر امام خمینی <sup>(۵)</sup>
۸	بهبهان
۷	شوش
۵	ایذه
۱	امیدیه
۲۰۰۸	جمع

بیشترین آمار شهدا و مجروحین جنگ شهرها در طول جنگ مربوط به شهر اهواز است که در مجموع ۱۰/۷ درصد از کل شهدا و مجروحین را به خود اختصاص داده است. بعد از آن به ترتیب شهرهای کرمانشاه با ۷/۹ درصد، دزفول با ۷/۹ درصد، آبادان با ۶/۶ درصد، اندیمشک با ۶/۲ درصد، همدان با ۴ درصد و تهران با ۳/۴ درصد به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. به طور کلی ۴۰/۵ درصد از شهدا و مجروحین جنگ شهرها به استان خوزستان تعلق دارد.



◆ جدول آمار شهدا و مجروحین شهرهای استان خوزستان در طول جنگ شهرها

نام شهر	تعداد شهدا	تعداد مجروحین	تعداد کل شهدا و مجروحین	درصد شهدا و مجروحین نسبت به کل کشور
اهواز	۱۱۳۷	۷۱۱۶	۸۲۵۳	٪۱۰/۷
دزفول	۱۱۷۳	۴۱۵۳	۵۳۲۶	٪۶/۹
آبادان	۸۸۲	۴۱۹۱	۵۰۷۳	٪۶/۶
اندیمشک	۷۲۴	۱۷۶۰	۲۴۸۴	٪۶/۲
مسجد سلیمان	۴۳۳	۱۸۰۳	۲۲۳۶	٪۲/۹
بهبهان	۳۷۳	۱۱۶۲	۱۵۳۵	٪۲
سوسنگرد	۲۰۲	۸۱۱	۱۰۱۳	٪۱/۳
شوشتر	۱۳۲	۵۶۸	۷۰۰	٪۰/۹
خرمشهر	۱۴۰	۳۰۳	۴۴۳	٪۰/۶
رامهرمز	۵۶	۲۵۸	۳۱۴	٪۰/۴
هویزه	۲۵	۱۹۰	۲۱۵	٪۰/۲۸
آغاچاری	۳۲	۱۶۰	۱۹۲	٪۰/۲۵
حمیلیه	۴۵	۱۴۱	۱۸۶	٪۰/۲۴
بندرماهشهر	۱۹	۱۳۷	۱۵۶	٪۰/۲
بندرامام خمینی <sup>(ره)</sup>	۲۳	۹۹	۱۲۲	٪۰/۱۶
شادگان	۸	۸۳	۹۱	٪۰/۱۲
بستان	۲۳	۳۸	۶۱	٪۰/۰۸
شوش	۸	۵	۱۳	٪۰/۰۱
جمع	۵۴۳۵	۲۲۹۷۸	۲۸۴۱۳	۴۰/۵ درصد از کل کشور

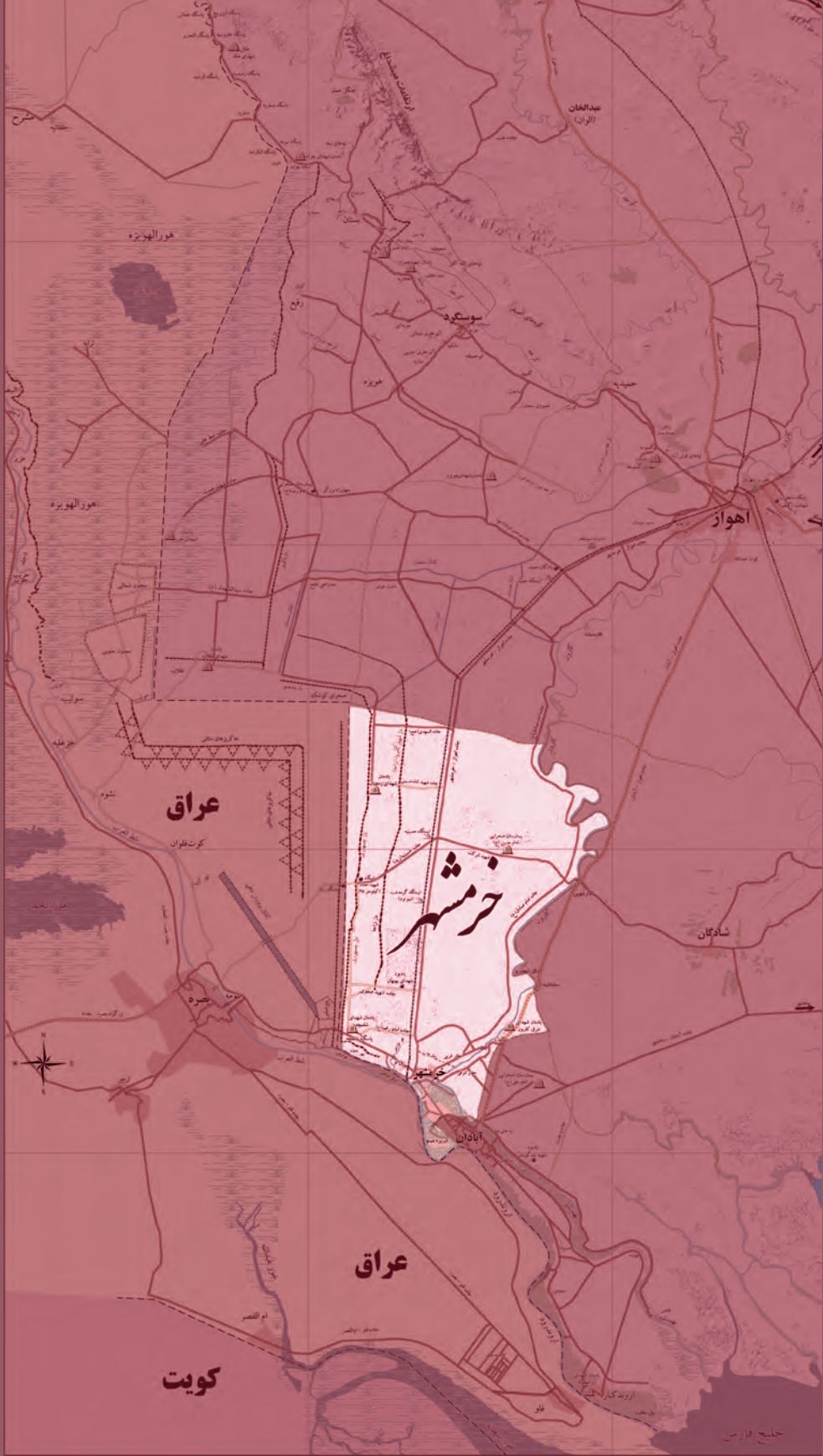


◆ بازدید رهبر معظم انقلاب از سد کرخه

با پایان جنگ، خوزستان به مرور به سازندگی و بازسازی روی آورد، هرچند هنوز مناطق بسیاری از آن آلوده به میادین مین بود و پیکرهای شهدا در این مناطق بر جای مانده بود. با راه اندازی کمیته جستجوی مفقودین، پیکر پاک شهدای بسیاری از دل خاکهای تفتیده خوزستان تفحص شدند که در این راه و در این سرزمین شهدای دیگری نیز تقدیم انقلاب شدند. خوزستان پس از جنگ به مرور پذیرای رزمندگانی شد که به یاد هم‌زمان خویش قدم بر این سرزمین می‌گذاشتند و این‌گونه بود که سایر اقشار مردم نیز به آن‌ها پیوستند و راهیان‌نور استان خوزستان شکل گرفت.

◆ نمایی از سد کرخه





# خرمشهر

عراق

عراق

کویت

اهواز

شادگان

آبادان

عبدالحق  
(الوان)

هورالبزیه

هورالبزیه



خلیج فارس





♦ مسجد جامع خرمشهر

## شهرستان خرمشهر

شهرستان خرمشهر به مرکزیت شهر خرمشهر با مساحت ۴ هزار و ۵۵۲ کیلومتر مربع در جنوب غربی استان خوزستان و در محل پیوستن رود کارون و اروندرود واقع شده است و با شهرستان‌های آبادان از جنوب شرق، شادگان از شرق و اهواز از شمال و همچنین با کشور عراق از غرب هم‌مرز است. مردم خرمشهر از نژاد آریایی و سامی هستند و مذهب آنها شیعه دوازده امامی است و به زبان فارسی و عربی تکلم می‌کنند.

تا پیش از جنگ، شهرستان خرمشهر به دلیل موقعیت جغرافیایی و بازرگانی و ارتباط با دریای آزاد، ثروت عظیمی را در خود جای داده بود و مراکز تجاری و نمایندگی شرکت‌های بزرگ کشتی‌رانی، بدان چهره‌ای بین‌المللی بخشیده بود. اکنون ساکنان این شهرستان به کار در بخش‌های خدمات، کشاورزی (خرما و مرکبات)، باغبانی، حصیربافی و صنایع دیگر مشغول هستند و عمده‌ترین محصول کشاورزی این شهرستان خرما و مرکبات است. کمربندی از درختان نخل به پهنای چهارصد متر شهر خرمشهر را از سایر قسمت‌های استان جدا می‌سازد. دامداری در منطقه رواج داشته و انواع محصولات دامی از قبیل لبنیات، پوست و پشم از فرآورده‌های این بخش است.

آب و هوای این شهرستان به علت نزدیک بودن به عربستان و عراق تحت تاثیر بادهای گرم و خشکی است که از این سو می‌وزند. رطوبت نسبی موجود در این ناحیه به علت نزدیکی



◆ عکس هوایی خرمشهر قبل از اشغال

به اروندرود و خلیج فارس در تمام فصل‌ها بالا است. از خرمشهر به شهرهای اهواز و آبادان راه آسفالت‌ته وجود دارد و انتهای راه آهن سراسری ایران، محور تهران-خرمشهر به طول ۱۰۷۰ کیلومتر، به خرمشهر منتهی می‌شود.

مرکز این شهرستان که در گذشته به نام بندر محمره معروف بود، از دو قرن پیش به دلیل اهمیت فوق‌العاده آن مورد توجه استعمارگران قرار گرفت و تاکنون چهار بار به اشغال قوای خارجی درآمده است. شهرستان خرمشهر در طول جنگ شاهد چندین عملیات بزرگ و محدود بوده است و به جرئت می‌توان گفت هیچ شهری به اندازه خرمشهر درگیر جنگ نبوده است. شهر خرمشهر در ۳۴ روز اول جنگ شاهد مقاومت مردمی بود و بیشترین شهدای دفاع مقدس - برحسب نسبت مساحت - در این منطقه به شهادت رسیده‌اند. عملیات‌های بزرگی چون بیت‌المقدس، رمضان، کربلای ۴، ۵ و ۷ در این منطقه به وقوع پیوستند و محورهایی از عملیات ثامن الائمه<sup>(ع)</sup>، والفجر ۸، کربلای ۸ و بدر در این شهرستان به اجرا درآمد.

◆ عکس هوایی خرمشهر پس از آرادسازی





◆ تصویر ماهواره‌ای از خرمشهر

## خرمشهر

خرمشهر شهری است مرزی در جنوب غربی استان خوزستان که در محل تلاقی رودخانه‌های کارون و اروند واقع شده است و از شمال به اهواز، از شرق به بندر ماهشهر، از جنوب به آبادان و از غرب به مرز ایران و عراق محدود می‌شود. رودخانه کارون با گذر از داخل شهر خرمشهر (به صورت شرق به غرب) در جنوب خرمشهر به اروندرود می‌پیوندد که به این نقطه «سه‌راه تلاقی» گفته می‌شود.

در زمان محمدشاه قاجار در محل کنونی خرمشهر، بندری بنا شد که محمره نام گرفت. محمره که از ادغام دو کلمه عربی ماء(آب) و حمره(سرخ) به وجود آمده به معنای آب سرخ است چرا که قسمت عظیمی از سواحل شهر، در بیشتر روزهای سال به علت جزر و مد دریا و رسوبات رسی به رنگ قرمز می‌گرایید. در سال ۱۳۱۴ش، فرهنگستان ایران با نگاه به موقعیت طبیعی و سرسبزی منطقه، نام خرمشهر را پیشنهاد کرد و در سال ۱۳۱۶ش به دستور رضاخان محمره به خرمشهر تغییر نام داد.

در دو قرن گذشته، این شهر همواره شاهد تهدیدهای بیگانگان و وسیله‌ای برای دستیابی به مطامع آنها بوده است. در سال ۱۲۱۶ش هنگامی که هرات به سبب خودداری حاکم آن از پرداخت مالیات، توسط سپاهیان محمد شاه قاجار محاصره شده بود، نیروهای عثمانی به تحریک انگلستان و به بهانه سرکوب عشایر «بنی لام» که در شرق اروندرود ساکن بودند، خرمشهر





را اشغال کردند که بهای  
آزادی آن، رفع محاصره  
هرات از سوی ایران بود.  
در سال ۱۳۲۶ ش، بر اساس  
معاهده دوم ارزروم،

حاکمیت ایران بر خرمشهر، آبادان و سواحل شرقی اروندرود تثبیت شد که بهای آن چشم  
پوشی ایران از حاکمیت بر سلمانیه بود.

با بازپس‌گیری هرات توسط ناصرالدین شاه در سال ۱۲۳۵ ش نیروهای انگلیسی خرمشهر را  
اشغال کردند و در پی آن بر اساس معاهده ۱۸۵۷ م (۱۳۳۶ ش) پاریس که بین ایران و انگلستان  
منعقد شد، به بهای آزادی خرمشهر، هرات از خاک ایران جدا شد. در جریان جنگ جهانی دوم،  
گرایش رضاخان به آلمان‌ها از یک سو و نگاه متفکین به موقعیت جغرافیایی ویژه ایران برای  
پشتیبانی از جبهه روسیه از سوی دیگر، زمینه‌ساز اشغال خرمشهر در شهریور ۱۳۲۰ ش شد  
که پس از پایان جنگ، بر اساس توافق قدرت‌های بزرگ، اشغالگران خرمشهر را تخلیه کردند.

با آغاز جنگ ایران و عراق خرمشهر به دلیل نزدیکی به مرز، یکی از اولین نقاطی بود که  
مورد حمله ارتش بعثی قرار گرفت. دشمن در نظر داشت خوزستان و خرمشهر را چند روزه  
اشغال کند اما مدافعان شهر به مدت ۳۴ روز در مقابل ارتش عراق مقاومت کردند و همین  
امر خرمشهر را به عنوان نماد و سمبل مقاومت به همگان شناساند. در تاریخ ۴ آبان ۱۳۵۹  
آخرین مدافعان شهر نیز به جهت فشار مضاعف دشمن و کمبود سلاح و تجهیزات مجبور به  
عقب‌نشینی از خرمشهر شدند.

دشمن پس از ناکامی در اشغال خوزستان، تجهیزات و امکانات دفاعی فراوانی را در خرمشهر  
و حومه آن مستقر و اطراف شهر را مین‌گذاری کرد و خرمشهر را به عنوان نماد پیروزی خود  
در جنگ مطرح نمود. اما با همت جوانان ایرانی، خرمشهر پس از ۵۷۸ روز (حدود ۱۹ ماه) اشغال  
توسط ارتش بعثی عراق، در تاریخ ۳ خرداد ۱۳۶۱ با حمله نیروهای سپاه پاسداران، ارتش و  
نیروی مردمی بسیج در عملیات «بیت‌المقدس» آزاد شد.

در روزهای پایانی جنگ و پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، ارتش عراق که هیچ‌گاه  
دست از خوی تجاوزکارانه خود برنداشته بود، با انبوهی از لشکرهای خود در ۱۳۶۷/۴/۳۱ با  
تهاجمی دیگر خود را به جاده اهواز- خرمشهر رساند و ۳۰ کیلومتر این جاده را اشغال کرد.  
در حالی که خرمشهر در خطر محاصره و اشغال دوباره قرار گرفته بود، با پیام هشدار دهنده  
امام خمینی<sup>(ره)</sup> و با حضور سپاه و انبوه نیروهای مردمی در این منطقه، طی سه روز درگیری و  
مقاومت، دشمن دوباره به عقب رانده شد.



◆ شلمچه، میدان امام رضا (ع)

## شلمچه

شلمچه منطقه‌ای در حدفاصل شهرهای خرمشهر و بصره است که بخشی از آن در خاک ایران و بخشی دیگر در خاک عراق قرار دارد. مرزهای سرزمینی شلمچه از شمال به کانال ادب و پاسگاه بویان، از جنوب به اروندرود، از شرق به نهر عریض و از غرب به کانال زوجی محدود می‌شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رژیم بعثی عراق با توجه به نزدیکی بندر خرمشهر به مرز و وجود کنسولگری عراق در این شهر، به حمایت از گروه‌های ضد انقلاب از جمله گروه موسوم به خلق عرب پرداخت. پشتیبانی تجهیزاتی رژیم بعث از این گروه - که در راستای زمینه‌سازی تهاجم گسترده به ایران بود- اقدامات مختلف تروریستی را در پی داشت که مواردی مانند ترور اشخاص، ارسال مهمات، مپ‌گذاری، حمله مسلحانه به مراکز نظامی و اقتصادی و گلوله‌باران پاسگاه‌ها را شامل می‌شد. این وضعیت از اوایل سال ۱۳۵۸ آغاز و در مرداد و شهریور ۱۳۵۸ به اوج خود رسید. در این ماه‌ها، اقدامات مهندسی عراق در ایجاد مواضع، سنگرها و گسترش نیروهای نظامی در منطقه، نمودی آشکار از زمینه‌سازی تجاوز و انتخاب شلمچه به عنوان محور اصلی تهاجم به خوزستان بود.

با هجوم سراسری ارتش عراق در ۱۳۵۹/۶/۳۱ پاسگاه شلمچه به اشغال دشمن درآمد؛ اما اندک نیروهای خودی، پاسگاه را بازپس گرفته و بیست تن از نیروهای دشمن را اسیر کردند. از بامداد ۱۳۵۹/۷/۱ ارتش عراق تلاش نمود تا با شکستن خط تأمین دژ و عبور از شلمچه به سمت

خرمشهر پیش‌روی نماید اما با مقاومت سرسختانه مدافعان، فاصله پاسگاه شلمچه تا پل نو را در مدت چهار روز طی کرد.



◆ پاسگاه شلمچه - قبل از آغاز جنگ



◆ شلمچه، عملیات کربلای ۵ (عکاس سعید صادقی)

با دستیابی دشمن به حاشیه خرمشهر، منطقه شلمچه به اشغال کامل عراق درآمد. اگر چه خرمشهر در ۱۳۶۱/۳/۳ در مرحله سوم عملیات بیت المقدس آزاد شد، اما حاشیه مرزی شلمچه تا آغاز عملیات کربلای ۵ در ۱۳۶۵/۱۰/۱۹ در اشغال نیروهای عراقی باقی ماند.

دشمن به دنبال مشاهده پیشروی‌های رزمندگان، به فکر ایجاد مانعی غیرقابل عبور برای نیروهای اسلام افتاد؛ بنابراین پیرو تدابیر پدافندی خود، در شمال جزیره بوارین توسط کانال پرورش ماهی آب زیادی را در زمینی به وسعت ۷۵ کیلومتر مربع رها ساخت. عمق آب گرفتگی بویان در زمان جنگ با توجه به کنترل آن توسط دشمن، حداکثر به هفتاد سانتی‌متر می‌رسید. عراق با این کار دریاچه مصنوعی کم عمقی را ایجاد کرده بود که پیشروی قایق و غواص را با مشکلات فراوان مواجه می‌نمود.

از دیگر مواضع پدافندی دشمن در این منطقه، کانال زوجی بود؛ کانال دو ردیفه‌ای به طول تقریبی هشت کیلومتر و عرض چهل متر و شامل دوشاخه بیست متری که به فاصله چهار متر از یکدیگر قرار می‌گرفتند. کانال شمالی- جنوبی زوجی از یک طرف به کانال پرورش ماهی و از سمت دیگر به ارونه صغیر متصل بود.

دو ردیف دژ با مواضع نونی شکل در غرب نهر دو عیجی نیز از پیشرفته‌ترین طرح‌های پدافندی بود که توسط کارشناسان غربی، طرح‌ریزی و در اختیار صدام قرار داده شد. ایجاد مواضع نونی در این نقطه باعث شد قوت خطوط پدافندی در این منطقه استحکام بیشتری نسبت به تمام خطوط پدافندی عراق داشته باشد.

در طول جنگ، منطقه شلمچه صحنه عملیات‌های بیت المقدس، رمضان، پشٹیانی والفجر ۸، کربلای ۴، کربلای ۵، کربلای ۸ و بیت المقدس ۷ بود که در این میان، نبرد کربلای ۵ از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.



◆ نهر خین

## نهر خین

خین نهری است در نزدیکی روستای خین در غرب خرمشهر و جنوب نهر عرایض که جزیره بوارین عراق را از شلمچه ایران جدا می‌کند. نهر خین در مجاورت پاسگاه مرزی خین قرار دارد و دو و نیم متر عمق و بین هشت تا سی متر عرض آن متغییر است و در تنومه عراق به شط‌العرب می‌ریزد.

قبل از آغاز جنگ، ارتش عراق برای مسلح نمودن عوامل خود در خرمشهر به طور مرتب در حاشیه این نهر به تخلیه سلاح می‌پرداخت. با آغاز جنگ تیپ ۲۰ لشکر ۵ پیاده-مکانیزه ارتش عراق در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ در کنار نهر خین آرایش تهاجمی به خود گرفت. این در حالی بود که از روزهای قبل پاسگاه خین زیر آتش دشمن قرار داشت و نیروهای ژاندارمری به کمک نیروهای مردمی در این پاسگاه مقاومت می‌کردند. در سومین روز جنگ این پاسگاه تخلیه شد و مدافعین در محدوده پل نو موضع گرفتند.

در جریان آزادسازی خرمشهر، خین یکی از محورهای قرارگاه نصر به فرماندهی شهید همت برای ورود به شهر بود و در عملیات والفجر ۸ نیز تلاش پشتیبانی قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) در محدوده آن صورت گرفت. در عملیات کربلای ۴ این منطقه شاهد سنگین‌ترین درگیری خود در طول تاریخ بوده است به طوری که شهدای بسیاری در آن به شهادت رسیدند. نهر خین با انواع موانع از جمله نبشی‌های ضربدری و سیم‌خاردهای حلقوی و انواع میادین مین و موانع خورشیدی، مانع بسیار جدی برای عبور رزمندگان در عملیات‌های کربلای ۴ و ۵ محسوب می‌شد. عبور از منطقه باتلاقی و لجن‌زار و نفوذ به دژ جنوبی نهر خین با ارتفاع دو و نیم متر و عرض شش متر که در وسط آن کانالی بتنی با مهندسی پیچیده ساخته شده بود و اطراف آن سنگ‌های نگهبانی و کمین ضد گلوله تعبیه شده بود که گلوله آر.پی.جی هم قدرت تخریب آن را نداشت و انواع جنگ افزارها از قبیل توپ ۱۰۶، آر.پی.جی ۱۱۰ و چهار لول ضد هوایی از آن محافظت می‌کردند، عملاً کاری غیر ممکن بود. با این حال رزمندگان در عملیات کربلای ۴ در نبردی شجاعانه خسارات و تلفات فراوانی به دشمن وارد کردند و حتی عده‌ای از رزمندگان از نهر خین گذشتند. اما در نهایت به دلیل لورفتن عملیات و حجم بسیار سنگین آتش دشمن، فرماندهان دستور توقف عملیات را صادر نمودند. با اطلاعات و تجارب به‌دست آمده در این عملیات، این منطقه در عملیات کربلای ۵ آزاد شد.



حاشیه نهر عریض،  
عملیات بیت المقدس

## پل نو

نهر عریض شاخه‌ای از رود اروند است که برای آبیاری منطقه غرب خرمشهر احداث شده است. در گذشته بر روی این نهر پلی چوبی بود که پس از ترمیم پل نو نام گرفت. این پل با ۵۸ متر طول و هفت متر عرض، از طریق جاده شلمچه، منطقه شلمچه را به خرمشهر متصل می‌کند.

با شروع جنگ، پل نو معبر اصلی هجوم نیروهای بعثی به خرمشهر شد، به نحوی که گردان تانک الحسن و گردان نهم تیپ ۳۳ نیروی مخصوص ارتش عراق پس از عبور از شلمچه در ۲ مهرماه ۱۳۵۹ به نزدیکی پل نو رسیدند. صبح روز ۳ مهر نیروهای خودی با نیروهای دشمن درگیر شدند. اما با پیش‌روی قوای زرهی عراق از شمال نهر عریض، اندک مدافعان پل نو تا پاسگاه مرزی دوربند عقب آمده و سپس با بضاعت کم، تانک‌های مهاجم را عقب راندند. در روزهای بعد نیز درگیری و جنگ و گریز ادامه داشت و گاهی دشمن با عبور از پل نو به طرف خرمشهر پیش می‌آمد، لیکن مدافعان آنها را تا غرب این پل عقب می‌راندند. در نهایت برای ممانعت از ورود نیروهای دشمن به شهر، رزمندگان سپاه آغاچاری به کمک نیروهای مهندسی ارتش، بخشی از پل را منهدم کردند. واحدهای زرهی دشمن که برای تصرف خرمشهر چاره‌ای جز عبور از نهر عریض نداشتند، با احداث پل نظامی توسط مهندسی سپاه سوم ارتش عراق توانستند در روز ۱۰ مهرماه نیروهای خود را عبور داده و تا چهارراه کشتارگاه پیش‌روی کنند.

در جریان عملیات بیت‌المقدس در تاریخ ۱۳۶۱/۳/۱، در حالی که تیپ ۳۳ احتیاط نیروی مخصوص ارتش عراق در غرب پل نو مستقر شده بود و ده‌ها عراده توپ در شمال آن در اختیار داشت، رزمندگان توانستند ضمن آزاد نمودن کل منطقه، چهار پل نظامی احداث شده بر روی نهر عریض را تصرف کرده و راه فرار نیروهای دشمن را در خرمشهر مسدود کنند. پس از آزادی خرمشهر، دشمن برای ممانعت از دستیابی رزمندگان به شلمچه در آن سوی نهر عریض موانع متعددی احداث نمود، با این وجود در عملیات کربلای ۴ و ۵ رزمندگان در آن سوی نهر وارد عمل شدند.



♦ مدافعان خرمشهر در منطقه صد دستگاه

## صد دستگاه

صد دستگاه منطقه‌ای مسکونی در غرب خرمشهر و در حدفاصل جاده شلمچه و گمرگ خرمشهر است که خانه‌های سازمانی کارکنان بندر در آن قرار دارد. با عبور نیروهای دشمن از نهر و سیل‌بند عریض در ۴ مهرماه ۱۳۵۹ دشمن به سمت

منطقه صد دستگاه شروع به پیشروی نمود که با مقاومت مدافعان به خصوص نیروهای مردمی گروه محمدرضا دشتی‌زاده متوقف شدند. در روز ۱۰ مهرماه نیروهای دشمن که از کشتارگاه تا صد دستگاه مستقر شده بودند آماده ورود به شهر شدند اما مقاومت تکاوران نیروی دریایی و گروه اعزامی فدائیان اسلام و نیروهای دانشکده افسری به فرماندهی سروان پازوکی تا ۲۱ مهرماه مانع سقوط این محور می‌شود. نیروهای سپاه آغاچاری به فرماندهی عبدالعظیم نساج نیز در صد دستگاه و پل نو مقاومت سختی از خود به نمایش گذاشتند.



♦ درگیری در کشتارگاه، جنب سازمان برق (عکاس سعید صادقی)

## میدان کشتارگاه

میدان کشتارگاه در غرب خرمشهر محل اتصال و الحاق دو فلش هجوم دشمن به خرمشهر بود. نیروهایی که از پلیس‌راه و پل نو هجوم می‌آوردند، می‌بایست در این منطقه با یکدیگر هماهنگ می‌شدند و سپس به سوی شهر پیشروی می‌کردند. قوای دشمن چندین بار به این میدان دست یافتند اما هر بار عقب رانده شدند.

در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۹ نیروهای عراقی از سمت پل نو، بعد از اجرای آتش سنگین روی مناطق مسکونی تا کشتارگاه پیشروی کردند و به گمان آنکه مانعی بر سر راه نیست، به حرکت خود شتاب دادند، اما پنج رزمنده شهادت طلب به تانک‌ها هجوم بردند و دشمن را به عقب راندند. فردای آن روز کشتارگاه از دو سوی پل نو و پلیس‌راه به طور گزانبه‌گذاخته مورد هجوم واقع شد ولی تانک جلودار دشمن هدف قرار گرفت و هراسان عقب نشست. بدین ترتیب نبرد روزانه در کشتارگاه با فراز و نشیب ادامه داشت تا آنکه بعد از ۱۲ روز مقاومت، میدان کشتارگاه در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۱ سقوط کرد.



## جاده اهواز - خرمشهر

جاده اهواز-خرمشهر مهم‌ترین جاده حمل و نقلی کشور قبل از جنگ و اصلی‌ترین جاده ارتباطی خرمشهر با اهواز مرکز استان خوزستان بود. این جاده و خاکریز شرق آن، که بر دشت‌های وسیع غرب رودخانه کارون مسلط است برای ارتش عراق بسیار با اهمیت بود.

در پنج روز اول جنگ، از کیلومتر ۶۰ این جاده تا پلیس راه خرمشهر به اشغال دشمن درآمد و در طول اشغال، انواع خاکریز، موانع، استحکامات و مواضع تانک و نفربر برای ممانعت از تسلط رزمندگان بر جابه‌جایی ادوات دشمن و هرگونه امکان نفوذ در آن، در شرق این جاده احداث شد که بعدها در میان فرماندهان به دژ بارلویی نیز معروف شد. دشمن در طول جاده نیز برای هدایت آب از غرب جاده به سمت شرق، با قطع جاده سه بریدگی ۲۰متری ایجاد کرده بود.

این جاده که مهم‌ترین بخش از مرحله اول و دوم عملیات بیت‌المقدس بود، در ۱۳۶۱/۲/۱۰ با رشادت رزمندگان قرارگاه فتح و نصر آزاد شد. پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در ۱۳۶۷/۴/۳۱ دشمن با هجومی گسترده به اهواز و خرمشهر پیش‌روی نمود و دوباره بر این جاده مسلط شد که در نهایت در عملیاتی موسوم به عملیات سرنوشت با نبردی سنگین و دشوار طی سه روز به عقب رانده شد.



◆ حاشیه جاده اهواز - خرمشهر، رزمندگان در انتظار آغاز مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس (عکاس سعید صادقی)



♦ استراحت رزمندگان در پلیس راه پس از آزادی خرمشهر

## پلیس راه

پلیس راه خرمشهر در ابتدای جاده خرمشهر- اهواز و پس از کمربندی قرار دارد و دروازه ورود به خرمشهر از سمت شمال محسوب می شود.

ارتش عراق پس از آنکه در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲ جاده خرمشهر- اهواز را مسدود کرد، با یک فلش غربی- شرقی به سوی کارون و با یک فلش شمالی- جنوبی به سوی خرمشهر حرکت کرد ولی تا ۱۳۵۹/۷/۲۱ نتوانست موقعیت خود را در پلیس راه تثبیت کند. در این مدت در انبارهای عمومی، ساختمان‌های پیش ساخته، پلیس راه و دیزل آباد نبردهای سنگینی روی داد. حتی در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۰ دشمن همه موانع را پشت سر گذاشت و تا میدان کشتارگاه پیش روی کرد، اما نتوانست موقعیت خود را تثبیت کند. تا آنکه توان مدافعان تحلیل رفت و دشمن در ۱۳۵۹/۷/۱۶ در منطقه خانه‌های پیش ساخته با مقاومت کمی روبه رو شد، طوری که دشمن ظرف پنج روز خط خود را تا پلیس راه جلو کشید و موقعیت خود را تثبیت نمود.

نوزده ماه پس از اشغال این منطقه، هنگامی که رزمندگان در ادامه مرحله دوم عملیات بیت المقدس کوشیدند با استفاده از جاده اهواز- خرمشهر از پلیس راه عبور کنند و وارد شهر شوند، دشمن مقاومت سختی از خود بروز داد و عملیات در این منطقه به نتیجه نرسید، تا آن که با اجرای مرحله پایانی عملیات بیت المقدس، دشمن از محور پل نو نیز تهدید شد و از دو سو به محاصره درآمد و تسلیم شد.





## پادگان دژ

پادگان دژ در شمال خرمشهر و شرق جاده اهواز- خرمشهر واقع شده است. این پادگان با استعداد یک گردان مستقل (گردان ۱۰۱)، وظیفه حراست از دژهای مرزی را بر عهده داشت و در طرح‌های نظامی قبل از انقلاب پیش‌بینی شده بود که در صورت حمله عراق به خوزستان، دژهای مرزی با انجام عملیات تأخیری فرصت لازم را برای حضور لشکرهای نیروی زمینی ارتش فراهم آورند. به همین منظور در پادگان دژ که فرماندهی دژهای مرزی را نیز بر عهده داشت، سلاح و مهمات کافی برای یک مقاومت ۴۸ ساعته ذخیره شده بود؛ اما پس از هجوم ارتش عراق از این تجهیزات استفاده بهینه نشد و در حالی که مدافعان خرمشهر در مضیقه شدید بودند، سلاح و مهمات لازم در اختیار آنان قرار نگرفت تا آنکه پادگان دژ در ۲۳ مهرماه ۱۳۵۹ سقوط کرد و سلاح‌های باقی مانده در پادگان غارت شد.



نیروهای دشمن که در کیلومتر ۷ جاده اهواز-خرمشهر قرار داشتند، در روز ۲ مهرماه بر روی پادگان آتش گشودند که این امر موجب تخلیه سربازان پادگان شد. اما با حضور به موقع مدافعین و تجدید روحیه سربازان و بهره‌گیری از محدود تفنگ‌های ۱۰۶ موجود در پادگان، مقاومت در پادگان همچنان ادامه یافت. در روز ۷ و ۸ مهرماه پادگان زیر آتش شدید توپخانه ارتش عراق قرار گرفت.

در روزهای پایانی مرحله سوم هجوم دشمن، تعدادی از کماندوهای عراقی به امید آزادی اسرای خود که گمان می‌کردند در پادگان نگهداری می‌شوند، شبانه به این پادگان شیخون زدند و یکی از افسران آن را با چاقو به شهادت رساندند. در پی این حادثه گروهی از نیروهای ژاندارمری در پادگان مستقر شدند. دشمن سرانجام با آغاز مرحله چهارم هجوم خود در ۲۳ مهر، با تانک‌های تیپ ۲۶ زرهی و نیروهای پیاده خود پادگان دژ را محاصره کرد و حدود بیست نفر از مدافعان آن، از جمله یک افسر را به اسارت درآورد و تفنگ‌های ۱۰۶ و سایر تجهیزات موجود را غارت کرد. این پادگان تا آزادسازی خرمشهر همچنان در اشغال دشمن قرار داشت.



## کوی طالقانی

کوی طالقانی که در منطقه شمالی خرمشهر و بین دو خیابان کمربندی (شهدای گمنام) و چهل‌متری (آیت‌الله‌خامنه‌ای) قرار دارد از نقاط مستضعف‌نشین و پرجمعیت خرمشهر بود. کوی طالقانی از آغاز هجوم ارتش عراق زیر آتش انبوه خمپاره و توپ قرار گرفت و به همین دلیل ساکنان آن به بیابان‌های اطراف کوی پناه بردند.

در شامگاه ۱۳۵۹/۷/۲۰ اولین ستون گردان هشتم نیروی مخصوص عراق وارد کوی طالقانی شد و با استقرار سریع در ساختمان‌های مرتفع ردیف‌های اول، علاوه بر تسهیل در هجوم ستون‌های زرهی و مکانیزه خود به پادگان دژ و جاده کمربندی و تأمین جناح آنها، زمینه ادامه پیشروی نیروهای ویژه را در کوی طالقانی و دسترسی به مرکز شهر فراهم کرد. با ورود شبانه دشمن به این منطقه، برای اولین بار جنگ شهری و خانه‌به‌خانه با تکاوران بعثی و تک‌تیراندازهای آنها در خرمشهر آغاز شد و مهدی آلبوغبیش نماینده انجمن اسلامی و نماینده مردم در شورای شهر خرمشهر به همراه تعدادی از مدافعین در این منطقه به شهادت رسیدند. درگیری گروه پانزده نفره شهید محمدرضا دشتی‌زاده در این منطقه تا ۱۳۵۹/۷/۲۴ ادامه داشت تا این‌که در این روز نیروهای عراقی از این منطقه عبور کردند و وارد خیابان چهل‌متری شدند.

## خیابان چهل‌متری و فلکه فرمانداری

خیابان چهل‌متری (آیت‌الله خامنه‌ای) خیابان اصلی و مرکزی خرمشهر است و از جاده شلمچه تا پل خرمشهر امتداد می‌یابد و تسلط بر آن به معنای تسلط بر خرمشهر است. در طول ۳۵ روز جنگ و مقاومت خونین در خرمشهر همهٔ نقاط و محله‌های این خیابان زیر آتش دشمن قرار داشت. دستیابی دشمن به کوی طالقانی پس از سقوط میدان کشتارگاه و بخشی از جاده کمربندی، نبرد در این محله را بسیار پیچیده کرد.

از تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۴ به بعد تا آستانه سقوط خرمشهر خونین‌ترین درگیری‌ها در این محدوده رخ داد، طوری که خرمشهر، خونین‌شهر نام گرفت.



♦ بنای یادبود مقاومت مردمی در ابتدای خیابان آیت‌الله خامنه‌ای (عکس از سید مهدی موسوی)



♦ شهید بهروز مرادی در حال تفحص شهدای خرمشهر، جنب پارک کودک. روبروی فرمانداری

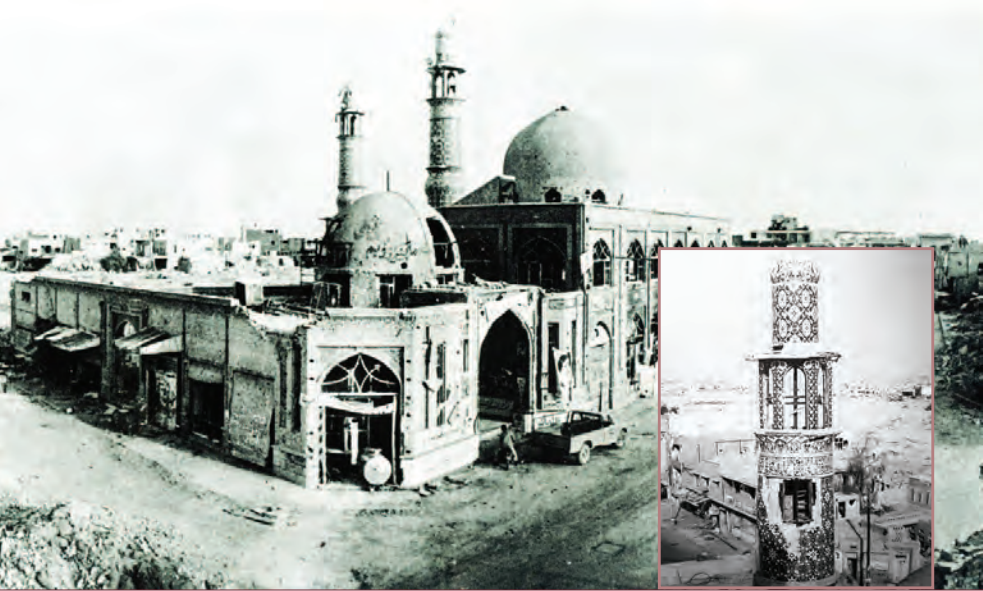
در این مدت مدافعان در خیابان چهل‌متری حماسه آفریدند و در مقابله سرسختانه خود یگان‌های نیروی مخصوص دشمن را تا کوی طالقانی عقب راندند. در ۱۳۵۹/۷/۲۷، شهر تا آستانه سقوط رفت و مهاجمان به فلکه فرمانداری (معلم) رسیدند، اما رزمندگان فرمانداری را پس گرفتند. تا آنکه در ۱۳۵۹/۷/۲۹ و ۱۳۵۹/۸/۲ سه بار دیگر مقابله با دشمن باقی نماند و دستور تخلیه شهر صادر شد. به عبارت دیگر فلکه فرمانداری آخرین نقطه مقاومت شهر پیش از اشغال محسوب می‌شود.

اطلس

۳۴



♦ سنگر بندی دشمن در فرمانداری خرمشهر



## مسجد جامع خرمشهر

مسجد جامع خرمشهر در بخش مرکزی شهر و بین خیابان آیت الله خامنه‌ای (چهل متری) و رود کارون و نبش خیابان انقلاب قرار دارد. این مسجد که در سال ۱۲۵۰ ش ساخته شده و به نام «مسجد لب شاخه» معروف شده بود در سال ۱۳۴۳ تجدید بنا شد و به مرور به کانون مبارزه با رژیم ستمشاهی تبدیل شد. با پیروزی انقلاب این مسجد کانون مبارزه با ضد انقلاب شد به طوری که در ۲۴ تیرماه ۱۳۵۸ با پرتاب نارنجک توسط ضد انقلاب، هفت نفر از مردم در صحن مسجد به شهادت رسیدند.

با آغاز جنگ این مسجد به دلیل موقعیت مکانی و نقش محوری اش در مبارزات قبل از انقلاب به کانون مقاومت ۳۵ روزه مردمی خرمشهر تبدیل شد و به عنوان مرکز پشتیبانی و سازماندهی نیروهای مردمی به محلی برای تبادل اخبار، تجهیز، آموزش، جمع‌آوری کمک‌ها، مداوای اورژانسی مجروحین و نگهداری موقت پیکرهای شهدا تبدیل شد. با حضور مستمر شهید محمد جهان‌آرا فرمانده سپاه خرمشهر و تعدادی از افسران ارتش و نیز استقرار بی‌سیم مادر در مسجد، این مکان عملاً به مقر تاکتیکی دفاع از خرمشهر تبدیل شد. دشمن در ۱۳۵۹/۷/۲۸ مصادف با عید قربان با هدایت عناصر ستون پنجم برای اولین بار مسجد جامع را هدف گلوله باران خود قرار داد که در نتیجه آن بخش‌هایی از گنبد و صحن مسجد تخریب و جمعی از مدافعین به شهادت رسیدند. صبح روز ۳ آبان ۱۳۵۹ درگیری با دشمن در سی متری مسجد تشدید و در نهایت توسط دشمن اشغال شد و با فرار سیدن شب، دستور عقب‌نشینی و ترک شهر به همه مدافعان ابلاغ شد. مسجد جامع خرمشهر یکی از معدود بناهایی بود که پس از آزادسازی خرمشهر همچنان پابرجا مانده بود. رزمندگان با آزادی شهر بلافاصله خود را به مسجد جامع رساندند و نماز شکر به جای آوردند.

♦ جمع‌آوری کمک‌های مردمی در مسجد





## گلزار شهدای خرمشهر

گلزار شهدای خرمشهر که قبل از جنگ جنت‌آباد نام داشت، روبه‌روی پادگان دژ در بخش شمالی شهر و ضلع جنوبی خیابان کمربندی قرار دارد. این گلزار یادآور شهدای گمنام و مظلوم خرمشهر است که عده‌ای از آنها بدون مراسم و حتی بدون کفن دفن شدند. تنها در دوران مقاومت خرمشهر ۴۱۹ نفر در این مکان به خاک سپرده شدند که ۲۴۷ نفر از آنها خرمشهری بودند و ۱۶۲ نفر دیگر از ۵۱ نقطه کشور می‌باشند که بیش‌ترین آنها به ترتیب از شهرهای تهران، آبادان، شیراز و اهواز می‌باشند.

عباس فرحان اسدی و موسی بختور از اعضای سپاه خرمشهر جزء اولین شهدای جنگ تحمیلی هستند که در روز ۲۱ خرداد ماه سال ۱۳۵۹ در این مکان به خاک سپرده شدند. این گلزار در دوران مقاومت شاهد زنانی بوده است که با دست‌ان خویشتن پدران و فرزندان و برادران خویش را به خاک سپرده‌اند. این گلزار به دلیل نزدیکی با پادگان دژ همواره زیر آتش دشمن قرار داشت و در برخی موارد در اثر انفجار، پیکرهای شهدا به اطراف پراکنده می‌شد.





◆ اسکله بندر خرمشهر - قبل از جنگ

## بندر خرمشهر

بندر خرمشهر که در جنوب غربی این شهر قرار دارد، به دلیل موقعیت ممتاز جغرافیایی و ارتباط با آب‌های آزاد و وجود شرکت‌های بزرگ تجاری و کشتیرانی داخلی و خارجی، از گذشته به خرمشهر چهره‌ای جهانی داده است.

در سال ۱۳۱۸ ش از اولین اسکله تجاری بزرگ در خرمشهر برای پهلو گرفتن یک کشتی اقیانوس‌پیما بهره‌برداری شد. در جریان جنگ جهانی دوم نیز شش اسکله دیگر در آن ساخته شد. پس از این جنگ، اسکله بتنی دیگری به طول ۳۶۰ متر و عرض ۳۲/۵ متر احداث شد.

احداث ساختمان بندر در سال ۱۳۳۴ آغاز شد و با طرح‌های توسعه این بندر طول اسکله به ۱۳۵۰ متر و تعداد ایستگاه‌های پهلوگیری به ۹ اسکله افزایش یافت.

در اسفند ۱۳۵۲ ش، مرکز فرماندهی ناوگان خلیج فارس و دریای عمان نیروی دریایی ارتش که در خرمشهر مستقر بود، به بندر عباس انتقال یافت.

با آغاز جنگ، بندر خرمشهر که با دوازده انبار، بزرگترین بندر تجاری کشور محسوب می‌شد مملو از کالاهای صنعتی، خودرو، لوازم خانگی و مواد اولیه کارخانه‌ها بود. بر همین اساس شورای تأمین خرمشهر تصمیم گرفت با اولویت‌بندی کالاها بر اساس میزان اشتعال‌پذیری اقدام به تخلیه انبارهای گمرک کند. اما به دلیل تعلل و غافل‌گیری مسئولین و صاحبان کالا، تخلیه گمرک با کندی صورت گرفت و در نتیجه بسیاری از کالاها دچار آتش‌سوزی شدند و یا توسط ارتش عراق به غارت رفتند.



◆ گمرک خرمشهر در هنگام تهاجم دشمن  
(عکس از مرحوم رسول ملاقلی پور)

ترمینال نظامی بندر خرمشهر از روز ۲۸ شهریورماه ۱۳۵۹ هدف گلوله‌های آرپی‌جی دشمن قرار گرفت و با آغاز هجوم سراسری، دشمن در ۸ مهر از محور بندر وارد عمل شد، ولی بلافاصله پس از حضور مدافعین در محدوده درِ فیلیه (از درهای سه‌گانه گمرک) دشمن پیش‌روی خود را متوقف کرد. در ۹ مهرماه دشمن از در سنتاب (از درهای سه‌گانه گمرک)، قصد ورود و اشغال گمرک را داشت که مدافعان بندر ساعت‌ها در برابر هجوم تانک‌ها و زره پوش‌ها و انبوه آتش دشمن مقاومت کردند.

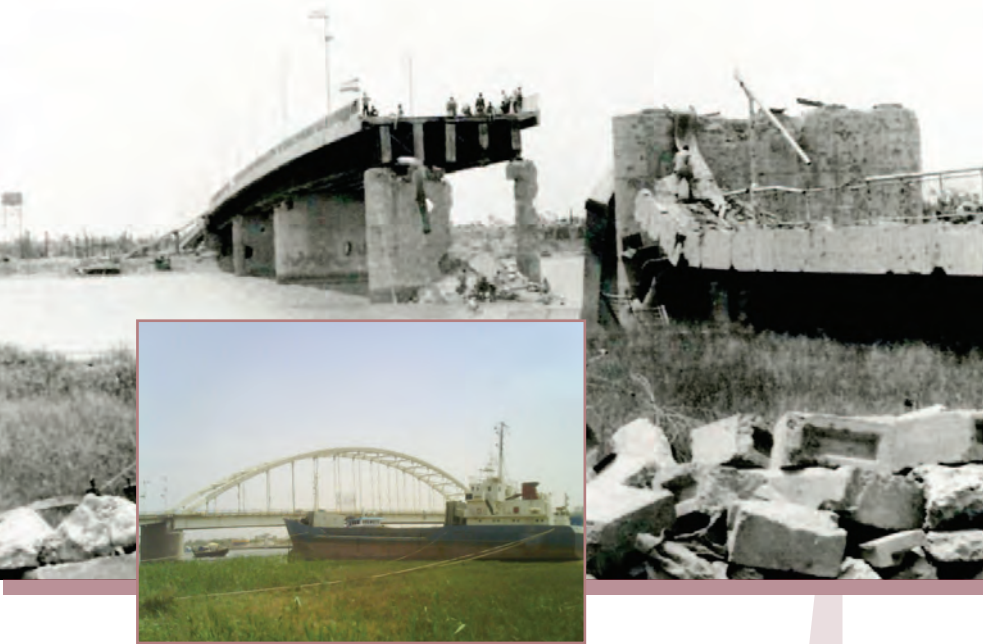
از صبح ۱۰ مهر عراقی‌ها دوباره از این محور حمله کردند و خود را به پشت دیوار گمرک رساندند. روز ۱۳ مهر دشمن با تحمل تلفات، بخشی از محوطه بندر را تصرف کرد. روز بعد مدافعان به عراقی‌ها یورش بردند و آنها را کمی به عقب راندند. حدفاصل روزهای ۱۵ تا ۱۷ مهر ماه دوباره دشمن وارد عمل شد و در یک درگیری سنگین و تحمل ده‌ها کشته و زخمی، نیمی از بندر و مسجد آن را که پایگاه مدافعان بود، اشغال کرد.



با تهاجم گسترده دشمن در ۲۳ مهرماه محوطه بندر به طور کامل اشغال شد اما مقاومت در گمرک در برابر گردان‌های نیروی مخصوص و تیپ ۲۶ زرهی لشکر ۵ ارتش عراق تا ۱۳۵۹/۷/۲۷ و در حالی که بیش از دو سوم شهر سقوط کرده بود ادامه یافت.

◆ اسرای عراقی در کنار دیوار  
گمرک - روز آزادی خرمشهر





## پل خرمشهر

پل خرمشهر در جنوب شرقی این شهر و بر روی رود کارون قرار دارد. ساخت این پل که ۱۱۶ متر طول و ۸ متر عرض دارد، از سال ۱۳۳۸ آغاز شد و در سال ۱۳۴۹ به بهره‌برداری رسید و بدین وسیله بخش شمالی شهر به بخش جنوبی آن پیوند خورد.

ارتش عراق هنگام هجوم به خرمشهر کوشید با دستیابی سریع به این پل، راه تدارکاتی مدافعان را بسته و آنها را در محاصره کامل قرار دهد تا بتواند خرمشهر را سریع‌تر اشغال کند. دشمن از بامداد ۲ آبان ۱۳۵۹ پس از اشغال ساختمان فرمانداری، در بخش شمالی پل مستقر شد و نیروهای مدافع را که در حد فاصل شمال غربی پل تا مسجد جامع حضور داشتند، به محاصره درآورد. اما رزمندگان با تلاش بسیار موفق شدند نیروهای دشمن را عقب برانند.

صبح روز سوم آبان قوای دشمن دوباره هجوم آوردند و پس از اشغال ساختمان فرمانداری، بر پل خرمشهر مسلط شدند و با استقرار در ساختمان‌های مجاور، هر گونه تردد در اطراف پل را زیر آتش گرفتند. به این ترتیب با دستیابی دشمن به پل خرمشهر، این شهر عملاً در آستانه سقوط قرار گرفت و تعدادی از نیروهای باقیمانده در آن سوی پل (در منطقه تحت اشغال دشمن) از طریق لوله‌های بزرگ زیر پل، خود را به ساحل جنوبی کارون رساندند. در نهایت با تخریب بخشی از پل توسط دشمن تردد زمینی به این سوی کارون غیر ممکن شد.

با پایان اشغال خرمشهر و آغاز ساخت پل جدید، به جهت استقامت فراوان مدافعان شهر در محدوده این پل، نام آن به «پل استقامت» تغییر یافت. اکنون پل دیگری نیز با نام «شهید جهان‌آرا» آبادان را به خرمشهر متصل نموده است.

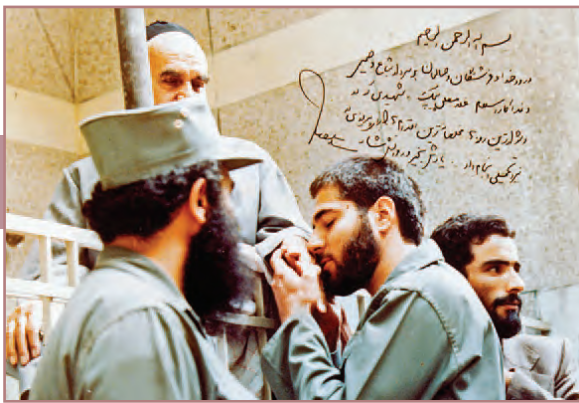




## مرکز فرهنگی دفاع مقدس (موزه جنگ)

مرکز فرهنگی دفاع مقدس (موزه جنگ) خرمشهر، ساختمان سابق شرکت نفت خرمشهر است که در خیابان امام خمینی<sup>(ره)</sup> (لب شط سابق) و در کنار پل شهید جهان آرا (پل فلزی) قرار دارد. این ساختمان در اواخر مهر ۱۳۵۹ به اشغال درآمد و دشمن از آن برای دیده بانی آن سوی کارون استفاده می کرد پس از جنگ این مکان به محلی برای برپایی موزه جنگ خرمشهر تبدیل شد. در این موزه آثار دوره مقاومت و دوره آزادسازی در قالب فیلم، عکس، ماکت، تندیس و... در معرض نمایش گذاشته شده است. یکی از موارد دیدنی این موزه، دیوارنویسی های اشغالگران عراقی است که در مدت استقرار در ساختمان شرکت نفت از خود به جا گذاشته اند. اکنون در این مرکز سه شهید گمنام دفاع مقدس به خاک سپرده شده است.





تصویر شهید غلامعلی بیجک به همراه دست نوشته رهبر معظم انقلاب در خصوص ایشان

## منطقه عملیاتی

### «فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا»

پس از عملیات تپه‌های مدن در جنوب منطقه اشغالی شرق کارون، عملیاتی با نام «فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا» در شمال این منطقه در دستور کار قرار گرفت. این نام برای عملیات از آن جهت انتخاب شد که عملیات، روز پس از عزل بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا انجام شد و در آن موقعیت بحرانی تأکیدی بود بر پیوند نظامیان با امام خمینی (ره).

در طراحی این عملیات پیش‌بینی شده بود که به منظور کوتاه کردن فاصله خط خودی (خط شیر) از خط دشمن، کانالی حفر شود. بر همین اساس طی سه ماه کانالی به طول ۱۷۵۰ متر، عرض ۰/۵ و عمق ۱/۴ متر از سطح زمین تا ۲۵۰ متری خط دفاعی دشمن حفر شد. با تلاش فرماندهانی چون شهید حسین خرازی، سیدعلی بنی‌لوحی، علی زاهدی و برخی از مسؤولین محورهای عملیاتی از جمله شهید محمود پهلوان‌نژاد، شهید منصور موحدی و شهید رضا رضایی طرح عملیات تصویب شد. در این عملیات حدود ۳۰۰ تن از رزمندگان سپاه و بسیج شرکت داشتند که یک آتش‌بار توپخانه از ارتش آنان را پشتیبانی می‌کرد. عملیات در ساعت ۴:۴۰ بامداد ۱۳۶۰/۳/۲۱ پس از اجرای ۱۰ دقیقه آتش توپخانه آغاز شد و نیروها از دو محور دشمن را غافلگیر کردند و تا ساعت ۷ صبح موفق شدند شش کیلومتر پیش‌روی کنند.

واکنش دشمن نسبت به این عملیات بسیار شدید بود و یک هفته کوشید منطقه آزاد شده را بازپس گیرد. نیروهای خودی نیز در همان روز اول برای تثبیت موفقیت به دست آمده بخشی از منطقه آزاد شده را تخلیه کرده و با اتکاء به خاکریزی که در شب اول عملیات احداث شده بود، موقعیت خود را تثبیت نموده و پاتک‌های دشمن را خنثی نمودند.

در این عملیات با آزادسازی حدود چهار کیلومتر مربع از منطقه اشغالی جنوب سلمانیه، خط مقدم به پل مارد نزدیکتر شد که به همین دلیل دشمن این پل را برچید و به پل قصبه و سپس پل حفار متکی شد. این عملیات هم از نظر روحی و فکری و هم از نظر نظامی و تاکتیکی (اجرای عملیات در شب) اهمیت بسزایی داشت و با شکستن رکود چند ماهه، عملاً مقدمه شکست محاصره آبادان را فراهم کرد.

عملیات فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا





♦ تانک‌های دشمن در حال عبور از پل مارد

## مارد

روستای مارد از توابع شهرستان خرمشهر در ۱۸ کیلومتری شمال آبادان و در کناره غربی جاده آبادان- اهواز واقع است.

در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۹ دشمن در شمال این روستا با نصب پل نظامی بر روی کارون- که به پل مارد معروف شد - از آن عبور کرد. تعدادی از نیروهای خودی برای جلوگیری از پیشروی دشمن به روستای مارد اعزام شدند، اما با وجود دشت صاف و بی عارضه منطقه و نبود تجهیزات مناسب، امکان جلوگیری از پیشروی دشمن میسر نشد و دشمن منطقه اشغالی را گسترش داد و روستای مارد را نیز تصرف کرد.

در پی انجام عملیات «فرمانده کل قوا، خمینی روح‌خدا» در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۲۱ در شمال مارد و نزدیک شدن خط پدافندی خودی به پل مارد، ارتش عراق این پل را برچید و به دو پل قصبه و حفار که در جنوب مارد احداث کرده بود، متکی شد. روستای مارد تا عملیات ثامن‌الائمه<sup>(ع)</sup> همچنان در اشغال عراق باقی ماند.



◆ سجده شکر رزمندگان پس از فتح خرمشهر - حاشیه کارون

## منطقه عملیاتی بیت المقدس

منطقه عملیاتی بیت المقدس از شمال به رودخانه کرخه‌نور، از جنوب به رودخانه اروند، از شرق به رودخانه کارون و از غرب به هورالهویزه منتهی می‌شود و در واقع در میان چهار مانع طبیعی محصور است.

این منطقه آخرین منطقه مهمی بود که همچنان در اشغال دشمن قرار داشت لذا بلافاصله پس از پیروزی در عملیات فتح‌المبین، در حالی که قوای ارتش عراق در منطقه عمومی خرمشهر در حال تقویت بود، به همه یگان‌های تحت امر قرارگاه مرکزی کربلا دستور داده شد تا ضمن بازسازی و تجدید قوا، به شناسایی و طراحی عملیات با هدف آزادسازی حدود ۵۴۰۰ کیلومترمربع از خاک ایران؛ از جمله شهرهای خرمشهر، هویزه و رفیع پردازند.

نقاط حساس و مهم این منطقه شامل بندر و شهر خرمشهر، پادگان حمید، جفیر، جاده آسفالت اهواز- خرمشهر، شهر هویزه و رودخانه‌های کارون، کرخه‌نور و اروندرود بود که به جز جاده اهواز- خرمشهر و استحکامات اطراف آن، فاقد هرگونه عارضه مهم دفاعی بود. این وضعیت برای مانور زرهی مناسب و برای حرکت نیروهای پیاده- به دلیل در دید و تیر قرار داشتن- نامناسب بود. از همین رو دشمن لشکر ۶ زرهی خود را از جنوب رودخانه کرخه‌نور تا هویزه، لشکر ۳ زرهی را در شمال خرمشهر، لشکر ۵ مکانیزه را از غرب اهواز تا روستای سیدعبود و ۵ گردان زرهی، مکانیزه و پیاده را از سیدعبود تا خرمشهر، مأمور حفاظت از خرمشهر کرده بود.



♦ توجیه عملیاتی رزمندگان ارتش و سپاه در عملیات بیت المقدس

در طراحی عملیات، تهاجم با عبور از رودخانه کارون و پیشروی به سوی مرز بین‌المللی و سپس آزادسازی شهر خرمشهر مدنظر قرار گرفت؛ چرا که حمله به جناح دشمن، که بیشتر به سمت شمال آرایش داشت، عامل موفقیت عملیات بود. همچنین شکست خطوط اولیه دشمن و عبور از رودخانه و گرفتن سرپل در غرب کارون تا جاده اهواز- خرمشهر به عنوان اهداف مرحله اول و ادامه پیشروی به سمت مرز و تأمین خرمشهر به عنوان اهداف مرحله دوم و پیشروی به طرف اروندرود به عنوان اهداف مرحله سوم تعیین شد.

بر همین اساس محور شمالی منطقه به قرارگاه قدس (با عبور از رودخانه کرخه‌نور)، محور میانی به قرارگاه فتح (با عبور از رودخانه کارون و پیشروی به سمت جاده اهواز- خرمشهر) و محور جنوبی به قرارگاه نصر (با عبور از کارون و پیشروی به سمت شمال خرمشهر) واگذار شد.

این عملیات در ۳۰ دقیقه بامداد ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ با رمز «بسم الله الرحمن الرحیم. بسم الله القاصم الجبارین، یا علی ابن ابیطالب» در چهار مرحله آغاز شد و شهید آیت الله صدوقی و مرحوم آیت الله مشکینی نیز که در کنار فرماندهان سپاه و ارتش در قرارگاه کربلا حضور داشتند، هر یک به طور جداگانه، پیام‌هایی را به وسیله بی‌سیم خطاب به رزمندگان اسلام قرائت کردند. در نهایت پس از ۲۵ روز جنگ تمام عیار در این منطقه در ساعت ۲ بعد از ظهر روز سوم خرداد، خرمشهر به طور کامل آزاد شد و پرچم پرافتخار جمهوری اسلامی ایران بر فراز مسجد جامع و پل تخریب شده خرمشهر به اهتزاز درآمد.

بدین ترتیب این شهر مقاوم که پس از ۳۵ روز پایداری و مقاومت در ۴ آبان ۱۳۵۹ به اشغال دشمن درآمده بود، پس از ۵۷۸ روز (۱۹ ماه) اشغال، بار دیگر به آغوش میهن اسلامی بازگشت. ۵۴۰۰ کیلومتر مربع از اراضی اشغال شده از جمله هویزه و پادگان حمید و جاده اهواز- خرمشهر آزاد شد، و شهرهای اهواز، حمیدیه و سوسنگرد از تیررس توپخانه دشمن خارج گردید و ۱۸۰ کیلومتر از خطوط مرزی تأمین شد.

# عملیات بیت المقدس





## ایستگاه حسینیہ

ایستگاه حسینیہ نام یکی از ایستگاه‌های راه آهن بین اهواز و خرمشهر است که در ۳۸ کیلومتری خرمشهر و در دهستان باوی، بخش مرکزی از توابع شهرستان خرمشهر قرار دارد. در ضلع جنوبی این ایستگاه، کانال آبرسانی روستای گرم‌دشت از شرق به غرب امتداد دارد.

با آغاز جنگ یکی از محورهای حمله عراق، جاده پاسگاه زید بود که در نزدیکی این ایستگاه سه راه حساس حسینیہ را

شکل می‌داد. این ایستگاه به لحاظ قرار گرفتن در مجاورت جاده اهواز-خرمشهر و پاسگاه زید عراق در همان روزهای نخستین هجوم، سقوط کرد و بخشی از تأسیسات این ایستگاه تخریب و حتی ریل‌های آن برای استفاده در مواضع دفاعی ارتش عراق از جا کنده شد. در ۴ مهر ۱۳۵۹ آتشبارهای ۱۷۵ میلی‌متری توپخانه لشکر ۹۲ زرهی اهواز که در شرق حسینیہ مستقر بودند و مدافعان خرمشهر را پشتیبانی می‌کردند، به علت پیش‌روی تانک‌های دشمن به ناچار به شرق جاده اهواز-خرمشهر و نزدیکی رودخانه کارون عقب‌نشینی کردند. در نتیجه مدافعان خرمشهر از آتش پشتیبانی توپخانه محروم شدند. در ادامه لشکر ۵ مکانیزه سپاه سوم ارتش عراق با تصرف و اشغال این منطقه توانست تا عمق ۱۵ کیلومتری به سمت اهواز پیش‌روی کرده و خرمشهر را از شمال مورد تهدید قرار دهد.

این ایستگاه که یکی از محورهای اصلی عملیات بیت‌المقدس بود و حفظ و پدافند در آن منطقه بسیار مهم و حیاتی بود، سرانجام پس از ۱۹ ماه اشغال و به دنبال رخنه موفق نیروهای قرارگاه فرعی نصر ۲ (تیپ ۲۷) محمدرسول‌الله (ص) سپاه و تیپ ۲ لشکر ۲۱ حمزه (ارتش) در مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس و رسیدن آنها به جاده اهواز-خرمشهر و به دنبال یک هفته جنگ شبانه‌روزی، در سحرگاه روز جمعه هفدهم اردیبهشت ۱۳۶۱ به تصرف رزمندگان درآمد. از طرفی ارتش عراق با توجه به دشت وسیع اطراف آن و راه ارتباطی خرمشهر-اهواز بسیار تلاش می‌کرد آن را بازپس بگیرد اما بعد از قبول ناتوانی در انجام این کار، با آتش شدید توپخانه در این نقطه، جهنمی از آتش ایجاد نمود.





انتقال اسرا در منطقه حسینیّه

این منطقه در جریان عملیات رمضان، یکی از اصلی‌ترین محورهای هجوم به دشمن بود که در آن پاسگاه زید عراق آزاد شد. همزمان با عملیات خیبر نیز یکی از محورهای اجرای تک فریب، همین ایستگاه بود. پس از آزادسازی ایستگاه حسینیّه این منطقه محل استقرار نیروهای پشتیبانی و جهادسازندگی شد.

این ایستگاه در جریان عملیات کربلای ۴ و ۵ و ۸ و بیت‌المقدس ۷ نیز به عنوان یکی از عقبه‌های مهم و فعال یگان‌های خودی بود و تعداد زیادی از یگان‌های عمل‌کننده در اطراف این ایستگاه استقرار داشتند. ایستگاه بازرسی و کنترل هم در این منطقه دایر شد که تردد نیروها را کنترل می‌کرد و این پست دژبانی تا پایان جنگ دایر بود. در اول مرداد ۱۳۶۵ منطقه حسینیّه به شدت زیر آتش توپخانه دشمن قرار گرفت و در تاریخ ۲۰ فروردین ۱۳۶۶ و ۲۳ دی ۱۳۶۶ نیز مورد حمله هوایی دشمن قرار گرفت.

در شرق جاده اهواز - خرمشهر و روبه‌روی ایستگاه حسینیّه، جاده شهید شرکت قرار دارد که مسیری برای دسترسی به روستای دارخوین است و به واسطه پل «شهید هزاردستان» ارتباطش با جاده آبادان و اهواز برقرار می‌شود.

در کنار این جاده در هفت کیلومتری ایستگاه حسینیّه، بیمارستان صحرائی امام حسین (ع) قرار دارد و همین امر این ایستگاه را برای نقل و انتقال مجروحین بسیار حیاتی و با اهمیت کرده بود. از طرفی وجود قرارگاه عملیاتی کربلا در ۸ کیلومتری شرق ایستگاه، اهمیت آن را دوچندان کرده بود. به همین علت در طول جنگ این مناطق بارها مورد حمله هوایی قرار گرفت و برای مقابله با این حملات، پدافند هوایی در این منطقه استقرار یافت. نیروهای پشتیبانی جهادسازندگی تا پایان جنگ در این منطقه مستقر بودند.



♦ تصرف پاسگاه زید در عملیات رمضان (عکاس سعید صادقی)

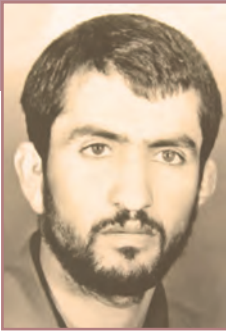
## جاده زید (حسینیه)

از محل تلاقی ایستگاه حسینیه با جاده اهواز-خرمشهر يك جاده شوسه خاکی به سمت جنوب غربی امتداد می‌یابد که پس از رسیدن به نوار مرزی و پاسگاه مرزی ایران موسوم به پاسگاه حداد (کیلومتر ۲۵)، از شمال پاسگاه گارد مرزی عراق موسوم به پاسگاه زید، وارد خاک عراق می‌شود که به جاده زید (حسینیه) موسوم است و در طول جنگ برای سپاه سوم ارتش عراق، اهمیت زیادی داشت و از طرفی یکی از محورهای مهم عملیاتی قرارگاه فتح در مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر بود.

زید یکی از اولین مناطقی بود که برای ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر مورد توجه فرماندهان قرارگرفت و با ورود رزمندگان به داخل نوار مرزی شرق بصره در عملیات رمضان، جاده زید به عنوان معبر ورودی و نقطه شاخص برای دو محور شمالی و جنوبی عرصه نبرد از ۲۲ تیر تا ۸ مرداد ۱۳۶۱ شناخته می‌شد.

این منطقه در عملیات رمضان در محدوده عملیاتی قرارگاه فتح قرار داشت و نیروهایی متشکل از لشکر ۹۲ زرهی و تیپ‌های ۱۴ امام حسین<sup>(ع)</sup>، ۲۵ کربلا، ۱۷ علی‌ابن‌ابیطالب<sup>(ع)</sup> و تیپ ۳۰ زرهی به سرعت در مواضع دشمن پیش‌روی کرده و از این محور خود را به نهر کتیبان رساندند. با به بن‌بست رسیدن عملیات رمضان پاسگاه زید عراق در تصرف نیروهای ایرانی باقی ماند اما دشمن با سرعت اقدام به راهسازی آب نمود و این منطقه را به کلی زیر آب برد. لذا از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴ به جز تك ناموفق ارتش در این محور در عملیات خیر، اقدام مهمی در این منطقه انجام نشد تا اینکه در سال ۱۳۶۵ رزمندگان عملیات بزرگ کربلای ۵ را در همین آب‌گرفتگی علیه موانع دشمن در شرق بصره شروع کردند.

این منطقه در بهار ۱۳۶۷ توسط ارتش عراق بازپس گرفته شد و همین پاسگاه مرزی و جاده منتهی به آن در تابستان ۱۳۶۷ یکی از محورهای هجوم دوباره دشمن پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، برای دستیابی به جاده اهواز-خرمشهر بود.



♦ شهید حسین قجه‌ای فرمانده  
گردان سلمان فارسی

## ایستگاه گرم‌دشت

ایستگاه گرم‌دشت (نیم نود) در غرب جاده اهواز-خرمشهر و در ۳۰ کیلومتری خرمشهر قرار دارد و نزدیک‌ترین ایستگاه راه‌آهن به شهر خرمشهر است. در ضلع جنوبی این ایستگاه، کانال آب‌رسانی ممتدی از شرق به غرب امتداد یافته است که به علت نزدیکی آن به ایستگاه راه‌آهن گرم‌دشت، «کانال آب گرم‌دشت» نامیده می‌شود.

در مرحله اول عملیات بیت‌المقدس سخت‌ترین نبرد جاده اهواز-خرمشهر در جنوب این ایستگاه توسط گردان سلمان از تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله<sup>(ص)</sup> به استعداد چهار گروهان به وقوع پیوست. این گردان از ظهر روز اول عملیات بیت‌المقدس (۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱) وظیفه پدافند در حاشیه جاده اهواز-خرمشهر را به عهده گرفت و چهار شبانه‌روز با پاتک‌های واحدهای زرهی دشمن مقابله نمود تا آنکه صبح روز ۱۵ اردیبهشت دو تیپ دشمن گردان سلمان را در محاصره گازانبری واحدهای تانک و پیاده خود قرار دادند. آن چنان کار دشوار شد که حاج‌احمد متوسلیان فرمانده تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله<sup>(ص)</sup> مسئولیت اجرای عقب‌نشینی گردان سلمان فارسی از جاده را به حاج محمدابراهیم همت واگذار کرد.

حاج همت و همراهانش پس از نفوذی معجزه‌آسا به حلقه محاصره گازانبری دشمن، به نزدیکی مواضع گردان سلمان رسیدند و متوجه علت اصرار حسین قجه‌ای-فرمانده این گردان- بر مقاومت و عدم عقب‌نشینی شدند. چراکه تعداد نیروهای قادر به رزم گردان سلمان، به چیزی حدود سی تا چهل نفر رسیده بود و مابقی نیروهای گردان همگی شهید و یا مجروح شده بودند. نود درصد زخمی‌ها نیز جراحات‌های مهلکی داشتند. تا آن لحظه، حسین قجه‌ای و معدود نیروهای قادر به رزم او توانسته بودند به مقاومت نابرابر خویش در مقابل یورش‌های پی‌درپی دو تیپ دشمن و تانک‌های پیش‌رفته تی-۷۲ ادامه دهند. با مراجعت حاج همت و ارائه گزارش وضعیت فوق‌العاده و خیم رزمندگان گردان سلمان، حاج محمود شهبازی، فرمانده محور عملیاتی گردان سلمان بلافاصله به دو گردان انصار و عمار دستور داد برای شکستن حلقه محاصره نیروهای گردان سلمان فارسی وارد عمل شوند. سرانجام در پی چهار ساعت درگیری شدید، رزم‌آوران این گردان‌ها حوالی ساعت ۵ بعدازظهر روز ۱۵ اردیبهشت توانستند حلقه محاصره را بشکنند و خود را به مواضع گردن سلمان برسانند و این در حالی بود که حتی یک نفر از آنها سالم نمانده بود و خود حسین قجه‌ای هم در آن آخرین دقایق قبل از شکسته شدن حلقه محاصره، مظلومانه شهید شده بود. پایداری حماسی گردان سلمان در حفظ سرپل آزاد شده تأثیر شگرفی در عملیات آزادسازی خرمشهر و روحیه نیروهای عمل‌کننده بر جای نهاد. شهید محسن وزوایی و شهید حسین تقوی منش نیز در این منطقه به شهادت رسیدند.





◆ جبهه جنوبی عملیات رمضان (عکاس سعید صادقی)

## منطقه عملیاتی رمضان

پس از فتح خرمشهر، ابتکار عمل و برخورداری از روحیه تهاجمی جهت اعاده حقوق ایران، ادامه جنگ و ورود به داخل خاک عراق را ضروری می‌ساخت. لذا دست‌اندرکاران جنگ مشغول طراحی عملیات رمضان شدند، اما بحران حمله رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان، در سال ۱۳۶۱ همگان را متوجه لبنان کرد. در این مرحله امام خمینی<sup>(ع)</sup> با تبیین استراتژی «راه قدس از کربلا می‌گذرد» جهت اصلی تحرکات و اقدامات اساسی جمهوری اسلامی را بر تداوم عملیات تا حل نهایی مسئله جنگ ترسیم نمودند.

منطقه عملیاتی رمضان، محصور بود بین یک زمین مثلث شکل به وسعت ۱۶۰۰ کیلومترمربع که از شمال به خط مرزی کوشک و طلائی و حاشیه جنوبی هورالهیوز به طول پنجاه کیلومتر و از غرب به رودخانه شط‌العرب (که از نقطه تلاقی رودخانه دجله و فرات به نام القرنه شروع می‌شد تا شلمچه در غرب خرمشهر) به طول هشتاد کیلومتر و از شرق به خط مرزی شمالی- جنوبی از کوشک تا شلمچه به طول شصت کیلومتر منتهی می‌شد.

عملیات رمضان بر این مبنا طراحی شد که با حضور قوای نظامی ایران در پشت رودخانه دجله و شط‌العرب و تسلط بر معابر وصولی بصره، عملاً از نظر سیاسی- نظامی موقعیت مناسبی برای جمهوری اسلامی برای پایان جنگ فراهم آید.

دشمن تا قبل از آزادی خرمشهر، در شرق بصره مواضع مستحکمی نداشت اما با فرصت سه ماهه‌ای که از حمله رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان تا اجرای عملیات رمضان به دست



◆ کمپ اسرای عملیات رمضان

آورد، پیچیده‌ترین خطوط پدافندی طبیعی و مصنوعی را در نوار مرزی بر نیروهای نظامی ایران تحمیل کرد.



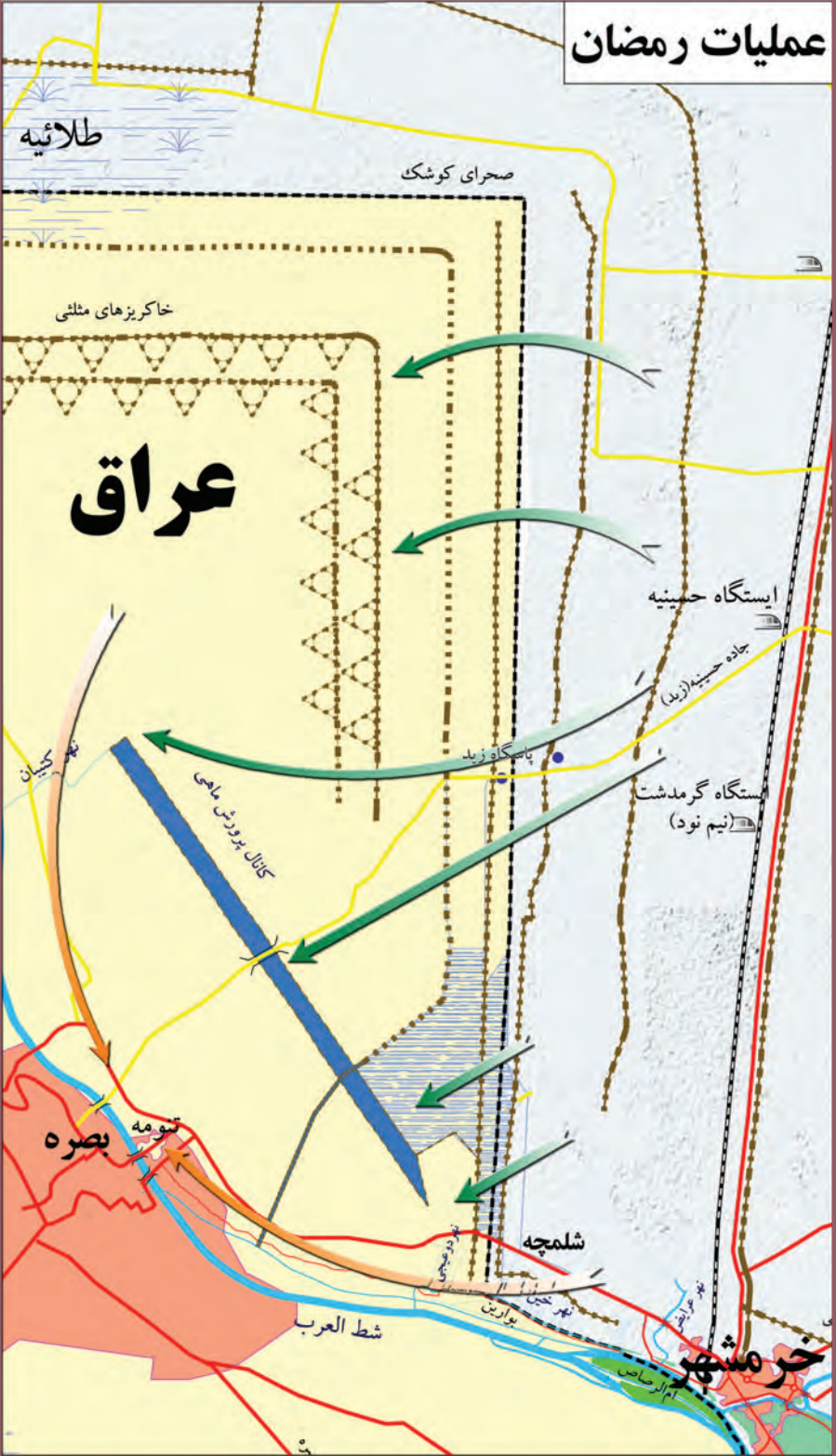
احداث خاکریزهای مثلثی زنجیره‌ای و دو ردیفه با اضلاع ۲۲۵۰ متر، به طول ۱۱۵ کیلومتر و ارتفاع ۴ متر از بویان تا طلائی، تسلیح کانال پرورش ماهی به طول ۲۸ کیلومتر و عرض یک کیلومتر با انواع موانع، کمین و سنگرهای تیربار به عنوان موانع بازدارنده و رها کردن آب در قسمت جنوبی منطقه و احداث کانال ماریپج به عرض یک کیلومتر با ۲۹ ردیف میدان مین، فقط بخشی از اقدامات بازدارنده ارتش عراق برای ممانعت از ورود رزمندگان اسلام به خاک عراق بود.

۵۲

در این منطقه چهار محور و قرارگاه‌های عملیاتی قدس، فجر، فتح و نصر به منظور اجرای عملیات و مقابله با سپاه سوم عراق که از سه لشکر زرهی، دو لشکر پیاده و یک لشکر مکانیزه بهره می‌برد، پیش‌بینی شد. در نهایت عملیات رمضان طی پنج مرحله از تاریخ ۶/۲۳/۶۱، با رمز «یا صاحب الزمان ادرکنی» در ساعت ۲۱:۳۰ آغاز و پانزده روز به طول انجامید.

در این عملیات رزمندگان با نفوذ به عمق خاک عراق توانستند خود را به نهر کتیبان برسانند و به قرارگاه فرماندهی لشکر ۹ زرهی عراق دست یافته و پاسگاه زید عراق را تصرف کنند اما مواجهه با موانع پیچیده دشمن در عمل منجر به محقق نشدن اهداف اصلی عملیات مبنی بر تهدید بصره و تصرف شرق شط‌العرب شد.

# عملیات رمضان





◆ یادمان شهدای عملیات رمضان

## جاده شهید شاه حسینی (یادمان شهدای عملیات رمضان)

جاده ۱۴ کیلومتری شهید شاه حسینی در ۷۲ کیلومتر جاده اهواز - خرمشهر و حدفاصل منطقه کوشک و زید در منطقه عملیاتی رمضان قرار دارد و با عبور از دژ نیروی زمینی ارتش (دژ شهید کامروا)، به دژ مرزی ایران و عراق (دژ جمهوری) می‌رسد.

تاکنون پیکرهای تعداد زیادی از شهدای عملیات رمضان توسط کمیته جستجوی مفقودین در این منطقه به دست آمده‌است.

در کنار دژ جمهوری و در مجاورت این جاده، یادمان شهدای عملیات رمضان با گنبدی نقره‌ای رنگ که دوازده شهید گمنام در آن به خاک سپرده شده است قرار دارد.

احسان

۵۴



◆ تصرف مقر ارتش عراق در جزیره بوارین

## منطقه عملیاتی کربلای ۴

منطقه عملیاتی کربلای ۴ دارای ارزش و ویژگی‌های مهم سیاسی و نظامی است و می‌توان آن را مهم‌ترین منطقه عملیاتی در جبهه جنوب دانست. مرکز این منطقه، نخلستان‌های اطراف اروندرود حدفاصل جزیره بلجانیه تا بصره است که عرض آن چهار تا پنج کیلومتر و طول آن پانزده کیلومتر می‌باشد. زمین منطقه عملیاتی نیز دارای نهرها و کانال‌های کشاورزی است که برای پدافند موقعیت مناسبی دارد و جناحین منطقه نیز از شمال به آب‌گرفتگی شلمچه و کانال پرورش ماهی و از جنوب به خور زبیر و زمین‌های باتلاقی اطراف آن منتهی می‌شود و دشمن در آن قدرت پاتک ندارد.

پس از ده ماه بسیج امکانات و مقدرات کشور و استفاده از تبلیغات گسترده و وسیع مبنی بر تعیین سرنوشت جنگ در شرایطی که منابع صنعتی و اقتصادی و مراکز آب و برق کشور هدف بمباران شدید و گسترده دشمن قرار داشت، اجرای عملیات کربلای ۴ با چهار قرارگاه به نام‌های نجف، قدس، کربلا و نوح در دستور کار قرار گرفت و چهار منطقه شلمچه، ابوالخصیب، مقابل ام‌الرصاص و جزیره مینو به این دلیل که به لحاظ مانور، آتش، عقبه و پشتیبانی به هم وابسته بودند برای تصرف شهر بصره و تهدید جاده صفوان-بصره انتخاب شد.

بر این اساس قرارگاه نجف از شمال پنج‌ضلعی شلمچه تا جزایر بوارین و ام‌الطویله با هدف پیشروی در محور شلمچه، قرارگاه قدس با عبور از منطقه ام‌الرصاص- بوارین با هدف پیشروی در محور پتروشیمی و ابوالخصیب، قرارگاه کربلا از مقابل جزیره ام‌الرصاص با هدف



تأمین کل منطقه و پیشروی تا جاده دوم و سوم و قرارگاه نوح با هدف تأمین جناح چپ و پیشروی در مقابل جزیره مینو، اجرای عملیات را در شش مرحله بر عهده گرفتند.

عملیات می‌بایست در ساعت ۲۲:۳۰ تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۳ آغاز می‌شد. به همین علت غواص‌ها ساعاتی قبل از شروع عملیات به درون آب رفته و به سمت خط دشمن حرکت کردند. در این میان نیروهای دشمن که کاملاً آماده و هوشیار بودند ضمن پرتاب منور، با تیربار و خمپاره به طرف نیروهای خودی شلیک کردند. در مجموع عملیات خارج از کنترل و هدایت فرماندهی قرار گرفته بود و قبل از هر دستوری، یگان‌ها با توجه به هوشیاری و عکس‌العمل دشمن به محض رسیدن به ساحل، درگیری را آغاز کردند. با این حال رمز عملیات «یا محمد رسول الله (ص)» حدود ساعت ۲۲:۴۵ اعلام شد و نیروهای عمل‌کننده فقط توانستند در جزایر سهیل، قطعه، ام‌الرصاص، ام‌البابی و بلجانیه نفوذ کنند و در برخی مناطق نیز به صورت موضعی رخنه نمایند. در مقابل نیروهای دشمن با پرتاب پی‌درپی منور و اجرای چند مورد بمباران کنار نهر عریض (عقبه برخی از یگان‌ها) و همچنین اجرای آتش مؤثر روی رودخانه اروند، عملاً سازمان غواص‌ها و نیز نیروهای موج دوم و سوم را به هم زد. به طوری که گاهی نیروهای یگان‌های مجاور پراکنده شده و اغلب نمی‌توانستند روی هدف عمل نمایند. یکی از مناطق حساس عملیات، نوک جزیره ام‌الرصاص بود که به‌رغم تلاش بسیاری که برای تصرف آن انجام شد، به علت هوشیاری دشمن امکان ادامه درگیری از میان رفت. دشمن با شلیک پر حجم تیربار روی آب، از عبور نیروها از تلاقی اروند و کارون جلوگیری کرد چرا که به خاطر حساسیتی که دشمن نسبت به ام‌الرصاص داشت، در پدافند آن از ۹ رده مانع طبیعی و مصنوعی بهره می‌برد، به طوری که هرگاه از هر خط عقب رانده می‌شد، در خط بعدی که نسبت به خط قبلی اشراف و تسلط داشت، مقاومت می‌کرد. دشمن علاوه بر استفاده از اطلاعاتی که توسط آمریکا برای جبران حادثه ایران گیت (ماجرای مک فارلین) در اختیارش گذاشته شده بود، از هوشیاری کامل برخوردار بود. لذا با استفاده از تاکتیک‌های ضد غواص و شناور، مانع از انجام عملیات شد. لذا با توجه به هوشیاری دشمن به منظور حفظ قوا و طراحی دوباره عملیات آتی، از ادامه نبرد اجتناب شد و بلافاصله عملیات کربلای ۵ طرح‌ریزی و اجرا شد.

اکنون ساختمان‌ها و شناورهای به جای مانده در کوی آریا در حاشیه اروندرود که محور نیروهای عمل‌کننده لشکر ۳۲ انصارالحسین (ع) استان همدان و لشکر ۳۳ المهدی (عج) استان فارس در این عملیات بوده است، به یادمانی برای میثاق با شهدای عملیات کربلای ۴ تبدیل شده است.

♦ میدان موانع ارتش عراق در جزیره بوارین







عملیات کر بلائی ۵ - سردار علی  
فضلی و سردار احمد غلام پور در  
نفر بر فرماندهی



عملیات کر بلائی ۵ - منطقه پنج ضلعی (عکاس سعید صادقی)

## منطقه عملیاتی کر بلائی ۵

منطقه عملیاتی کر بلائی ۵ از شمال به آب گرفتگی بویبان، از جنوب به رودخانه ارونه از شرق به نهر عریض و از غرب به کانال زوجی و شهرک تنومه عراق محدود می‌شود.

شرایط دشوار و آثار نامطلوب نظامی و سیاسی موفق نبودن کر بلائی ۴، ضرورت انجام عملیات دیگری را ایجاب می‌کرد، چرا که دشمن از مدت‌ها قبل به‌رغم کلیه اقدامات و تلاش‌هایش، در تغییر روند کلی جنگ به سود خود ناکام مانده بود و تحت شرایط جدید مترصد بهره‌برداری از اوضاع برای حمله به منطقه فاو و بازپس‌گیری این منطقه و در نهایت تغییر اوضاع سیاسی-نظامی به نفع خود بود اما ضرورت غیر قابل انکار ادامه جنگ در آن موقعیت و لزوم تسریع در تصمیم‌گیری پس از عملیات کر بلائی ۴ سبب شد تا ضمن بهره‌گیری از اصل غافل‌گیری، همه نیروها برای عملیات بزرگ کر بلائی ۵ آماده شوند. ارزشمندترین منطقه موجود همچنان شرق بصره بود که دشمن با توجه به اهمیت منطقه، زمین را مسلح به انواع موانع و استحکامات کرده بود و بارها کردن آب در منطقه، انجام هرگونه عملیاتی را غیرممکن ساخته و فضای امنی را برای خود به وجود آورده بود تا بتواند حرکت هر نیروی مهاجم را قبل از دستیابی به خط اول خود سرکوب کند.

اولین خط دفاعی دشمن دژی بود که در یک سمت آن سنگرهای بتنی برای استراحت نیرو و در سمت مقابل، سنگرهای دیده‌بانی و تیربار با مهمات آماده و سنگرهای تانک احداث شده بود. در پشت خط اول نیز چندین موضع هلالی شکل که قطر هر یک به سیصد الی چهارصد متر و ارتفاع آن به پنج تا شش متر می‌رسید احداث شده بود. در پشت مواضع هلالی، برای تردد و استقرار تانک، جاده ساخته شده بود و به این وسیله تانک می‌توانست با استقرار بر روی مواضع مشخص شده، کل منطقه درگیری را زیر آتش قرار دهد. دومین خط دشمن به فاصله



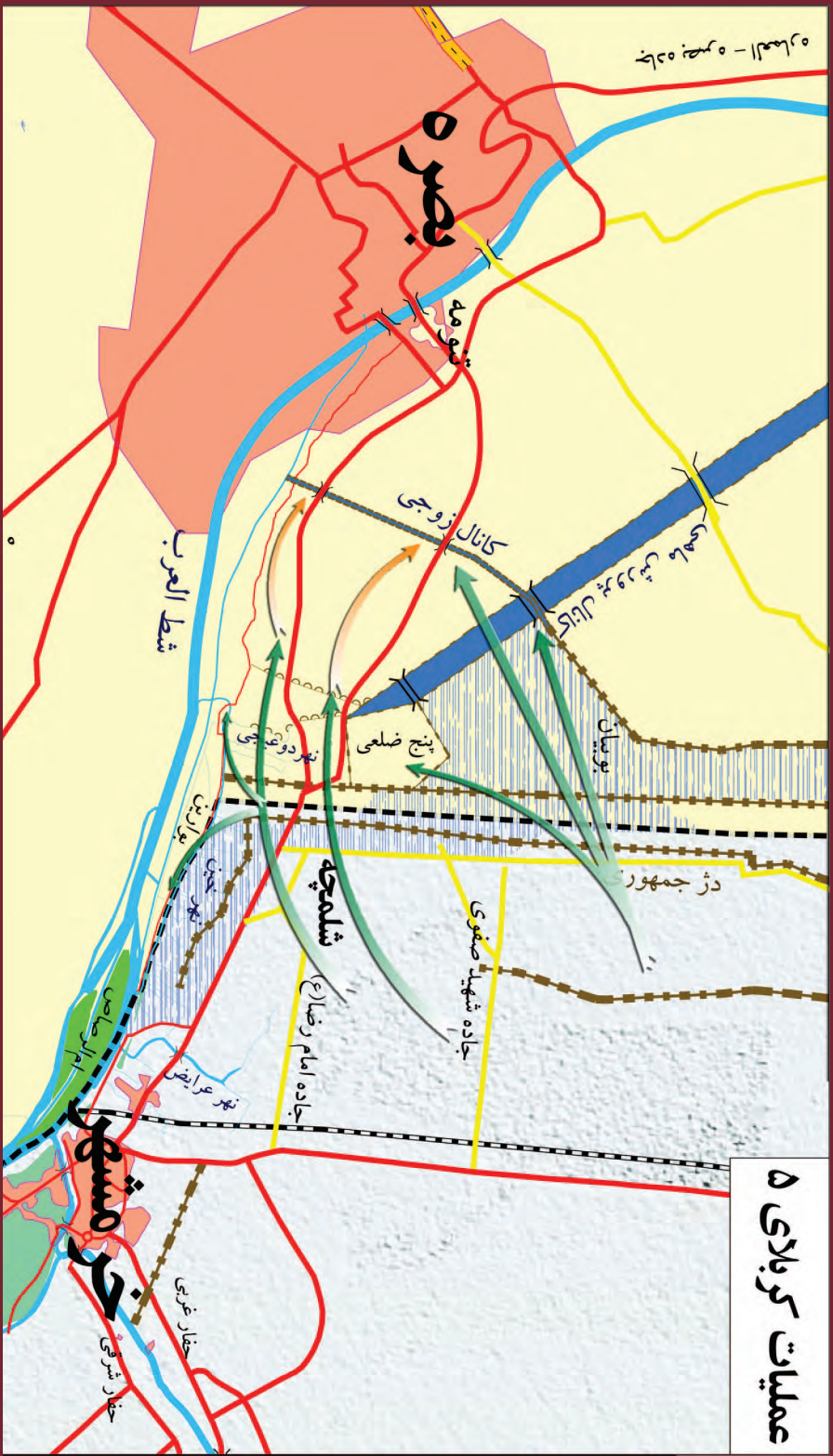
صد متر از خط اول و به موازات آن احداث شده بود و دارای سیل‌بندی به عرض دو و نیم متر و ارتفاع چهار متر به همراه مواضع پیاده، کانال مواصلاتی و مواضع تانک بود. این سیل‌بند از جنوب جاده شروع می‌شد و به سمت اروند ادامه داشت. سومین خط دشمن، خاکریزی بود به موازات خط دوم و دارای مواضع پیاده و تانک که در جلوی آن کانال متروکه‌ای به عرض چهار متر و عمق دو متر احداث شده بود. چهارمین خط پدافندی دشمن در پشت نهر دوعیجی قرار داشت و شامل نهر، دژ و چندین موضع هلالی

پی‌درپی، که بر توانایی دشمن برای مقابله و دفاع می‌افزود. پنجمین خط دشمن در پشت نهر جاسم قرار داشت. ضمن آنکه در حد فاصل خط چهارم و پنجم، قرارگاه دشمن، به خصوص قرارگاه تاکتیکی سپاه سوم (مقر فرماندهی لشکر ۱۱)، دارای مواضع مستحکمی بود و پدافند مستقل داشت. پس از نهر جاسم تا کانال زوجی، مواضع توپخانه، مراکز لجستیک و عقبه لشکر ۱۱ قرار گرفته بود و رده ششم و هفتم دشمن شامل کانال زوجی و مثلثی‌های غرب کانال زوجی بود.

در منطقه شلمچه، دشمن زمین را به شکل پنج‌ضلعی درآورده بود که از استحکامات بسیار پیچیده‌ای برخوردار بود. در آستانه شروع عملیات، با توجه به محدودیت زمان، آخرین اقدامات شامل جابه‌جایی و نقل و انتقال نیروها و امکانات، تکمیل بحث مانور عملیات و غیره انجام گرفت و نیروهای زرهی و توپخانه نسبت به مأموریت اصلی و گروه‌های توپخانه برای اجرای آتش و مانور توجیه شدند. با توجه به تجارب عملیات کربلای ۴، ابهام نسبت به میزان هوشیاری دشمن موجب شده بود که کلیه تحرکات دشمن تا قبل از آغاز درگیری کنترل شود.

در ساعت ۱:۳۵؛ ۱۳۶۵/۱۰/۱۹ بمبادا فرمان حمله با رمز «یا زهرا<sup>(ع)</sup>» صادر شد. رزمندگان یورش خود را به عظیم‌ترین و پیچیده‌ترین استحکامات دشمن در شرق بصره آغاز کردند و پس از بیست شبانه روز رزم طاقت‌فرسا، با عبور از کانال پرورش ماهی، نهر دوعیجی، نهر جاسم و استقرار در شش کیلومتری شرق بصره موفق شدند با تثبیت مناطق تصرف شده‌ای چون پاسگاه‌های بوبیان، شلمچه، کوت سواری و خین و نیز جزیره بوارین، فیاض و ام‌الطویل، دریاچه بوبیان و بخشی از کانال پرورش ماهی و در حالی که سپاه سوم ارتش عراق در این منطقه هفت تیپ پیاده، یک گردان کماندویی و یک گردان تانک در اختیار داشت و با آغاز عملیات ۹۷ تیپ دیگر را به منظور تقویت و پاتک به منطقه اعزام کرده بود، عملیات کربلای ۵ را با موفقیت به پایان برسانند. در این نبرد حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین<sup>(ع)</sup>، اسماعیل دقایقی فرمانده لشکر ۹ بدر، اصغر لاوی فرمانده تیپ زرهی ۲۸ صفر و حجت الاسلام عبدالله میثمی مسئول دفتر نمایندگی امام در قرارگاه خاتم به شهادت رسیدند.

# عملیات کربلای ۵





## جاده شهید صفوی (بنای یادبود شهدای شیمیایی بهبهان)

جاده ۱۳ کیلومتری شهید صفوی در شمال غربی خرمشهر و در ۱۳ کیلومتر ۱۳ جاده اهواز- خرمشهر قرار دارد و این جاده را به دژ مرزی و جاده مرزی شهید کاظمی متصل می‌کند. این جاده محور اصلی عملیات کربلای ۵ بود و قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) در مجاورت این جاده قرار داشت.

پس از عملیات کربلای ۵ و تثبیت منطقه شلمچه، قرارگاه مهندسی «صراط المستقیم» که مدتی پس از آغاز جنگ، به منظور بهره‌گیری از توان وزارتخانه‌ها و دولت در جنگ توسط وزارت سپاه، به فرماندهی محسن صفوی تشکیل شده بود در کنار این جاده مستقر شد. پس از شهادت محسن صفوی نام وی بر این جاده گذاشته شد.

در جریان عملیات کربلای ۵ و در ساعت هفت صبح ۱۹ دی ماه ۱۳۶۵، در حالی که رزمندگان گردان فجر لشکر ۷ ولی عصر (عج) که از سه گروهان ابوالفضل (ع)، علی‌اکبر (ع) و قمر بنی‌هاشم (ع) شهرستان بهبهان تشکیل شده بود در این جاده استقرار داشتند، این منطقه هدف اولین راکت شیمیایی آلوده به گاز خردل دشمن قرار می‌گیرد و تا ساعت یازده صبح دو راکت دیگر آلوده به سیانور به محل استقرار این گردان اصابت می‌کند که به شهادت نود نفر از رزمندگان گردان فجر شهرستان بهبهان و مصدوم شدن سایر افراد این گردان منجر می‌شود. تاکنون ۹ تن از مصدومین این حادثه به خیل شهدای این واقعه پیوسته‌اند.

در سال ۱۳۷۸ به همت خانواده این شهیدان، بنای یادبود کوچکی در جاده شهید صفوی به نام شهدای شیمیایی بهبهان احداث شد. هنوز در اطراف این بنا و جاده شهید صفوی آثار مربوط به دوران دفاع مقدس از جمله سنگرها نمایان است.

◆ شهید احمد رضا عراقی فرمانده  
اطلاعات لشکر ۱ سیدالشهدا (ع) در  
عملیات کربلای ۸ به شهادت رسید

## منطقه عملیاتی کربلای ۸

منطقه عملیاتی کربلای ۸، در منطقه شلمچه و حد فاصل آب‌گرفتگی‌های شرق کانال پرورش ماهی و شمال جاده شلمچه تا کانال زوجی قرار دارد. پس از پایان عملیات کربلای ۵ و عقب‌نشینی دشمن به غرب نهر جاسم در حالی که واحدهای مهندسی دشمن به صورت متمرکز در احداث موانع و دژهایی متوالی با فاصله پانصد متر از خط خودی به نام‌های خاکریز ۱۰۰۰، ۱۰۰۰ و ۱۵۰۰ در منطقه عملیاتی کربلای ۵ تلاش می‌کردند، عملیاتی محدود طی دو دوره در منطقه شلمچه در دستور کار قرار گرفت تا خطوط منطقه تصرف شده در عملیات کربلای ۵ را تکمیل و به کانال زوجی نزدیک کند.

در دوره اول که از سوم تا سیزدهم اسفند ۱۳۶۵ به درازا کشید و عملیات تکمیلی کربلای ۵ نامگذاری شد، فرماندهان قصد داشتند خط پدافندی را از شرق نهر جاسم به غرب آن منتقل کنند تا در مرحله بعد تک را به سمت کانال زوجی ادامه دهند. اما به علت هوشیاری و مقاومت دشمن در خطوط دفاعی، موفقیتی به دست نیامد و فقط در محور راست عملیات رزمندگان توانستند خاکریز ۵۰۰ را تصرف کنند. در دوره دوم و پس از سی و شش روز از عملیات تکمیلی کربلای ۵، عملیات کربلای ۸ با هدف تأمین کانال زوجی و توسعه منطقه تصرف شده در غرب کانال پرورش ماهی طراحی و اجرا شد.

این عملیات در بامداد ۱۳۶۶/۱/۱۸ همزمان با سالگرد تأسیس حزب بعث در عراق، با رمز «یا صاحب‌الزمان (عج)» آغاز شد و دو قرارگاه عملیاتی قدس و کربلای سپاه پاسداران با سی گردان نیرو از دو محور آب‌گرفتگی شرق کانال پرورش ماهی و حدفاصل کانال پرورش ماهی تا جاده شلمچه وارد عمل شدند. رزمندگان پس از چهار شبانه‌روز جنگ سنگین و به‌رغم شکستن خطوط دشمن و یک کیلومتر پیشروی تا خاکریز ۱۰۰۰، نتوانستند موقعیت جدید را تثبیت کنند.

بلافاصله پس از این عملیات؛ دشمن با نگرانی از پیشروی رزمندگان در شرق بصره، از بامداد ۲۲ فروردین ۱۳۶۶ با پانک‌های سنگین وارد عمل شد و از نیمه شب تا ساعت ۳:۳۰ بامداد با توپخانه، کاتیوشا و سپس بالگرد و هواپیما، به‌طور گسترده در منطقه دست به تک‌شیمیایی زد که به دلیل تاریکی هوا و عدم پیش‌بینی قبلی، خسارات قابل توجهی به رزمندگان وارد کرد. دشمن پس از تک‌شیمیایی، از ساعت ۲:۳۰ تا ۷ صبح، با چهل و پنج گردان توپخانه در منطقه اقدام به اجرای آتش تهیه کرد. آتش دشمن به اندازه‌ای شدید بود که تحرك و جابه‌جایی را از نیروهای خودی سلب کرد و امکان تردد هرگونه وسیله نقلیه و نیروی پیاده را به خط‌مقدم غیرممکن ساخت. در نهایت دشمن تا قبل از ظهر روز ۲۲ فروردین مواضع تصرف شده در عملیات کربلای ۸ را بازپس گرفت و رزمندگان در پشت خاکریز ۵۰۰ موضع گرفتند.

# عملیات کربلاي ۸



کانال پرورش ماهی

بویان

دژ جمهوری

د صفوی

کانال زوجی

پنج ضلعی

شلمچه

نهر دوعیچی

نهر خین

بوارین

شط العرب





## یادمان شهدای شلمچه

این یادمان در يك كيلومتری شمال گمرک خرمشهر و پاسگاه شلمچه و در نزدیکی محل تلاقی جاده امام رضا<sup>(ع)</sup> و جاده شهید کاظمی قرار دارد. پس از عملیات کربلای ۵ آثار باقی‌مانده از شهدا در محل یادمان شهدای شلمچه جمع‌آوری شد که زیارتگاه میلیون‌ها نفر در سال‌های اخیر شده است.

با حضور رهبر معظم انقلاب در ۸ مهرماه ۱۳۷۸ در مشهد شهیدان شلمچه، به دستور معظم‌له مقرر شد یادمان شهدای شلمچه و فضاهای مورد نیاز و جاده‌های ضروری، طراحی و اجرا شود. در یادمان شهدای شلمچه که به همت آستان قدس رضوی ساخته شده است، پیکر هشت شهید گمنام در بخش مرکزی یادمان به خاک سپرده شده است.

جاده شهید کاظمی که در ضلع شرقی دژ جمهوری قرار دارد به عنوان یکی از مسیرهای مواصلاتی در دوران مقدس از غرب حسینیه تا یادمان شلمچه به همت شهید احمد کاظمی برای زائران راهیان نور احیا شد. پاسگاه مرزی شلمچه که در روز اول جنگ به دست دشمن افتاد در جنوب این یادمان و در کنار گمرک مرزی واقع شده است و روبه‌روی آن پاسگاه شلمچه عراق قرار دارد. با ایجاد منطقه آزاد تجاری-صنعتی اروند در این منطقه، متأسفانه آثار ملی دفاع مقدس دستخوش تغییراتی شده است.

## دژ جمهوری

دژ پدافندی خاکی جمهوری، قبل از انقلاب در ۱۳ کیلومتری غرب جاده اهواز- خرمشهر و ۱/۵ کیلومتری مرز ایران و عراق توسط ارتش احداث شد که از جنوب شلمچه و نزدیکی جزیره ام‌الرصاص عراق آغاز شده و تا صحرای کوشک ادامه داشت و به دژ شهید ساجدی متصل می‌شد. دژ جمهوری از شصت سنگر بتنی موسوم به دژ برخوردار بود.

با آغاز تهاجم و عبور ارتش عراق از مرز، این دژ مرزی بلافاصله اشغال شد و دشمن از آن به عنوان یک خط پدافندی در طول جنگ بهره‌برداری نمود. بخش میانی این دژ در عملیات بیت‌المقدس (از زید تا شمال شلمچه)، بخش شمالی آن در عملیات رمضان (از زید تا جنوب کوشک) در محدوده پاسگاه زید و بخش جنوبی آن در شلمچه در عملیات کربلای ۴ و ۵ یکی از مهم‌ترین خطوط منطقه نبرد بود و شهدای زیادی در حاشیه این دژ به شهادت رسیده‌اند.



## بیمارستان صحرایی امام حسین<sup>(ع)</sup>

بیمارستان صحرایی امام حسین<sup>(ع)</sup> در ۷ کیلومتر ۷ جاده شهید شرکت (جاده انشعابی از شرق جاده اهواز- خرمشهر و بین ایستگاه حسینیه و دارخوین) قرار دارد. این بیمارستان صحرایی در سال ۱۳۶۱ ابتدا به صورت سوله‌هایی با آهن و پلیت ساخته شد که بعدها و همزمان با عملیات کربلای ۴، بیمارستانی بتنی و با مساحت ۳۵۵۱ مترمربع در کنار آن احداث و به بهره‌برداری رسید.

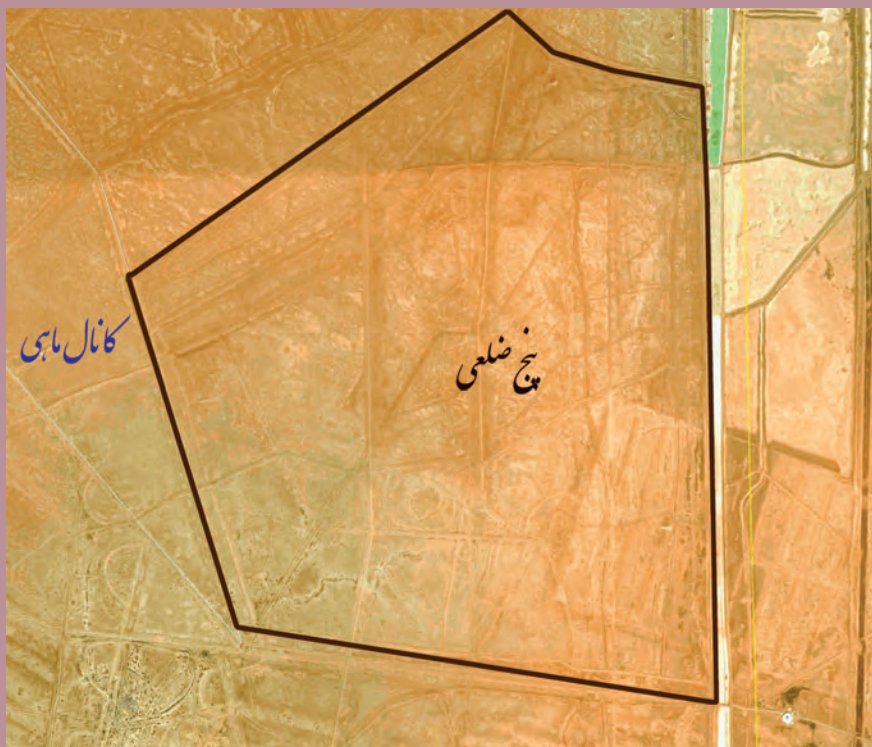


این بیمارستان توسط وزارت مسکن و شهرسازی و قرارگاه مهندسی خاتم الانبیاء<sup>(ص)</sup> برای پشتیبانی و مداوی مجروحین عملیات کربلای ۵ و عملیات والفجر ۸ ساخته شده و توسط بهداری رزمی جنوب اداره می‌شد.

این بیمارستان صحرایی که به ضخامت یک و نیم متر با خاک کاملاً استتار و با نیم متر ماسه و قطعات بتنی در برابر بمباران و موشک باران مقاوم شده بود، یکی از مجهزترین بیمارستان‌ها در نوع خود بود و در آن تقریباً همه امکانات یک بیمارستان شهری تدارک دیده شده بود. این بیمارستان علاوه بر پذیرش مجروحین جنگی، مصدومین شیمیایی را نیز پذیرش می‌کرد.

بیمارستان صحرایی امام حسین<sup>(ع)</sup> به گونه‌ای مجهز شده بود که دارای رادیولوژی، بانک خون، هشت اتاق عمل، بیست و پنج تخت اورژانس برای مجروحین عادی و بیست تخت اورژانس برای مصدومین شیمیایی، داروخانه، بخش ICU و آزمایشگاه، ۱۴۵۰ نفر پزشک و کادر مرتبط پزشکی و ۱۲۰ نفر کادر اجرایی بود. از همان بدو شروع به کار و راه‌اندازی، قسمت‌های مختلف این بیمارستان امکانات لازم را برای ارائه خدمات درمانی به مجروحین به‌دست آورد. به طوری که محل اورژانس آن که از دو سالن عمود بر هم تشکیل می‌شد، در موقع پدافند به عنوان نقاهتگاه و در هنگام آفند، به عنوان اورژانس برای پذیرش مجروحین بدحال، مورد استفاده قرار می‌گرفت.

مناطق زیر پوشش این بیمارستان صحرایی از خرمشهر (محلّی که رودخانه کارون، آبادان را از خرمشهر جدا می‌کند) تا زید و در صورت نیاز حداکثر تا صحرای کوشک امتداد می‌یافت. اورژانس‌های مستقر در محورهای عملیاتی شلمچه، زید، کوشک، طلائییه و خرمشهر، مجروحین خود را از طریق جاده‌های خرمشهر، شهید صفوی، امام رضا<sup>(ع)</sup> و زید به این بیمارستان منتقل می‌کردند. در سال ۱۳۶۷ و پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، در جریان هجوم دوباره ارتش عراق به جاده اهواز- خرمشهر و سه‌راه حسینیه، بیمارستان امام حسین<sup>(ع)</sup> در آستانه سقوط قرار گرفت و دشمن تا دو کیلومتری این بیمارستان پیشروی نمود. این بیمارستان در طول جنگ منشأ خدمات بسیار ارزنده‌ای به رزمندگان اسلام بود و نقش بسیار مهمی در مداوای مجروحین جنگی و به خصوص مصدومین ناشی از بمباران شیمیایی دشمن ایفا نمود.



♦ تصویر ماهواره ای از موقعیت پنج ضلعی و انتهای کانال پرورش ماهی (در سمت چپ تصویر مواضع هلالی شکل دشمن قابل مشاهده است)

## منطقه عملیاتی بیت المقدس ۷

۶۷

منطقه عملیاتی بیت المقدس ۷ در منطقه شلمچه و حدفاصل مرز دو کشور و شرق کانال پرورش ماهی قرار دارد و منطقه پنج ضلعی را در بر می گیرد. پس از سقوط شلمچه و به منظور فائق آمدن بر روند تهاجمات و برتری دشمن و جلوگیری از تلاش دشمن در ایجاد استحکامات جدید در منطقه و وارد کردن ضربه به دشمن، عملیات بیت المقدس ۷ طراحی و در ساعت ۲۲:۳۰ روز ۲۲ خرداد ۱۳۶۷ با رمز «یا ابا عبدالله الحسین<sup>(ع)</sup>»، توسط ده یگان از سپاه پاسداران به استعداد هفتاد گردان نیرو در سه محور به اجرا درآمد و حد فاصل کانال شهید ادب تا کانال پرورش ماهی و منطقه پنج ضلعی در شلمچه به تصرف درآمد.

روز بعد، پنج لشکر آزاد دشمن شامل دو لشکر از گارد ریاست جمهوری و لشکرهای اول مکانیزه و ۳ و ۶ زرهی که به عنوان نیروی احتیاط در منطقه قرار داشتند، بلافاصله خود را به صحنه نبرد رسانده و دست به پانک سنگین زدند. نیروهای خودی برای جلوگیری از تلفات احتمالی در برابر پانک های دشمن، پس از سه روز مقاومت دوباره به مواضع قبلی خود بازگشتند. این عملیات آخرین عملیات آفندی ایران در خاک عراق بود.



◆ افسران رژیم بعث در حال بررسی عملیات

## منطقه عملیاتی سرنوشت

شورای فرماندهی عراق به ریاست صدام حسین، سه‌روز پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران، در تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۶۷ با صدور اطلاعیه نظامی اجرای عملیات «توکلنا علی‌الله» را برای تصرف مجدد مناطق مرزی و انهدام نیروهای ایران و به اسارت درآوردن تعداد بیشتری از رزمندگان ایرانی (برای ایجاد برابری با تعداد اسرای عراقی) اعلام نمود و در سحرگاه جمعه ۳۱ تیر ۱۳۶۷ در شرایطی که وزیر خارجه وقت ایران در حال مذاکره با دبیرکل سازمان ملل بود، نیروهای دشمن از مناطق کوشک و شلمچه به داخل خاک ایران پیشروی کردند و در محور شلمچه، کانال شهید ادب را اشغال نمودند و در محور کوشک با تصرف جاده المهدی (ع) به حاشیه جاده اهواز-خرمشهر رسیدند و حدود سی کیلومتر از جاده ۱۲۵ کیلومتری اهواز-خرمشهر را از کیلومتر ۶۰ اهواز به سمت خرمشهر به تصرف خود درآوردند و با استفاده از نیروهای کماندویی و زرهی تلاش زیادی کردند تا از محور شلمچه و جاده اهواز-خرمشهر دوباره خرمشهر را محاصره کنند.

در این میان حجم حملات هوایی دشمن نیز افزایش یافت. در پایان این روز نیروهای دشمن با پشت سرگذاشتن جاده اهواز-خرمشهر حدود دو کیلومتر از جاده شهید شرکت را تصرف کرده و دره کیلومتری قرارگاه کربلا مستقر شدند. با انتشار خبر پیشروی دشمن به سمت جاده اهواز-خرمشهر که یادآور رخدادهای غافلگیرکننده آغاز جنگ بود، حجت الاسلام

سیداحمد خمینی پیام امام خمینی<sup>(ره)</sup> را تلفنی برای فرمانده وقت سپاه این چنین قرائت نمودند: «این نقطه حیاتی کفر و اسلام است. یعنی نقطه شکست یا پیروزی. اسلام یا کفر است و باید متر به متر جنگید و هیچی از هیچکس پذیرفته نیست و اینجا نقطه‌ای است که یا موجب می‌شود دوباره در کشور سپاه حیات پیدا کند و یا برای همیشه یک سپاه ذلیل و مرده‌ای بشود.»

با انتشار این پیام سرنوشته‌ساز، روح مقاومت و حماسه دوباره در میان فرماندهان و رزمندگان تقویت شد، به طوری که از بعداز ظهر همان روز با شکل‌گیری هسته‌های مقاومت همانند نخستین روزهای مقاومت در برابر دشمن، به تدریج دفاع مردمی در برابر دشمن شکل گرفت و بلافاصله پادگان حمید از اشغال نیروهای دشمن خارج شد و دولت عراق فقط ۲۴ ساعت پس از آغاز هجوم سراسری خود، در ساعت ۲۲ شب اول مردادماه به طور رسمی عقب‌نشینی نیروهای مسلح خود را از خوزستان اعلام نمود و در حالی که آخرین تانک‌های دشمن در ۳ مرداد ۱۳۶۷ در حال عقب‌نشینی از منطقه جنوب بودند، نیروهای منافقین بر اساس یک برنامه زمان‌بندی شده سی و سه ساعته، با به کار گرفتن چهار تا پنج هزار نفر از اعضای خود در قالب بیست و پنج تیپ با پشتیبانی ارتش عراق حملات خود را در غرب کشور آغاز نمودند.

در حالی که ایران با توجه به وضعیتش در صحنه نظامی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ با موانع بسیاری روبه‌رو بود، اقدام مشترک عراق و منافقین در حمله به خاک ایران نه تنها بر انسجام درونی ملت ایران افزود، بلکه با افشای ماهیت تجاوزکارانه رژیم عراق، مقدمات اجرای آتش بس در مرزها به وسیله سازمان ملل را فراهم نمود.

♦ محسن رضایی و فرماندهان سپاه در حال بررسی عملیات



# عملیات سر نوشت

بخش هاشور خورده محدوده اشغال شده توسط دشمن را نشان می دهد

دشت جو فیر

پادگان حمید

ایستگاه حمید

جاده اهواز - شوش

صحرائ کوشک

جاده اهواز - شوش

ایستگاه حسینیه

جاده حسینیه (زید)

پاسگاه زید

ایستگاه گرم دست  
(تیم تود)

کارون

دکل ابودر

سلمانیه

بزرگ محمدرضا

جاده شهید صفوی

شلمچه  
(جاده امام رضا)

خمار غربی

خمار شرقی

خرمشهر

شط العرب

بویان

کمان بوش ماهی

کمان زوجه

کمان زوجه

کمان زوجه

کمان زوجه

کمان زوجه

کمان زوجه

کمان زوجه

کمان زوجه

کمان زوجه







# آبادان

شادگان

آبادان

اروندکوار

اروندکوار

اروندکنار

فاو

خلیج فارس



بیمارستان صحرایی  
امام حسین (ع)

جاده امام صادق (ع)  
کارون

دارخوین

ذکال ایبوفره

سلمانیه

یادمان شهدای  
شرق کارون

بیمارستان صحرایی  
امام علی (ع)

تپه های ملین

پادبود

شهدای تندگویان

کوشکفر

سارون

جاده وحدت

مسرویان

میوهی

یادمان شهدای  
والفجر ۸

جاده اهواز - آبادان

جاده آبادان - ماشهر

خطار غربی

خطار شرقی

تویزه

جاده نادر - بصره

کارخانه نمک

محوال شیطانه



◆ تصویر تاریخی شهر آبادان - منطقه بواره

## شهرستان آبادان

شهرستان آبادان جنوبی‌ترین شهرستان استان خوزستان است و از شمال به شهرستان‌های شادگان و خرمشهر، از شرق و جنوب به خلیج فارس و از غرب و جنوب‌غربی با کشور عراق مرز مشترک دارد. این شهرستان دو بخش به نام‌های مرکزی و اروندکنار دارد که اروندکنار، مرکز بخش اروندکنار و آبادان مرکز بخش مرکزی شهرستان آبادان است. آب و هوای این شهرستان گرم و مرطوب است و اغلب مردم آن پیرو مذهب شیعه دوازده امامی هستند.

جزیره آبادان منطقه‌ای است محصور بین رودخانه‌های کارون، بهمن‌شیر و اروندرود و خلیج فارس که طول آن شصت و چهار کیلومتر و عرضش بین سه تا بیست کیلومتر در نوسان است و ۲۷۹۶ کیلومتر مربع وسعت دارد. قسمت‌های جنوب شرقی جزیره به صورت زمین‌های پست و باتلاقی است. عضدالدوله دیلمی (۳۷۲-۳۲۴ق)، برای کوتاه کردن مسیر کشتی‌هایی که از اهواز عازم بصره بودند، دستور داد که از کارون تا اروندرود نه‌ری حفر کنند که به «فم عضدی» معروف شد و در نتیجه شبه جزیره آبادان به صورت جزیره درآمد. در دوره هخامنشیان نام این شهر «آپ پات آن» بوده است، «آپ» یعنی آب، «پات» یعنی پائیدن و در کل آپاتان یعنی محل نگهداری از آب‌های سه‌گانه اروندرود، کارون و بهمن‌شیر. از آنجا که قبل از ایجاد پالایشگاه نفت، زمین این شهر، شوره‌زاری بیش نبوده و با ایجاد پالایشگاه و تأسیسات نفتی، آبادانی و رونق یافته است، لذا در شهریورماه سال ۱۳۱۴ش بر اساس مصوبه هیئت وزیران آن را آبادان، از ریشه همان آپاتان نام‌گذاری نمودند. شهرستان آبادان در ۱۳۲۱ش تشکیل شد و بنابر تقسیمات کشوری در دی ماه ۱۳۶۶ش تعداد دهستان‌های این شهرستان به شش دهستان رسید.

با آغاز نخستین حرکت‌های انقلاب اسلامی، مردم جزیره آبادان نیز به صفوف دیگر انقلابیون ایران پیوستند. در این میان نقش کارگران پالایشگاه نفت که یکی از حساس‌ترین رشته‌های حیات اقتصادی کشور را در دست داشتند بسیار کارساز بود.

با آغاز جنگ، این شهرستان آماج حملات هوایی و زمینی ارتش عراق قرار گرفت و خسارات مالی و جانی فراوان بر آن وارد آمد و پالایشگاه، تأسیسات نفتی، بندرگاه‌ها، فرودگاه و دیگر مراکز صنعتی و اقتصادی، شبکه آبرسانی، تأسیسات برق و نیز مناطق مسکونی بسیاری آسیب دیدند. اشغال شهرستان آبادان یکی از اهداف اصلی ارتش عراق در جنگ با ایران بود که در چنین صورتی عراقی‌ها می‌توانستند ضمن تسلط بر اروندرود و شمال خلیج فارس، بندر امام خمینی<sup>(ع)</sup> و ماهشهر را تهدید کنند. حکومت عراق، قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را که در آن حاکمیت مشترک ایران و عراق بر اروندرود به رسمیت شناخته شده بود در ۱۳۵۹/۷/۲۶ به طور یک جانبه ملغی اعلام کرد و پنج روز بعد با آغاز رسمی جنگ نیروهای خود را به سوی جزیره آبادان روانه کرد.

ارتش عراق پس از محاصره خرمشهر و آبادان در ۱۳۵۹/۷/۱۹ و با عبور از کارون در ۱۳۵۹/۷/۲۱ به این شهرستان نفوذ و بخشی از اراضی شمال شرقی آن را اشغال کرد و توانست با عبور از بهمن‌شیر در ۱۳۵۹/۷/۹ به این جزیره نفوذ کند. اما با مقابله مدافعان آبادان به خارج از جزیره عقب رانده شد و در شمال آن به محاصره جزیره اکتفا کرد. با عملیات ثامن‌الائمه<sup>(ع)</sup> در ۱۳۶۰/۷/۵ حصر یک ساله آبادان شکسته شد. با انجام عملیات والفجر ۸ و تصرف فاو این شهرستان به عقبه تدارکاتی فاو تبدیل شد و نخلستان‌های این شهرستان در اروندکنار و چوئبده نقش مهمی در استتار رزمندگان در عملیات‌های والفجر ۸ و کربلای ۴ ایفا نمودند.



بمباران شهر آبادان در آغاز جنگ

## آبادان

آبادان مرکز شهرستان آبادان و پس از اهواز، دومین شهر مهم استان خوزستان است که از شمال به خرمشهر و رود کارون، از شرق به رودخانه بهمن شیر و اراضی مسطح باتلاقی و از جنوب و غرب به اروندرود منتهی می‌شود. نام این شهر در گذشته «عبادان» (یعنی عبادت‌کنندگان) بوده است. در سال ۱۳۱۴ش طبق مصوبه هیأت وزیران نام عبادان به آبادان تغییر یافت. از مناطق مشهور شهر آبادان می‌توان به محله‌های بریم، بوارده، اروسی، فیه، هزاری‌ها، هلندی‌ها، امیری، احمدآباد، شاه‌آباد، فرح‌آباد، میدان طیب و بهمن شیر اشاره نمود.

این شهر دارای فرودگاه و بندر است که به دلیل داشتن پالایشگاه نفت و راهبردی بودن و هم‌مرزی با کشور عراق از زمان جنگ جهانی دوم از مهم‌ترین شهرهای خاورمیانه و ایران بوده است. نفت از اغلب مناطق خوزستان با لوله به این شهر می‌رسد و پس از تصفیه به نقاط مختلف کشور و برخی مراکز معاملات نفت جهان صادر می‌شود. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از وقایع مهم آبادان آتش گرفتن سینما رکس به دست عوامل رژیم پهلوی در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ بود که در آن حادثه ۳۷۷ تن جان خود را از دست دادند.



◆ تصویر ماهواره ای از شهر آبادان

پس از پیروزی  
انقلاب اسلامی عوامل  
ضدانقلاب دست به  
اقدامات خرابکارانه  
متعددی در سطح شهر  
آبادان زدند که از جمله  
آنها؛ انفجار بمب در

محوطه پالایشگاه در ۲۳ خرداد ۱۳۵۸، تخریب پل واقع بر نهر محربی و نهر ابوالفضل در سوم دی ۱۳۵۸ و انفجار چند لوله نفت و گاز در شمال آبادان در ۱۶ اسفند ۱۳۵۸ است. از همان ابتدا حجت الاسلام غلامحسین جمی (امام جمعه آبادان) و جمعی از مبارزین، کمیته انقلاب اسلامی را در آبادان تشکیل دادند و به مقابله با اقدامات خرابکارانه ضدانقلاب پرداختند.

آبادان از نخستین ساعات آغاز جنگ در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با تهاجم هوایی دشمن روبه‌رو شد و خسارتی به پالایشگاه آن وارد شد. در مهرماه ۱۳۵۹ آتش سنگین توپخانه دشمن از جنوب ارون‌درو بر تمام منطقه خرمشهر و آبادان باریدن گرفت و به فرودگاه آبادان، تأسیسات نفتی و اسکله‌های شهر و حتی بیمارستان‌ها آسیب جدی وارد شد. در ۱۹ مهر دشمن، آبادان را به محاصره کامل خود درآورد با این حال حدود ده هزار نفر از ساکنین آبادان شجاعانه در شهر ماندند و آبادان را ترک نکردند.

با فرمان تاریخی حضرت امام خمینی<sup>(ع)</sup> مبنی بر شکست حصر آبادان، با تشکیل ستاد فرماندهی ارون‌درو در ماهشهر، سرهنگ حسنی سعدی به فرماندهی منطقه عملیات آبادان-خرمشهر منصوب شد. از طرفی نیروهایی که شامل نیروی زمینی ارتش، تکاوران نیروی دریایی، ژاندارمری، نیروی سپاه و بسیج مردمی بودند، در منطقه ماهشهر، دارخوین و آبادان مستقر شدند. دشمن که در اشغال چند روزه خوزستان ناکام مانده بود، تلاش برای اشغال خرمشهر و آبادان را تشدید کرد و تلاش نمود تا با عبور از بهمن‌شیر آبادان را اشغال کند لذا در ساعات اولیه روز هشتم آبان توانست در کرانه شمالی بهمن‌شیر به سمت شرق پیش‌روی کرده و حدود پانزده کیلومتر از این کرانه را تحت کنترل خود درآورده و حلقه محاصره شهر را تکمیل کند. دشمن با عبور دادن بخشی از نیروهای خود از بهمن‌شیر در ۱۳۵۹/۸/۹ توانست برای اولین بار وارد جزیره آبادان شود که با اجرای عملیات کوی ذوالفقاری دوباره به عقب رانده شد.

آبادان حدود یک سال در محاصره دشمن بود تا اینکه با همت و تلاش رزمندگان در عملیات ثامن‌الائمه<sup>(ع)</sup> در پنجم مهرماه ۱۳۶۰، محاصره شکسته شد، اما کماکان گلوله‌باران شهر آبادان همچنان ادامه داشت. این شهر در طول جنگ به عنوان عقبه عملیات‌های مختلفی از جمله بیت‌المقدس، والفجر ۸ و کربلای ۵ و ۴ مورد استفاده قرار گرفت. اکنون بسیاری از شهدای دوران مقاومت در گلستان شهدای این شهر به خاک سپرده شده‌اند.



◆ مخازن نفت منهدم شده توسط دشمن

## پالایشگاه آبادان

پالایشگاه آبادان به عنوان مهم‌ترین تأسیسات شهر آبادان در بخش مرکزی شهر قرار دارد. پیش از آغاز جنگ، ظرفیت پالایش نفت در این پالایشگاه ۶۰۰ هزار بشکه در روز بود که نفت خام مصرفی آن از دو شبکه خطوط لوله از مناطق نفت خیز دریافت می‌شد و در منطقه بوارده آبادان در مجموع ۲۴۳ مخزن نفت و فرآورده‌های آن وجود داشت.

انگلستان که در سال ۱۲۷۸ ش به موجب قرارداد «داری» امتیاز و استخراج نفت ایران را به مدت شصت سال در اختیار گرفته بود، با فوران نفت از اولین چاه حفر شده در منطقه مسجدسلیمان در سال ۱۲۸۷ ش، ضمن تأسیس «شرکت نفت انگلیس و ایران» آبراه اروندرود را بهترین مسیر انتقال نفت انتخاب نمود تا نفت پس از تولید از طریق خطوط لوله به آبادان انتقال یابد و در این نقطه پالایشگاهی احداث و فرآورده‌های نفتی از آنجا باگیری شود. اراضی مورد نیاز پالایشگاه را «شیخ خزعل» حاکم محمره (خرمشهر) که با نمایندگی سیاسی انگلستان در خلیج فارس روابط نزدیک داشت، به موجب قراردادی ۹۹ ساله در اختیار شرکت مذکور گذاشت.

عملیات احداث پالایشگاه در سال ۱۲۸۸ ش شروع شد و اولین محموله نفت خام در سال ۱۲۹۱ ش از بندر آبادان صادر شد. با احداث پالایشگاه، کارشناسان انگلیسی و کارگران ایرانی در این مرکز صنعتی نوپدید مشغول به کار شدند و در نتیجه شهری با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی شهرهای انگلیس پدید آمد. نیروهای بیگانه بر آن تسلط یافتند و به بهره‌برداری از منابع نفت کشور پرداختند. در جنگ جهانی دوم این پالایشگاه به علت تولید سوخت هواپیما به مقدار ۲۵ هزار بشکه در روز (۱۲ درصد سوخت مورد نیاز هواپیماهای متفقین) شهرت



♦ هواپیماهای متفقیان در فرودگاه آبادان

جهانی یافت و هواپیماهای متفقیان با فرود در فرودگاه آبادان به تخلیه، سوختگیری و تعمیرات می‌پرداختند. پالایشگاه آبادان تا سال ۱۳۲۴ ش بزرگ‌ترین پالایشگاه جهان و مرکز عمده صدور فرآورده‌های نفتی در نیم‌کره شرقی به شمار می‌آمد و تولیدات آن به بیش از صد نوع می‌رسید که نفت سفید، بنزین خودرو و هواپیما، نفت کوره، قیر، نفت‌گاز و انواع حلال‌ها مهم‌ترین آن‌ها بودند.

محله بریم آبادان بزرگ‌ترین و بهترین محله شرکت نفت بود و کارکنان خارجی در آن سکونت داشتند. پالایشگاه آبادان، بیمارستان نفت، ساختمان اداره مرکزی، اداره کل روابط عمومی پالایشگاه، اداره کل تدارکات مرکزی، انبارهای بزرگ کالاهای ترانزیت، جرثقیل‌های بزرگ با ظرفیت بالا که معروف‌ترین آن‌ها «اکوان دیو» بود و خلاصه همه اسکله‌های بارگیری نفت و هسته تأسیسات نفت آبادان در محله بریم قرار گرفته بود. مناطق مسکونی کارکنان پالایشگاه بر اساس جایگاه شغلی‌شان، اطراف پالایشگاه ساخته شده بود و کارکنان به تناسب موقعیت و حساسیت شغلی‌شان از امکانات رفاهی و خدمات شهری برخوردار بودند. این وضعیت پس از ملی شدن صنعت نفت در ۱۳۲۹ ش همچنان ادامه داشت و ساختاری کاملاً طبقاتی بر شهر حاکم بود. ناحیه سبز و خرم «بریم» در کنار اروندرود با منازل وسیع و مجلل آن به مقامات بلندپایه، محله «بوارده» با خانه‌های نسبتاً مرفه‌اش به مدیران درجه دوم، و محله‌های «بهمن شیر» و «جمشیدآباد» با خانه‌های کوچک‌تر و ساده‌تر به کارگران عادی اختصاص یافته بود.

در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت و پس از ترور رزم‌آرا- نخست‌وزیر وقت- در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹، اوضاع آبادان متشنج شد و در حالی که کارکنان در اعتصاب بودند، پالایشگاه آبادان در اشغال کامل قوای نظامی انگلیسی قرار گرفت و حکومت نظامی اعلام شد. با ملی شدن صنعت نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ اوضاع آبادان بهبود نسبی یافت و شرکت ملی نفت ایران تشکیل شد و در ۱۹ خرداد ۱۳۳۰ پرچم ایران بر فراز ساختمان شرکت نفت برافراشته شد و به دنبال آن ۴۵۰۰ نفر از کارکنان انگلیسی از ایران خارج شدند.

در جریان انقلاب اسلامی کارکنان پالایشگاه آبادان با اعتصاب و توقف فعالیت خود در ۱۹ شهریور سال ۱۳۵۷ نقش بزرگی ایفا کردند. مجتمع پتروشیمی آبادان نیز که در سال ۱۳۴۵ ش با مشارکت ۷۴ درصدی شرکت ملی صنایع پتروشیمی و ۲۶ درصدی شرکت امریکایی «بی‌اف-گودریچ» در کنار پالایشگاه، تأسیس و در سال ۱۳۴۸ به بهره‌برداری رسیده بود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی با خرید کلیه سهام شرکت امریکایی توسط شرکت ملی صنایع پتروشیمی، ملی شد.



◆ اشغال پالایشگاه آبادان  
توسط نیروهای انگلیسی  
در جنگ جهانی دوم

پس از پیروزی انقلاب علی‌رغم اقدامات خرابکارانه عوامل ضدانقلاب در جهت متوقف کردن فعالیت‌های پالایشگاه، نظیر انفجار مپب در محوطه پالایشگاه آبادان در ۲۳ خرداد ۱۳۵۸ و انفجار چند لوله نفت و گاز در شمال آبادان در ۱۶ اسفند ۱۳۵۸، فعالیت‌های پالایشگاه هیچگاه تعطیل نشد. مردم آبادان برای مقابله با این خرابکاری‌ها، تشکیلاتی ایجاد کرده و نامش را «جوانمرد» یا «نیروهای خطوط لوله» گذاشتند.

با آغاز جنگ، دشمن با حملات هوایی، خساراتی را به پالایشگاه آبادان وارد آورد. در اول مهر ماه ۱۳۵۹ آتش سنگین توپخانه دشمن آسیب جدی به شهر آبادان و تأسیسات پالایشگاهی و مخازن آن وارد ساخت. لیکن با رشادت کارکنان شریف و زحمتکش آن که در میان دود و آتش و شلیک مداوم خمپاره از تأسیسات پالایشگاه محافظت می‌کردند، بازسازی و دوباره فعال شد. از تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۵ تا ۱۳۶۵/۱۱/۹ این پالایشگاه بیست و سه بار مورد حمله هوایی قرار گرفت. «کدکراکر» که بلندترین تأسیسات پالایشگاه است در تمام طول جنگ مورد استفاده واحدهای اطلاعات و توپخانه و ادوات در دیدبانی مواضع دشمن در غرب اروندرود مورد استفاده قرار می‌گرفت. دیوارهای پلیتی ضلع شمالی پالایشگاه که آثار ترکش‌های فراوان آن نمایان است و اتاق فرمان پالایشگاه (گیت ۱۸) از بقایای دوران جنگ در این پالایشگاه است.

◆ تصویر تاریخی از پالایشگاه آبادان و جرثقیل اکوان دیو







## اروند رود

اروند به معنی تیز و تندرو و در دوره باستان به تمام طول رود دجله و اروندرود امروزی گفته می‌شد. اگر اروند را با تلفظ «او-روند» بخوانیم به معنی آب رونده است. تا سه هزار سال پیش از میلاد مسیح<sup>(ع)</sup>، اروندرود وجود نداشت و رودخانه‌های دجله، فرات و کارون جداگانه به دریا می‌ریختند. با سقوط ساسانیان و به دلیل عدم مراقبت، سدها شکسته شد و دو رودخانه دجله و فرات در القرنه به هم پیوستند و اروندرود را تشکیل دادند.

هم‌اکنون ۸۱ کیلومتر از ۱۷۵ کیلومتر طول اروندرود- از محل پیوستن نهر خین به این رودخانه تا مصب آن در خلیج فارس- مرز مشترک ایران و عراق محسوب می‌شود. عرض اروندرود بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متر و عمق آن بین نه تا پانزده متر در نوسان است و هنگام جزر و مد آب، تغییر می‌یابد و در عین حال برای کشتیرانی مناسب است. اروندرود را به علت جزر و مدها و نوع جریانش (جریان آرام بر سطح و جریان سریع و متلاطم در عمق) رودخانه وحشی نیز می‌نامند.

آب اروندرود از رودخانه‌های دجله و فرات که از ترکیه سرچشمه می‌گیرند و از رودخانه‌های کارون، کرخه، زاب بزرگ، زاب کوچک، دیاله، بکور، سیروان و الوند که همگی از ایران سرچشمه می‌گیرند، تأمین می‌شود و از نظر حجم، ۶۷ درصد آب اروندرود از ایران تأمین می‌شود. پوشش ساحلی اروندرود پوششی از «چولان» (بوته‌های بلند) و «نی» است و عمق نخلستان‌های آن بین دو تا پنج کیلومتر متغیر است و به وسیله کانال و نهرهای مصنوعی عمود بر اروندرود، در حالت مد آبیاری می‌شوند. بصره، خرمشهر، آبادان، خسر و آباد و فاو از جمله بندرهای مهم این آبراه هستند که نقش چشمگیری در رونق تجارت و بازرگانی منطقه دارند.





◆ اروندرود- عملیات والفجر ۸

از آغاز تشکیل کشور عراق در پایان جنگ جهانی اول، همواره ادعاهای غیر حقوقی این کشور بر مالکیت کامل اروندرود، از مباحث اصلی اختلافات مرزی ایران و عراق بود که سرانجام بر اساس معاهده ۱۹۷۵ الجزایر، ژرفگاه (خط القعر و یا خط تالوگ) رودخانه به عنوان خط مرزی تعیین شد.

یکی از اهداف رژیم بعثی عراق در هجوم سراسری به ایران، حاکمیت مطلق بر اروندرود و انتقال مرزهایش به ساحل شرقی این رودخانه بود. در خرداد ۱۳۵۸ دولت عراق با اعزام ناوچه‌های گشت‌زنی شروع به تقویت پاسگاه‌های مرزی خود در ساحل اروندرود نمود و بالگردهای آن کشور بر فراز اروندرود به پرواز درآمدند.

با شروع جنگ تحمیلی اروندرود به سبب عریض بودن و تأثیرات ناشی از جزر و مد خلیج فارس بر این رودخانه- که هرگونه عملیات نظامی را با محدودیت مواجه می‌ساخت- مورد توجه نیروهای نظامی دو کشور ایران و عراق قرار نگرفت و فقط دو کشور با آتش توپخانه به تأسیسات نظامی و غیرنظامی مستقر در ساحل دو طرف اروندرود آسیب می‌زدند. در دومین ماه جنگ، ارتش عراق در حالی که از ساحل جنوبی این رودخانه، آبادان را می‌کوبید، از سمت شمال این شهر پیش‌روی کرد و در ۱۳۵۹/۸/۹ با عبور از بهمن شیر به نزدیکی اروندرود رسید. دشمن سعی داشت با پیش‌روی از جاده خسروآباد تا شهر اروندرکنار در اراضی شمالی این رودخانه استقرار یافته و بر آن تسلطه کامل یابد، لیکن با مقابله مدافعان آبادان، عقب‌رانده شد. در عملیات والفجر ۸ و به دنبال موفقیت رزمندگان در عبور از اروندرود، برای بهبود تردد و افزایش توانایی انتقال رزمندگان به آن سوی اروندرود، پل‌سازی بر روی رودخانه مورد توجه و تأکید قرار گرفت.

با پایان جنگ و به رسمیت شناختن دوباره قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر توسط عراق، اروندرود دیگر بار حیات خویش را بازیافت هرچند که به علت انباشته شدن گل‌ولای و لاشه‌های کشتی‌های غرق شده قابلیت کشتی‌رانی کشتی‌های بزرگ تجاری را تا حدی از دست داده بود.



عبور رزمندگان از بهمن شیر



حمل محصولات نفتی  
در دهه ۱۲۹۰ ش از  
روی بهمن شیر

## بهمن شیر

بهمن شیر همان شاخه اصلی کارون است که ابتدا بهمن اردشیر و به مرور زمان بهمن شیر نام گرفت. این رود که ۸۵ کیلومتر طول دارد در شمال جزیره آبادان جاری است و به خلیج فارس می ریزد و از آن نهرهای متعددی منشعب می شود که کرانه های دو طرف رود را آبیاری می کند.



با آغاز جنگ، ارتش عراق که برای تصرف جزیره آبادان قادر نبود از ارونرود عبور نماید، با قوای زرهی از شمال شلمچه وارد خاک ایران شد و پس از عبور از کارون، در ۱۳۵۹/۷/۸ به ساحل شمالی بهمن شیر رسید و آبادان را محاصره نمود. محاصره زمینی جزیره آبادان هر چند بسیار با اهمیت بود اما هدف اصلی عراق، یعنی تصرف کامل جزیره آبادان و حضور در سواحل ارونرود، هنوز به طور کامل تحقق پیدا نکرده بود؛ لذا نیروهای عراقی می بایست از رودخانه بهمن شیر عبور کرده و وارد جزیره آبادان می شدند پس از عبور بخشی از نیروهای دشمن از بهمن شیر در منطقه کوی ذوالفقاری، بلافاصله مدافعان آبادان در عملیات کوی ذوالفقاری دشمن را مجبور به عقب نشینی کردند و نیروهای دشمن هیچگاه موفق به عبور مجدد از این رودخانه نشدند. پس از جنگ، بخش هایی از این رودخانه برای تردد شناورهای باری و صیادی با ظرفیت ۵ هزار تن لایروبی شد.





## اروندکنار

اروندکنار شهر و بخشی است در شهرستان آبادان که در ۵۲ کیلومتری جنوب شرقی آبادان قرار دارد. شهر اروندکنار که قبلاً قصبه یا گسبه نام داشت (قصبه النصار هم می‌گویند) در زمان پهلوی دوم و در سال ۱۳۳۸ به شهر اروندکنار تغییر نام یافت. این شهر بندری، اسکله و امکانات بارگیری برای لنج‌های کوچک دارد و آخرین حد خشکی در جنوب جزیره آبادان است و روبه‌روی آن شهر فاو، بندر معروف صادراتی و پایانه نفتی عراق قرار دارد. اهالی این منطقه عرب زبان بوده و بیشتر آنها شیعه هستند اما تعداد کمی از صابئین نیز در آن زندگی می‌کنند. از لحاظ طبیعی، اروندکنار به‌صورت دشت نسبتاً همواری است که از رسوبات بین‌النهرین و نیز رسوبات رشته‌کوه زاگرس تشکیل شده است.

قبل از آغاز جنگ، بخش اروندکنار با اقدامات خرابکارانه گروه‌های ضدانقلاب و خلق عرب وابسته به رژیم بعث، نظیر انفجار ۲۶ دی ۱۳۵۸ در دبستان روستای صحنه بخش اروندکنار و انفجار ۱۹ بهمن ۱۳۵۸ در مدرسه سیروس شهر اروندکنار روبه‌رو بود. در این ایام دشمن به تحرکات گسترده‌ای در ساحل غربی اروندرود و مقابل اروندکنار دست زد و علاوه بر افزودن استحکامات خود در منطقه در ۱۰ خرداد ۱۳۵۸ یک گردان توپخانه را در منطقه فاو و مقابل شهر اروندکنار به همراه واحدهای رزمی متعدد مستقر نمود تا علاوه بر کنترل مصب اروندرود بر شهرهای روستاهای ایران مسلط شود.

در دوم تیر و دهم شهریور ۱۳۵۹ نیز نیروی دریایی ارتش عراق ناوگان جنگی خود را در این منطقه متمرکز نمود که به نظر می‌رسید همه این تحرکات جهت کنترل بر اروندرود بوده است.



♦ تصویر ماهواره ای از پادمان شهدای والفجر ۸

مهم‌ترین پاسگاه‌های ایران در بخش اروندکنار پاسگاه‌های مینوخی، سعدونی، نهر علی شیر، نهر ابتر و خرمال بود که در مقابل پاسگاه‌های فاو شمالی و فاو جنوبی عراق به فعالیت می‌پرداختند. پیش از آغاز جنگ، برخی از این پاسگاه‌ها مانند پاسگاه خرمال اروندکنار (به ویژه در یکم و بیستم شهریور ۱۳۵۹) با تجاوز نیروی دریایی عراق روبه‌رو بوده است.

نزدیکی اروندکنار به شهر فاو که مهم‌ترین محور ارتباطی عراق به خلیج فارس است، بر اهمیت جغرافیایی این بخش به ویژه در زمان دفاع مقدس افزود؛ به نحوی که با آغاز جنگ بخش و شهر اروندکنار عملاً به محاصره دشمن درآمد، که با مقابله رزمندگان و شکست حصر آبادان تهدید عراقی‌ها در تصرف اروندکنار نیز از بین رفت اما همچنان بخش اروندکنار و آبادی‌های آن و نیز سراسر سواحل این منطقه زیر آتش دشمن قرار داشت.

اروندکنار در بهمن ۱۳۶۴ محل تدارک رزمندگانی بود که برای عملیات والفجر ۸ آماده می‌شدند. واحدهای مهندسی نیز به منظور تثبیت نیرو و تأمین نیازهای مهندسی منطقه، پیش از عملیات، با فعالیت‌های متعددی مانند احداث جاده‌های آنتنی شکل، احداث مواضع توپخانه و ایجاد مواضع موشک زمین به هوا در بخش اروندکنار، مقدمات عملیات را فراهم نمودند.

در عملیات والفجر ۸ موقعیت حساس اروندکنار به همراه نخلستان‌های وسیع آن که پوشش مناسبی برای تدارک و جابه‌جایی نیرو به شمارش می‌آمد، در موفقیت عملیات بسیار مؤثر بود.

در شهریور ۱۳۶۵ و طی عملیات موفقیت‌آمیز کربلای ۳، رزمندگان قرارگاه نوح با حرکت از قسمت‌های جنوبی بخش اروندکنار، دو اسکله الامیه و البکر را که مهم‌ترین پایانه‌های نفتی و پایگاه‌های دریایی عراق در خلیج فارس بودند منهدم ساخته و آرایش دشمن را در خلیج فارس متلاشی ساختند.

با خاتمه جنگ و اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸، اروندرود بار دیگر مرز غربی ایران تعیین شد و سواحل اروندکنار مورد استفاده مردم این منطقه قرار گرفت.



◆ نخل‌های سوخته در جزیره مینو



◆ پل ارتباطی جزیره مینو و آبادان

## جزیره مینو

جزیره مینو منطقه‌ای نخلستانی در ضلع جنوب غربی فرودگاه آبادان است که به علت قرارگرفتن در وسط رودخانه اروندرود، حالتی جزیره‌ای دارد. نام این جزیره در گذشته «صلبوخ» بوده است که بعدها به جزیره مینو و اخیراً به مینوشهر تغییر نام داده است. از لحاظ تقسیمات کشوری جزیره مینو قبلاً جزو شهرستان خرمشهر بود ولی اکنون در محدوده شهرستان آبادان قرار دارد. مینوشهر با یک پل فلزی به طول ۲۱۰ متر و عرض ۸ متر با آبادان و خرمشهر مرتبط است. این پل که اهمیت ارتباطی فراوانی دارد، در سال ۱۳۴۹ ش ساخته شده است.

این جزیره به دلیل قرارگرفتن در وسط اروندرود برای تردد نیروهای دشمن موقعیت بسیار مناسبی فراهم می‌ساخت. به همین علت برادر عبدالحسین بنادری که مسئول عملیات سپاه آبادان بود، در ابتدا خودش فرماندهی سپاه در جزیره مینو را بر عهده گرفت و بعدها نیز این مسئولیت به برادر عبدالله همیمی واگذار شد.

در عملیات کربلای ۴ جزیره مینو از جمله محورهای عملیاتی بود. پاسگاه‌های مرزی در جزیره مینو در طول جنگ در مواقع لزوم به تبادل آتش با نیروهای دشمن در آن سوی اروندرود می‌پرداختند و واحد ادوات آبادان از آغاز جنگ در این جزیره مستقر بود و اجرای آتش خوبی بر مواضع دشمن داشت. جزیره مینو اکنون یکی از مناطق گردشگری جزیره آبادان محسوب



## اسکله چوئبده

می‌شود و در حال حاضر جزء منطقه آزاد تجاری اروند است.

### چوئبده

روستای چوئبده در ۴۵ کیلومتری جنوب شرقی آبادان و ۱۰ کیلومتری شمال قفص درکنار رود بهمن شیر قرار دارد. با سقوط خرمشهر و محاصره آبادان بسیاری از مردم با رساندن خود به این روستا از طریق رودخانه بهمن شیر با لنج و یا بالگرد به بندر امام خمینی<sup>(۵)</sup> و ماهشهر رفتند. توپخانه ارتش هنگامی که دشمن در ۱۹ مهر ماه به شمال بهمن شیر رسید، قبضه‌های توپخانه را به ناچار از منطقه سده به چوئبده منتقل نمود که این امر مدافعان خرمشهر را از آتش پشتیبانی محروم نمود.

بالگردهای هوانیروز ارتش نیز که از منطقه سده برای فرود استفاده می‌کردند، محل فرود خود را به چوئبده تغییر دادند.

در طول جنگ این منطقه محل تردد لنج‌ها و بالگردهایی بود که نقل و انتقال نیرو و مهمات از بندر امام خمینی<sup>(۵)</sup> و ماهشهر را برعهده داشتند. در عملیات والفجر ۸ نیز از اسکله چوئبده استفاده فراوانی شد. اکنون چوئبده به سه آبادی چوئبده ۳۰۲،۱ تقسیم شده است.

♦ خروج جنگ‌زدگان از طریق رودخانه بهمن شیر و اسکله چوئبده





◆ شهید محمدجواد تندگویان



## سادات (بنای یادبود شهید تندگویان)

روستای سادات در ۵۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر آبادان واقع است و رودخانه بهمن شیر از جنوب آن می‌گذرد. در تاریخ ۹ آبان‌ماه ۱۳۵۹ در حالی که دشمن با نصب پل و عبور از بهمن شیر قصد داشت وارد کوی ذوالفقاری شود، مهندس محمدجواد تندگویان وزیر نفت کشورمان که برای بازدید از پالایشگاه آبادان که به شدت زیر آتش نیروهای عراقی بود به آبادان می‌رفت، در محل روستای سادات در شرق بهمن شیر به اسارت نیروهای عراقی درآمد.

رژیم بعث مدت یازده سال هیچ‌گونه اطلاعی از شهید تندگویان در اختیار ایران و خانواده ایشان نگذاشت تا آنکه بالاخره در آذرماه سال ۱۳۷۰ یک هیأت ایرانی پیکر این وزیر شهید را به ایران بازگرداند.

اکنون روبه‌روی پل روستای سادات بنای یادبودی از این شهید گرانقدر قرار دارد. لازم به ذکر است که پل سادات که جنوبی‌تر از «پل کریمی» است و جاده چوئبده- قفاص را از کنار روستای سادات به جاده «خضرزنده» متصل می‌کند، در محل همان پل شناوری است که ارتش عراق بر روی بهمن شیر نصب کرد و از آنجا وارد کوی ذوالفقاری شد که مرحوم دریاقلی با آگاهی از هجوم آنها و با اطلاع به رزمندگان در ممانعت از ورود دشمن به آبادان نقش مهمی ایفا نمود.



## پل ایستگاه ۷ و ۱۲ آبادان



◆ پل ایستگاه ۷

اولین پلی که روی بهمن شیر  
احداث شد پلی موسوم به  
پل چوبی بهمن شیر یا جسر

بهمن شیر بود. این پل که روی آن با تخته پوشانده شده بود، در سال ۱۲۹۰ش توسط شرکت نفت برای رفت و آمد به اهواز و آبادان روبه روی در شمالی پالایشگاه ساخته شد و پلی بسیار کم عرض بود که عبور و مرور وسائط نقلیه از آن یک طرفه بود. از آنجایی که این پل در محل ایستگاه ۷ اتوبوسرانی آبادان بر روی بهمن شیر ساخته شد، به پل ایستگاه هفت معروف شد. پس از جنگ، پل جدید ایستگاه ۷ به نام پل پیروزی یا ثامن الائمه<sup>(ع)</sup>، جایگزین پل قبلی شد.

پل ایستگاه ۱۲ نیز در سال ۱۳۴۹ش در محل ایستگاه ۱۲ اتوبوسرانی آبادان روی بهمن شیر ساخته شد. این پل شمالی ترین و اولین پل فلزی بهمن شیر است و طول آن ۱۳۵ متر و پهنای آن ۶ متر است. این پل‌ها در واقع گلوگاه اصلی ورودی به شهر از سمت جاده اهواز و جاده ماهشهر محسوب می‌شوند. پس از قطع ارتباط جاده اهواز-آبادان و پیش روی نیروهای عراقی در ۱۳۵۹/۷/۲۱ به سمت ایستگاه ۷ و ۱۲ در شمال شرقی آبادان، تعداد معدودی از مدافعان که کمتر از یک گردان بودند، به مقابله برخاستند، اما با تشدید فشار دشمن و پیش روی آنها تا ۲ کیلومتری ایستگاه ۷ و ۱۲، مدافعان در ساحل جنوبی بهمن شیر موضع گرفتند. در ۱۳۵۹/۷/۲۳ مدافعان برای ممانعت از ورود دشمن به شهر بر روی پل‌ها مین گذاری کردند و به ناچار مواضع توپخانه ارتش را که در ایستگاه ۷ مستقر بود به کیلومتر ۲۰ جاده ماهشهر منتقل نمودند. همین امر سبب شد تا جبهه خرمشهر از آتش پشتیبانی این توپخانه محروم شود. ارتش عراق در عبور از رودخانه بهمن شیر از این دو پل استفاده نکرد و کوی ذوالفقاری را برای عبور از بهمن شیر برگزید، چراکه عراق اولاً از ورود به شهر آبادان و بروز جنگ شهری - با توجه به تجارب ورود به خرمشهر- پرهیز داشت و ثانیاً در کوی ذوالفقاری فاصله میان رودخانه‌های اروند و بهمن شیر کمتر بود و از طرفی از لحاظ نظامی تصرف جاده خسر و آباد (آخرین راه ارتباطی با ساحل جنوبی کشور) و دسترسی به ساحل اروندرود از طریق کوی ذوالفقاری با سهولت بیشتری امکان پذیر بود.

به طور کلی در عملیات‌های دوره محاصره، نظیر عملیات ۱۳۵۹/۸/۳، عملیات سه راهی آبادان (۱۳۵۹/۱۹/۱۹)، عملیات توکل (۱۳۵۹/۱۰/۲۰) و عملیات تپه‌های مدن (۱۳۶۰/۲/۲۵)؛ جبهه ایستگاه ۷ و ۱۲ یکی از محورهای اصلی هجوم رزمندگان بود که در آنها دشمن متحمل خسارات و تلفاتی شد. پس از عملیات تپه‌های مدن، خطوط دفاعی رزمندگان به شمال سه راهی آبادان و در محور ذوالفقاریه منتقل شد و در نهایت در عملیات ثامن الائمه<sup>(ع)</sup> نیروهای جبهه ذوالفقاریه (ایستگاه ۷ و ۱۲) با مأموریت انهدام خطوط دشمن در دو طرف جاده اهواز-آبادان و تصرف خاکریزهای اول تا سوم و پیش روی به سمت پل حفار را بر عهده داشتند.



◆ آثار گلوله باران دشمن بر کلیسای آبادان

## کلیسا و مدرسه ارامنه

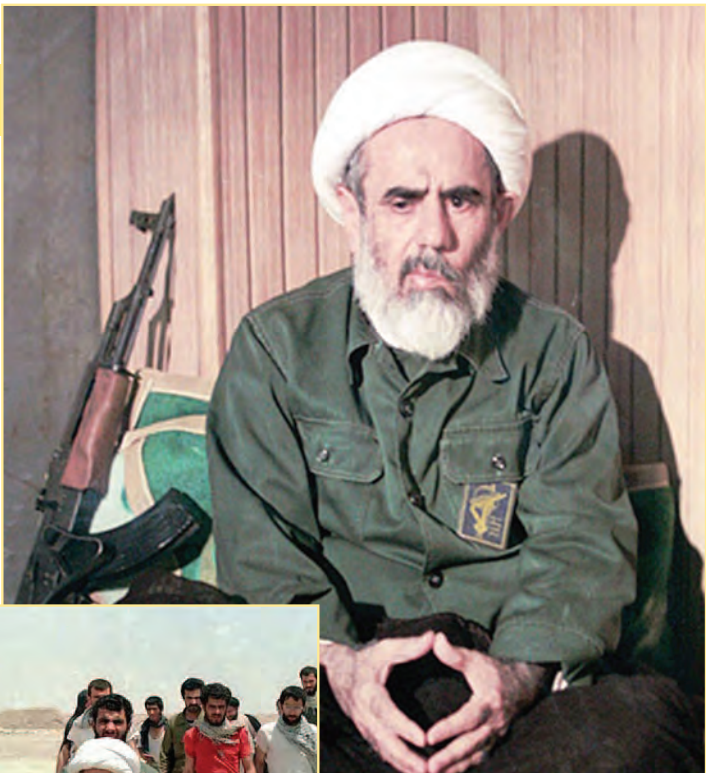
کلیسای ارامنه گریگوری آبادان یا کلیسای «فراپیت مقدس» در سال ۱۳۳۶ ش بنا شد و بزرگترین تالار اجتماعات ارامنه آبادان محسوب می‌شود. این کلیسا در جنوب میدان انقلاب آبادان و در خیابان طالقانی (زند) و در کنار مسجد امام موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> - معروف به مسجد دشتستانی‌ها که با گلوله باران دشمن تخریب شد- واقع است و روبه‌روی آن مدرسه ارامنه قرار دارد.

با هجوم ارتش عراق، سپاه پاسداران آبادان با موافقت کلیسا، برای سازماندهی نیروهای مردمی در دفاع از آبادان در این مکان و نیز مدرسه مقابل آن، مستقر شدند. این کلیسا و مدرسه در طول جنگ بارها مورد تهاجم دشمن قرار گرفت و بخش‌هایی از آنها تخریب شد.



◆ نمایی از کلیسای آبادان در زمان جنگ

♦ حجت الاسلام چمی  
و شهید حسن باقری  
در جبهه آبادان



## مسجد قدس

مسجد قدس واقع در

ایستگاه ۶ آبادان محل برگزاری نماز جمعه در دوران جنگ بود. در روزهای جمعه رزمندگان و مردم آبادان در این مسجد گردهم آمده و نماز جمعه را به امامت حجت الاسلام غلام حسین چمی اقامه می‌کردند.

حضور ایشان در آبادان در دوران جنگ، به ویژه دوره محاصره آبادان روحیه بخش و موجب پایداری و مقاومت مردم و رزمندگان شهر بود.

هنگامی که احتمال بمباران شهر با توجه به حساسیت ارتش بعث عراق به اقامه نماز جمعه در آبادان می‌رفت، محل برگزاری نماز به زیرزمین بزرگ کمیته ارزاق واقع در احمدآباد و یا به مکان‌های دیگر مانند مسجد موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> یا مسجد امام خمینی<sup>(ره)</sup> که اکنون مصلاي آبادان است، منتقل می‌شد.



♦ هتل بین المللی آبادان-قبل از آغاز جنگ

## هتل‌های آبادان

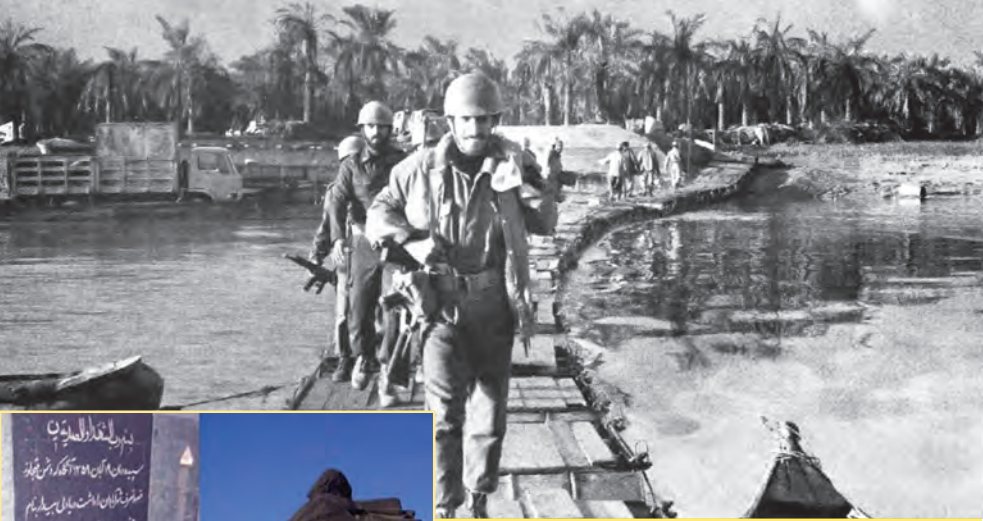
هتل‌های آبادان در بخش جنوب شرقی فرودگاه آبادان و در شمال خیابان ساحلی و جنوب محله بریم آبادان قرار دارند که پس از سقوط خرمشهر و محاصره آبادان، محل استقرار رزمندگان شد.

هتل پرشین (آزادی) در منطقه بریم و در کنار جاده آبادان-خرمشهر قرار داشت و نزدیک‌ترین هتل به شهر آبادان بود که محل استقرار سپاه پاسداران خرمشهر به فرماندهی شهید جهان آرا و مرکز فرماندهی و پشتیبانی نیروهایی که در خطوط پدافندی خرمشهر (محرزی و کوت شیخ) مستقر بودند، محسوب می‌شد.

هتل بزرگ بین‌المللی آبادان نیز محل سپاه پاسداران آبادان و مرکز فرماندهی، استقرار و پشتیبانی مدافعان آبادان و ستاد عملیات جنوب بود. هتل کاروان‌سرا نیز مقر نیروهای فدائیان اسلام به فرماندهی شهید سیدمجتبی هاشمی بود. به همین علت، این هتل‌ها در طول جنگ دچار صدمات فراوانی شدند.

♦ فرمانده نیروهای فدائیان اسلام-شهید سیدمجتبی هاشمی





♦ کوی ذوالفقاری، زمستان ۱۳۵۹



♦ بنای یادبود شهید دریاقلی سورانی

## منطقه عملیاتی کوی ذوالفقاری

کوی ذوالفقاری در بخش شرقی شهر آبادان واقع است و در شمال آن رود بهمن شیر و در جنوب آن جاده خسروآباد قرار دارد. با عبور دشمن از رودخانه کارون در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۸ و تسلط بر ساحل شمالی بهمن شیر و محاصره آبادان، تیپ ۶ زرهی و واحدهایی از تیپ ۳۳ نیرو مخصوص عراق که در عبور از کارون تجربه داشتند، در اقدامی غافلگیرانه شب ۱۳۵۹/۸/۸ با نصب پل بر روی بهمن شیر، دوگردان از نیروهای خود را از منطقه کوی ذوالفقاری وارد جزیره آبادان کردند و تا جاده خسروآباد پیشروی نمودند.

اما با فریاد پیرمردی آبادانی به نام «علی دریاقلی سورانی» به یکباره همه چیز در سپاه آبادان تغییر می‌کند. فریادی که خبر از عبور نیروهای دشمن از رودخانه بهمن شیر در منطقه کوی ذوالفقاری می‌داد. وقتی این خبر در اسرع وقت به اطلاع مدافعان آبادان رسید، بلافاصله در ساعت ۸:۳۰ نهم آبان مدافعان در قالب گروه‌های عملیاتی به سوی کوی ذوالفقاری حرکت کردند و با هجومی برق‌آسا موفق شدند نیروهای دشمن را مجبور به عقب‌نشینی به شمال رودخانه بهمن شیر کنند. از این پس تا زمان عملیات ثامن الائمه<sup>(ع)</sup>، نیروهای عراقی هیچ‌گاه موفق به عبور مجدد از این رودخانه نشدند و در این مدت حضور خود را با آرایشی پدافندی در شرق کارون حفظ کردند.

اکنون به یاد شهید دریاقلی سورانی که با دوچرخه، مسافتی ۹ کیلومتری را تا سپاه آبادان به سرعت پیموده بود، بنای یادبودی در ابتدای چهل‌متری ذوالفقاری آبادان با عنوان «پیک شهادت» احداث شده است.



◆ عکاس سعید صادقی

## منطقه عملیاتی تپه‌های مدن

روستای مدن در شمال شرقی آبادان واقع است و در شمال آن میدان تیر آبادان قرار دارد. قبل از جنگ، دو تپه مصنوعی با ارتفاع چندمتری از سطح مناطق مجاور ایجاد شده بود که به تپه‌های مدن معروف بود. رزمندگان پس از اینکه در عملیات کوی ذوالفقاری (۱۳۵۹/۷۹)، ارتش عراق را تا پشت جاده قفاص عقب راندند، حدود ده روز بعد با حمله دیگری، دشمن را ناچار به عقب‌نشینی تا تپه‌های مدن کردند.

نیروهای عراق با استقرار در این تپه‌ها علاوه بر اینکه جاده قفاص را کنترل می‌کردند، بر شهر آبادان دید داشتند و آن را زیر آتش خود قرار می‌دادند.

۹۳

برای آزادسازی این تپه‌ها در تاریخ ۱۳۶۰/۲/۲۵ دو گروهان ادغامی از ارتش، سپاه و بسیج در عملیاتی محدود از دو طرف به تپه‌های مدن حمله کرده و در همان لحظات اول یکی از تپه‌ها را آزاد کردند. ساعتی بعد تپه دوم نیز به تصرف رزمندگان درآمد. عراقی‌ها بلافاصله پاتک کردند و تپه‌ها را بازپس گرفتند. این تپه‌ها چندین بار دست به دست شد و در نهایت با اسارت ۸۵ تن از نیروهای دشمن به تصرف رزمندگان درآمد. در این عملیات محدود ۵۵ نفر از رزمندگان شهید شدند که از جمله آنها برادر پاسدار رضا مؤذنی فرمانده یکی از گروهان‌ها بود. با آزادسازی تپه‌های مدن، جاده قفاص تقریباً از دید و تیررس نیروهای عراقی خارج و تردد در آن میسر شد.

ارتش عراق که دید و کنترل خود را بر بخشی از منطقه از دست داده بود، حضور گسترده خود را در پنج کیلومتری جنوب جاده ماهشهر مورد تهدید می‌دید، لذا در ۱۳۶۰/۲/۳۱ منطقه‌ای به وسعت شانزده کیلومتر مربع را تخلیه کرد و در یک کیلومتری جنوب این جاده مستقر شد. پس از این عملیات میدان تیر آبادان به میدان ولایت فقیه تغییر نام یافت.



♦ رزمندگان ارتش در حال بررسی عملیات

## منطقه عملیاتی سهراهی آبادان

تلاقی دو جاده آبادان- ماهشهر و آبادان- اهواز به سهراهی آبادان مشهور است. نیروهای ارتش عراق پس از عبور از کارون، از چند محور به پیشروی خود ادامه دادند که یکی از محورها به سمت این سهراهی بود. دشمن ضمن توقف در این منطقه، از تلاش برای نفوذ از این محور به داخل آبادان، اجتناب کرد.

در ساعت ۲ بامداد ۱۳۵۹/۹/۱۹ رزمندگان شامل پنج گروهان از سپاه و نیروهای مردمی به همراه دو گروهان از ارتش در منطقه سهراهی آبادان، با هدف گرفتن جای پای در جنوب این منطقه، از سه جناح وارد عمل شدند. به جز نیروهای جناح راست که به میدان مین برخوردند، دو جناح دیگر در هفتاد متری دشمن منتظر اعلام رمز شروع عملیات بودند. اما چند دقیقه قبل از اعلام رمز، دشمن نیروهای عمل کننده را زیر آتش گرفت و آن‌ها را زمین گیر کرد و این وضعیت تا ساعت ۳:۳۰ که دستور عقب نشینی صادر شد، ادامه یافت. هنگام اجرای آتش دشمن، یک دسته (بیش از سی نفر) از نیروها در جناح راست پس از عبور از میدان مین به خط دشمن هجوم بردند و تعدادی از عراقی‌ها را به هلاکت رساندند و خود نیز به شهادت رسیدند. سایر نیروهای خودی در ۸۰۰ متری خط دشمن (۱۲۰۰ متر جلوتر از خط قبلی) مستقر شدند.

در عملیات ۱۳۵۹/۱۰/۲۰ اگرچه نیروهای خودی خط پدافندی عراق را در سهراهی آبادان شکسته و تعدادی را اسیر کردند، لیکن به دلیل موفق نشدن در محورهای دیگر، رزمندگان به ناچار عقب نشینی کردند.

پس از عملیات محدود آزادسازی تپه‌های مدن (۱۳۶۰/۲/۲۵)، رزمندگان خط پدافندی خود را در این منطقه به شمال سهراهی آبادان منتقل کردند تا اینکه با عملیات ثامن الائمه<sup>(ع)</sup> در ۱۳۶۰/۷/۵ رزمندگان مواضع دشمن را در هم کوبیده و مناطق اشغالی را تا ساحل کارون آزاد کردند.



◆ نقل و انتقال نیروهای دشمن در جزیره آبادان

## منطقه عملیاتی توکل

پس از عملیات سهراهی آبادان، ستاد فرماندهی عملیات اروند- که از ۲۷ مهر ۱۳۵۹ در ماهشهر تشکیل شده بود- دومین طرح خود را آماده کرد. در این طرح چهار مرحله پیش‌بینی شده بود. در مرحله اول جاده آبادان- ماهشهر و در مرحله دوم جاده آبادان- اهواز و منطقه شرق کارون آزاد می‌شد. در مرحله سوم عملیات از غرب کارون تا نوار مرزی و در مرحله چهارم بنا به دستور به سمت بصره ادامه می‌یافت.

در مرحله اول سه محور برای حمله طراحی شده بود. محور اصلی از کیلومتر ۱۰ جاده آبادان- ماهشهر با اتکا به قوای زرهی و محور فرعی از سهراهی آبادان روی جاده‌های آبادان- اهواز و آبادان- ماهشهر با اتکا به نیروهای پیاده؛ محور پشتیبانی از سلمانیه روی جاده اهواز- آبادان با اتکا به قوای زرهی.

عملیات در اولین دقایق بامداد ۱۳۵۹/۱۰/۲۰ آغاز شد و در محور جاده ماهشهر تیپ ۳۷ زرهی شیراز با ۳۱ تانک به سوی دشمن پیش رفت، لیکن قبل از دستیابی به خط پدافندی دشمن، هدف آتش واحدهای ضدزره قرار گرفت و از حرکت باز ایستاد. تلاش گروه رزمی ۲۴۶ تانک از لشکر ۷۷ پیاده خراسان که از سلمانیه تظاهر به تک می‌کرد، در کاستن از حجم آتش دشمن موثر واقع نشد. در محور فرعی، نیروهای ارتشی، سپاه و مردمی به فرماندهی تیپ ۲ لشکر ۷۷ خط پدافندی دشمن را در سهراهی آبادان شکسته و تعدادی از آنها را اسیر کردند. اما چون نتوانستند با محور اصلی الحاق نمایند و نیز آرایش پدافندی مناسبی نداشتند، در برابر پاتک دشمن به ناچار عقب‌نشینی کردند که در این میان شهدا و تعدادی از مجروحان در منطقه اشغالی باقی ماندند.





♦ علی افشاری مسئول بازجویی از اسرا در دوران جنگ در کنار رزمندگان ارتش

## منطقه عملیاتی شهید چمران

آخرین عملیات محدودی که قبل از عملیات شکست محاصره آبادان در شهرستان آبادان انجام شد، عملیات شهید چمران بود که با هدف آزادسازی جاده آبادان- ماهشهر در تاریخ ۱۳۶۰/۵/۴ به اجرا درآمد.

طبق این طرح، می بایست دو گروهان ادغامی از سپاه، ارتش و فدائیان اسلام از دو محور به خط پدافندی دشمن حمله کرده و پس از آزادسازی جاده باهم الحاق می کردند. برای هر محور یک گروهان نیز به عنوان احتیاط در نظر گرفته شده بود.

تأخیر نیروها در رسیدن به نقطه مورد نظر برای آغاز درگیری که با روشنایی روز همراه شد، موجب شد دیده بان دشمن قبل از حمله رزمندگان، آنها را شناسایی کند که در پی آن درگیری شروع شد. اندکی بعد خط دشمن در هر دو محور شکست.

در حالی که پاکسازی در محور چپ پایان یافته بود و در محور راست ادامه داشت، عقب نشینی بسیار ناهماهنگی انجام شد.

به این ترتیب، عقبه نیروهای عمل کننده در خط خالی شد و تعدادی از رزمندگان در حالی که مقاومت می کردند، شهید یا مجروح شدند و دیگر رزمندگان به خط پدافندی قبلی خود بازگشتند.



♦ رحیم صفوی، شهید علی صیاد شیرازی و محسن رضایی در حال خواندن دعای وحدت در حسینیه قرارگاه کربلا

## منطقه عملیاتی ثامن الائمه<sup>(ع)</sup>

ناکامی ارتش عراق در محاصره کامل آبادان به فرماندهی لشکر ۳ زرهی موجب شد تا دشمن در منطقه‌ای به وسعت تقریبی ۱۵۰ کیلومتر مربع در شرق رودخانه کارون، حد فاصل دارخوین تا شمال آبادان، استقرار یافته و جاده مهم اهواز-آبادان و آبادان-ماهشهر را مسدود کند و مواضع و استحکامات وسیعی را در شرق کارون از جنوب دارخوین تا فیاضیه (شمال غربی آبادان) ایجاد کند.

محاصره آبادان فرصتی برای ارتش عراق بود تا بتواند اراده سیاسی خود را تحمیل کند. به همین دلیل امام خمینی<sup>(ع)</sup> طی فرمانی در اواسط آبان ماه سال ۱۳۵۹ به شکستن هر چه سریع‌تر محاصره آبادان تأکید کردند. عملیات ثامن الائمه<sup>(ع)</sup> نقطه آغاز عملیات گسترده رزمندگان اسلام از آغاز جنگ محسوب می‌شود. تلفیق موفق ارتش و سپاه و هم‌فکری و هماهنگی این دو نیرو در مراحل مختلف را می‌توان از دستاوردهای عملیات ثامن الائمه<sup>(ع)</sup> به شمار آورد.

در این عملیات چند محور برای هجوم در نظر گرفته شد و فلش اصلی عملیات درست برعکس محوری بود که دشمن تصور داشت و روی آن سرمایه‌گذاری کرده بود. چرا که مواضع

و استحکامات دشمن بیشتر در محور جاده ماهشهر- آبادان و نهر شادگان متمرکز شده بود، اما حاشیه کارون از شمال و جنوب به عنوان محور اصلی در طراحی عملیات منظور شد.

بلافاصله پس از تهیه طرح اولیه عملیات و تصویب آن در شورای عالی دفاع، ایجاد هماهنگی لازم بین ارتش و سپاه و تعیین محورهای هجوم، آموزش و سازماندهی نیروها در محورهای مورد نظر و همچنین اقدامات مهندسی در دستور کار قرار گرفت و در اطراف سرپل عراق به ترتیب از شمال به جنوب محورهای دارخوین، ماهشهر، ایستگاه ۱۲۰۷ و فیاضیه در منطقه‌ای با وسعت ۱۳۰ کیلومتر مربع که از شمال به روستای محمدیه، از جنوب به شهر آبادان، از شرق به جاده آبادان- ماهشهر و از غرب به رودخانه کارون محدود می‌شد برای اجرای عملیات تعیین شد.

دستیابی سریع به پل‌های قصبه و حفار بر روی رودخانه کارون، محور طرح‌ریزی عملیات ثامن‌الائمه<sup>(ع)</sup> را تشکیل می‌داد به گونه‌ای که محور دارخوین مسئول تصرف پل قصبه و محور فیاضیه مسئول تصرف پل حفار شد و سه محور دیگر به عنوان هدف‌های فرعی می‌بایست این دو محور را در جهت رسیدن به اهداف یاری کنند.

در ساعت یک دقیقه بامداد ۱۳۶۰/۷/۵ عملیات شکست محاصره آبادان با رمز «نصر من الله و فتح قریب» آغاز شد و نیروهای عمل‌کننده از محورهای مشخص شده به دشمن هجوم بردند و با تصرف پل قصبه و الحاق نیروها در حوالی پل حفار توانستند در مدت ۵۵ ساعت با رسیدن به ساحل شرقی رود کارون و پاک‌سازی کامل منطقه؛ حصر آبادان را پس از ۳۴۹ روز بشکنند.

بعد از پایان موفقیت‌آمیز عملیات ثامن‌الائمه<sup>(ع)</sup>، تعدادی از فرماندهان رده بالای ارتش و سپاه برای ارائه گزارش به محضر امام خمینی<sup>(ره)</sup> با چهل نفر سرنشین و بیست و هفت مجروح و سی و دو نفر از شهدای عملیات ثامن‌الائمه<sup>(ع)</sup> از فرودگاه اهواز عازم تهران شدند که به علتی نامشخص هواپیما در ساعت ۱۹:۵۹ روز ۷ مهرماه در اطراف فرودگاه مهرآباد تهران دچار سانحه شد و ۴۹ نفر از سرنشینان هواپیما از جمله ولی‌الله فلاحتی (رئیس ستاد مشترک ارتش)، یوسف کلاهدوز (قائم‌مقام سپاه پاسداران)، سیدموسی نامجو (وزیر دفاع) جواد فکوری (فرمانده نیروی هوایی ارتش) و محمدعلی جهان‌آرا (فرمانده سپاه پاسداران خرمشهر) به شهادت رسیدند. حضرت امام خمینی<sup>(ره)</sup> پس از این حادثه ناگوار سر تیپ قاسم‌علی ظهیرنژاد را به سمت رئیس ستاد مشترک ارتش، سرهنگ علی صیادشیرازی را به فرماندهی نیروی زمینی ارتش و برادر محسن رضایی را به فرماندهی کل سپاه پاسداران منصوب کردند و دوباره زمینه آزادسازی مناطق اشغالی فراهم شد.

♦ از چپ به راست: شهیدان فلاحتی، نامجو، کلاهدوز، فکوری و جهان‌آرا



# عملیات ثامن الائمه (ع)



♦ موقعیت جاده وحدت



## جاده وحدت

در دوره محاصره آبادان مهم‌ترین ضعف جبهه خودی قطع همه راه‌های زمینی به جزیره آبادان بود. پس از چندی با تلاش جهادسازندگی فارس، آبادان، آذربایجان، اصفهان و تهران به سرپرستی سیدمحمد شهشهانی و با بهره‌گیری از امکانات موجود در جزیره آبادان؛ جاده‌ای شنی به طول ۱۸ کیلومتر به نام جاده وحدت- که بعدها با شهادت ایشان به جاده شهید شهشهانی معروف شد - احداث گردید تا امکان تردد زمینی به آبادان میسر شود.

با احداث این جاده رزمندگان توانستند ضمن تردد به منطقه ماهشهر و اهواز، نیازهای عملیاتی خود را فراهم کنند؛ کاری که قبل از آن با مشکلات بسیار از بندر ماهشهر و از راه خور موسی و بهمن شیر تا اسکله چوئبده انجام می‌گرفت. این جاده از کیلومتر ۱۶ جاده آبادان- ماهشهر و از میان مرداب‌ها و باتلاق‌های شرق بهمن شیر آغاز و با عبور از مقابل آخرین نقطه اشغالی و به فاصله چند کیلومتری از آن، در محل روستای ابوشانک به جزیره آبادان می‌رسید.

لزوم برقراری امنیت تردد در این جاده- که بر اثر برخی اقدامات عراق ناامن شده بود- سبب شد تا علاوه بر احداث خاکریز در کنار آن، یک خط پدافندی نیز به دور آخرین نقطه اشغالی به وجود آید و به این ترتیب امنیت مناسبی در تردد از روی جاده وحدت ایجاد شود. در محل عبور جاده وحدت از رودخانه بهمن شیر نیز به همت شهید مصطفی هزاردستان، پل دوه‌ای به طول ۲۵۰ متر پیش‌بینی شده بود.

احداث این جاده سبب شد تا طراحان نظامی عملیات ثامن‌الائمه<sup>(ع)</sup> بتوانند قدرت جابه‌جایی نیروها را از شمال به جنوب افزایش دهند و در نتیجه احداث این جاده نقش مهمی در شکست حصر آبادان ایفا نمود.



◆ شادی رزمندگان در جزیره فاو

## منطقه عملیاتی والفجر ۸

اجتناب از جنگ در زمین مسطح پس از عملیات‌های والفجر مقدماتی و والفجر ۱ و در پی آن ابتکار عملیات در هورالهوریه طی دو عملیات بزرگ خیبر و بدر، زمینه عملیات در حاشیه اروندرود را با استفاده از تجربه عملیات در هور فراهم نمود.

منطقه فاو علاوه بر ارزش سیاسی- نظامی و موقعیت جغرافیایی و طبیعی منحصر به فرد، به لحاظ فراهم‌سازی امکان حضور مقتدرانه ایران در خاک عراق دارای ارزش استراتژیک بود و نیز معضلات ناشی از عدم تأمین مناطق عملیاتی پیشین و مقابله با فشارهای دشمن پس از تصرف منطقه را مرتفع می‌کرد، زیرا باتلاقی بودن سواحل رودخانه اروند در هر دو سو و نیز وجود عارضه کارخانه نمک، عملاً بیشتر زمین منطقه را برای دشمن غیر قابل استفاده کرده بود و این مسئله کارایی زرهی ارتش عراق را کاهش می‌داد. همچنین احاطه آب از سه قسمت موجب شده بود، پدافند در برابر دشمن فقط در یک سمت انجام شود و آسیب‌پذیری از جناحین را کاهش دهد. علاوه بر آن کوتاه بودن عقبه نیروهای خودی، پوشش مناسب منطقه برای پدافند هوایی، تسلط آتش بر روی خطوط و عقبه دشمن، امکان رعایت اصل غافل‌گیری، محدود بودن زمین و عمق قابل دسترس، از جمله عواملی بودند که بر میزان امیدواری‌ها نسبت به کسب پیروزی می‌افزود.

اما در عین حال با توجه به ویژگی‌های خاص منطقه، مسئله عبور از رودخانه و پشتیبانی عملیات، احداث پل، تردد قایق‌ها به ساحل دشمن و پهلوگرفتن آنها در ساحل رودخانه، هر کدام به عنوان موانعی بودند که برداشتن آنها از سر راه به سادگی امکان‌پذیر نبود. به همین دلیل در طرح‌ریزی عملیات، تدابیر ویژه‌ای برای رفع آنها اتخاذ شد.



♦ رادار متحرک غنیمتی در عملیات والفجر ۸

منطقه فاو در حوزه استحفاظی سپاه هفتم عراق قرار داشت و طول خط پدافندی ارونردود را با دو لشکر ۱۵ و ۲۶ پیاده و یگان‌هایی از نیروی دریایی پوشانده بود. برای اجرای عملیات چهار مرحله تعیین شد: ۱- عبور از رودخانه و شکستن خط و پاکسازی سرپل به دست آمده. ۲- تصرف شهر فاو، رسیدن به خور عبدالله و استقرار در منطقه مثلثی شکل شمال شهر و استقرار در پایگاه دوم موشکی در شمال غربی شهر. ۳- پیش‌روی تا ابتدای کارخانه نمک و تشکیل خط دفاعی به موازات این منطقه از ساحل ارونرد تا خور عبدالله. ۴- رسیدن به زمین‌انتهای کارخانه نمک و کانال‌انتهای کارخانه واقع در جاده ام‌القصر تا ساحل ارونرد.



برای اجرای این چهار مرحله عملیات در منطقه فاو، دو قرارگاه اصلی و شش قرارگاه فرعی زیر نظر قرارگاه خاتم‌الانبیاء<sup>(ص)</sup> در نظر گرفته شد. قرارگاه کربلا مسئولیت شکستن خط در محور اسکله چهار چراغ و شهر فاو، ادامه عملیات روی جاده فاو- البحار و تأمین جناح راست عملیات را بر عهده داشت. قرارگاه نوح مسئولیت شکستن خط در سمت چپ قرارگاه کربلا و مقابل پایگاه موشکی عراق، ادامه عملیات روی جاده فاو- ام‌القصر و تأمین جناح چپ عملیات را عهده‌دار بود. قرارگاه فرعی یونس ۱ تحت‌امر قرارگاه نوح با ناوتیپ کوثر مأموریت تصرف اسکله العمیه را بر عهده داشت. قرارگاه یونس ۲ نیروی دریایی ارتش تحت‌امر قرارگاه خاتم‌الانبیاء<sup>(ص)</sup> مأموریت تصرف اسکله البکر را بر عهده داشت. قرارگاه رعد نیروی هوایی ارتش مأموریت پشتیبانی هوایی و پدافند هوایی را بر عهده داشت. قرارگاه شهید سلیمان خاطر هوایروز ارتش مأموریت تشکیل تیم آتش، تخلیه مجروح و هلی‌برن نیروها را بر عهده داشت. قرارگاه قدس با مسئولیت عملیات پشتیبانی نزدیک در منطقه ابوالخصیب (ام‌الرصاص) به فرماندهی عزیز جعفری و قرارگاه نجف با مسئولیت عملیات پشتیبانی دور در منطقه سلیمانیه، مسئولیت عملیات پشتیبانی فریب را عهده‌دار شدند.



◆ شادی رزمندگان در جزیره فاو

در نهایت پس از ماه‌ها آموزش، تدارک، شناسایی، آماده‌سازی منطقه، انتقال نیرو و... که بیشتر در پوشش نخلستان‌های جزیره آبادان انجام می‌شد. عملیات والفجر ۸ در ساعت ۱۰:۲۲ روز ۱۳۶۴/۱۱/۲۰ با رمز «یا فاطمه الزهرا (س)» با عبور از اروندرود در حدفاصل خسروآباد تا رأس البیشه آغاز شد و پس از ۷۸ روز جنگ تمام عیار، شهر فاو و تأسیسات نفتی و روستاهای حومه آن به تصرف رزمندگان درآمد و ضمن قطع ارتباط عراق با خلیج فارس و تصرف سه پایگاه موشکی زمین به دریا و پایگاه نیروی دریایی عراق، امنیت کشتیرانی در شمال خلیج فارس و امکان تردد به بندر امام خمینی (س) فراهم شد و نیروهای مسلح به شهر بندری ام‌القصر یک گام نزدیک‌تر شدند. در این عملیات قرارگاه خاتم ۲ ارتش متشکل از لشکرهای ۲۱ و ۷۷ پیاده و لشکرهای ۸۱ و ۹۲ و تیپ ۵۵ هوایرد با انجام عملیات فریب در منطقه شلمچه و کوشک، نیروهای دشمن را در شرق بصره درگیر و عملیات تلاش اصلی قرارگاه خاتم ۱ سپاه پاسداران در شبه جزیره فاو را تسهیل نمودند.

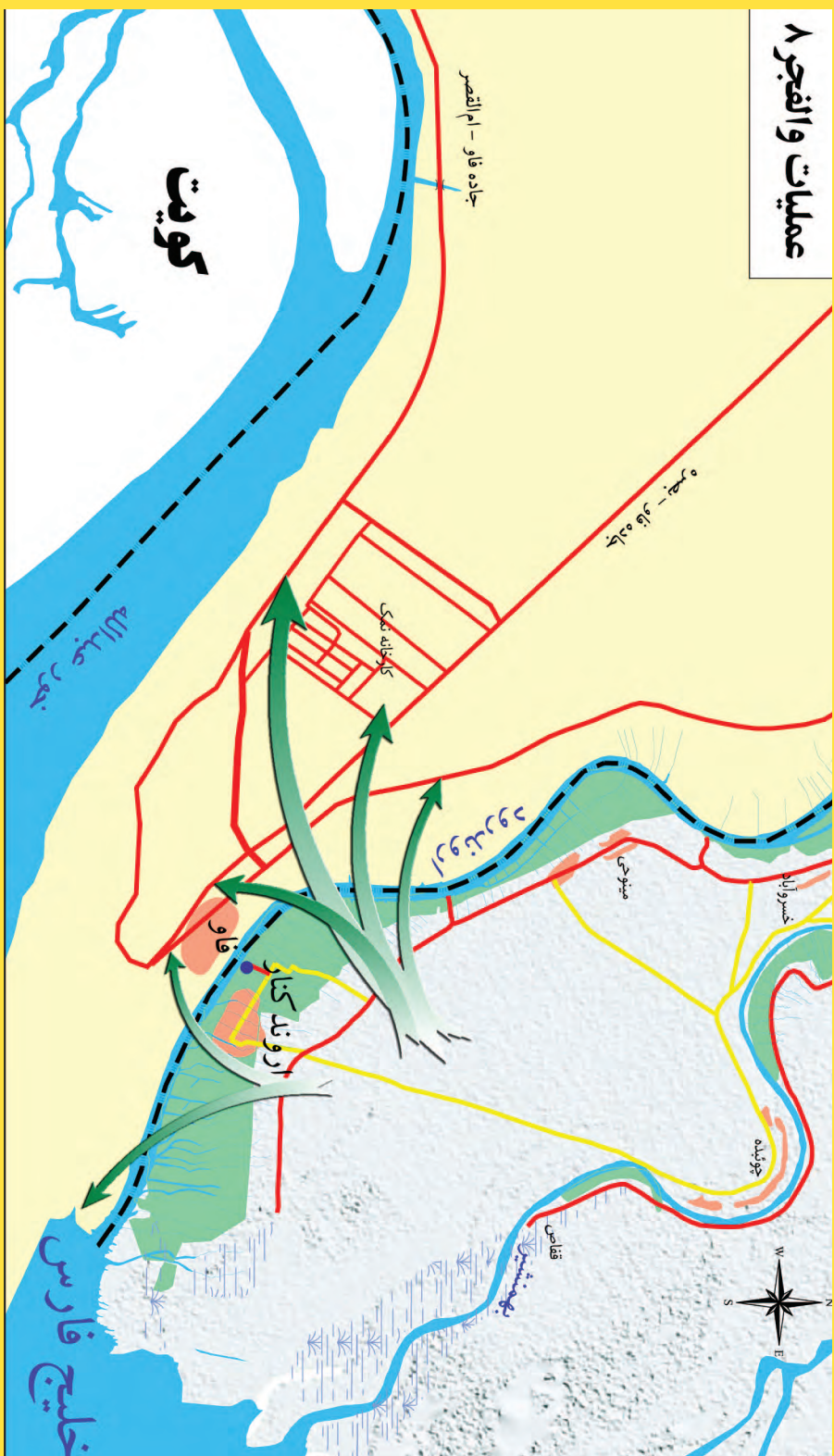
رضا امانی جانشینی زرهی و محمد اثری نژاد مسئول پشتیبانی قرارگاه خاتم‌الانبیاء (س) در این عملیات به شهادت رسیدند. اکنون یادمان شهدای عملیات والفجر ۸ به یاد حماسه آفرینان این عملیات، در کنار اروندرود و روبه‌روی شهر فاو، میزبان پنج شهید گمنام این عملیات است.



◆ جزیره فاو (عکاس جهانگیر رزمی)



# عملیات والفجر ۸





◆ پل متحرک خضر

## پل متحرک خضر

طراحی و اجرای اسکله‌های فلزی چند منظوره در دو سوی اروندرود و پل متحرک خضر (شهید پازوکی) در سال ۱۳۶۵ یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر بود، چرا که حفظ مناطق آزاد شده، نیازمند پشتیبانی قوی، تدارک و تجهیز رزمندگان بود. در شرایطی که انتقال یک کامیون مهمات نظامی با تخلیه مهمات در ساحل خودی و انتقال آن از ساحل خودی به آن سوی اروند و بارگیری مجدد به کامیون دیگر و روانه نمودن آن به خطوط مقدم تقریباً یک روز وقت می‌گرفت و در همین اثنا نیز تلفات جانی در ساحل اروند به علت حملات هوایی و توپخانه‌ای شدت می‌گرفت؛ طراحی و اجرای پل‌های متحرک برای تسریع در انتقال مهمات مصرفی، در دستور کار مهندسی ستاد لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) و جهادسازندگی قرار گرفت و یک گروه ۹ نفره با فراهم کردن یک دستگاه کامیون، یک دستگاه لودر و یک دستگاه بیل مکانیکی نسبت به طراحی و احداث اسکله‌های فلزی پل متحرک خضر اقدام نمودند.

این گروه با روشی کاملاً ابتکاری با قطع لوله‌های موجود در پالایشگاه فاو و انتقال آن به ساحل و ساخت شمع‌های فلزی به قطر چهل و پنج سانتیمتر و طول دوازده تا هجده متر و شمع کوبی در طرفین ساحل اروندرود و شاسی‌کشی و اجرای شیب‌بندی و محوربندی با دوربین‌های دیدبانی نظامی در طی مدت چهل و پنج روز، دو اسکله را آماده نمودند. در نهایت با بهره‌گیری از دوبه متحرک و کابل‌کشی بین دو اسکله و نصب موتور تراکتور به عنوان نیروی محرکه توانستند به انتقال نیرو، تانک، نفربر و کامیون مهمات اقدام نمایند. از آنجاکه ظرفیت بارگذاری اسکله‌ها ۲۹۰ تن بر مترمربع محاسبه شده بود، امکان عبور سریع تانک و



◆ دوبه‌های شناور بر روی اروند

ادوات زرهی سنگین و توپخانه و نیز گردان‌های پیاده و لشکرها میسر شد؛ به نحوی که در هر مرحله چهار دستگاه کامیون پر از مهمات در مدت سه دقیقه به آن سوی اروندرود منتقل می‌شد.

تا قبل از ساخت پل بعثت علاوه بر این پل از شناور طارق و دوبه‌های بزرگی که با یدک‌کش حمل می‌شد و پل فجر (یونی‌فلوت) که از وسط به دونیم شده و با کابل مهار می‌شد، در منطقه فاو استفاده می‌شد.



## پل بعثت

پس از تصرف شهر ساحلی فاو در عملیات والفجر ۸ و قطع ارتباط عراق با آب‌های خلیج فارس، رژیم بعث همه‌توان خود را برای به زانو درآوردن رزمندگان به کار بست و شهر فاو و نیروهای مستقر در آن را زیر آتش سنگین حملات هوایی و زمینی و توپخانه‌ای خود گرفت.

با آنکه عبور نیروی نظامی از اروندرود از نظر کارشناسان نظامی دنیا غیرممکن بود و پشتیبانی از این حجم نیرو در فاو فقط از طریق رودخانه، پل مناسبی را می‌طلبید لذا به همت نبوغ و درایت ایرانی احداث پل با مشخصات ویژه‌ای چون بهره‌مندی از استتار کامل و همچنین استقامت در برابر حملات هوایی و توپخانه‌ای، در دستور کار فرماندهان جنگ و مسئولین قرارگاه کربلا قرار گرفت.





عرض ارونرود در محل احداث پل، ۹۰۰ متر و حداکثر عمق آن ۱۲ متر بود و بلندی جزر و مد آب به سه و نیم متر می‌رسید. لذا مسئله اصلی در ساخت پل، ایمنی و لحاظ سیستم ایستایی و پایداری بود به نحوی که بتواند در مقابل جزر و مد و سرعت زیاد جریان رودخانه مقاومت کند و تعادل خودش را در مقابل لرزش‌ها از دست ندهد.



از همین رو تصمیم بر آن شد تا بر روی یک پل شناور لانه زنبوری کار شود و لوله‌ها ابتدا شناور شده و سپس غرق شوند و هر ردیف طوری روی ردیف قبلی قرارگیرد که شکل شبکه لانه زنبوری را به وجود آورد تا با ریختن آسفالت مورد استفاده قرارگیرد.

۱۰۸





بدین ترتیب پل بعثت که از آن به عنوان شاهکار مهندسی جنگ می توان نام برد پس از شش ماه تلاش و به کارگیری ۳۴۰۰ قطعه لوله، توسط ستاد مهندسی رزمی کربلا و با پشتیبانی قرارگاه خاتم الانبیاء<sup>(ص)</sup> و ستادهای مرکزی پشتیبانی جهادسازندگی استانهای خراسان و خوزستان در تاریخ ۱۳۶۵/۷/۲۲ در ۱۰ کیلومتری جنوب شهر فاو و همزمان با عید مبعث بهره برداری شد و به این علت پل بعثت نام گرفت.

پس از تخلیه فاو توسط نیروهای خودی در تاریخ ۱۳۶۷/۱/۲۸ بخش میانی پل تخریب شد و پس از پایان جنگ، آثار برجای مانده از پل و پایه های آن در ساحل خودی که مانع کشتیرانی در اروند بود، توسط قرارگاه مقدم سپاه پاسداران جمع آوری شد.



## بیمارستان صحرائی امامعلی (۴)

بیمارستان صحرائی امام علی (ع) که یکی از مجهزترین و مهم‌ترین بیمارستان‌های صحرائی در طول دفاع مقدس محسوب می‌شود در ۱۰ کیلومتری شمال شرقی شهر آبادان و بین جاده آبادان-ماهشهر و آبادان- اهواز قرار دارد.

این بیمارستان در سال ۱۳۶۵ به منظور پشتیبانی از عملیات کربلای ۴، توسط مهندسی قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) احداث و زیر نظر بهداری رزمی قرارگاه کربلا سپاه پاسداران فعالیت خود را آغاز نمود و مرکز اصلی درمان مجروحین عادی و شیمیایی عملیات کربلای ۴ بود.

این بیمارستان که تا خاتمه جنگ کاملاً فعال بود، از نظر مهندسی از بتن‌های قوی ساخته شده و بر روی آن حجم انبوهی از خاک، برای استحکام در برابر حملات هوایی دپو شده است.

به‌طور کلی این بیمارستان در عملیات کربلای ۴، ۵ و ۸ و بیت‌المقدس ۷ نقش‌اساسی در درمان مجروحین جبهه‌های جنوب داشت. بیمارستان صحرائی امام علی (ع) که اکنون در ردیف آثار ملی دفاع مقدس قرار گرفته است به یکی از محل‌های بازدید و اسکان راهیان نور تبدیل شده است.





عراق

شادگان

اهواز

عراق

سدرگان





# سادگان

باشهر

جاده آبادان - ماهشهر

آبادان

لرستان

جاده وحدت

بیمارستان صحرائی امام علی (ع)

پادمان شهیدی شرقی کارون

سلمانیه

دکل ابوظهره

ساده نام صادق (ع)

بیمارستان صحرائی امام حسن (ع)

جاده اهواز - آبادان

جاده اهواز - آبادان

فارسینات

سارون



◆ هور شادگان

## شهرستان شادگان

شهرستان شادگان با ۳۱۹۷ کیلومتر مربع مساحت در جنوب استان خوزستان واقع شده است و از شمال به شهرستان اهواز، از شرق به شهرستان ماهشهر، از جنوب به شهرستان آبادان و از غرب به شهرستان خرمشهر محدود می‌شود. آب و هوای این شهرستان گرم و مرطوب است و رودخانه کارون و نخلستان‌های گسترده آن در غرب شادگان واقع است. شهر شادگان مرکز این شهرستان است و فاصله آن از اهواز ۸۰ کیلومتر، از آبادان ۵۸ کیلومتر و از بندر ماهشهر ۵۰ کیلومتر است. این شهرکهن از شهرهای آباد در دوره ساسانیان بوده و در آن زمان این شهر را «دژ قباد»، «قباد خوره»، «دراک» و «دورق» نیز نامیده‌اند. در دوره اسلامی و تا چند دهه پیش، این شهر را «فلاحیه» می‌نامیدند اما در دوره پهلوی دوم به شادگان تغییر نام یافت. از آثار شاخص و جاذبه‌های دیدنی این شهرستان می‌توان به تالاب بین‌المللی آن اشاره نمود که جزء ده تالاب برتر دنیا است.

جاری بودن رودخانه کارون در غرب این شهرستان در طول جنگ به عنوان مانعی بزرگ برای پیشروی دشمن به این شهرستان محسوب می‌شد اما همچنان شهرستان شادگان یکی از محورهای دسترسی به آبادان و شرق خوزستان بود. لذا دشمن پس از اشغال شمال خرمشهر، برای اشغال و محاصره آبادان، بخش‌هایی از جنوب غربی این شهرستان را در حوالی مارد و دارخوین به تصرف درآورد. منطقه دارخوین تا سلمانیه در ابتدای جنگ شاهد عملیات متعددی از جمله عملیات «فرمانده کل‌قوا، خمینی روح‌خدا» و عملیات بزرگ ثامن الائمه<sup>(ع)</sup> بود، پس از آن نیز در عملیات بیت‌المقدس محدوده دارخوین یکی از محورهای هجوم به دشمن

بود و سپس در عملیات‌های والفجر ۸ و کربلای ۳ این شهرستان مکانی برای آموزش رزمندگان شد. این شهرستان یکی از شهرستان‌های مهاجرپذیر استان خوزستان در طول جنگ بوده است.



◆ آموزش رزمندگان در هور شادگان



◆ انتقال اسرا به پشت جبهه - انرژی اتمی دارخوین

## دارخوین

دارخوین شهرک و روستایی در ۴۴ کیلومتری شمال آبادان است که بین رودخانه کارون و جاده آبادن- اهواز قرار دارد. شهرک دارخوین متعلق به کارکنان سازمان انرژی اتمی بود که در تأسیسات دارخوین واقع در سه کیلومتری جنوب دارخوین و در حاشیه کارون فعالیت می‌کردند. در سال ۱۳۵۶ براساس قراردادی دو میلیارد دلاری، فرانسه متعهد شده بود برای تولید برق، دو نیروگاه اتمی ۹۰۰ مگاواتی در دارخوین احداث کند که پس از پیروزی انقلاب به تعهداتش عمل نکرد.

با آغاز جنگ و تسلط سپاه سوم ارتش عراق بر شرق کارون در محدوده روستای مارد، جبهه مهمی در شمال منطقه نبرد به منظور جلوگیری از پیشروی دشمن تشکیل شد که به علت قرار داشتن روستای دارخوین در عقبه آن، به «جبهه دارخوین» مشهور شد. این منطقه مرکز ثقل فشار واحدهای ارتش عراق برای تصرف سه راهی حساس شادگان- آبادان- ماهشهر و تصرف شهرهای اهواز و آبادان بود. بر این اساس لشکر ۳ زرهی ارتش عراق در نظر داشت ضمن تصرف کامل حاشیه غربی کارون در حدفاصل سلمانیه تا خرمشهر به کمک لشکره مکانیزه از طریق جبهه فارسیات تمام ساحل غربی کارون از حدفاصل خرمشهر تا اهواز را تصرف نماید. لذا جبهه دارخوین ضمن تحمل فشار از سلمانیه (خط شیر)، ناچار بود به طور مداوم از رسیدن دشمن به کارون در حدفاصل جبهه فارسیات تا سلمانیه ممانعت کند.





◆ نمایی از تأسیسات فعلی دارخوین

در مجموع جبهه دارخوین در خطوطی ناپیوسته، موظف بود منطقه‌ای به طول ۶۰ کیلومتر را حفاظت نماید. از اواخر سال ۱۳۵۹ رزمندگان جبهه دارخوین با اعلام آمادگی، برای حمله به دشمن، اصرار می‌ورزیدند. همین اصرار موجب عملیات فرماندهی کل قوا در ۱۳۶۰/۳/۲۱ شد که طی آن نیروهای خودی منطقه‌ای به طول سه کیلومتر را آزاد کردند. در عملیات ثامن الائمه<sup>(ع)</sup> رزمندگان از همین جبهه به مواضع دشمن یورش بردند و با پیشروی تا پل قصبه، این پل را منهدم کردند.

در جریان عملیات بیت‌المقدس، رزمندگان ارتش با انتقال ۱۲۰۰ متر پل «پی.ان.پی» از دزفول به دارخوین و احداث سه پل نظامی بر روی کارون در غرب دارخوین (موسوم به پل پیروزی)، غافلگیرانه به پهلو دشمن زدند و تاجاده اهواز- خرمشهر پیش رفتند. از آنجاکه شهرک دارخوین محل آموزش و استقرار تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> و تأسیسات انرژی اتمی محل استقرار تیپ ۱۷ علی بن ابیطالب<sup>(ع)</sup>، تیپ قمر بنی هاشم<sup>(ع)</sup> و تیپ ۳۰ زرهی سپاه در طول جنگ بود، بارها توسط دشمن مورد حمله هوایی قرار گرفت که منجر به شهادت تعدادی از رزمندگان شد.



◆ حضور شهید آیت الله بهشتی در دارخوین، ۱۳ خرداد ۱۳۶۰



♦ رحیم صفوی (نفر اول از سمت راست) و رزمندگان خط شیر

## سلمانیه (خط شیر)



سلمانیه روستایی است در ۲۶ کیلومتری شمال شرقی آبادان که مابین رودخانه کارون و جاده آبادان- اهواز قرار دارد. با شروع جنگ و پس از آنکه منطقه میان روستای مارد و روستای سلمانیه، منطقه عبور یگان‌های سپاه سوم ارتش عراق از رودخانه کارون در نظر گرفته شد، در ۱۹ مهرماه ۱۳۵۹ نیروهای تیپ ۳۳ نیروی مخصوص و تیپ ۶ زرهی عراق پس از عبور از کارون و محاصره زمینی جزیره آبادان، به منظور توسعه سرپل از سمت شمال، تا جنوب روستای محمدیه که در نزدیکی روستای سلمانیه قرار داشت پیشروی کردند.

در اولین اقدام نوزده نفر از داوطلبان یکی از مساجد تهران در جنگ نابرابر تانک و نفر، در سه کیلومتری جنوب سلمانیه با واحدهای زرهی دشمن درگیر شدند که به شهادت مظلومانه پانزده نفر از آنان و توقف پیشروی دشمن انجامید.

در پی این اقدام، اولین خط پدافندی با عنوان «خط شیر» در آبادان ۱۳۵۹ با حضور سی نفر از رزمندگان و به فرماندهی برادر رحیم صفوی در منطقه سلمانیه که مهم‌ترین و حساس‌ترین جناح جبهه دارخوین محسوب می‌شد، تشکیل شد و در پشت آن خط دفاعی «کبوتر» توسط ۲۰ نفر از مدافعین تشکیل و ۴۰ نفر دیگر نیز به منظور تأمین عقبه در روستای سلمانیه مستقر می‌شوند.



◆ رزمندگان در کانال خط شیر

خط شیر که در کانالی واقع در بستر نهری خشکیده در جنوب روستای محمدیه و عمود بر رودخانه کارون و جاده اهواز- آبادان قرار داشت، رزمندگان را ناچار می‌ساخت فاصله ۱۸ کیلومتری دارخوین تا سلمانیه را با خودرو و زیر آتش دشمن طی کنند تا در محدوده سلمانیه و محمدیه با دشمن درگیر شوند.

وجود فاصله دو کیلومتری بین خطوط دفاعی خودی با دشمن و نبودن عوارض در این منطقه باعث شد به پیشنهاد شهید محمود پهلوان نژاد، احداث کانال T شکل به طول ۱۷۰۰ متر و به عمق ۱/۸ متر در خط شیر (پس از انجام عملیات فرمانده کل قوا به خط رضایی‌ها مشهور شد) در نوروز ۱۳۶۰ در دستور کار قرار گیرد.

حفر این کانال با تلاش شبانه‌روزی رزمندگان و زیر آتش دشمن، حدود دو ماه و نیم طول کشید. عرض کانال حفر شده به نحوی بود که دو نفر با جعبه مهمات به راحتی می‌توانستند از داخل آن عبور کنند و حتی در قسمت‌هایی از مسیر، سنگ‌هایی برای نفرات، مهمات و بهداری پیش‌بینی شده بود. در طول کانال نیز راهی وجود داشت که کمک فراوانی به استتار کانال از دید دشمن می‌کرد.

هر چند انجام عملیات فرمانده کل قوا در خرداد سال ۱۳۶۰، تنها متکی به عبور از این کانال نبود ولی نزدیک شدن نیروها به سه خاکریز دفاعی دشمن از طریق این کانال، آسیب‌پذیری رزمندگان را در طول این عملیات تا حدی کاهش داد.



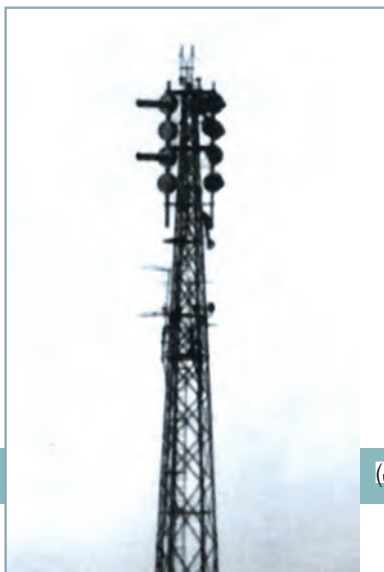
◆ شهید حسن باقری در حال دیدبانی

## دکل ابوذر

در طول جنگ و در محدوده دارخوین، دکل‌هایی به ارتفاع ده‌ها متر از سطح زمین قرار داشت که مهم‌ترین این دکل‌ها، «دکل ابوذر» در ۴۰ کیلومتری شمال آبادان بود. شهید حسن باقری (مسئول و بنیانگذار اطلاعات عملیات سپاه) نام این دکل هفتاد متری را که یک دکل مخابراتی در چند صدمتری رود کارون بود، دکل ابوذر گذاشت.

حسن باقری و دیدبان‌های تحت امر او از بالای این دکل با دوربین بر کل منطقه و دشت بدون عارضه آن احاطه داشتند تا با شناسایی آن بتوانند از شرق کارون نیروها را برای رسیدن به خرمشهر هدایت کنند.

موقعیت دیدبانی این دکل به گونه‌ای بود که جاده آسفالت اهواز- خرمشهر را که در عمق ۱۷ کیلومتری ساحل غربی کارون در اشغال سپاه سوم عراق بود، به خوبی زیر دید داشت و شب‌ها از بلندای آن چراغ‌های شهرهای آبادان، خرمشهر و حتی بصره قابل مشاهده بود. احمد متوسلیان فرمانده تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) در عملیات بیت‌المقدس بخشی از نیروهای خود را با بهره‌گیری از اطلاعات دیدبانان این دکل هدایت نمود.



◆ دکل ابوذر (عکاس شهید حسن باقری)







# دست آزادگان

سوسنگرد

عبدالخان  
(الوان)

هور الهوزیه

ارتفاعات موشاغ

سوسنگرد

جاده سیدالشهدا (ع)

صحرای کوشک

خاکریزهای سفلی

ارتفاعات ابوسلمی خات

شیخ فریس

پاسگاه کورج

پاسگاه طابوسیه

پاسگاه الحریر

پاسگاه زینبیه

پاسگاه فرخیده

صفریه

پاسگاه صفریه

پاسگاه سوره

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

پاسگاه کزکریه

♦ رزمندگان دشت آزادگان در حال اعزام به جبهه

## شهرستان دشت آزادگان

شهرستان دشت آزادگان به مرکزیت شهر سوسنگرد در سال ۱۳۲۳ ش تشکیل شد و دارای سه بخش هویزه به مرکزیت هویزه، بستان به مرکزیت شهر بستان و مرکزی به مرکزیت شهر سوسنگرد است. این شهرستان از شرق با شهرستان اهواز، از شمال شرق با شهرستان شوش، از شمال غرب با استان ایلام و از غرب و جنوب غربی با کشور عراق هم‌مرز است. دشت آزادگان در ابتدا به «بنی‌طرف» معروف بود، چون ساکنان آن از طایفه بنی‌طرف بودند.

در سال ۱۳۱۲ ش با تصویب هیأت وزیران، این منطقه به «دشت میشان» تغییر نام داد. این شهرستان با ۵۸۴۴ کیلومترمربع وسعت، تا سال ۱۳۲۳ ش جزء شهرستان اهواز بود و بعد از آن با پیوستن بخش بستان به شهرستان دشت میشان تغییر یافت و بعد از پیروزی انقلاب، نام آن به دشت آزادگان تغییر نمود. این شهرستان هوایی گرم دارد و بخش شمالی آن تحت تأثیر رودخانه‌هایی چون کرخه دارای هوایی مرطوب و زمین‌های مناسب کشاورزی است ولی بخش جنوبی آن بیابانی است. این شهرستان یکی از بهترین حوضه‌های نفت‌خیز خاورمیانه به شمار می‌آید و مردم عرب‌زبان آن اکثراً شیعه دوازده امامی هستند.

دشت آزادگان به علت برخورداری از موقعیت ویژه و منابع نفتی فراوان همواره مورد طمع حکومت بعث عراق قرار داشت و با توجه به عرب بودن مردم آن، همواره سعی می‌کرد با تحریک ساکنان آن، این منطقه را از ایران جدا کند. به همین منظور رادیو و تلویزیون بغداد و رادیو صوت‌الجماهير به پخش برنامه‌های جدایی‌طلبانه در این منطقه اقدام می‌کردند و دفتر فرهنگی عراق در ساختمان هلال‌احمر سوسنگرد با نام «ثقافی» به جذب نیرو در این راستا می‌پرداخت.

ماه‌ها قبل از آغاز جنگ، پایگاه نظامی الزوره عراق که مرکز عملیات تخریبی و آموزشی رژیم بعث علیه انقلاب اسلامی در منطقه دشت آزادگان بود، در خطوط مرزی بستان به توزیع اسلحه بین مردم می‌پرداخت و به عملیات‌های خرابکارانه اقدام می‌نمود. قبل از آغاز رسمی جنگ نیز عراق با سازماندهی نیروهای وابسته به خود در دشت آزادگان به روستای سعیدیه حمله کرد.

با آغاز رسمی جنگ، سپاه سوم ارتش عراق مستقیم وارد صحنه شد و به این شهرستان هجوم آورد. هر چند ابتدا مدافعان اندکی در برابر دشمن قرار داشتند، اما تصرف آن برای ارتش متجاوز بسیار دشوار بود چرا که منطقه وسیع رملی و هور بزرگ هویزه هرگونه هجوم به این سرزمین را دشوار می‌نمود. به نحوی که باعث تجزیه قوای مهاجم می‌شد. علاوه بر آن وجود رودخانه بزرگ کرخه، که رودهای کرخه‌نور، سابله، نیسان و مالکیه از آن منشعب می‌شوند، هرکدام عاملی بازدارنده برای پیشروی آسان نیروهای متجاوز بود.

بدین ترتیب ارتش عراق که قصد داشت با استفاده از جاده بستان- سوسنگرد- اهواز نزدیک‌ترین راه را برای دستیابی به استان خوزستان طی کند و لشکر ۹ زرهی را مأمور به این کار کرده بود؛ فقط توانست تیپ ۳۵ زرهی خود را از تنگ چزابه عبور دهد و در نتیجه مجبور شد تیپ‌های ۴۳ زرهی و ۱۴ مکانیزه خود را از منطقه طلائی‌ه وارد خاک ایران کند.

بدین ترتیب تیپ ۳۵ در مهر و آبان ۱۳۵۹ دو بار بستان و سوسنگرد را محاصره و اشغال کرد و تیپ ۴۳ نیز پس از گذشت یک هفته از جنگ، با عبور از کرخه‌نور حلقه محاصره سوسنگرد را تنگ نمود و تیپ ۱۴ مکانیزه نیز پس از گذشت چهار ماه از جنگ در دی‌ماه ۱۳۵۹ هویزه را به اشغال درآورد.

در این میان مقاومت‌های پراکنده مردمی با بهره‌گیری از عوارض طبیعی زمین نظیر رودهای کرخه و کرخه‌نور؛ مانع از آن شد که تیپ‌های لشکر ۹ ارتش عراق باهم الحاق کنند. با اجرای عملیات‌های محدود در تپه‌های الله‌اکبر، سوسنگرد، دهلاویه و کرخه‌نور و دو عملیات بزرگ طریق‌القدس و بیت‌المقدس در بستان و جنوب هویزه، مناطق اشغالی دشت آزادگان آزاد شد.

این منطقه در سال ۱۳۶۱ شاهد عملیات‌های بزرگی چون فتح‌المبین و والفجرمقدماتی در بخش شمالی، طریق‌القدس در بخش میانی و بیت‌المقدس، بدر و خیبر در بخش جنوبی خود بوده است. شهرستان دشت آزادگان تا پایان جنگ همواره شاهد حضور و تردد رزمندگان برای اجرای عملیات در استان خوزستان بوده است.



## بستان

شهر بستان یکی از شهرهای دشت آزادگان و مرکز بخش بستان است. این شهر در شمال غربی سوسنگرد و جنوب رودخانه کرخه قرار دارد و فاصله آن تا سوسنگرد ۳۱ کیلومتر است. از آنجا که این شهر در مسیر یکی از محورهای حمله دشمن به خوزستان؛ یعنی محور چزابه- بستان- سوسنگرد قرار داشت، با شروع جنگ شهر بستان از دو محور مورد تهاجم دشمن قرار گرفت.

در محور اول نیروهای تیپ ابن الولید دشمن با تصرف پاسگاه سوبله و صفریه و عبور از تنگ چزابه در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۴ خود را به حومه شمالی شهر بستان رسانید و در محور دوم نیروهای تکاور و جیش الشعبی ارتش عراق از طریق هورالهویزه و رودخانه سعیدیه و با قایق‌های موتوری به حومه غربی شهر وارد شدند.

◆ عبور آوارگان بستان از پل فلزی بستان (عکاس سعید صادقی)





از روز اول تا چهارم مهرماه نیروهای معدودی متشکل از سپاه پاسداران، ژاندارمری و گردان ۱۰۰ تانک از تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی ارتش و نیروهای مردمی در برابر دشمن ایستادند اما با نرسیدن نیروهای کمکی و در حالی که شهر بستان در محاصره بود و زیر حملات سنگین هوایی و توپخانه‌ای دشمن قرار داشت، در ۴ مهرماه شهر سقوط کرد.

پس از عملیات غیور اصلی، شهر بستان در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۰ آزاد شد. اما یک هفته بعد دو تیپ زرهی عراق برای تصرف بستان هجوم آوردند و پس از چهار روز در ۱۳۵۹/۷/۲۳ بستان برای بار دوم اشغال شد.

با اجرای عملیات طریق القدس شهر بستان در ۹ آذرماه ۱۳۶۰ برای همیشه آزاد شد.

از روستاهای مهم و فعال بستان در دوران جنگ، می‌توان به روستاهای سعیدیه، ابوچلاچ، سابله، فنیخی و رمیم اشاره کرد.



◆ ویرانی هویزه پس از اشغال (عکاس سعید صادقی)

## هویزه

شهر هویزه جنوبی‌ترین شهر دشت آزادگان و مرکز بخش هویزه یا هوزگان است و در ۱۰ کیلومتری جنوب غربی سوسنگرد قرار دارد. هویزه کلمه‌ای عربی است و از «هیازت» به معنی آباد کردن مشتق شده است. این شهر و حومه آن در دوره خلفای اسلامی، آباد و سرسبز بود و کوشک هویزه و کوشک بصره دو قلعه محکم و دژ دفاعی این سرزمین به شمار می‌آمد. بخش هویزه با رودخانه کرخه‌نور آبیاری می‌شود و آب و هوای آن گرم و خشک است. نژاد مردم هویزه آریایی و سامی است و به زبان فارسی و عربی سخن می‌گویند و اغلب شیعه دوازده‌امامی هستند. از اوایل سال ۱۳۵۸ حکومت بعث عراق علاوه بر ایجاد تحرکات در مرزهای مشترک دو کشور اقدامات گسترده‌ای نیز در داخل ایران آغاز کرد. در این میان منطقه عرب‌نشین هویزه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود.

با آغاز جنگ، هویزه آخرین شهر در دشت آزادگان بود که به اشغال ارتش عراق درآمد. نیروهای عراقی پس از پیشروی در منطقه سوسنگرد و کرخه‌نور، عملاً هویزه را در محاصره داشتند لیکن برای اشغال آن تعجیل نمی‌کردند تا اینکه عملیات نصر در ۱۳۵۹/۱۰/۱۵ آغاز و در اولین مرحله آن یک تیپ عراقی منهدم شد. اما مراحل بعدی عملیات با ناکامی روبه‌رو شد و با کاهش تدریجی توان مدافعان، دشمن در روز ۱۳۵۹/۱۰/۱۸ خود را به کرخه‌نور رساند و نیروهای خودی برای جلوگیری از نفوذ دشمن به شمال کرخه‌نور، ناچار شدند حین عقب‌نشینی پل واقع در روستای حمودی فردوس را تخریب کنند. دشمن با تجاری که از جریان مقاومت



مدافعان سوسنگرد و خرمشهر کسب کرده بود، قصد داشت با پیشروی گام به گام و محتاطانه، محاصره شهر را از چهار طرف کامل کند و هنگامی که شهر کاملاً تخلیه شده و دیگر مقاومتی در آن نباشد، وارد هویزه شود. لذا در روز ۱۳۵۹/۱۰/۲۱ حدود پنجاه تانک دشمن در نزدیکی روستای ساریه موضع گرفتند و در جنوب شرقی هویزه نیز نیروهای دشمن تا ۲ کیلومتری شهر پیشروی نموده و شهر را زیر آتش خود قرار دادند. در روز ۱۳۵۹/۱۰/۲۳ یک گردان تانک و یک گردان پیاده از ارتش عراق نیز در یک کیلومتری شرق هویزه محاصره را کامل تر کردند. نیروهایی هم که از دو روز قبل در نزدیکی روستای ساریه مستقر بودند، پیشروی کرده و جاده را در اختیار گرفتند. در روز ۱۳۵۹/۱۰/۲۵ در حالی که هویزه زیر آتش قوای دشمن بود، یک گردان پیاده عراق نیز خود را به روستای ساریه رساند و در آنجا مستقر شد.

به این ترتیب هویزه علاوه بر شرق و جنوب، از سمت شمال و غرب نیز محاصره شد و دشمن در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۷ وارد شهر شد و با استقرار چند تانک برای تأمین در داخل شهر، افراد پیاده با اطمینان از نبودن نیروهای مقاومت، به غارت منازل مردم مشغول شدند. این شهر هم‌زمان با عملیات فتح المبین در راستای استراتژی ایجاد سرزمین سوخته به کلی تخریب شد به نحوی که قدم‌گاه حضرت عباس<sup>(ع)</sup> و ساختمان مقابل آن تنها آثار باقی مانده از شهر قدیم هویزه است. هویزه همچنان در اشغال دشمن بود تا آن که در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۹ با عقب‌نشینی دشمن، در مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس آزاد شد.

در این عملیات، قوای قرارگاه قدس به پنج گروه تقسیم شد و قدس ۱ در غرب هویزه و قدس‌های ۲، ۳، ۴ و ۵ در شرق هویزه وارد عمل شدند. در نتیجه تلاش‌هایی که باعث عقب‌نشینی دشمن از این منطقه شد، حدود ۴۱۰۰ کیلومتر مربع از منطقه اشغالی شامل جفیر، پادگان حمید و به خصوص هویزه آزاد شد. بلافاصله پس از آزادی هویزه، آستان قدس رضوی به فرمان حضرت امام خمینی<sup>(ره)</sup> کار ساخت شهر جدید هویزه را که سه برابر شهر ویران شده قبل بود را آغاز نمود که تا سال ۱۳۶۴ همچنان ادامه داشت.

یادمان شهدای هویزه که در سال ۱۳۶۲ احداث شد در ۲۵ کیلومتری جنوب‌غربی شهر هویزه و جنوب رودخانه کرخه‌نور قرار دارد. در این یادمان، مزار شهید سیدحسین علم‌الهدی و یارانش که پیکرهای مطهرشان پس از آزادسازی این منطقه، شناسایی و به خاک سپرده شد، قرار دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم  
 تاریخ: ۱۳۵۹/۱۰/۱۵  
 مکان: اهواز



بنگاه

از سیام هویزه سوسنگرد دوباره اهواز  
 جهت عملیات فوری نیاز به چادری باشد هر طور  
 که می‌توانید چادرها را در کمبوجی بیاورید خودتان به هویزه  
 بفرستید تا ظاهر هم فرستاده شود

اسم  
 علم الهدی

ف - محاربات هویزه  
 گ - محاربات سوسنگرد  
 ساعت ۱۲/۵ شب



◆ شهید حسین علم الهدی

## منطقه عملیاتی نصر (هویزه)

منطقه عملیاتی نصر از غرب به جاده سوسنگرد- هویزه، از شرق به رودخانه کارون، از شمال به جاده حمیدیه- سوسنگرد و از جنوب به پادگان حمید در ۴۰ کیلومتری جنوب اهواز محدود می‌شود.

۴ ماه پس از آغاز جنگ، ستاد مشترک ارتش طرحی را تهیه کرد که مبنای عملیات نصر (هویزه) قرار گرفت. در این طرح چهار مرحله پیش‌بینی شده بود که در مرحله اول، جفیر و پادگان حمید؛ در مرحله دوم کوشک، طلائییه و ایستگاه حسینیه و در مرحله سوم خرمشهر، آزاد می‌شد و در مرحله چهارم، بنا به دستور؛ هجوم به داخل خاک عراق به سمت بصره ادامه می‌یافت.

مرحله اول عملیات در ساعت ۱۰ صبح ۱۳۵۹/۱۰/۱۵ آغاز شد و تیپ ۳ لشکر ۱۶ زرهی ارتش با دو گروهان از سپاه پاسداران حرکت سریعی را از محور ابوحمیظه- سوسنگرد آغاز کردند و با استفاده از شکاف موجود در مواضع دشمن در محور کرخه‌نور، به پشت این مواضع رخنه کردند و تا ۲۰ کیلومتری شرق هویزه پیش رفتند.

تیپ ۱ لشکر ۱۶ زرهی با دو گروهان از نیروهای سپاه پاسداران که قرار بود از هویزه حرکت کنند، با سرعت کمتری، به سمت جنوب کرخه‌نور پیشروی کردند. به این ترتیب نیروهای خودی با موفقیت توانستند حدود ۲۴ کیلومتر پیشروی کرده و تیپ ۴۳ زرهی ارتش عراق را محاصره کنند.



در محور فارسیات، نصب پل بر روی کارون و عبور دو گردان لشکر ۹۲ زرهی ارتش با تأخیر انجام شد که این تأخیر زیان آور بود.

همچنین به علت اینکه منطقه مین‌گذاری شده بود، سه تانک خودی روی مین رفتند و حرکت ستون در جناح راست فارسیات متوقف شد. نیروهای جناح چپ محور فارسیات هم با مختصر پیش‌روی در ۳۰۰ متری غرب رودخانه متوقف شدند و به همین علت، در این محور دست‌یابی به جاده اهواز - خرمشهر میسر نشد و جاده در اشغال دشمن باقی ماند.

لذا نیروها، تانک‌ها و نفربرها بدون هیچ‌گونه سنگر و خاکریزی در دشت باز باقی مانده و جای مناسبی برای استقرار نداشتند. بدین ترتیب عدم موفقیت در جناح فارسیات موجب ناقص ماندن مرحله اول عملیات شد. مرحله دوم عملیات در ساعت ۸ صبح ۱۳۵۹/۱۰/۱۶ آغاز شد و نیروهای زرهی و پیاده به سوی پادگان حمید و جفیر حرکت کردند. نیروهای سپاه پاسداران حدود یک کیلومتر جلوتر از قوای زرهی و از دو سمت جاده پیش می‌رفتند. ساعتی بعد آتش دشمن شدت گرفت و پیشروی متوقف شد. در ساعت ۱۴ دستور موكد پیش‌روی از بی‌سیم‌ها شنیده شد اما بعد از حدود پانصد متر پیشروی، حملات هواپیماهای دشمن دوباره نیروها را متوقف کرد.

در ساعت ۱۶ نیز دستورهای صادره همچنان بر مقاومت و ایستادگی تأکید داشت اما دقایقی بعد، در حالی که نیروهای پیاده از عقب‌نشینی مطلع نبودند، عقب‌نشینی واحدهای زرهی ارتش آغاز شد و به همین دلیل ۶۸ نفر از پاسداران و نیروهای داوطلب از جمله تعدادی از دانشجویان پیرو خط امام به فرماندهی شهید حسین علم‌الهدی پس از درگیری با یک ستون تانک عراقی، مظلومانه به شهادت رسیدند. با شکست در این عملیات، علاوه بر حسین علم‌الهدی و یارانش، ۱۴۲ نفر از نیروهای لشکر ۱۶ زرهی قزوین هم در این عملیات به شهادت رسیدند. ارتش عراق که اوضاع را برای پیشروی مناسب می‌دید، با اشغال مجدد مناطق آزاد شده، گام به گام محاصره هویزه را تشدید کرد و در نهایت در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۷ شهر هویزه اشغال شد.

◆ شهید علم‌الهدی (نفر اول ایستاده از چپ) و یارانش در سپاه هویزه قبل از عملیات نصر



# عملیات نصر





♦ بازار غارت شده سوسنگرد

## سوسنگرد

شهر سوسنگرد مرکز شهرستان دشت آزادگان و مهم‌ترین شهر آن است و فاصله آن تا شهر اهواز ۵۵ کیلومتر و تا شهر بستان ۲۸ کیلومتر است. رودخانه کرخه از شمال آن می‌گذرد و شعبه‌ای از آن نیز از داخل شهر عبور کرده و در غرب و جنوب‌غربی سوسنگرد دو رود سابله و مالکیه از آن منشعب می‌شود.

نام این شهر ابتدا «خفاجیه» بوده که در دوران ستم‌شاهی به «سوسنگرد» تغییر نام یافت. سوسنگرد در زمان ایران باستان به نام «عبادتگاه سیاره ناهید» بوده است. مردم این شهر شیعه‌نشین، اغلب عرب زبان هستند و شغل عمده آنها کشاورزی است. از طوایف ساکن در این شهر می‌توان به طوایف آلبوجلال، زبیدات، بنی‌طرف، اهل‌الیرف و سادات اشاره نمود.

با آغاز جنگ، تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی خوزستان که در پاسگاه صفریه و سوبله مستقر بودند نتوانستند حملات دشمن را دفع کنند و به عقب رانده شدند. لشکر ۹ مکانیزه ارتش عراق کم‌کم به محور سوبله، تنگ چزابه و ارتفاعات الله‌اکبر رسید و موفق شد بر روی رودخانه کرخه و رمیم پل شناور نصب کند. به این ترتیب بستان سقوط کرد و دشمن از شمال و غرب وارد شهر شد و با پیشروی در محور بستان- سوسنگرد، شهر سوسنگرد را از غرب مورد تهدید قرار داد. علاوه بر این، سایر یگان‌های دشمن در جنوب کرخه که از محور نشوه- کوشک- طلائییه وارد ایران شده و رو به شمال پیش‌روی کرده بودند، به کرانه جنوبی رودخانه کرخه‌نور رسیده



◆ شهید علی تجلایی

◆ بنای یادبود مقاومت مردمی در سوسنگرد

و با عبور از کرخه، به قصد تصرف سوسنگرد و حمیدیه در دو ستون شروع به پیشروی کردند. در نهایت دشمن علی‌رغم مقاومت مدافعان برای اولین بار در ۶ مهرماه سوسنگرد را اشغال کرد و اداره شهر را به گروه ضدانقلاب «جبهه‌التحریر» سپرد.

سه روز بعد در ۱۳۵۹/۷/۹ رزمندگانی از سپاه اهواز به فرماندهی «علی غیوراصلی» به قوای دشمن در حذفاصل اهواز و حمیدیه شیبخون زدند و با حمایت هوانیروز ارتش، به تعقیب دشمن ادامه دادند. دشمن که برآورد دقیقی از تعداد و توان مدافعان نداشت در ۱۳۵۹/۷/۱۰ سوسنگرد را تخلیه کرد. حملات ارتش عراق از ۱۳۵۹/۷/۱۷ دوباره آغاز شد و دشمن در ۱۳۵۹/۸/۲۴ از سه طرف سوسنگرد را محاصره کرد و وارد بخش‌هایی از آن شد. اما مقاومت حدود دویست نفر از مدافعان از جمله شهید علی تجلایی و یارانش مانع از سقوط کامل شهر شد تا آنکه دو روز بعد در ۱۳۵۹/۸/۲۶ رزمندگان ارتش، سپاه و ستاد جنگ‌های نامنظم به کمک محاصره‌شدگان آمدند و بار دیگر شهر را حفظ کردند.

در جریان مقاومت سوسنگرد، مسجد جامع این شهر محل اعزام نیرو، مداوای مجروحین و مرکز هماهنگی و هدایت عملیات مدافعان بود. مدافعان سوسنگرد پس از سازماندهی در این مسجد در گروه‌های کوچک در نقاط حساس شهر استقرار می‌یافتند. در دوران محاصره سوسنگرد؛ چند تانک عراقی در ۱۳۵۹/۸/۲۵ تا چندمتری این مسجد جلو آمدند، اما با انهدام دو تانک، پیشروی دیگر تانک‌ها متوقف شد.



♦ رزمندگان سوسنگرد بر روی رودخانه نیسان-عکاس شهید حسن باقری

## سبحانیه و خزعلیه

روستای سبحانیه در شمال رودخانه کرخه و شرق سوسنگرد قرار دارد و محله خزعلیه در جنوب رودخانه کرخه و شرق سوسنگرد واقع است.

با آغاز جنگ نیروهای دشمن با عبور از تنگ چزابه در دو محور تقسیم شدند و بخشی از شمال و بخشی دیگر از جنوب کرخه پیشروی کردند. در ۶ مهرماه ۱۳۵۹ نیروهای محور شمالی دشمن با مدافعان سبحانیه و عشایر بنی‌طرف درگیر شدند. از آنجا که خزعلیه آخرین نقطه دفاع از شهر سوسنگرد محسوب می‌شد، مدافعان سبحانیه برای انسجام بیشتر در دفاع از سوسنگرد با عبور از کرخه به خزعلیه آمدند. ارتش عراق برای ورود به خزعلیه و سوسنگرد در نظر داشت بر روی کرخه پل بزند که با مقاومت مدافعان خزعلیه در حالی که پل به نیمه رسیده بود، نتوانست آن را تکمیل و از کرخه عبور کند. ارتش عراق که از مقاومت مدافعان خشمگین شده بود، خزعلیه را به شدت بمباران کرد. در پاسخ به آن بالگردهای هوانیروز ارتش به کمک مدافعان آمدند و پل نیمه تمام را بمباران و ویران کردند. علیرغم تلاش مدافعان، سوسنگرد که از سمت غرب نیز تهدید شده بود، در ۶ مهرماه ۱۳۵۹ سقوط کرد. اکنون مزار شهید محمد رضا سبحانی از سربازان ژاندارمری و یکی از اولین شهدای مقاومت مردمی سوسنگرد در منطقه

عکاس

۱۳۲

خزعلیه که ناجوانمردانه به شهادت رسید، به مکانی برای میثاق با شهدای این منطقه تبدیل شده است.

♦ شهید محمد رضا سبحانی



♦ پل جدید سبحانیه



♦ بستری شدن دکتر چمران در اثر جراحات نبرد در ابوحمیظه

## أَبُو حَمِيْظَه

روستای ابوحمیظه در بخش مرکزی شهرستان دشت آزادگان، در پنج کیلومتری جنوب شرقی شهر سوسنگرد و در مسیر راه اصلی سوسنگرد به اهواز واقع است و رود کرخه از دو کیلومتری شمال آن عبور می کند.

با آغاز جنگ این آبادی و مناطق پیرامون آن به سبب موقعیت حساس ارتباطی (قرارگرفت در مسیر سوسنگرد- اهواز) و نزدیکی به شهر سوسنگرد (به عنوان پایگاه مقدم مقاومت سوسنگرد از جنوب شرقی) از ابتدا با تهاجم دشمن و نبردهای سخت روبه رو شد؛ به طوری که نیروهای نظامی عراق در تجاوز مهرماه ۱۳۵۹ به سمت سوسنگرد، در پی تصرف این روستا و مناطق مجاور آن بودند. این روستا در روز اول جنگ با حمله نیروهای دشمن روبه رو شد و عراقی ها تا ابوحمیظه پیشروی کردند.

در اواخر آبان ۱۳۵۹ نیروهای لشکر ۹ زرهی دشمن که حمله دوباره خود را به سوسنگرد تدارک دیده بودند، ابوحمیظه را تصرف و ارتباط جاده ای سوسنگرد- اهواز را قطع کردند. در این اشغال، علی رغم مقاومت پرشور اهالی که بیشتر از قبیله مزرعه بودند، عراقی ها با آتش توپخانه و حمله تانک ها، ابتدا این روستا را محاصره و سپس تصرف کردند و حدود ۹۶ نفر از اهالی آن را مظلومانه به شهادت رسانده و یا به اسارت بردند و روستا را به ویرانه ای مبدل ساختند. شدت حمله و غارت عراقی ها به حدی بود که در برخی از منابع آن را جنایات وحشیانه عراقی ها به همراه آدم کشی، قتل و غارت خواندند و آن را به یکی از حوادث تلخ جنگ در این شهرستان تعبیر کرده اند.

نقل است که در گشتار دسته جمعی و وحشیانه جوانان و خانواده‌های این روستا، عراقی‌ها یک خانواده شانزده نفری را که از آبادان به ابوحمیظه رفته بودند، یکجا به شهادت رساندند. در این ایام، رزمندگان در اطراف آبادی استقرار یافتند و در ۲۵ آبان‌ماه، پس از احداث پل شناور بر روی کرخه، خود را به آبادی گلپهار در جنوب شرقی ابوحمیظه رسانده و در پی بازپس‌گیری این روستا و شکستن محاصره سوسنگرد برآمدند. اندکی بعد، با تلاش و همت یاران دکتر چمران و دیگر رزمندگان، ابوحمیظه در ۲۶ آبان ۱۳۵۹ آزاد شد. در این درگیری‌ها دکتر چمران از ناحیه پا مورد اصابت ترکش قرار گرفت و مجروح شد.

در اوایل آذر ۱۳۵۹ نیروهای دشمن که در پی تصرف سوسنگرد بودند دوباره تا نزدیکی ابوحمیظه پیشروی کردند، اما مجبور به عقب‌نشینی شدند و ابوحمیظه و حومه آن تا پایان جنگ از تجاوز مستقیم دشمن در امان ماند. با خاتمه جنگ، بازسازی ابوحمیظه با احداث واحدهای مسکونی و مراکزی چون مرکز خدمات روستایی، شرکت تعاونی روستایی، مدرسه و نیز مرکز خدمات بهداشت و درمان آغاز شد. اکنون به یاد شهدای این روستا که بیش از پنجاه نفر از آنها مفقود الاثر هستند، یادمانی احداث شده است که میزبان یک شهید گمنام است.

## منطقه عملیاتی امام‌مهدی (ع)

منطقه عملیاتی امام‌مهدی (ع) در حفاصل غرب سوسنگرد تا روستای احیمر در ۵ کیلومتری غرب سوسنگرد قرار دارد. پس از عقب راندن نیروهای عراقی از سوسنگرد در ۲۶/۱۳۵۹، متجاوزین در نزدیکی شهر و در غرب روستای احیمر خط پدافندی تشکیل دادند.

در این منطقه یک گردان از سپاه و بسیج به استعداد دویست نفر، با پشتیبانی توپخانه ارتش، عملیات محدود امام‌مهدی (ع) را با هدف انهدام قوای دشمن در غرب سوسنگرد در ساعت ۷:۳۰ دقیقه صبح روز ۲۶/۱۲/۱۳۵۹ از سه محور به اجرا درآمد.

در این عملیات محدود رزمندگان با بهره‌گیری از کانال‌های حفر شده به طور همزمان در سه محور پیشروی کردند و دو گروهانی که در دو محور چپ و راست جاده سوسنگرد-بستان عمل می‌کردند، در مدت دو ساعت توانستند حدود چهار کیلومتر پیشروی کنند. عملیات در ساعت ۱۰ صبح با موفقیت به اتمام رسید و رزمندگان که قصد نداشتند در مواضع جدید استقرار یابند، به عقب بازگشتند. هنگام بازگشت رزمندگان، پاتک گردان زرهی دشمن آغاز شد و به همین جهت رزمندگان تا ساعت ۱۵ ضمن عقب‌نشینی تأخیری، با دشمن مقابله کردند.

در این عملیات که اولین عملیات مستقل سپاه پاسداران در جنگ محسوب می‌شود، حدود سی تانک دشمن منهدم، ۹۶ نفر از نیروهای دشمن کشته و ۱۶۸ نفر دیگر اسیر شدند.



◆ موقعیت روستای احیمیر و بردیه



## منطقه عملیاتی امام علی<sup>(ع)</sup> (خبر)

منطقه عملیاتی امام علی<sup>(ع)</sup> در پیرامون تپه‌های الله اکبر و غرب سوسنگرد قرار دارد و از شمال به تپه‌های شحیطه و ارتفاعات میشداغ، از

جنوب به رودخانه کرخه، از غرب به سوسنگرد و روستاهای اطراف آن و از شرق به تپه‌های رملی محدود می‌شود. در فروردین ۱۳۶۰ با تلاش ستاد عملیات جنوب و مشارکت ارتش، سپاه و ستاد جنگ‌های نامنظم؛ اجرای عملیات امام علی<sup>(ع)</sup>، (در اسناد ارتش با نام خبیر نیز شناخته می‌شود) برای آزادسازی تپه‌های الله اکبر و مناطق غرب سوسنگرد از دو محور در دستور کار قرار گرفت.

با آغاز عملیات در ساعت ۴ صبح روز ۱۳۶۰/۲/۳۱ رزمندگان با ۸ کیلومتر پیش‌روی در محور تپه‌های الله اکبر، موفق شدند این تپه‌ها را آزاد کنند. در عین حال رزمندگان در محور غرب سوسنگرد با استفاده از کانالی ۳ کیلومتری که به موازات جاده سوسنگرد- بستان تا ۸۰۰ متری مواضع دشمن در طی دو ماه ایجاد شده بود، توانستند ضمن رعایت اصل غافل‌گیری؛ در ساعت ۲:۳۰ بامداد از پشت به نیروهای دشمن حمله کنند. چون عملیات در این محور بدون اجرای آتش تهیه صورت گرفت، قوای عراقی کاملاً غافل‌گیر شده و خاکریز مقدم آنها در مدت نیم ساعت به تصرف درآمد و رزمندگان موفق شدند با چهار کیلومتر پیش‌روی ضمن تصرف سه خاکریز دشمن در غرب سوسنگرد، دشمن را از روستای حاجیه دور کنند.

با موفقیت هم‌زمان رزمندگان در محورهای تپه‌های الله اکبر (امام علی<sup>(ع)</sup>) و غرب سوسنگرد (عملیات امام مهدی<sup>(عج)</sup>) و در نتیجه تجزیه قوای دشمن در دو طرف رود کرخه؛ دشمن از روستای احیمیر خارج شد و تاروستای بردیه که در ۶/۵ کیلومتری شمال غربی سوسنگرد و در کنار رودخانه سابله قرار دارد عقب‌نشینی کرد و به طور کلی موقعیت ارتش عراق در حدفاصل کرخه تا سابله به خطر افتاد.

دشمن که در این وضعیت قادر نبود منطقه اشغال شده را حفظ کند در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۱۹ بدون درگیری تا نزدیکی دهلاویه عقب‌نشینی کرد و به این ترتیب روستای بردیه نیز آزاد شد. در جریان عملیات طریق القدس سه اتاق دوازده متری ساده و بدون استحکامات در این روستا محل قرارگاه مشترک هدایت عملیات ارتش و سپاه بود. با این عملیات نیروهای خودی موفق شدند در تپه‌های الله اکبر و غرب سوسنگرد تلفات و خساراتی را به دشمن تحمیل کنند و بخش کوچک، اما مهمی از مناطق اشغالی را پس از هشت ماه از آغاز جنگ آزاد کنند.





♦ روستای سید خلف پس از جنگ

## سید خلف

روستای سید خلف در ۱۰ کیلومتری شمال غرب سوسنگرد و در شمال کرخه واقع است. پس از اینکه دشمن اقدام به تثبیت مواضع خود در منطقه اشغالی دشت آزادگان کرد، نیروهای خودی با سرازیر کردن آب کرخه به سمت مواضع عراق در حدفاصل تپه‌های اله اکبر و رودخانه کرخه، دشمن را ناگزیر به عقب‌نشینی مرحله به مرحله کردند، اما دشمن برای حفظ حداقل موقعیت خود در شرق سید خلف، سد خاکی ایجاد کرد و مانع از پیشروی آب شد. در تاریخ ۱۳۵۹/۱۱/۱ رزمندگان اسلام در عملیاتی کوچک این سد خاکی را منهدم کردند که با پیشروی آب، دشمن ناچار به عقب‌نشینی تا نزدیک روستای حمود عاصی شد.



♦ شهید چمران در حال بررسی سدهای خاکی دشت آزادگان





♦ پوشش هوایی منطقه توسط بالگردهای هوایروز ارتش

## گلبهار

روستای گلبهار (بریچه علیا) در ۱۱ کیلومتری جنوب شرقی سوسنگرد و در کنار جاده سوسنگرد- حمیدیه قرار دارد. این روستا در نخستین تهاجم ارتش عراق به سوسنگرد سقوط کرد. در عملیات غیور اصلی رزمندگان که از جنوب غربی حمیدیه وارد عمل شده بودند ضمن انهدام تانک‌های دشمن در شرق گلبهار، هم‌زمان با عقب‌نشینی ارتش عراق خود را به سوسنگرد رساندند.

شهید محمدرضا پورکیان اولین فرمانده شهید سپاه پاسداران در جنگ و ۱۵ نفر از یارانش در «جرگه سید علی» در شمال گلبهار در ۲۳ مهرماه ۱۳۵۹ مقاومت شجاعانه‌ای در برابر تانک‌های دشمن از خود نشان دادند. در جریان این اقدام پورکیان دومین فرمانده سپاه سوسنگرد توانست نیروهایش را از محاصره تانک‌های دشمن نجات دهد و ۵ دستگاه تانک دشمن را نیز منهدم سازد، هر چند که خود او با اصابت گلوله به پیشانی‌اش به شهادت رسید. در هجوم دوم دشمن به سوسنگرد در ۱۳۵۹/۷/۲۳ نیز در حالی که تعدادی از مدافعان شهر به محاصره درآمده بودند، رزمندگان با استقرار در روستای گلبهار در بامداد ۱۳۵۹/۷/۲۶ عملیات خود را از این منطقه آغاز و سوسنگرد را از محاصره خارج کردند.

شهید حبیب شریفی، شهید محمدرضا پورکیان، شهید حمید معینان، شهید اسماعیل دقایقی، شهید حسین بسطامی و شهید علی هاشمی به ترتیب شش فرمانده سپاه سوسنگرد هستند که در جنگ به شهادت رسیده‌اند. شهید حبیب شریفی در دوران اسارت پس از شهید پورکیان به شهادت رسید.





♦ تپه‌های الله اکبر (عکاس سعید صادقی)

## تپه‌های الله اکبر

الله اکبر نام کوهی است در محدوده شهرستان دشت آزادگان که در فاصله ۱۰ کیلومتری شمال سوسنگرد و در نزدیکی بستان قرار دارد و ۷ کیلومتر طول و بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ متر عرض دارد و مرتفع‌ترین تپه آن ۵۵ متر از سطح زمین ارتفاع دارد و بعد از ارتفاعات میشداغ مرتفع‌ترین عارضه دشت آزادگان محسوب می‌شود.



در سال ۱۳۳۳ ق و در اواخر حکمرانی احمدشاه قاجار، در جنگ بین عشایر مسلمان ایران و ارتش بریتانیا بر روی این تپه‌ها، شیخ عبدالله بن عمار طرفی به همراه مجاهدین نماز خواندند و چون قبل از آغاز نماز بر بلندای آن تپه اذان گفته شد، شیخ عبدالله نام آن تپه را الله اکبر نامید که تاکنون به همین نام شهرت دارد.

با شروع جنگ این تپه‌ها به عنوان عارضه‌ای حساس مورد توجه ارتش عراق قرار گرفت و تیپ ۳۵ لشکر ۹ زرهی ارتش عراق پس از تصرف پاسگاه‌های سوبله و چزابه و پس از دو روز توقف در اطراف بستان، به سمت تپه‌های الله اکبر به حرکت درآمد و سرانجام در ۴ مهرماه این تپه‌ها را اشغال و بلافاصله بر روی آن استحکاماتی ایجاد کرد.

دشمن با اشغال این تپه‌ها توانست سوسنگرد را زیر آتش قرار دهد و مقدمات سقوط سوسنگرد را فراهم کند؛ از همین رو یک گردان رزمی از تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی در ۱۰ مهرماه ۱۳۵۹ موفق شد در اقدامی سریع قسمتی از تپه‌های الله اکبر را آزاد نماید. با آزادسازی تپه‌ها، ۱۸ مهرماه مواضع رزمندگان مستقر در آن زیر آتش شدید دشمن قرار گرفت و دشمن در

◆ موقعیت تپه‌های الله اکبر



۱۹ مهرماه برای اشغال دوباره تپه‌های الله اکبر تا آبادی‌های سیدخلف، صالح حسن و حمودعاصی واقع در جنوب غربی تپه‌های الله اکبر، پیش روی کرد و خود را به ۵ کیلومتری مواضع رزمندگان رسانید. موقعیت رزمندگان در تپه‌های الله اکبر که با اشغال بستان و تشدید آتش توپخانه دشمن مورد تهدید جدی قرار گرفته بود، مدافعان را مجبور به عقب‌نشینی از تپه‌های الله اکبر کرد و به این ترتیب تپه‌های الله اکبر دوباره به اشغال ارتش عراق درآمد.

پس از اشغال هفت ماهه این تپه‌ها، رزمندگان در دو عملیات محدود امام علی<sup>(ع)</sup> و نصر (غرب تپه‌های الله اکبر) دشمن را مجبور به عقب‌نشینی کردند. با تلاش رزمندگان در عملیات امام علی<sup>(ع)</sup> در ۳۱ مردادماه ۱۳۶۰ که محور اصلی عملیات بر روی تپه‌های الله اکبر بود، ضمن وارد آمدن خسارات به ارتش عراق، تپه‌های الله اکبر به طور کلی آزاد شد و در عملیات نصر که در ۱۱ شهریورماه ۱۳۶۰ انجام شد، تپه سبز و مناطق غرب تپه‌های الله اکبر نیز از اشغال دشمن خارج شد. به این ترتیب تپه‌های الله اکبر و مناطق اطراف آن تا پایان جنگ تحمیلی از تهدید دشمن در امان ماند.



سید آزادگان ایران مرحوم سید علی اکبر ابوترابی در یکی از مأموریت‌های شناسایی عملیات ستاد جنگ‌های نامنظم در منطقه تپه‌های الله اکبر در تاریخ ۱۳۵۹/۹/۲۶ به اسارت نیروهای دشمن درآمد.

◆ مرحوم سید علی اکبر ابوترابی



## منطقه عملیاتی شهید رستمی

منطقه عملیاتی شهید رستمی در ۱۰ کیلومتری شمال غرب سوسنگرد و در مجاورت روستای دهلاویه و رودخانه سابله قرار دارد.

با آغاز جنگ و اشغال روستای دهلاویه در ۲۴ آبانماه ۱۳۵۹، عملیات محدودی در ساعت ۴:۳۰ بامداد ۱۳۶۰/۳/۲۶ با تلاش یک گردان متشکل از

نیروهای سپاه پاسداران، ستاد جنگ‌های نامنظم و لشکر ۱۶ زرهی ارتش از دو محور آغاز شد و دشمن تا یک کیلومتر به عقب رانده شد. اما دشمن در ساعت ۹ صبح پاتک کرد و منطقه را زیر آتش شدید قرار داد که با مقاومت مدافعان پاتک دشمن خنثی شد.

در بعدازظهر همان روز دشمن دوباره توانست با آرایش ۲۲ دستگاه تانک و یک گردان پیاده و پشتیبانی آتش توپخانه، رزمندگان را از منطقه آزاد شده تا ۳۰۰ متری شرق دهلاویه عقب براند.

در ۳۰ خردادماه رزمندگان دوباره به روستای دهلاویه شبیخون زدند که علاوه بر وارد آوردن تلفات به نیروهای بعثی شش تانک را منهدم و دو انبار مهمات را به آتش کشیدند. در این عملیات شهید سروان ایرج رستمی فرمانده جبهه دهلاویه و مسئول عملیات ستاد جنگ‌های نامنظم به شهادت رسید و به همین دلیل این عملیات به نام این شهید نام‌گذاری شد.





## دهلاویه (یادمان شهید چمران)

دهلاویه روستایی است در جنوب شرقی بستان و جنوب رود سابله که در ضلع شمالی جاده بستان- سوسنگرد قرار دارد. فاصله این روستا تا سوسنگرد ۱۱ کیلومتر و بستان ۱۵ کیلومتر است. مدافعان دهلاویه ده روز سرسختانه در برابر دشمن مقاومت کردند تا اینکه در ۲۴ آبان ۱۳۵۹ توانی برای مقاومت باقی نماند و دشمن با اشغال دهلاویه خود را به سوسنگرد رساند.

در ۱۳۶۰/۳/۲۶ رزمندگان ستاد جنگ‌های نامنظم به فرماندهی دکتر مصطفی چمران (وزیر دفاع وقت) در عملیاتی مشترک با ارتش و سپاه، دهلاویه را آزاد کردند اما دشمن با حملات خود دوباره این روستا را اشغال کرد.

هنگامی که دکتر چمران برای معرفی فرمانده جدید عازم دهلاویه شد، در پشت نهر سابله (مکان فعلی یادمان) بر اثر اصابت گلوله خمپاره به شدت مجروح شد و هنگام انتقال به بیمارستان سوسنگرد به شهادت رسید. دشمن بعد از این عملیات با وجود در اختیار داشتن دهلاویه آن را تخلیه کرد و در غرب آن مستقر شد. به این ترتیب روستای دهلاویه از نیروهای دشمن خالی شد در حالی که در تصرف ایران نیز قرار نداشت.

این منطقه در ۱۳۶۰/۶/۲۷ و در عملیات «شهید آیت‌الله مدنی» آزاد شد و غرب دهلاویه از آن هنگام تا عملیات طریق‌القدس خط مقدم نیروهای خودی بود.

یادمان شهید چمران در سال ۱۳۷۴ در فاصله ۴۰۰ متری روستای دهلاویه ساخته شد و ده سال بعد نیز شهیدی گمنام در محوطه مرکزی این یادمان به خاک سپرده شد. این یادمان در مساحتی بالغ بر ۴۴۰ متر مربع ساخته شده و دارای ردیف پلکانی به یک برج به صورت چهار



♦ خیر مقدم اهالی دهلاویه به رهبر معظم انقلاب

گوشه است که با کاشی‌هایی در داخل آن که فرازی از سخنان گهربار امام خمینی<sup>(ره)</sup> بر روی آن منقش شده است.

این یادمان علاوه بر کتابخانه، نمایشگاهی نیز دارد که تصاویر و اسناد دوران کودکی، نوجوانی و جوانی و مبارزات دکتر چمران در لبنان، همچنین تصاویر ایشان در جبهه‌های نبرد تا لحظه شهادت در آن به نمایش گذاشته شده است.

رهبر معظم انقلاب در پنجم فروردین سال ۱۳۸۵ با حضور در مشهد شهید چمران و مزار شهیدگمنام، رنگ و بوی خاصی به این مکان دادند.





♦ شهید صیاد شیرازی در کنار شهید حسین طهرانی مقدم بنیانگذار واحدهای موشکی و توپخانه سپاه در دفاع مقدس

## منطقه عملیاتی طراح

منطقه عملیاتی طراح در ۱۰ کیلومتری جنوب غربی حمیدیه قرار دارد که رودخانه کرخه در شمال و رودخانه کرخه نور در جنوب آن را احاطه کرده است.

افزایش گرمای هوا در تابستان ۱۳۶۰ سبب کاهش سطح آب بخشی از مناطق غرقاب شده در جنوب

کرخه شد و در نتیجه دشمن با تقویت نیروهایش در شمال کرخه نور، دوباره مواضع قبلی خود را در غرب حمودی سعدون اشغال کرد و با ایجاد میادین مین، سیم خاردار و سیل بندی که در حد فاصل روستاهای حمودی فردوس و قیصریه به طول ۸ کیلومتر قرار داشت؛ جبهه‌ای مستحکم در این منطقه ایجاد کرد تا ضمن تهدید جاده حمیدیه- سوسنگرد از دسترسی رزمندگان به کرخه نور جلوگیری نماید.

در این شرایط به منظور انهدام مواضع دشمن در غرب منطقه حمودی سعدون، اجرای عملیات طراح که به سبب وجود روستای طراح در این منطقه بدین نام نامگذاری شده بود در دست اجرا قرار گرفت.

ابتدا دو خاکریز در فاصله ۱۵۰۰ متری و ۱۰۰۰ متری خاکریز مقدم دشمن احداث شد و سپس سه کانال ۴۰۰ متری حفر شد تا از فاصله نیروهای خودی و دشمن کاسته شود. به این ترتیب نیروهای خودی تا ۶۰۰ متری دشمن پیش رفتند. از طرفی نیروهای رزمنده سپاه و تیپ ۳ لشکر ۱۶ زرهی ارتش به فرماندهی سرهنگ جوادی که در روستای حمودی ساچت در شمال روستای حمودی سعدون استقرار داشتند، شناسایی وسیعی را آغاز کردند و از طرفی در روستای طراح در شرق این منطقه نیز نیروهای ستاد جنگ‌های نامنظم به فرماندهی سرگرد احمد مقدم مستقر بودند.

سرانجام این عملیات به صورت مشترک توسط رزمندگان سپاه سوسنگرد و حمیدیه، ارتش و نیروهای ستاد جنگ‌های نامنظم در ۵ مرداد ۱۳۶۰ انجام گرفت و آخرین خاکریز دفاعی دشمن در شمال کرخه نور آزاد شد. در این عملیات محدود فقط یک نفر به نام سیدکریم مزرعه که ساکن اهواز بود به شهادت رسید.





♦ رودخانه کرخه نور

## گرخه نور (گرخه کور)

رودخانه کرخه کور در جنوب شرقی حمیدیه از کرخه منشعب شده، و بعد از عبور از هویزه به هورالهوریه می‌ریزد. با آغاز جنگ یکی از محورهای تجاوز لشکر ۹ ارتش عراق، مسیر طلائیه- جفیر- کرخه کور بود. دشمن در هفته اول هجوم به کرخه کور دست یافت، آنگاه با عبور از آن، تا ۱۳۵۹/۷/۸ خود را به جاده حمیدیه- سوسنگرد رساند تا با قطع جاده، مقدمات اشغال اهواز و سوسنگرد را فراهم کرد، اما با انجام عملیات غیور اصلی در ۱۳۵۹/۷/۹ حدود چهار کیلومتر عقب‌نشینی کرد و به استحکام مواضع پرداخت.

در ۱۳۵۹/۸/۲۳ هم‌زمان با حمله تیپ ۳۵ لشکر ۹ عراق از شمال و غرب سوسنگرد، تیپ ۴۳ این لشکر نیز در شمال کرخه کور، پس از اشغال ابوحمیظه به سوی سوسنگرد هجوم آورد. اما با عملیات ۱۳۵۹/۸/۲۶ رزمندگان، از این منطقه عقب رانده شد.

در عملیات نصر در ۱۳۵۹/۱۰/۱۵ نیروهای دشمن که در شمال و حاشیه جنوبی کرخه کور مستقر بودند، به شدت آسیب دیده و ۸۰۰ نفر اسیر دادند. پس از دو عملیات شهید چمران (۱۳۶۰/۵/۵) و شهیدان رجایی و باهنر (۱۳۶۰/۶/۱۰) دشمن در ساحل جنوبی این رودخانه موانع متعددی ایجاد کرد، به طوری که رزمندگان در اولین مرحله عملیات بیت‌المقدس (۱۳۶۱/۲/۱۰) به رغم چند رخنه در مواضع دشمن، نتوانستند آن مواضع را تسخیر کنند، تا آنکه نیروهای خودی ۹ روز بعد در دارخوین از کارون عبور کرده و از پهلو موقعیت دو لشکر ۶ و ۷ عراق را که در جنوب کرخه کور مستقر بودند به خطر انداختند، به طوری که آنها مجبور به عقب‌نشینی شدند و این رودخانه از سیطره دشمن خارج شد.

پس از عملیات و راندن دشمن از رودخانه کرخه کور به آن طرف، شهید علی‌هاشمی در اطلاعیه‌ای نوشت: «کرخه کور با خون مطهر شهدا برای همیشه تاریخ به کرخه نور تبدیل شد.» از آن تاریخ به بعد بود که کرخه کور به کرخه نور تغییر نام یافت.



♦ شهید علی‌هاشمی



◆ سخنرانی شهید رجایی در جمع مردم خوزستان

## مناطق عملیاتی شهیدان رجایی و باهنر و نصر

مناطق عملیاتی شهیدان رجایی و باهنر و نصر از شمال به شهر بستان، از جنوب به رودخانه کرخه‌نور، از غرب به روستاهای سویدانی و دغاغله و از شرق به تپه‌های شحیطیه و الله‌اکبر

محدود می‌شود. این عملیات‌ها برای ضربه زدن به نیروهای دشمن در شمال کرخه، تپه‌های شحیطیه و غرب ارتفاعات الله‌اکبر و نیز به منظور بیرون راندن دشمن از شمال روستای جابر حمدان و نزدیک شدن نیروهای خودی به بستان با همکاری سپاه، ارتش و ستاد جنگ‌های نامنظم و ژاندارمری سوسنگرد، سه‌روز پس از فاجعه انفجار دفتر نخست‌وزیری و شهادت شهیدان رجایی و باهنر در دهم و یازدهم شهریور سال ۱۳۶۰ در دستور کار قرار گرفت.

عملیات شهیدان رجایی و باهنر پس از نیم‌ساعت اجرای آتش تهیه در ساعت ۵ صبح از دو محور آغاز شد و نیروهای رزمنده با وارد آوردن ضرباتی به نیروهای دشمن در غرب تپه‌های الله‌اکبر، در روز دوم و متعاقب آغاز عملیات نصر توسط ارتش، رزمندگان تنها موفق شدند پس از يك و نیم کیلومتر پیش‌روی، تپه سبز در کنار خاکریز عسائی و دو روستا در شمال رودخانه کرخه را آزاد نمایند. علی‌رغم محقق نشدن همه اهداف، رزمندگان خسارات و تلفاتی را به دشمن وارد آوردند.

♦ شهید آیت الله مدنی پشت سر محافظ  
خود شهید حسن شفیعی زاده



## منطقه عملیاتی شهید آیت الله مدنی

منطقه عملیاتی شهید آیت الله  
مدنی در حدفاصل غرب روستای  
دهلاویه و روستاهای دغاغله در  
شمال رودخانه نیسان قرار دارد.

بعد از عملیات شهید رستمی، دشمن روستای دهلاویه را تخلیه و در غرب آن مستقر شد. لذا به منظور انهدام توان رزمی دشمن و تصرف خط پدافندی و خاکریز مقدم دشمن از منطقه دغاغله تا دهلاویه نیروهای سپاه و ارتش عملیات مشترکی با نام شهید آیت الله مدنی که یک هفته قبل از این عملیات به دست منافقین به شهادت رسیده بود، در تاریخ ۱۳۶۰/۶/۲۷ در دو محور دهلاویه و سویدانی اجرا کردند.

رزمندگان تیپ ۵۵ هوابرد و تیپ ۱ لشکر ۱۶ زرهی ارتش به همراه نیروهای سپاه پاسداران و بچه‌های گردان بلال در ابتدای این عملیات محدود، موفق شدند با دو کیلومتر پیشروی؛ روستاهای سویدانی، رمله، دحیمیه و مگاسیس را آزاد کنند.

در پی این عملیات، نیروهای دشمن برای بازپس‌گیری مواضع از دست‌داده، چندین مرتبه اقدام به پاتک سنگین نمودند و توانستند روستای مگاسیس و خاکریز سویدانی- دغاغله را دوباره اشغال کنند، ولی نتوانستند به مواضع قبل از عملیات بازگردند.

عملیات شهید مدنی به آزادی منطقه‌ای به وسعت پانزده کیلومتر مربع انجامید و خطوط پدافندی خودی در منطقه عملیاتی سوسنگرد و تپه‌های الله‌اکبر تا اجرای عملیات طریق القدس همچنان بدون تغییر ماند.



◆ شهید حمید معینیان مسئول اطلاعات قرارگاه مرکزی کربلا در حال توجیه عملیات طریق القدس (عکاس شهید حسن باقری)

## منطقه عملیاتی طریق القدس

منطقه عملیاتی طریق القدس در شمال غربی اهواز قرار دارد و از شمال به ارتفاعات میشداغ، از جنوب به رودخانه نیسان و شهرهویزه، از شرق به تپه‌های الله اکبر و شهر سوسنگرد و از غرب به هور الهویزه، تنگ جزابه و مرزهای بین‌المللی محدود می‌شود.

این منطقه دارای زمین‌های مرتفع، پست و هموار می‌باشد و شمال آن رملی و از جنس ماسه بادی است. عوارض مصنوعی این منطقه عبارتند از: جاده سوسنگرد-بستان، جاده تعاون (جاده ای که دشمن ساخته بود و از حد فاصل بستان-پل سابله به پل نیسان و به سمت جفیر امتداد داشت)، میدان‌های مین و مواضع احداثی دشمن نظیر خاکریز عسائی. رودخانه‌های مهم این منطقه نیز شامل رودخانه‌های کرخه، رمیم، سابله و نیسان (شاخه اصلی جدا شده از کرخه که ابتدا با نام مالکیه وارد سوسنگرد شده و از آنجا به بعد نیسان نامیده می‌شود) می‌باشد.

ایران فقط دو ماه پس از پیروزی در عملیات ثامن الائمه<sup>(ع)</sup>، عملیات طریق القدس را در سال دوم جنگ (آذر ماه سال ۱۳۶۰) با سرعت بسیار و بر پایه تحولات جدید و به عنوان بزرگ‌ترین عملیات خود در مقیاس گسترده با هدف آزادسازی بستان و بیش از هفتاد روستای منطقه طرح‌ریزی نمود. چرا که پس از پاکسازی مناطق اشغالی شرق رودخانه کارون در عملیات ثامن الائمه<sup>(ع)</sup>، هنوز در جبهه جنوب سه منطقه غرب رودخانه کارون و خرمشهر، منطقه بستان و سوسنگرد و منطقه غرب رودخانه کرخه در اشغال دشمن قرار داشت. این مناطق از نظر وسعت، هدف، استعداد و گسترش نیروهای دشمن موقعیت‌های متفاوتی داشتند، بنابراین با توجه به توانایی و امکانات نیروهای خودی برای انجام عملیات، منطقه سوسنگرد و بستان برای عملیات انتخاب شد.

عملیات طریق القدس  
در ساعت ۰۰:۳۰ بامداد  
۱۳۶۰/۹/۸ با عبور  
نیروهای پیاده از میدین  
مین و مواضع دشمن،  
به طور هم‌زمان در چند  
محور آغاز شد.



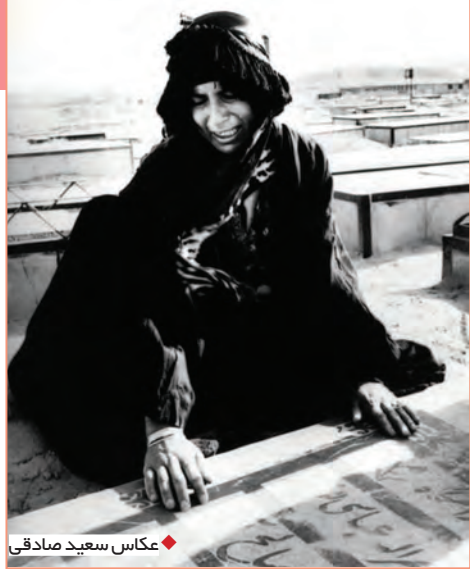
نیروهای عمل‌کننده در  
محور شمال عملیات، در  
همان ساعات اولیه درگیری

موفق شدند مواضع نیروهای دشمن را در خطوط اول و به خصوص خاکریز عصابی شکل تصرف کرده و نیروهای احتیاط دشمن را در پشت خطوط پدافندی منهدم کنند. در ساعت ۶ بامداد روز اول عملیات، تیپ امام حسین<sup>(ع)</sup> و یک گردان مکانیزه سپاه به همراه یک گردان از تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲ موفق شدند تنگ چزابه را تصرف و تأمین کنند. با بروز شرایط سخت در محور جنوبی عملیات، تصمیم گرفته شد نیروهای خودی در شمال با ورود به روستای ابوچلاچ به سوی شرق و جنوب شرقی پیش‌روی نموده، بستان و منطقه سابله را آزاد کنند. این بخش از عملیات در روز دوم با موفقیت تحقق یافت و شهر بستان پس از حدود ۴۲۰ روز اشغال آزاد شد. متعاقب ورود نیروهای خودی به این منطقه، نیروهای باقیمانده دشمن در کنار نهر عبید موضع خود را ترک کردند و به جنوب رودخانه سابله گریختند. در روز ششم عملیات (۱۳۶۰/۹/۱۳) دشمن سعی کرد تا از تعلل نیروهای ایرانی در اتخاذ یک پدافند مطمئن و مستحکم در شمال سابله، سودجسته و آن را تصرف کند و از آن طریق دوباره بستان را در معرض تهدید قرار دهد. اما هوشیاری نیروهای خودی و حضور به موقع نیروهای تقویتی (پیاده و زرهی) در قسمت شمال پل سابله موجب شد دشمن با تحمل تلفات سنگین عقب‌نشینی کرده و در جنوب سابله مستقر شود.

تلاش نیروهای خودی برای پاکسازی محدوده‌ای به وسعت هفتاد کیلومتر مربع بین جنوب سابله و شمال رودخانه نیسان که هنوز در اشغال نیروهای دشمن قرار داشت، نقطه پایان عملیات طریق القدس بود. در این مرحله دشمن که به اشتباه تاکتیکی خود مبنی بر حضور در یک منطقه محصور با موانع طبیعی پی‌برده بود، در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۳۰ با پوشش آتش شدید توپخانه، به طرزی ماهرانه نیروهای خود را از منطقه خارج ساخت و به جنوب رودخانه نیسان عقب‌نشینی کرد. با پایان عملیات طریق القدس، سپاه سوم عراق تجزیه شد و ۶۵۰ کیلومتر مربع از خاک ایران شامل شهر بستان، حدود هفتاد روستا، پنج پاسگاه مرزی و نیز تنگ چزابه آزاد شد.

عملیات طریق القدس





◆ عکاس سعید صادقی

## ابوچلاچ

ابوچلاچ روستایی در شهرستان دشت آزادگان است که در پنج کیلومتری شمال غرب شهر بستان نزدیک تنگ جزابه، در راه عمومی بستان به فکه واقع است و رود کوچک ابوچلاچ که شاخه‌ای از رود کرخه است از میان آن می‌گذرد.

موقعیت خاص این روستا در دشت آزادگان و شهر بستان موجب شد ارتش عراق برای دست‌یابی به شهر بستان به تصرف این روستا ترغیب شود. به همین سبب ارتش عراق در اول مهرماه ۱۳۵۹ به گلوله‌باران این روستا و مناطق همجوار آن پرداخت. طوری که مردم این روستا پس از خاموش شدن آتش توپخانه، آبادی را به سمت روستاهای سعیدیه و مچریه (در جنوب بستان) ترک کردند.

علی‌رغم دشواری‌های طبیعی مانند باتلاق‌های متعدد بزرگ و کوچک و سست بودن خاک که حرکت نیروی زرهی را با مشکل روبه‌رو می‌ساخت، ارتش عراق استحکاماتی در شمال این روستا ایجاد کرد و سپس عناصری از لشکر ۹ زرهی را در اطراف روستای ابوچلاچ و نیز مناطق همجوار آن مستقر نموده و به اجرای آتش توپخانه و گلوله‌باران شهر بستان پرداخت.

با استقرار ارتش عراق در منطقه ابوچلاچ، دشمن کالاهای و وسایل زندگی اهالی را غارت و خساراتی به اماکن آن وارد کرد و عده‌ای از اهالی روستا نیز حین مقاومت به شهادت رسیدند. دشمن در ۱۳۵۹/۷/۲۳ با نصب پل در ابوچلاچ توانست بستان را محاصره و اشغال نماید.

در اجرای عملیات طریق القدس در آذرماه ۱۳۶۰، با سخت شدن اوضاع در محور جنوبی عملیات، منطقه ابوچلاچ به عنوان نقطه‌ای که می‌توانست نیروهای خودی را برای پیشروی به سوی پل‌های رودخانه رمیم و مناطق غرب بستان هدایت کند، مورد توجه قرارگاه عملیاتی کربلا قرار گرفت و فرماندهان ارشد قرارگاه به یگان‌های تحت امر ابلاغ کردند تا نیروهای مستقر در شمال کرخه ضمن پشتیبانی توپخانه در منطقه ابوچلاچ پیشروی و پس از تصرف و آزادسازی آن، منطقه را پدافند کنند. سرانجام این آبادی پس از چندین ماه اشغال، با ورود رزمندگان اسلام

و با شکست سخت دشمن در پایان روز ۹ آذر ۱۳۶۰ و در عملیات طریق القدس آزاد شد.



◆ پل ابوچلاچ



♦ موقعیت آلبوعفری شمالی و جنوبی

## آلبوعفری

دو آبادی آلبوعفری شمالی و جنوبی در دهستان‌های حومه شرقی و غربی شهرستان دشت آزادگان، در فاصله سه کیلومتری جنوب غربی سوسنگرد قرار دارد. با آغاز جنگ موقعیت جغرافیایی روستاهای آلبوعفری بر اهمیت آنها افزود، چرا که این دو روستا در مدخل ورودی سوسنگرد و در مسیر محور هجوم دشمن قرار داشتند.

در هفته اول جنگ، نظامیان عراقی وارد آبادی آلبوعفری شدند. اما پس از چند روز یعنی در ۹ مهرماه ۱۳۵۹، این آبادی در جریان عقب نشینی نیروهای دشمن آزاد شد.

پس از چند ماه در دهه سوم دی‌ماه ۱۳۵۹ ارتش عراق دوباره این آبادی را اشغال کرد. در اثنای حملات نظامیان عراق به جاده اهواز- سوسنگرد و محاصره شهر سوسنگرد، برخی از اهالی شهر به روستاهای آلبوعفری پناه بردند. اندکی پس از آزادسازی سوسنگرد، آبادی‌های آلبوعفری و مناطق غرب سوسنگرد مدتی در دست نیروهای عراقی بود. نیروهای عراقی که تحت فشار بودند روستای آلبوعفری جنوبی را در ۱۲ فروردین ۱۳۶۰ تخلیه کردند و در عملیات غرب سوسنگرد که در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ صورت گرفت موقعیت نیروهای خودی در این منطقه تحکیم و تثبیت شد.

در نتیجه عملیات طریق القدس در آذر ۱۳۶۰، روستاهای آلبوعفری به کلی از تهدید مستقیم دشمن خارج شد و تا پایان جنگ در امان ماند. پس از خاتمه جنگ و از جمله در سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ روستاهای آلبوعفری با حمایت بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خوزستان بازسازی شد؛ و در کمتر از یک دهه از امکانات خدماتی و رفاهی برخوردار شدند. روستاهای آلبوعفری محل شهادت و مجروح شدن عده‌ای از رزمندگان، به ویژه از طایفه بنی طرف است.





◆ نیروهای جهاد سازندگی در حال احداث جاده پیروزی

## جاده پیروزی

جاده پیروزی جاده‌ای ۱۵ کیلومتری است که از شمال تپه‌های الله‌اکبر و تپه سبز شروع می‌شد و تا منطقه‌ای موسوم به چاه آب در نزدیکی تنگ صعده، در چهار کیلومتری شمال شرق تپه سبز که در گذشته شتربانان از آن بهره‌برداری می‌کردند، ادامه داشت.

جهادسازندگی استان سمنان به سرپرستی برادر ابوالفضل حسن‌بیگی و مدیریت اجرایی مهندس علی‌آبادی و میری به منظور تسهیل تردد خودروهای سبک و زرهی در عملیات طریق‌القدس و سهولت دسترسی به دیدگاه‌های اول تا سوم این جاده تکمیل و ۹ کیلومتر دیگر در داخل رمل توسعه یافت. به نحوی که عملیات احداث آن از دهه دوم آبان‌ماه آغاز و در مدت ۲۱ روز به اتمام رسید.

در این مدت به طور پنهانی هشتاد کامیون بدون وقفه خاک را از تپه‌های شحیطیه حمل کرده و در مسیر تعیین شده بر روی رمل‌ها می‌ریختند و ماشین‌های جاده‌سازی آنها را پخش و در رمل می‌کوبیدند.

برای سهولت حرکت، تپه‌های بلند رملی بریده شده و برای جلوگیری از ریزش تپه‌های رملی با حصیر و هزاران کیسه‌شن دیواره‌سازی شده بود. همچنین برای مشخص بودن مسیر و ممانعت از انحراف خودروها در شب عملیات در حد فاصل چاه آب و دیدگاه شماره ۳، به پیشنهاد شهید حسن باقری به فاصله هر صد متر فانوس‌های کوچکی آویخته شد که به همین علت انتهای این جاده به جاده فانوس نیز معروف شد که در آن باند فرود بالگرد نیز پیش‌بینی شده بود. شهید صیادشیرازی به علت نقش و تأثیر این جاده در عملیات طریق‌القدس نام آن را جاده پیروزی گذاشت.



موقعیت خاکریز عصایی

## خاکریز عصایی

در محور شمالی رودخانه کرخه، از حوالی روستای جابر حمدان تا تپه‌های ماهور دامنه میشداع، دشمن خاکریزی به ارتفاع دو و نیم متر و عرض سه متر ساخته بود که ابتدا حدود شش کیلومتر شمالی- جنوبی پیش می‌رفت، بعد به سمت غرب پیچیده و دو و نیم کیلومتر دیگر ادامه داشت و به کناره نهر عبید متکی بود.

از آنجا که در عکس‌های هوایی این منطقه به شکل عصا دیده می‌شد لذا به خاکریز عصاشکل معروف شد.

دشمن بر روی این خاکریز با کیسه‌های شنی، الوار و ورقه‌های فلزی سنگر ساخته بود و جلوی خاکریز هم یک میدان مین با عمق دویست متر احداث کرده بود و در هر صد متر یک سکوی آتش تانک قرار داشت.

در عملیات طریق القدس رزمندگان خاکریز عصا شکل را دور زده و تا عمق مواضع دشمن نفوذ کردند و مقابل خطوط دوم و سوم دفاعی عراق آماده حمله شدند.

عباس کردآبادی با نیروهایش ۹ آذر ۱۳۶۰ در عملیات طریق القدس خاکریز را آزاد کرد و خودش در آنجا به شهادت رسید.



◆ تنگ ذلیجان

◆ رزم شبانه راهیان نور  
در پادگان میشداغ

## ارتفاعات میشداغ

ارتفاعات میشداغ در ۸۵ کیلومتری شمال شرق اهواز قرار دارد و از شمال بستان آغاز می‌شود و تا نزدیکی‌های رودخانه کرخه در محدوده عبدالخان ادامه دارد، جهت آنها شمال غرب- جنوب شرق بوده و به تپه‌های رقبیه در جنوب غربی فکه منتهی می‌شود و در تقسیمات کشوری به عنوان مرز شهرستان‌های دشت آزادگان و شوش شناخته می‌شود. میشداغ مرتفع‌ترین منطقه دشت آزادگان محسوب می‌شود و ارتفاع بلندترین قله آن ۲۷۰ متر است. این ارتفاعات به علت دید مناسب آن در منطقه و تسلط بر شهرهای بستان و سوسنگرد در طول جنگ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و با آغاز جنگ به اشغال دشمن درآمد.

جنوب این ارتفاعات یکی از محورهای اصلی در آزادسازی سوسنگرد و بستان بود و در مرحله دوم عملیات فتح‌المبین به طور کامل به دست نیروهای خودی افتاد و بعدها به یکی از محورهای هجوم به دشمن تبدیل شد. تنگ ذلیجان یکی از معابری است که در محل تلاقی دامنه ارتفاعات میشداغ و تپه‌های رملی قرار دارد و دشت چهیلا در دامنه شرقی این ارتفاعات را با منطقه فکه مرتبط می‌سازد. در گذشته مردم بومی و تجار محلی برای تردد و جابه‌جایی کالا به عراق از این گذرگاه استفاده می‌کردند. در عملیات فتح‌المبین مسیر این گذرگاه به جاده تبدیل و در عملیات والفجر مقدماتی از آن برای رسیدن به مرز بهره‌برداری شد. تنگ میشداغ (تنگ صعده) نیز در شمال غربی بستان و جنوب این ارتفاعات قرار دارد و دشت چهیلا را به تپه‌های رملی شمال کرخه متصل می‌کند.

تنگ میشداغ و تنگ ذلیجان از محورهای هجومی حساس رزمندگان در عملیات فتح‌المبین بود. در اردیبهشت ۱۳۶۷ قرارگاه عملیاتی جنوب (کربلا) ارتش، به پادگان میشداغ در ارتفاعات میشداغ نقل مکان نمود. اکنون پادگان میشداغ که محل استقرار تیپ مستقل ۴۵ تکاور ارتش می‌باشد به یکی از نقاط مورد توجه اردوهای راهیان نور تبدیل شده است.



◆ شهید علی هاشمی (نفر سوم از سمت راست) و همزمانش

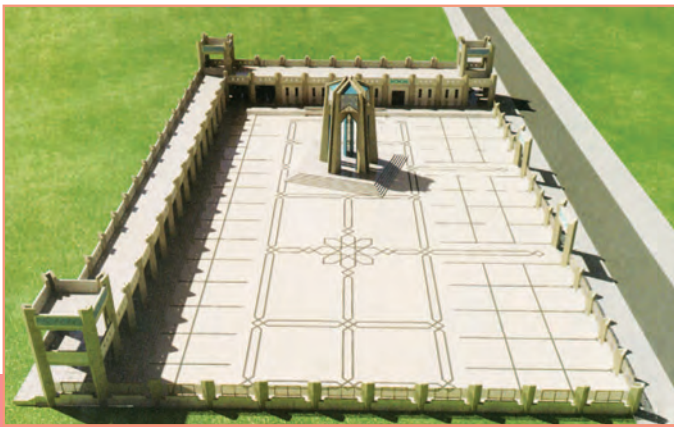
## منطقه عملیاتی ام‌الحسنین (س)

منطقه عملیاتی ام‌الحسنین<sup>(س)</sup> در منطقه سیدجابر که از شمال به حمیدیه و از جنوب به رودخانه کرخه نور محدود می‌شود قرار دارد. دشمن در جنوب رودخانه کرخه نور مستقر بود و سیل‌بندی احداث کرده بود که از جاده خرمشهر شروع می‌شد و تا آنجا ادامه می‌یافت. دشمن همچنین در مقابل منطقه سیدجابر خاکریز نعل اسبی شکل داشت که فاصله‌اش با رودخانه حدود چهارصد متر بود و دو گردان نیرو را در آن مستقر کرده بود.

۱۵۵

در آستانه عملیات فتح‌المبین برای فریب دشمن و درگیر کردن لشکر زرهی عراق در غرب اهواز، عملیات ایذایی ام‌الحسنین<sup>(س)</sup> به فرماندهی شهید علی‌هاشمی با سه گردان طراحی و اجرا شد.

این عملیات در تاریخ ۱۳۶۰/۱۲/۲۴ در سه مرحله و به مدت سه روز در محور حمیدیه و کرخه‌نور اجرا شد و رزمندگان به شیوه جنگ چریکی در منطقه سیدجابر ضرباتی به دشمن وارد آوردند. فردای آن روز دشمن تکی سنگینی کرد و حتی از رودخانه کرخه هم عبور کرد و لشکر آزرهی خود را درگیر این عملیات نمود و در نتیجه اهداف فریب در این عملیات محقق شد.



♦ طرح یادمان در حال ساخت شهدای چزابه

## تنگ چزابه

چزابه منطقه‌ای است در ۱۷ کیلومتری شمال غربی شهر بستان به عرض متغیر دو تا چهار کیلومتر که از شمال به منطقه فکه، از جنوب به شهر بستان، از غرب به خط مرزی ایران و عراق و از شمال شرق به ارتفاعات میشداغ محدود می‌شود و بین تپه‌های رملی و هورالهوریه و بر سر جاده مرزی فکه- بستان قرار دارد. پاسگاه مرزی سوبله ایران و شیب عراق در غرب آن واقع است. این منطقه به علت قرارگیری در بین هور و تپه‌های رملی یک گلوگاه محسوب می‌شود و به دلیل قرار داشتن در مسیر دستیابی به شهرهای بستان و سوسنگرد از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین دلیل این منطقه یکی از پنج معبر اصلی هجوم ارتش عراق به خوزستان بود.



در هجوم ۱۳۵۹/۶/۳۱ به چزابه، با وجود مدافعان اندک آن، ارتش عراق توانست موقعیت خود را تا ۱۳۵۹/۷/۲ در چزابه تثبیت کند. دشمن سرانجام در روز ۱۳۵۹/۷/۳ با عبور از چزابه به طرف تپه‌های الله اکبر پیش روی کرد. از آن زمان تنگ چزابه در اختیار دشمن بود تا اینکه در ۱۳۶۰/۹/۸ در جریان عملیات طریق القدس آزاد شد. در روز ۱۷ بهمن ۱۳۶۰، ارتش بعث عراق دو تیپ، یک لشکر و یک گردان را در آستانه عملیات فتح‌المبین با هدف جلوگیری از انجام عملیات از نقاط مختلف عراق به تنگ چزابه روانه کرد و حدود سیصد متر در عمق مواضع خودی نفوذ کرد. در پاسخ به این اقدام، هجده گردان از نیروهایی که سپاه پاسداران برای اجرای عملیات فتح‌المبین آماده کرده بود به تدریج به چزابه اعزام و با دشمن درگیر شدند. اما موفقیتی به دست نیامد تا اینکه در تاریخ ۱۳۶۰/۱۲/۱ چهارگردان از سپاه به فرماندهی شهید حسن باقری و دو گردان از ارتش، در عملیاتی با نام مولای متقیان<sup>(ع)</sup> وارد عمل شدند و این منطقه پس از چهارده روز نبرد طاقت فرسا به طور کامل آزاد شد.

در جریان عملیات خیبر نیز به منظور فریب دشمن عملیات ایذایی والفجر ۶ در تنگ چزابه و دشت چیلات صورت گرفت که متأسفانه قریب به چهارصد نفر از رزمندگان در این عملیات مفقودالثر شدند. اکنون یادمان شهدای چزابه که در محل تنگ چزابه و در غرب جاده فکه- بستان قرار دارد، میزبان هشت شهیدگمنام این منطقه است.



◆ فکه، میدان موانع و سنگر کمین دشمن

## منطقه عملیاتی والفجرمقدماتی

منطقه عملیاتی والفجرمقدماتی در شمال غرب استان خوزستان و در حد فاصل پاسگاه‌های مرزی فکه تا چزابه قرار دارد و پوشیده از رمل است. این منطقه از شمال به شیخ‌حای و برقازه، از جنوب به هورالهوریزه و شهرستان بستان، از شرق به بلندی‌های میشداغ و رقابیه و از غرب به استان میسان عراق با مرکزیت شهر العماره، محدود می‌شود. مهم‌ترین عوارض طبیعی منطقه، تپه‌های رملی و متحرک، هور، بلندی‌های حاصل از انباشت ماسه و جنگل عمقر می‌باشد که وجود این عوارض حرکت یگان‌های سواره و زرهی را به شدت با مشکل مواجه می‌سازد.

همچنین تنگ چزابه که در جنوب این منطقه واقع شده است به عنوان محور مواصلاتی بین استان خوزستان و استان میسان عراق از اهمیت بالایی برخوردار است.

اقدامات گسترده پدافندی دشمن پس از آزادسازی خرمشهر، سبب شکل‌گیری استحکامات پیچیده دفاعی در شرق بصره شد و سپاه چهارم ارتش عراق در طرح‌های پدافندی خود، موانع گسترده مصنوعی شامل کانال‌ها، سیم خاردار، سنگرهای کمین، میدان‌های مین و بشکه‌های انفجاری (فوگاز) را در این منطقه ایجاد نمود.

از طرفی فرماندهان نظامی برای شکستن بن‌بست به وجود آمده، اجرای عملیات در مناطق غیر محتمل را در دستور کار خود قرار دادند و بر این اساس منطقه رملی فکه تا چزابه به دلیل بکر بودن منطقه و امکان ضعف در خطوط پدافندی دشمن، برای انجام عملیات والفجرمقدماتی در نظر گرفته شد. هدف اولیه این عملیات تصرف دشت شرق حلفائیه و پل غزلبه عراق بود که در صورت تحقق این هدف و بنا به دستور، تصرف شهر العماره به عنوان هدف بعدی مورد توجه قرار می‌گرفت.



◆ فکه، میدان موانع و مین دشمن (عکاس شهید داریوش گودزی)

در راستای اجرای این عملیات قرارگاه خاتم الانبیاء (ص)<sup>(ص)</sup> با سازماندهی یگان‌های سپاه و ارتش در قالب دو قرارگاه عملیاتی نجف و کربلا، جبهه‌ای به عرض چهل و طول شصت

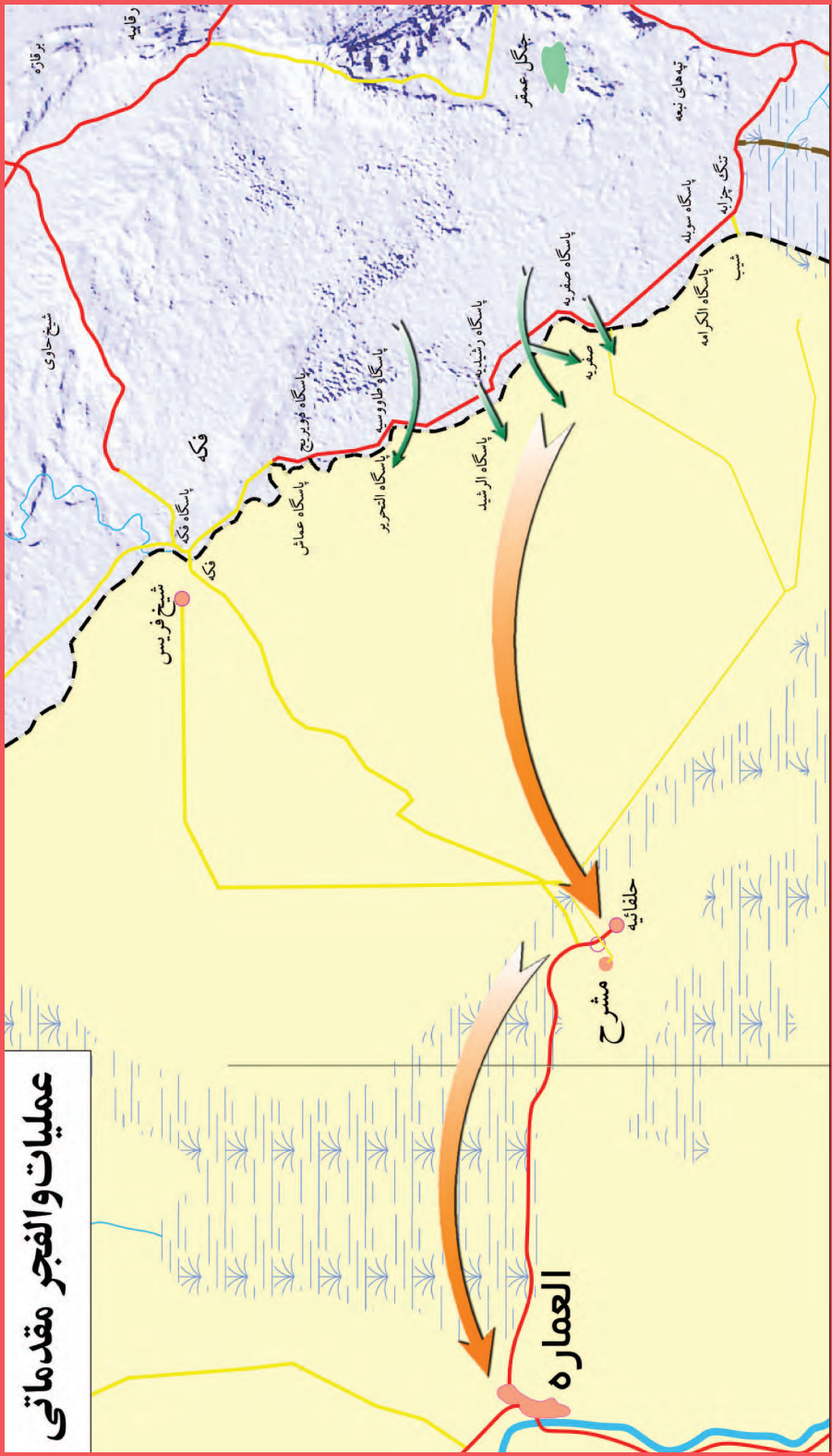
کیلومتر را برای عملیات والفجر در

نظر گرفت و شمال این منطقه را به قرارگاه نجف و جنوب آن را به قرارگاه کربلا واگذار کرد.

در این عملیات سه مرحله پیش‌بینی شده بود؛ در مرحله اول نیروها از حد فاصل پاسگاه دویرج تا پاسگاه صفریه تک خود را به سمت غرب شروع نموده و با انهدام و تصرف مواضع خط مقدم دشمن تا جاده مرزی عراق پیش‌روی می‌کردند. در مرحله دوم ابتدا نیروهای قرارگاه نجف منطقه پشت جاده مرزی عراق حد فاصل پاسگاه الفکه تا پاسگاه الرشید را تصرف کرده و سپس نیروهای قرارگاه کربلا با ادامه تک، حد فاصل پاسگاه الرشید تا پاسگاه الشیب را به تصرف خود در می‌آوردند. مطابق طرح در این مرحله، منطقه شرق پل غزیله و شمال هورالهیوزه پاکسازی و تأمین می‌شد. در مرحله سوم با بازسازی یگان‌ها، حرکت نیروها به سوی العماره ادامه می‌یافت. همچنین برای ادامه غافل‌گیری دشمن پیش‌بینی شده بود که هم‌زمان با شروع نبرد، در منطقه چیلات، طیب و فاو تک فریب اجرا شود.

با اعلام رمز مبارک «یاالله، یاالله، یاالله» عملیات در ساعت ۲۱:۳۰ روز ۱۳۶۱/۱۱/۱۷ از محورهای شمال پاسگاه‌های طاوسی، رشیدیه و صفریه آغاز شد و نیروهای خودی با استفاده از تاریکی شب، به سوی مواضع دشمن حرکت کردند. پیاده‌روی طولانی در زمین‌های رملی که ناشی از فاصله زیاد خط‌خیز تا خط دستیابی به دشمن بود، خستگی مفرط رزمندگان را به دنبال داشت. همچنین وسعت عمق موانع و استحکامات دشمن و وجود کانال‌های متعدد از سرعت پیش‌روی نیروها می‌کاست. در این شرایط، در حالی که برخی از یگان‌های خودی مشغول پاکسازی و عبور از موانع بودند و برخی دیگر از جاده مرزی عبور کرده و وارد خاک عراق شده بودند، به دلیل هوشیاری دشمن و عدم امکان الحاق و استقرار کامل و همچنین پایان تاریکی شب و استفاده گسترده دشمن از آتش پشتیبانی و بالگرد و هواپیما، به یگان‌های خودی دستور عقب‌نشینی داده شد. با شکل‌گیری این وضعیت و ضرورت مقابله با جنگ روانی دشمن، مرحله دوم نبرد با هدف انهدام نیرو و تجهیزات دشمن از ساعت ۲۱ روز ۱۳۶۱/۱۱/۲۰ آغاز شد و پس از انهدام بخش‌هایی از قوای دشمن بدون دستیابی به اهداف اولیه به پایان رسید. با دست نیافتن کامل به اهداف در عملیات، پسوند «مقدماتی» به کلمه «والفجر» افزوده شد و این عملیات «والفجر مقدماتی» نام گرفت.

# عمليات والفجر مقدماتی







تصویر هوایی از مقتل شهدای فکه



شهید معیدپازوکی



شهید علی محمودوند

## فکه

فکه منطقه‌ای بیابانی در شمال غربی استان خوزستان و جنوب شرقی استان ایلام است که از جنوب به چزابه و شهر بستان، از شرق به ارتفاعات میشداغ و رقابیه، از شمال غرب به عین خوش و شهر موسیان، از شمال شرق به برقازه و از غرب به استان العماره عراق منتهی می‌شود. فکه به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود که بخش جنوبی آن جزو استان خوزستان و شهرستان دشت آزادگان محسوب می‌شود و بخش شمالی آن جزو استان ایلام و از توابع شهرستان دهلران است. منطقه فکه؛ رملی و سرزمین شن‌های روان است و در بخش جنوبی آن رمل و شن‌های روان بیشتر است، به گونه‌ای که حرکت کردن بر روی آن بسیار سخت و طاقت فرساست. در فکه جنوبی، تعداد روستاها به تعداد انگشتان هم نمی‌رسد و فقط عده‌ای از عشایر در آن زندگی می‌کنند اما در منطقه فکه شمالی به علت وجود رودخانه دویرج و باران‌های فصلی؛ روستاهای معدودی وجود دارد.

فکه یکی از محورهای اصلی تجاوز و حمله ارتش عراق به شمال خوزستان بود. لشکر ۱ مکانیزه عراق از این محور به سمت شوش تهاجم کرد. اما مقاومت یک گروه رزمی از تیپ ۳۷ زرهی شیراز و گروهی از سپاه پاسداران موجب شد دشمن با تأخیر از فکه عبور کند. پس از عملیات فتح‌المبین که به آزادسازی غرب شوش و دزفول انجامید، منطقه فکه همچنان در اشغال دشمن باقی ماند.

در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۱۷ عملیات والفجرمقدماتی در جنوب فکه انجام شد و رزمندگان توانستند به خطوط دفاعی ارتش عراق نفوذ کنند، اما به علت لو رفتن عملیات و آمادگی و مقاومت شدید دشمن، رزمندگان به مواضع قبلی بازگشتند. این منطقه علاوه بر آن که مشهد تعداد قابل



توجهی از رزمندگان  
است، شاهد شهادت  
دو فرمانده بزرگ جنگ  
یعنی حسن باقری و  
مجید بقایی بود.

۱۳۶۵/۲/۱۰ دشمن دوباره به فکه حمله کرد و بیش از هفت کیلومتر پیشروی نمود و تا آخر جنگ این منطقه در دست دشمن باقی ماند. پیکر شهدا نیز مدت‌ها در میداین مین بر زمین ماند. اولین اکیپ‌های تفحص به همت شهید محمودوند در اوایل دهه هفتاد در این سرزمین شروع به کار کردند و پیکرهای تعداد زیادی از شهدا از این منطقه به شهرها بازگردانده شد. سیدمرتضی آوینی هنگام ضبط برنامه روایت‌فتح از محل قتلگاه ۱۲۰ رزمنده گردان حنظله از لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) در تاریخ ۱۳۷۲/۱/۲۰ به همراه سعید یزدان‌پرست بر اثر انفجار مین در این منطقه به شهادت رسیدند. در فکه تعدادی از نیروهای تفحص نیز در حین یافتن شهدا به شهادت رسیده‌اند که از جمله آنها می‌توان به شهدایی چون علی محمودوند، سیدعلی موسوی، مجید پازوکی، غلامی، سعید شاهدی و برادران صابری اشاره کرد.

مقتل شهدای فکه بین پاسگاه فکه و چزابه و در غرب پاسگاه طاووسیه و در سه کیلومتری جاده فکه- چزابه قرار دارد. در این مقتل بخشی از زمین به صورت بکر و به صورت رملی با سیم خاردار محصور شده و به عنوان معبری امن از مناطق آلوده اطراف خود جدا شده است.

علاوه بر ایام راهیان نور، این قتلگاه همه ساله در ایام محرم و عاشورای حسینی میزبان عزاداران حسینی است.



◆ زانران در کنار کانال کمیل



♦ آثار گلوله باران دشمن بر روی پاسگاه مرزی

## پاسگاه‌های مرزی منطقه فکه- چزابه

پاسگاه فکه ایران در انتهای جاده چنانه- فکه در یک دشت کاملاً باز و مقابل پاسگاه الفکه عراق واقع شده است. این پاسگاه در گذشته‌های دور، مرزبانی درجه ۲ و دارای گمرک و محل تردد اتباع دو کشور بوده است. ساختمان پاسگاه، قبل از جنگ به سبک کاروان‌سراهای شاه‌عباسی و مصالح آن آجر و گل بود. در روز ۱۳۵۹/۶/۲۵ نیروهای لشکر ۱ مکانیزه عراق که هدفشان تصرف شهر شوش بود به این پاسگاه حمله کردند و با مدافعین پاسگاه که اکثراً نیروهای تیپ ۳۷ شیراز بودند مواجه شدند. فردای آن روز نیروهای عراقی دو بار به پاسگاه حمله کردند که با دفاع مدافعین پاسگاه، حمله دشمن ناموفق ماند و چند دستگاه تانک دشمن منهدم شد.



۱۶۲

در بامداد اول مهرماه نیروهای دشمن، پاسگاه را از طریق شمال (دالان سمیده) دور زده و آن را اشغال کردند، اما نیروهای خودی متقابلاً آن را بازپس گرفتند. در ساعت ۱۸ همان روز، تیپ ۳۴ زرهی لشکر ۱ مکانیزه ارتش عراق با یک گردان تانک و یک گردان مکانیزه از طریق جنوب، پاسگاه را دور زد و آن را تصرف کرد. این پاسگاه تا پایان جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در اختیار ارتش عراق بود.

پاسگاه دویرج در کنار جاده مرزی فکه- چزابه و در ده کیلومتری جنوب پاسگاه فکه قرار دارد و فاصله این پاسگاه تا مرز حدود دویست متر است. تا قبل از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر رودخانه دویرج از این نقطه عبور می‌کرد اما بعد مسیر رودخانه را عوض کردند. این پاسگاه همانند

پاسگاه‌های طاووسیه و رشیدیه و صفریه جزو اولین نقاط تهاجم دشمن بود. این پاسگاه به همراه پاسگاه بجلیه در هجوم اولیه توسط لشکر ۱ ارتش عراق به تصرف درآمد و در عملیات والفجرمقدماتی محل استقرار لشکر ۱۴ ارتش عراق بود و از جمله اهداف مهم نیروهای خودی در این عملیات به شمار می‌رفت.

پاسگاه طاووسیه در شش کیلومتری پاسگاه دویرج و کنار جاده فکه- چزابه قرار دارد که در اولین روزهای جنگ مورد هجوم دشمن قرار گرفت و اشغال شد و در عملیات والفجرمقدماتی یکی از محورهای حمله به دشمن بود. در جریان تفحص شهدا، این پاسگاه و محدوده اطراف آن شاهد کشف شهدای بسیاری بوده است و مقتل ۱۲۰ شهید فکه در نزدیکی آن قرار دارد.

پاسگاه رشیدیه بین پاسگاه طاووسیه و پاسگاه صفریه و در غرب جاده فکه- چزابه قرار دارد و فاصله آن تا مرز کمتر از یک کیلومتر است و روبه‌روی پاسگاه رشیدیه عراق قرار دارد. ارتش عراق در ۲۵ مهر ۱۳۵۹ قبل از آغاز رسمی جنگ به این پاسگاه حمله کرد. همچنین این پاسگاه و محدوده اطراف آن یکی از محورهای مهم عملیات والفجرمقدماتی بود.

پاسگاه صفریه در جنوب پاسگاه رشیدیه و شمال پاسگاه سوبله و در کنار جاده فکه- چزابه قرار دارد. این منطقه نیز در اوایل جنگ شاهد مقاومت نیروهای مستقر در پاسگاه در برابر دشمن یعنی بوده است. درگیری در منطقه پاسگاه‌های مرزی سوبله، رشیدیه و صفریه در مرز ایران از اوایل شهریور آغاز شد و از روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به مدت هشت روز نبرد سختی در این منطقه به وقوع پیوست، به حدی که در روز هشتم، نیروی هوایی و هوانیروز ارتش ایران بیشترین توان خود را در پشتیبانی هوایی انجام دادند. از نزدیکی پاسگاه صفریه جاده‌ای به سمت چپ منشعب می‌شود که به طرف جنگل عمقر و تپه‌های نبعه می‌رود و در عملیات والفجرمقدماتی یکی از محورهای اصلی عملیات بوده است.

پاسگاه سوبله در شمال تنگ چزابه و در غرب جاده فکه- چزابه واقع است و فاصله آن تا بستان هفده و نیم کیلومتر، تا پاسگاه صفریه دوازده کیلومتر و تا مرز عراق حدود پانصد متر است. این پاسگاه از ۱۳۵۹/۶/۲۵ و قبل از آغاز رسمی جنگ درگیر جنگ شد.

در این پاسگاه بیست و پنج نفر از پاسداران و نیروهای ژاندارمری موفق شدند برای مدت کوتاهی حرکت دشمن را متوقف کنند. لیکن با افزایش فشار دشمن، ناچار به عقب‌نشینی شدند. اگر چه پاسگاه در ساعت ۵ بعد از ظهر روز اول جنگ اشغال شد، اما حضور نیروهای خودی موجب ادامه درگیری و چندین بار دست‌به‌دست شدن پاسگاه سوبله شد تا اینکه در سومین روز جنگ به دست دشمن افتاد. این پاسگاه مرزی همچنان تا پایان جنگ در اشغال دشمن باقی ماند تا آنکه بر اساس قطعنامه ۵۹۸ دشمن مجبور به عقب‌نشینی از آن شد.



◆ تصویر هوایی از تپه‌های نبعه

## نبعه

تپه‌های رملی نبعه در شمال شهر بستان و دو کیلومتری شمال غرب چزابه قرار دارد و ارتفاع مرتفع‌ترین آنها حدود ۶۵ متر است.

اطراف این تپه‌ها دشت وسیعی از شن‌های روان قرار دارد و جنس زمین این منطقه به گونه‌ای است که در مواقع خشکی بسیار نرم و به هنگام بارندگی‌های شدید و مواقعی که رودخانه‌ها طغیان می‌کنند، به صورت گل چسبنده و باتلاقی است و حرکت افراد و خودروها را در خارج از جاده محدود و کند می‌کند. عملاً حرکات نیروهای عمل‌کننده در این مناطق محدود و متکی به جاده است. به هنگام خشکی حرکت در تپه‌های رملی به سختی مقدور است و برای عبور از این مناطق به تمهیدات و تجهیزات ویژه نیاز است.

با شروع جنگ، دشمن این تپه‌ها را اشغال کرد و برای تسلط بر منطقه بر روی آن سنگرهای کمین احداث کرد.

تپه‌های نبعه تا اجرای عملیات طریق القدس همچنان در اشغال دشمن قرار داشت. در آستانه عملیات فتح‌المبین در ۱۳۶۰/۱۱/۱۷ نیروهای عراقی با هدف به تأخیر انداختن عملیات فتح‌المبین با حمله به تنگ چزابه حدود سیصد متر در عمق مواضع خودی رخنه کردند و پس از ده روز گلوله‌باران منطقه درصدد برآمدند تا منطقه دارالشیاع- منطقه بازی که تانک و پیاده می‌تواند در آن عمل کند- را دور زده و به پشت مواضع رزمندگان نفوذ کنند. دشمن در این اقدام توانست سه تپه مسلط بر منطقه در نبعه را که دارای ارزش نظامی بود تصرف کند.

رزمندگان برای بازپس‌گیری این تپه‌ها پاتک محدودی را اجرا کردند و موفق شدند علاوه بر



◆ تپه های نیعه ۲۰ بهمن  
۱۳۶۰ (عکاس سعید صادقی)

آنها حدود يك كيلومتر پيش روی كنند اما دشمن آن يك كيلومتر را دوباره تصرف كرد و تا اجرای عملیات مولای متقیان<sup>(ع)</sup> در تاریخ ۱۳۶۰/۱۲/۱ وضعیت در نیعه هیچ تغییری نیافت.

در این عملیات و در محور تپه های نیعه، چهار گردان به فرماندهی شهید حسن باقری به طرزی غافل گیرانه از پشت مواضع دشمن وارد عمل شده و با تصرف خاکریز اولیه دشمن، تنگ چزابه را به طور کامل آزاد نمودند.

از آنجا که حرکت نیروهای رزمی و زرهی در رمل سخت و غیر ممکن است لذا ارتش عراق گمان نمی کرد نیروهای ایرانی بتوانند از محور نیعه عملیاتی را سازماندهی کنند. چرا که در غرب ارتفاعات میشداغ تا نوار مرزی تپه های رملی وسیعی وجود داشت که عبور از آنها بدون تجهیزات یا اقدامات جاده سازی، بسیار مشکل بود.

لیکن رزمندگان اسلام در جریان عملیات طریق القدس و عملیات والفجر مقدماتی توانستند از آن عبور کنند و به دشمن یورش برند.

به طور کلی گرفتن این عارضه حساس در طول جنگ به معنای تسلط کامل بر شرق تنگ چزابه بود و نیروهای مهاجم از شمال این تپه ها می توانستند تنگه چزابه را دور زده و به شمال بستان دست یابند.



♦ تانک منهدم شده دشمن در کنار پل سابله

## پل سابله

پل سابله که مهم‌ترین نقطه ارتباطی سوسنگرد به بستان است، به طول سی و عرض شش متر در جنوب شرقی شهر بستان و در محل تلاقی رود سابله و جاده سوسنگرد- بستان قرار دارد. با آغاز جنگ و اشغال بستان در ۱۳۵۹/۷/۲۳ دشمن به سمت پل سابله پیشروی نمود و در ۱۳۵۹/۷/۲۷ توانست از آن عبور کند.

این پل تا عملیات طریق القدس (۱۳۶۰/۹/۸) در تصرف دشمن باقی ماند. در ششمین روز این عملیات (۶۰/۹/۱۳) دشمن با به‌کارگیری تیپ ۴۸ پیاده و گردان تانک قتیبه توأم با غافل‌گیری به شمال رودخانه سابله و پل سابله حمله کرد تا دوباره شهر بستان را اشغال کند. اما با شنود مکالمات بی‌سیم فرماندهی دشمن، نیروهای خودی از این موضوع مطلع شدند و بلافاصله نیروهای ارتش و سپاه با رساندن خود به این منطقه، تانک‌های دشمن را که در حال عبور از پل بودند هدف قرار دادند.

این کار موجب متوقف شدن چند تانک و خودرو بر روی پل و در نهایت مسدود شدن این پل گردید و در نتیجه قوای زرهی دشمن با تحمل تلفات و خسارات بسیار عقب‌نشینی کرد.

در نتیجه شهر بستان از خطر حتمی سقوط نجات یافت. پل سابله در واقع کلید فتح بستان و نقطه حماسی جنگ تن با تانک گردان قتیبه دشمن در عملیات طریق القدس است.

♦ تانک منهدم شده دشمن در کنار پل سابله





♦ درمان مجروحان عملیات والفجر ۱ در اندیمشک (عکاس سعید صادقی)

## بیمارستان صحرائی امام حسن مجتبی (ع)

بیمارستان صحرائی امام حسن مجتبی (ع) در هفت کیلومتری جنوب شرقی شهر بستان و در شرق جاده بستان- سوسنگرد و در نزدیکی پل سابله قرار دارد.

این بیمارستان یکی از بیمارستان‌های بزرگ صحرائی است که مهندسی قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) سپاه پاسداران آن را در سال ۱۳۶۶ برای استفاده در عملیات‌های ایزدیی در منطقه هورالهوریزه و محور بستان طراحی و احداث کرد و مجروحین مناطق فکه، چزابه و جزایر مجنون به این بیمارستان منتقل می‌شدند.

این بیمارستان که توسط بهداری رزمی جنوب قرارگاه کربلا اداره می‌شد، با مساحت ۳۵۷۰ مترمربع هشت اتاق عمل، ریکواری، نقاهتگاه، آزمایشگاه، بانک خون، واحد داندانپزشکی، دو سالن بزرگ اورژانس و رادیولوژی و بخش بیماران شیمیایی داشت.

این بیمارستان به علت تغییر محور عملیاتی از جنوب به غرب در پایان جنگ، چندان مورد استفاده قرار نگرفت و اکنون به مکانی برای بازدید و استقرار راهیان نور مبدل شده است.





♦ توجه راویان نور بسیج دانشجویی در کنار جنگل عمقر

## جنگل عمقر

جنگل عمقر در شمال شهر بستان و شمال شرقی چزابه و غرب تنگ ذلیجان قرار دارد و تنها فضای جنگلی این منطقه است و از انبوه بوته ها و درختان گزنه تشکیل شده است.

در عملیات والفجرمقدماتی، رزمندگان درمانگاه صحرایی، فرارگاهها و بنه‌های تدارکاتی خود را در پناه این درختان احداث کرده بودند و در شب عملیات از این محل به عنوان عقبه برای تجهیز، سازماندهی، هدایت و پشتیبانی گردان‌های عمل کننده در محور جنوبی استفاده می‌کردند.

نیروهای جهادسازندگی برای تسهیل تردد به دشت‌های شرق فکه، به ساخت جاده‌ای با تراورس و صفحه‌های فلزی مشبک از میان این جنگل تا پاسگاه‌های مرزی صفریه و رشیدیه اقدام کردند که به علت کمبود امکانات نا تمام ماند.



♦ آزمایش صفحات تراورس  
برای تردد در رمل



◆ پدافند هوایی شناور در هور الهویزه

## هور الهویزه

هور الهویزه که به هور العظیم هم معروف است، در غرب منطقه دشت آزادگان به طول حدود هفتاد و پنج کیلومتر و عرض چهل کیلومتر با وسعتی در حدود ۳۰۰۰ کیلومتر مربع گسترده شده است و از شمال به تنگ چزابه و یال جنوبی هور السناف، از جنوب به دشت نشوه، از شرق به دشت آزادگان و هویزه و از غرب به رودخانه دجله و جاده العماره- بصره محدود می‌شود و آب رودخانه‌های دجله، کرخه‌نور، دویرج، طیب، میمه و باران‌های فصلی آن را تغذیه می‌کند. عمق آن بین چهار تا کمتر از یک متر متغیر است و مانعی طبیعی برای تحرکات نظامی محسوب می‌شود.

مهم‌ترین مجرای خروجی هور الهویزه، کانال سوئیب است که به صورت یک آبراه طبیعی آب هور را به اروندرود هدایت می‌کند. وجود پوشش گیاهی نی، چولان و بردی در این منطقه زمینه مناسبی را برای معیشت روستایی و عشایری متکی بر کشاورزی و پرورش گاومیش فراهم ساخته است.

جزایر مجنون شمالی و جنوبی برای بهره‌برداری از چاه‌های نفت هور به طور مصنوعی و با به‌کارگیری سیل‌بند توسط عراق در داخل هور الهویزه احداث شده است. روستای ترابه به عنوان مهم‌ترین عارضه‌های خشکی منطقه خودنمایی می‌کند و عبور جاده بصره- العماره از



ساحل غربی هور و وجود پل‌های العزیر، القرنه و نشوه، موقعیت نظامی تنگ چزابه در شمال هور و وجود منابع سرشار نفتی، بر اهمیت نظامی و اقتصادی هورالهیویزه افزوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی از نوار مرزی طلائیه تا چزابه - که از میان هورالهیویزه می‌گذرد - مراقبت لازم صورت نمی‌گرفت. لذا مزدوران عراقی به سادگی از این منطقه به دشت آزادگان نفوذ و ضمن قاچاق سلاح، اقدام به عملیات خرابکارانه می‌کردند.

در جریان جنگ با توجه به اینکه هورالهیویزه مانع بزرگی برای عبور نیروهای نظامی بود، هرگز به عنوان یک معبر نظامی مورد توجه دشمن قرار نگرفت. لذا فرماندهان خودی برپایه آسیب‌پذیری دشمن در این منطقه، عملیات‌های خیر، بدر و چند عملیات محدود دیگر را با نام‌های قدس ۱، ۲، ۴، ۵ و عاشورای ۴ و انصارالحسین طراحی و اجرا کردند.

عبور تجهیزات و لشکرها از آب، و جنگ در خشکی در آن سوی آب برای نیروی خودی بسیار دشوار بود. این اقدام در آغاز فقط به نیروهای غواص و استفاده از قایق متکی بود ولی پس از چند ماه پلی به طول سیزده کیلومتر از ساحل خودی به جزایر مجنون کشیده شد. پس از آن نیز با تلاش چند گروه مهندسی، چندین جاده در میان آب احداث شد که مهم‌ترین آنها جاده شهید همت و سیدالشهداء<sup>(ع)</sup> است. همچنین عراق - در چارچوب استراتژی دفاع فعال - در اردیبهشت ۱۳۶۵ تکی اجرا کرد که نتیجه‌ای برای دشمن به همراه نداشت.

سرانجام ارتش عراق در تیر ماه ۱۳۶۷ با افزایش توان تجهیزاتی و رزمی خود و با اجرای تک جبهه‌ای و هلی‌برن به جزایر مجنون حمله کرد و توانست آن را اشغال کند. در این هجوم، علی‌هاشمی فرمانده قرارگاه شناسایی نصرت به شهادت رسید.



◆ عملیات خیبر

## منطقه عملیاتی خیبر

منطقه عملیاتی خیبر از شمال به البیضه و العزیر، از جنوب به آبگرفتگی شرق بصره، از شرق به ساحل شرقی هورالهوریزه و خط مرزی کوشک-زید و از غرب به رودخانه دجله محدود می‌شود. عارضه اصلی در این منطقه هورالهوریزه است که حدود ۸۰ درصد سطح آن پوشیده از نی، چولان و بردی است؛ از این رو تردد در آن فقط از آبرها صورت می‌گیرد.

همچنین خشکی‌هایی چون ترابه، البیضه و جزایر مجنون شمالی و جنوبی در میان هور دیده می‌شود. وجود چاه‌های نفت و عبور جاده مهم بصره-العماره بر اهمیت آن می‌افزاید. از آنجا که با تاکتیک‌های عملیاتی رایج، امکان عبور از موانع گسترده و پیچیده پدافندی عراق و دستیابی به عمق استراتژیک آن کشور فراهم نمی‌شد، فرماندهان نظامی با بررسی راهکارهای مختلف، به دلیل بکر بودن منطقه و ضعف خطوط پدافندی دشمن و همچنین مسلح نبودن زمین، منطقه هورالهوریزه را برای انجام عملیات خیبر انتخاب کردند.

ایده اولیه عملیات در هور، در بازدیدهای مرداد ۱۳۶۱ از منطقه شکل گرفت و در اوایل سال ۱۳۶۲ با تشکیل قرارگاه شناسایی نصرت، شناسایی‌های منطقه هورالهوریزه به طور سری آغاز شد. این شناسایی‌ها نقشی تعیین کننده در اجرای عملیات خیبر داشتند.

تصرف جزایر مجنون، القرنه، نشوه و نهر کتیبان از اهداف عملیات بود که در صورت موفقیت، شهر بصره از شمال تهدید می‌شد. برای فریب و انحراف توجه دشمن نسبت به منطقه هورالهیوزه، عملیات تحریرالقدس در ۱۳۶۲/۱۱/۲۱ در منطقه سد دربندیخان، عملیات والفجره در ۱۳۶۲/۱۱/۲۷ در منطقه چنگوله و عملیات والفجر ۶ در ۱۳۶۲/۱۲/۲ در منطقه چیلات و تنگ چزابه به عنوان عملیات‌های ایذایی به اجرا درآمد. سپاه سوم ارتش عراق در هورالهیوزه فاقد استحکامات و رده‌های پدافندی مشخص بود، اما در قسمت خشکی؛ از طلائیة تا کوشک و از کوشک تا زید با احداث خاکریزهای متعدد، کانال‌ها، میادین مین، سیم‌های خاردار و سنگرهای کمین به موازات مرز به استحکام مواضع خود پرداخته بود.

برای اجرای عملیات خیبر دو محور مستقل هورالهیوزه و زید در نظر گرفته شد. محور هورالهیوزه به عنوان تلاش اصلی به قرارگاه نجف (سپاه پاسداران) و محور زید به قرارگاه کربلا (ارتش) واگذار و خط واصل کوشک-الزریجی به عنوان خط حد دو قرارگاه مشخص شد و قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء<sup>(ص)</sup> وظیفه هماهنگی و پشتیبانی این دو قرارگاه را بر عهده گرفت. در این عملیات پشتیبانی هوایی و هلی‌برن بر عهده ارتش، و ترابری دریایی در هور بر عهده قرارگاه دریایی نوح سپاه قرار گرفت.

سرانجام در ساعت ۱۸:۳۰ روز سوم اسفند ۱۳۶۲ عملیات خیبر با رمز «بارسوالله<sup>(ص)</sup>» آغاز شد. این در حالی بود که یک روز پیش از شروع عملیات، نیروهای پیشرو وارد هور شده و تا حدی در آبرها پیشروی کرده بودند. با شروع عملیات در محور قرارگاه نجف، نیروهای قرارگاه‌های فرعی نصر و حدید به سرعت در هور پیشروی کرده و موفق شدند با دستیابی به شرق دجله، پل‌های العزیر و القرنه را تصرف کنند. اما در محور قرارگاه فرعی حنین پاکسازی جزایر مجنون مطابق برنامه پیش نرفت و نیروهای این محور نتوانستند با تصرف به موقع نیمه شرقی جزیره جنوبی و ورود به خشکی جنوب غربی طلائیة، به کمک نیروهای عمل‌کننده در محور طلائیة شکسته شوند، به علت مقاومت شدید دشمن ناگزیر به توقف شدند. بدین ترتیب بین نیروهای قرارگاه فرعی حنین (عمل‌کننده در جزیره شمالی و نیمه شرقی جزیره جنوبی) و قرارگاه فرعی فتح (عمل‌کننده در محور طلائیة) الحاق صورت نگرفت؛ چیزی که موفقیت عملیات به شدت به آن بستگی داشت. در محور قرارگاه فرعی بدر، نیروها پس از پاکسازی ضلع غربی جزیره شمالی و نیمه غربی جزیره جنوبی، به پل شحیطاط (پس از شهادت حمید باکری جانشین فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا به پل شهید حمید باکری معروف شد) رسیدند، اما به سبب کمبود نیرو و پاکسازی نشدن نیمه شرقی جزیره جنوبی، متوقف شدند.

در محور قرارگاه کربلا، به علت وجود موانع پرشمار و مقاومت شدید دشمن، نیروهای عمل‌کننده موفق به شکستن خط نشدند. با به بن‌بست رسیدن عملیات در محورهای زید و طلائیة و مسدود ماندن راه زمینی، امکان پشتیبانی از نیروهای مستقر در العزیر و القرنه نیز



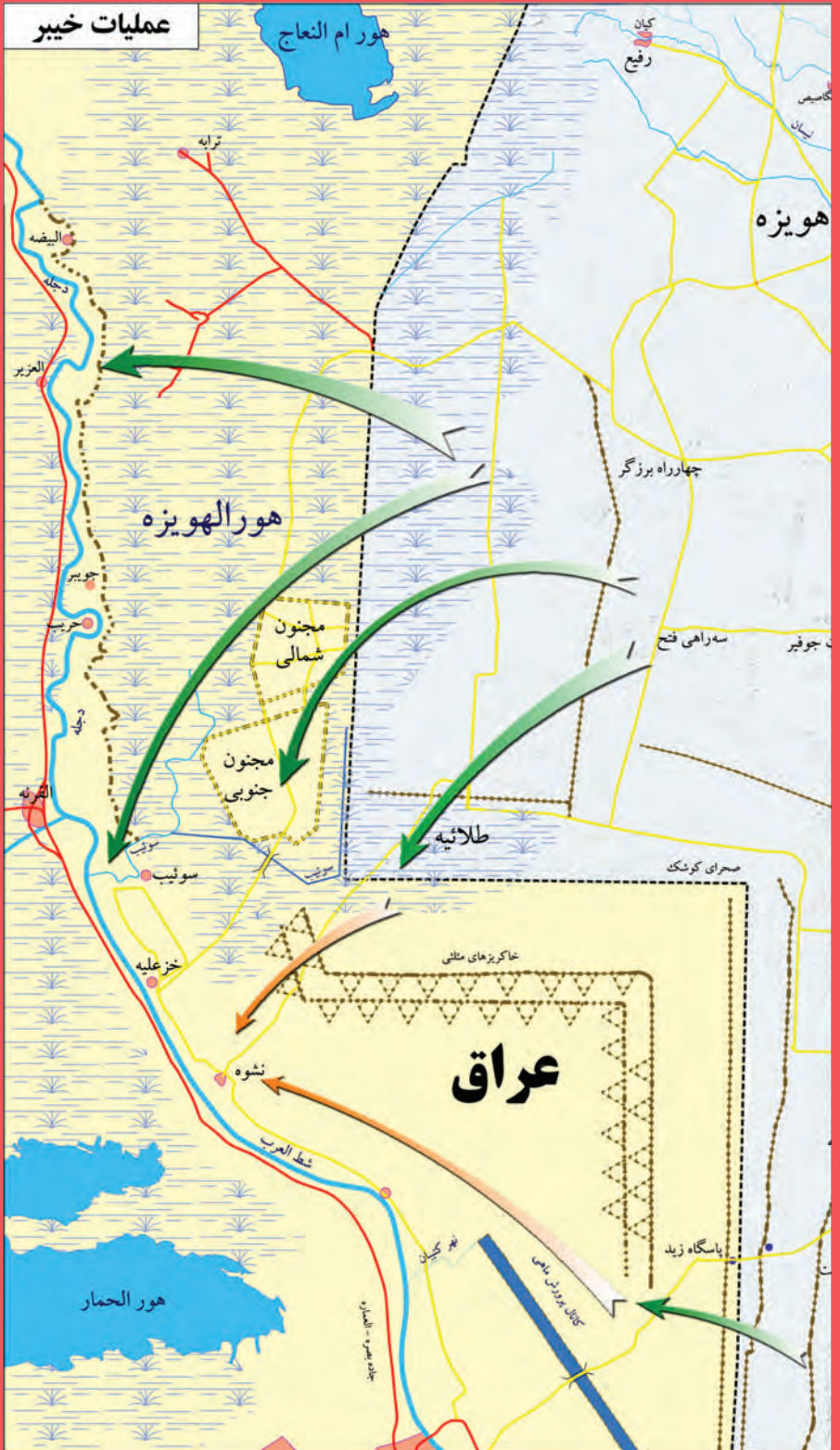
◆ بمباران شیمیایی دشمن در عملیات خیبر

فراهم نشد و در نتیجه با افزایش فشار دشمن و انتقال یگان‌های تازه نفس از العماره، نیروهای قرارگاه نصر و حدید از العزیر و القرنه به داخل جزیره مجنون شمالی عقب‌نشینی کردند. از این پس جزایر، کانون درگیری شد. این در حالی بود که دشمن به سبب برخورداری از پشتیبانی زمینی در موقعیتی برتر قرار داشت و با رهاکردن آب از طریق کانال سوئیب مانع از پیشروی رزمندگان می‌شد، لذا نیروهای لشکر ۱۴ امام حسین<sup>(ع)</sup> که از کنترل عملیاتی قرارگاه کربلا خارج و به قرارگاه نجف پیوسته بودند، به همراه نیروهای قرارگاه فرعی فتح در ۱۰ اسفندماه بار دیگر همه توان خود را برای باز کردن محور طلائی به کار بردند تا شاید با باز شدن راه زمینی، گره عملیات گشوده شود، اما به سبب باتلاقی شدن زمین، آتش انبوه و مقاومت شدید دشمن به رگم حدود شش کیلومتر پیشروی خودی و متلاشی شدن یک تیپ از دشمن، این حمله نیز ناکام ماند.

با توقف پیشروی در محور طلائی، همه تلاش‌ها معطوف به حفظ جزایر مجنون شد. در ۱۶ اسفندماه پاتک‌های عراق برای تصرف جزایر آغاز شد و دشمن با اجرای آتش سنگین، بمباران وسیع هوایی و به کارگیری نیروهای پیاده و زرهی به جزیره جنوبی حمله کرد. درگیری تا ۱۸ اسفندماه ادامه داشت و در این روز دشمن با سلاح‌های شیمیایی مواضع خودی را به شدت بمباران کرد. در روز ۱۹ اسفندماه عراق حملات خود را از سر گرفت؛ اما رزمندگان اسلام با دفاع شدید، نیروهای دشمن را متوقف نمودند.

سرانجام با استقامت حماسی رزمندگان و شهادت فرماندهانی چون ابراهیم همت، مرتضی یاغچیان، حمید باکری و اکبر زجاجی، دشمن با تحمل تلفات فراوان از ادامه پاتک منصرف شد و طبق فرمان امام خمینی<sup>(ع)</sup> جزایر همچنان حفظ شد.

# عملیات خیبر





◆ عملیات بدر، به کار گیری هواناو(هاور کرافت)

## منطقه عملیاتی بدر

منطقه عملیاتی بدر به طول حدود پنجاه کیلومتر از شمال به ترابه و از جنوب به القرنه و کانال سوئیپ در داخل خاک عراق محدود می‌شود و هورالهیوزه و هورالحمار این منطقه را احاطه کرده است. زمین آن از جنس خاک رس نمکی است و با نشست آب از سیل‌بندهای هور حالت باتلاقی به خود می‌گیرد. رودخانه دجله این منطقه را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم می‌کند که  $\frac{3}{4}$  خشکی منطقه در شرق رودخانه واقع است. جاده مهم بغداد-بصره نیز در غرب رودخانه واقع است. وسعت کل منطقه عملیات اعم از خشکی و هور هزار کیلومتر مربع می‌باشد که ۲۵۰ کیلومتر مربع آن خشکی و مابقی آن هور است.

دشمن بعد از عملیات خیبر، علاوه بر سازماندهی سپاه‌های اول تا چهارم خود، اقدام به تشکیل ستاد فرماندهی شرق دجله و رده‌های پدافندی در سراسر منطقه جنوب کرد و در مسیر آبراه‌ها و در داخل نزارها سنگرهای کمین قرار داد تا در صورت هجوم رزمندگان نقش تأخیری داشته باشند و از نزدیکی نیروهای شناسایی به خط دشمن نیز ممانعت کنند. از طرفی به منظور زیر نظر داشتن هرگونه تحرك و داشتن تسلط کافی بر هور دکل‌های متعددی را نصب کرد. گذشته از آن در آبراه‌ها موانع قابل ملاحظه‌ای ایجاد کرد که گذشتن از آنها بسیار سخت





و بلکه غیرممکن می‌نمود. بعد از این موانع، سیل‌بندی هم مشرف بر آب به عرض دوازده متر و ارتفاع دو متر احداث کرد و بر روی آن سنگ‌های متعددی تعبیه نمود که از سه جهت دارای دید کافی بر روی آب بود.

عواملی همچون تجربیات به دست آمده از عملیات خیبر در خصوص الزامات پشتیبانی و تاکتیکی و عملیات آبی و خاکی، جبران بسیاری از نواقص و کمبودهای مهندسی موجود در عملیات مذکور، در اختیار داشتن جزایر مجنون به عنوان مناطق واسط و سرپل که امکان تمرکز نیروها و انتقال تجهیزات به جلو را تسهیل می‌نمود، موجب شد تا این منطقه دوباره برای انجام عملیات بزرگ انتخاب شود و دستیابی و تسلط بر جاده العماره- بصره و نیز دستیابی به غرب دجله که استان‌های ناصریه، بصره و العماره را احاطه کرده است و همچنین تسلط بر شرق دجله از جمله اهداف آن قرار گرفت.

برای انجام عملیات، منطقه مورد نظر به دو محور شمالی و جنوبی تقسیم شد و محور شمالی به قرارگاه نجف، و محور جنوبی به قرارگاه کریلا واگذار شد. قرارگاه نجف از شمال البیضاء تا امتداد آبراه جمل، و قرارگاه کریلا از شمال، مقابل آبراه جمل و روستای نخیره در شرق دجله؛ و از جنوب، منطقه القرنه (خط‌الهاله) مأموریت یافتند. قرارگاه نوح<sup>(ع)</sup> نیز مأموریت داشت به سوی پل زردان پیش‌روی کند و سپس کانال سوئیب را شکافته و آب را به سمت بصره جاری نماید. همچنین به دو قرارگاه فرعی ظفر و نجف ۲ مأموریت جداگانه‌ای به صورت احتیاط و نیز انجام عملیات فریب واگذار شد. به این ترتیب که قرارگاه ظفر می‌بایست آماده می‌شد تا در صورت امکان به طریق هلی‌برن از العزیر به طرف شمال در غرب رودخانه دجله حرکت کند. نجف ۲ نیز مأموریت اجرای آتش روی جاده العماره- بصره و شمال پل العزیر را برعهده داشت.

شهیدان مهدی باکری و احمد کاظمی در عملیات بدر (مهدی باکری ساعتی بعد به شهادت رسید)

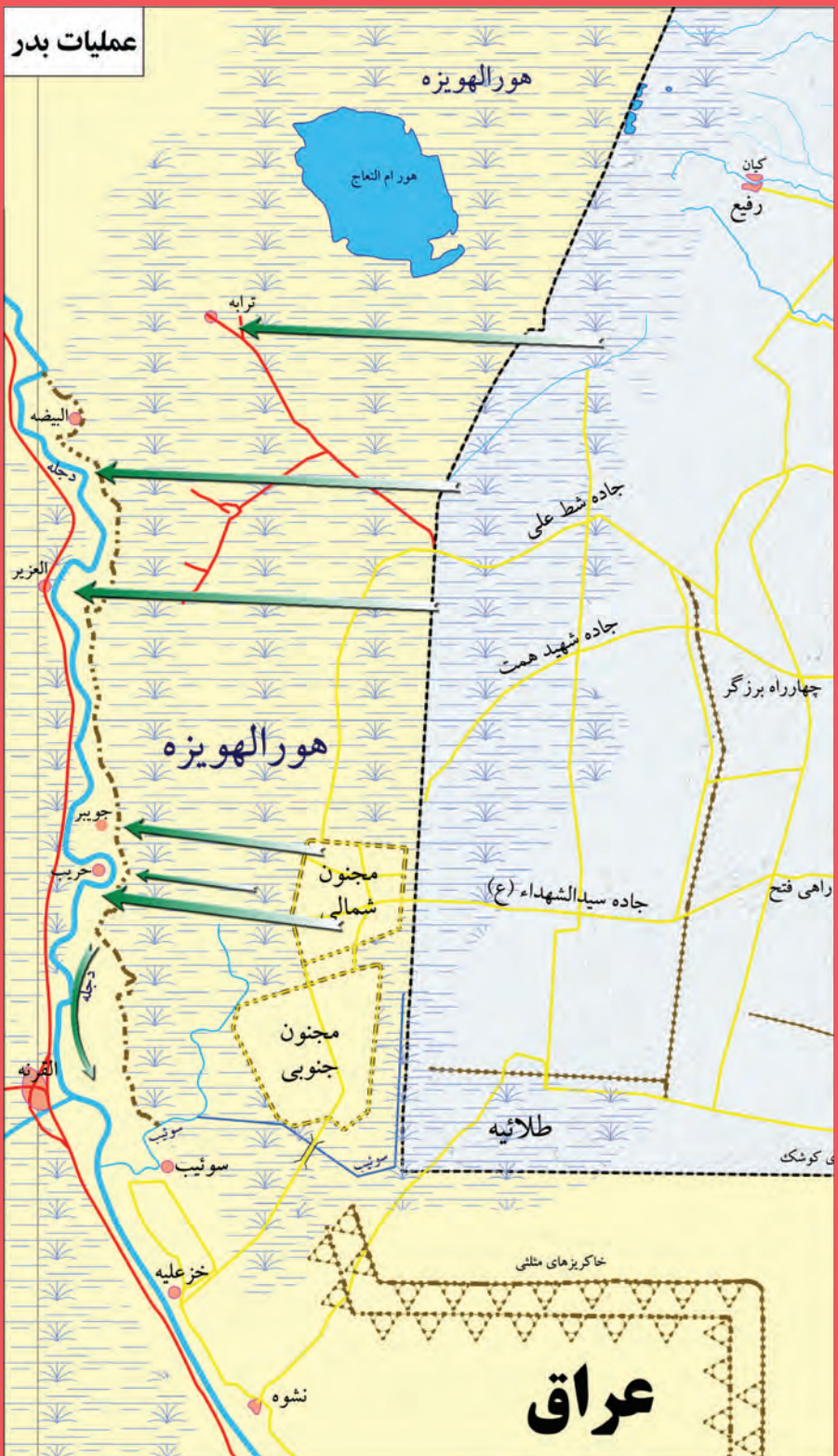


عملیات بدر، شهید عباس کریمی و هم‌رزمانش در حال شکستن حلقه محاصره دشمن در شرق دجله

سرانجام عملیات در ساعت ۲۳ تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۰ با رمز «یاالله، یاالله، یاالله و قاتلوهم حتی لاتکون فتنه، یافاطمه‌الزهررا<sup>(س)</sup>، یافاطمه‌الزهررا<sup>(س)</sup>، یافاطمه‌الزهررا<sup>(س)</sup>» آغاز شد و در همان ساعات اولیه، خطوط و استحکامات دشمن در هم کوبیده شد و نیروهای خودی توانستند با دستیابی به اهداف اولیه در ساحل شرقی دجله مستقر شوند و حتی در بخشی از رودخانه از دجله عبور کرده و به غرب دجله دست‌یابند. اما دشمن با اجرای آتش انبوه، استفاده گسترده از سلاح‌های شیمیایی و به کارگیری یگان‌های زرهی و مکانیزه در مدت شش روز پاتک‌های بسیار سنگینی را برای بازپس‌گیری نقاط از دست رفته اجرا کرد. در این وضعیت با وجود تلاش شدید رزمندگان که شهادت فرماندهانی چون مهدی باکری، عباس کریمی، کاظم نجفی رستگاری، حسن بهمنی، ولی‌الله چراغچی، سیدابراهیم جعفرزاده، حسن درویشی و عبدالحسین برونسی را به دنبال داشت، به دلایلی همچون کمبود مهمات، نابرابری آتش و دشواری پشتیبانی نیروهای خودی، از بخشی از نقاط تصرف شده عقب‌نشینی و نگهداری پد خندق (الحجرده)، ترابه، لحوک، نهران، فجیره و نیز جاده خندق به طول سیزده کیلومتر که فاصله آن با جاده العماره- بصره شش کیلومتر است، بسنده کردند.

بدین ترتیب با آزادسازی ۸۰۰ کیلومترمربع از هورالهوریزه و استقرار در ۶ کیلومتری جاده بصره- العماره؛ عملیات بدر به پایان رسید. پس از این عملیات، دشمن با استفاده از پشتیبانی هوایی و موشکی خود به حملات گسترده به شهرها و مناطق مسکونی و نیز کشتی‌های نفتی ایران مبادرت ورزید.

# عملیات بدر



هورالهویزه

هورام النعاج

کیان  
رفیع

ترابه

البیضاء

الغزیر

هورالهویزه

جویبار

حریب

القرنه

سوئیب

سوئیب

خز علیہ

نشوه

جاده شط علی

جاده شهید همت

جاده سیدالشهداء (ع)

طلائیه

چهارراه برزگر

راهی فتح

ی کوشک

خاکریزهای مثلثی

عراق



◆ طلائیہ، حسینینہ حضرت عباس(ع)

## طلائیہ

طلائیہ از توابع بخش هویزه و دهستان بنی صالح است و در منتهی الیه جنوب غربی دشت آزادگان واقع شده است. از جنوب و غرب به کشور عراق و از شرق به کوشک و از شمال به سهراهی فتح و چهارراه برزگر محدود می شود. در غرب طلائیہ هورالہویزه و سه طرف آن بیابانی خشک است. مرز ایران در محدوده طلائیہ به صورت یک زاویہ قائمہ است کہ به آن دال طلائیہ گفته می شود. طلائیہ شب های زمستانی سرد و روزهای تابستانی بسیار گرمی دارد و در اواسط فصل گرما، حرارت در این منطقه گاهی از پنجاه درجه سانتی گراد می گذرد. زمین طلائیہ هموار و سطح آن پوشیده از خاک و رسوب نمک است. در زمان بارندگی و با طغیان آب هور بخش های زیادی از طلائیہ هم به زیر آب می رود و همین امر باعث باتلاقی شدن منطقه در ماه های خاصی از سال می شود. پاسگاه طلائیہ قدیم و جدید درست کنار مرز و پس از مناطق ترازوی و کوشک در نزدیکی جزایر مجنون واقع شده و در واقع مرز بین خشکی و هور در این منطقه محسوب می شود.

قبل از شروع رسمی جنگ، دشمن در این منطقه تحرکاتی نظیر تیراندازی به سوی پاسگاه های مرزی و احداث سنگر در مقابل آنها، استقرار نیرو و تانک در برابر پاسگاه طلائیہ قدیم، اقدام به پروازهای شناسایی بر فراز منطقه و بازداشت صیادان بومی انجام می داد.

با آغاز رسمی جنگ، این منطقه یکی از محورهای اصلی هجوم به خوزستان بود و در همان روزهای اول جنگ توسط لشکره مکانیزه عراق سقوط کرد و تا عملیات بیت المقدس



این منطقه در اشغال کامل عراق بود. در مرحله دوم عملیات بیت المقدس که دشمن از جنوب کرخه نور به سوی مرز عقب نشینی کرد، مواضع خود را در مجاورت طلائیه مستحکم نمود و مجهزترین موانع و استحکامات خود را شامل انواع دژ، میداین مین، تله های انفجاری، سنگرهای بتنی و سیم های خاردار و خاکریزهای مثلثی در این منطقه ایجاد نمود.

این منطقه یکی از محورهای مهم عملیات های خیر و بدر و کلید حفظ جزایر مجنون در طول جنگ بود، چرا که تصرف طلائیه به معنی تثبیت پیشروی ایران در هور بود. در عملیات خیر رزمندگان باید از این منطقه به جزایر مجنون شمالی و جنوبی و تأسیسات آن شامل دکل های برق، دکل های تقویتی رادیو و تلویزیون، کارخانه های کاغذسازی و جاده های نفت یورش می بردند. در مرحله دوم عملیات خیر، تمرکز آتش دشمن در طلائیه که زمینی بسیار محدود را شامل می شد، فوق العاده سنگین بود، طوری که در یک لحظه ده ها قبضه سلاح منحنی زن از جمله توپ و خمپاره، هم زمان بر روی این نقطه آتش می ریختند و به قول رزمندگان زمین را شخم می زدند. میزان اجرای آتش توپخانه و ادوات ارتش عراق در این منطقه را بیش از ده ها هزار گلوله توپ، کاتیوشا و خمپاره تخمین زده اند چنانکه شهید عبدالله میثمی که در آنجا حاضر بود می گفت: «هرکس در طلائیه ایستاد، اگر در کربلا هم می بود، می ایستاد.» لیکن به خاطر اهمیتی که منطقه طلائیه در کل عملیات خیر داشت، ضرورت مقاومت و ایستادگی نیروها در آن مدام از سوی مسئولان در افاق جنگ گوشزد می شد. به همین علت پس از آنکه محور زید با عدم موفقیت مواجه شد، حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین<sup>(ع)</sup> فراخوانده شد تا مأموریت طلائیه به وی واگذار شود که وی نیز یک دست خود را در این منطقه از دست داد.

پس از پایان جنگ، در این مکان مقری برای جستجوی پیکر مطهر شهدا دایر شد و در مکانی که تعداد زیادی از شهدا کشف شد، حسینیه ای به نام حسینیه حضرت عباس<sup>(ع)</sup> بنا شد که در آن پنج شهید گمنام به خاک سپرده شده است. این یادمان در ۸ کیلومتری غرب پاسگاه طلائیه قدیم و در منتهی الیه جنوب غربی مرز (در نزدیکی قسمت دال طلائیه) واقع شده است و در فاصله ۳۰۰ متری سه راهی شهادت طلائیه قرار دارد. علی رغم آنکه عملیات اکتشاف نفت، این مناطق را تا حدی دست خوش تغییر کرده است اما دژها و خاکریزهای عملیاتی در جنوب و غرب این یادمان هنوز مشهود است.



◆ منطقه شط علی

## شط علی

شط علی نام آبراه، جاده، اسکله و روستایی در هورالهویزه و در شرق پاسگاه کیان دشت است و جاده ۲۰ کیلومتری شط علی پس از عبور از هور و از جنوب آبراه شط علی به مرز دو کشور منتهی می‌شود.

اسکله شط علی در زمان جنگ و در زمان عملیات در هور به عنوان یکی از نقاط حرکت قایق‌ها و همچنین به عنوان محور اصلی شناسایی و کسب اطلاعات از دشمن مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت. قرارگاه سری نصرت به فرماندهی شهید علی‌هاشمی مدت‌ها در این منطقه برای شناسایی عملیات در هور فعالیت می‌کرد.

محور شط علی یکی از محورهای هجوم قرارگاه نصر در عملیات خیبر نیز بود و رزمندگان لشکره نصر نبرد خود را از این منطقه آغاز کردند. در این منطقه آموزش غواصان و نیروهای اطلاعات و عملیات یگان‌ها نیز انجام می‌گرفت. در جریان بهاران شیمیایی گسترده مناطق عملیاتی خیبر و بدر، اسکله شط علی اولین نقطه‌ای بود که مورد حملات سنگین شیمیایی دشمن قرار گرفت و جمع زیادی از رزمندگان در این منطقه مصدوم و یا به شهادت رسیدند.





## پل خيبر

در سال ۱۳۶۳ یگان‌های مهندسی رزمی سپاه با مشارکت جهادسازندگی و وزارت صنایع سنگین وقت، در طرحی ابتکاری برای وصل کردن ساحل شرقی هورالهوئیزه به جزایر مجنون در طول ۷۵ روز، اقدام به احداث پل خيبر به طول سیزده کیلومتر کردند که از سهراهی فتح آغاز و به جزایر مجنون می‌رسید.

طراحی پل حاصل مطالعات و کار شبانه روزی شهید مهندس بهروز پورشریفی و جهادگران جهادسازندگی و همکاری موثر وزارت سپاه و قرارگاه صراط المستقیم بود.

آنها با ساخت قوطی‌هایی توخالی به طول دو و نیم متر و عرض دو متر و ارتفاع چهل سانتیمتر و پر کردن آنها با یونولیت و اتصال آنها به هم، جاده ای شناور به طول سیزده کیلومتر و عرض چهار متر احداث کردند که در عملیات خيبر و حفظ جزایر مجنون نقش بسیاری داشت و خودروهای سبک می‌توانستند با سرعت ۲۰ کیلومتر در ساعت از روی این پل عبور کنند.

دشمن هم هر جا پل را منفجر می‌کرد، نیروهای جهاد قطعات را زیر آتش شدید دشمن جابه‌جا و دوباره آن را بازسازی می‌کردند.

از آنجا که پس از احداث جاده سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> دیگر نیازی به پل خيبر نبود، پل خيبر جمع‌آوری شد و قطعات آن در شمال هور و رود کارون مورد استفاده قرار گرفت. استفاده از چنین پلی و با چنین طولی در تاریخ جنگ‌ها بی‌سابقه است.





## بیمارستان صحرایی امام رضا (ع)

بیمارستان صحرایی امام رضا (ع) در دشت جُفیر و در یک کیلومتری چهارراه صاحب الزمان (عج) و هشت کیلومتری شرق هورالهویزه و دو کیلومتری پاسگاه مرزی برزگر واقع شده است.

ساخت این بیمارستان بعد از عملیات خیر و در اوایل سال ۱۳۶۳ شروع شد و پس از عملیات بدر به بهره‌برداری رسید و تا پایان جنگ فعالیت داشت. این بیمارستان نخستین بیمارستان بتنی در جنوب بود که با مساحت ۳۲۰۰ مترمربع زیربنا زیر نظر قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) توسط قرارگاه مهندسی صراط‌المستقیم و با همکاری اداره کل مسکن و شهرسازی استان خراسان احداث شد و دارای ظرفیت چهارده تخت اورژانس، هفت تخت اتاق عمل و رادیولوژی و یک پد بالگرد و سایر تأسیسات جانبی بود.

ارائه خدمات پزشکی، انجام عمل‌های اضطراری، مراقبت بعد از عمل، اعزام مجروحین محورهای عملیاتی به بیمارستان‌های شهرهای عقبه و ایجاد نگاهتگاه از جمله وظایفی بود که این بیمارستان بر عهده داشت.





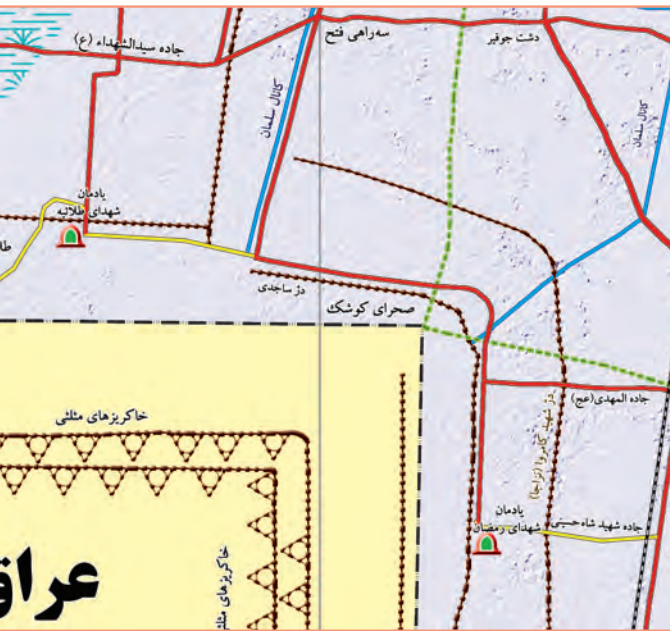
هدف اصلی از ساخت بیمارستان امام رضا<sup>(ع)</sup> ایجاد یک مرکز درمانی مناسب در منطقه عملیاتی هورالهوریه بود، چرا که فاصله خطوط مقدم جبهه از هور تا اهواز

به خصوص بعد از عملیات خیبر بسیار زیاد بود که این امر باعث می‌شد خودروهای حامل مجروحین، پس از چندین ساعت حرکت در مناطق پرخطر، مجروح را به اهواز یا سایر مراکز درمانی انتقال دهند. انتقال مجروحین از جاده‌هایی که در دید دیدبانان و خلبانان هواپیماهای مهاجم قرار داشت، چه بسا باعث شهادت مجروحین می‌شد؛ به خصوص آنکه در جریان عملیات خیبر، به دلیل محدودیت جاده این خطر بیشتر احساس می‌شد.

از دیگر اهداف احداث بیمارستان امام رضا<sup>(ع)</sup> پشتیبانی درمانی از یگان‌های مستقر در منطقه عملیاتی بدر بوده است. این مرکز درمانی در بُر‌دآتش موثر توپخانه دشمن قرار نداشت، اما به دلیل اینکه در یک کیلومتری چهارراه صاحب‌الزمان<sup>(ع)</sup> واقع شده بود و جاده پرتردد شهید همّت از کنار این بیمارستان می‌گذشت، همواره مورد تهاجم هوایی دشمن قرار داشت. محور عملیاتی طُبر، دریاچه ام‌النعاج، شط‌علی، پاسگاه ترابه تا پاسگاه ابوذر عراق، جاده خندق، منطقه عملیاتی بدر و جزایر مجنون شمالی و جنوبی، طلائی، سه راه فتح، سهراب جفیر و محدوده ۲۰ کیلومتری شهر هویزه تا شرق هورالهوریه مناطق عملیاتی تحت پوشش این بیمارستان بودند.



در ماه‌های آذر تا بهمن ۱۳۶۴ نیروهایی که باید در عملیات والفجر ۸ شرکت می‌کردند برای فریب دشمن در عقبه منطقه عملیاتی جزایر مجنون و در بیمارستان امام رضا<sup>(ع)</sup> مستقر شده بودند؛ از این رو، مواضع و عقبه نیروها در اطراف بیمارستان، چندین بار در طول روز بمباران هوایی می‌شد. تا اینکه در دو مرحله ساختمان بیمارستان نیز مورد اصابت قرار گرفت. در ابتدا یک راکت در محوطه بیمارستان منفجر شد و بار دوم موقعی که نیروها در مسجد بیمارستان برای اقامه نماز تجمع کرده بودند، دو فروند هواپیماهای دشمن چهار نقطه بیمارستان را هدف قرار دادند. هنگامی که عراق برای گرفتن جزایر مجنون در مقیاسی وسیع از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد، شمار مصدومین شیمیایی اعزامی به بیمارستان امام رضا<sup>(ع)</sup> بسیار زیاد بود و به علت پیشروی نیروهای دشمن از سمت جزیره جنوبی مجنون تا سهراب فتح از یک طرف و جاده شهید همّت از سمت دیگر، احتمال داشت که این بیمارستان به دست نیروهای دشمن بیفتد در چنین شرایطی، با وجود خطراتی که جان کارکنان و مجروحین داخل بیمارستان را تهدید می‌کرد، کادر درمانی تا آخرین لحظه مقاومت نموده و به کار درمان ادامه دادند.



♦ موقعیت کوشک

## کوشک

نام پاسگاه و صحرای پهناور و فاقد عارضه‌ای است که در منتهی‌الیه شمال غرب محور دُبَّ حَرْدان به طلائیة و در غرب جاده اهواز- خرمشهر واقع شده است.

صحرای کوشک در ابتدای جنگ محور پیش‌روی یگان‌های زرهی دشمن به سوی اهواز بود و به همین دلیل پاسگاه‌های مرزی طلائیة قدیم، جدید و کوشک که در این صحرا واقع شده است، در سه روز اول جنگ سقوط کرد. پاسگاه کوشک بعد از نوزده ماه اشغال در مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس آزاد شد.

این منطقه پس از عملیات بیت‌المقدس یکی از مناطق پدافندی و محور شمالی عملیات رمضان بود و در عملیات خیبر نیز نقطه ثقل منطقه نبرد محسوب می‌شد.

ضلع شمالی خاکریزهای مثلثی دشمن که در عملیات رمضان و پس از آن مانع اصلی پیشروی رزمندگان بود در صحرای کوشک قرار دارد.

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ دشمن دوباره از این منطقه تا پادگان حمید پیشروی کرد که با مقابله رزمندگان مجبور به بازگشت به مرزهای بین‌المللی شد.



◆ نیایش قبل از عملیات - قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا (ع)

## جاده صاحب الزمان (عج)



جاده صاحب الزمان (عج) در ضلع غربی کیلومتر ۲۹ جاده اهواز- خرمشهر قرار دارد که پس از عملیات خیبر و برای تسهیل دسترسی به جزایر مجنون و شط علی، با ابتکار واحدهای مهندسی رزمی و با تبدیل دژ عراق در جنوب کرخه نور به جاده احداث شد.

این جاده پس از عملیات بدر برای پشتیبانی از جزایر مجنون به جاده شهید همت متصل شد و نقش موثری در انتقال نیرو و مهمات ایفا کرد.

۱۸۶

مقر اصلی قرارگاه خاتم الانبیا (ع) (بعثت) در ضلع شمالی و در ابتدای جاده صاحب الزمان (عج) قرار داشت و بخشی از کانال سلمان، که ابتدای جنگ، از آن برای آب اندازی در منطقه استفاده می شد، از زیر این جاده عبور می کرد. جاده هویزه و جاده ای که به یادمان هویزه می رسد از این جاده منشعب می شود.

از آنجا که ارتفاع این جاده بلند بود و در بارندگی به زیر آب نمی رفت، اصلی ترین راه مواصلاتی منطقه بود و بر روی آن پد فرود بالگرد و باند فرود اضطراری هواپیماهای جنگی نیز پیش بینی شده بود و عقبه بیشتر یگان ها و قرارگاه های تاکتیکی در امتداد این جاده قرار داشت.



◆ خبرنگاران خارجی در حال عبور از جاده سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>

## جاده سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>

جاده ۱۴ کیلومتری سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> به عرض هفده متر در شرق هورالهوئیزه و از منطقه جفیر آغاز، و پس از طی مسافت در داخل آب‌های منطقه، وارد جزیره مجنون شمالی می‌شود.

با توجه به اهمیت عملیات خیبر و تصرف جزایر مجنون توسط رزمندگان و نیز تأکید امام خمینی<sup>(ره)</sup> نسبت به حفظ جزایر مجنون، طرح احداث جاده سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> در دستور کار قرارگاه حمزه و جهادسازندگی قرار گرفت.

◆ ساخت و استفاده از دستگاه نی کوب برای احداث جاده در هور





◆ جهادگران در حال احداث جاده سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>

چراکه پل خیبر به‌طور مرتب زیر آتش سنگین دشمن قرار داشت و تعمیر صدمات ناشی از انفجار و ترکش این پل در بلندمدت، مقرون‌به‌صرفه نبود و از طرفی به‌عنوان مکمل پل خیبر، با تسهیل تردد دو طرفه خودروهای سنگین و زرهی، می‌توانست نقش مهمی در حفظ جزایر مجنون ایفا نماید.

لذا ده روز پس از نصب پل خیبر عملیات احداث جاده زیر نظر شهید مهندس بهروز پورشریفی آغاز شد و بیش از هزار کامیون کمپرسی به مدت دو ماه و نیم به حمل خاک پرداختند. علیرغم حرکت آب در هور و وجود باتلاق‌های متعدد در طول مسیر و همچنین قراردادن در زیرگوله‌باران توپخانه و بالگردهای دشمن، جاده از دو سو به هم نزدیک شد و در روز سوم شعبان و همزمان با میلاد امام حسین<sup>(ع)</sup> ساخت جاده به اتمام رسید.

از آن تاریخ به بعد این جاده، سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> نامیده شد. ارتفاع این جاده از سطح زمین و سنگرهای حاشیه شمالی آن که برای حفظ جان افراد احداث شده بود، عملاً جاده را به یک مانع پدافندی در منطقه تبدیل کرده بود.

پس از پایان جنگ و بازگشت نیروهای دوطرف به مرزهای بین‌المللی، بخشی از جاده که در خاک دشمن قرار داشت تخلیه و حداقل فواصل نیروهای دشمن و خودی توسط مهندسی رزمی مسدود شد.



◆ نفر دوم از سمت چپ احمد غلامپور، نفر سوم شهید علی هاشمی فرمانده قرارگاه - قرارگاه شناسایی نصرت

## جاده شهید همت (یادمان شهدای هور)

برای پشتیبانی از نیروهای خودی در عملیات بدر، یگان‌های مهندسی رزمی سپاه و جهادسازندگی و قرارگاه صراط المستقیم، از جنوب پاسگاه کیان‌دشت تا شمال شرقی جزیره مجنون شمالی جاده‌ای شرقی- غربی به طول ۲۴ کیلومتر را احداث نمودند. با احداث این جاده عقبه محورهای عملیاتی بدر در جزایر مجنون به ساحل شرقی هورالهوری متصل شد.

باشهداد محمد ابراهیم همت فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) در جزایر مجنون، این جاده به نام ایشان نامگذاری شد. در انتهای جاده شهید همت سه مقر اصلی با فواصل کم شامل قرارگاه خاتم‌۴، اورژانس صحرایی و مواضع توپخانه (در حال حاضر مقر بچه‌های تفحص است) قرار دارد.

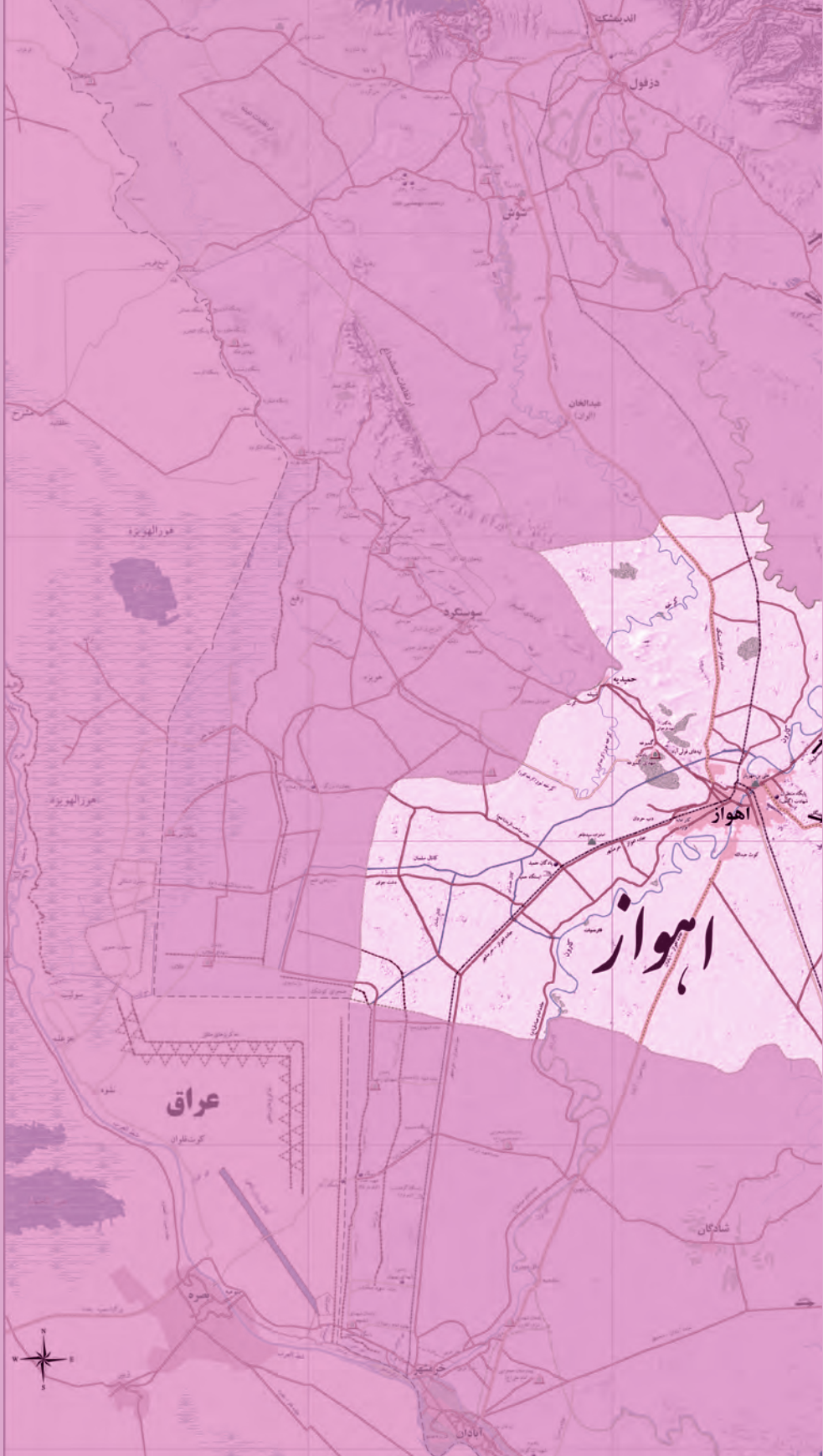


◆ شهید علی هاشمی نفر اول از سمت راست و مرحوم احمد سیاف زاده مسنول عملیات قرارگاه کربلا



شهید علی هاشمی که با سازماندهی رزمندگان ایرانی و عراقی بومی منطقه، به خوبی توانسته بود راه رخنه ایران را به مواضع دشمن در منطقه هورالهوریزه در عملیات‌های بدر و خیبر فراهم کند در طی هجوم سراسری مجدد دشمن پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به همراه پانزده نفر از یارانش در این منطقه تا آخرین لحظات سعی داشت تا به هر شکلی منطقه را حفظ کند و عقب نشینی نکنند. اما دشمن با هلی‌برن نیروهای خود در این منطقه تلاش کرد علی هاشمی و یارانش را اسیر کند.

در نهایت با نبرد شهادت طلبانه رزمندگان، نه نفر از آنها با اختفا در نیزارها به ایران آمدند، دو نفر اسیر شدند و علی هاشمی و سه نفر از نیروهایش در درگیری با بالگرد دشمن به شهادت رسیدند. اکنون در این منطقه یادمان شهدای هور به پاس مجاهدت مظلومانه شهدای هورالهوریزه احداث شده است که در آن نمایی از قایق‌های عاشورا که در دوران دفاع مقدس در نبردهای آبی-خاکی مورد استفاده رزمندگان قرار می‌گرفت، به طول سیصد و عرض صد متر و ارتفاع عرشه هفده متر در قالب خاکریزی ساخته شده است.



الدینشکت

دزفول

شیدان

هورالهویز

اهواز

اهواز

عراق

شادگان

ایران









## شهرستان اهواز

شهرستان اهواز به مرکزیت شهر اهواز مهم‌ترین شهرستان استان خوزستان است و در قسمت میانی آن واقع است. از شمال به شهرستان‌های شوشتر و شوش، از شرق به شهرستان رامهرمز، از جنوب شرقی به شهرستان ماهشهر، از جنوب به شهرستان شادگان و از جنوب غربی به شهرستان خرمشهر و از غرب به شهرستان دشت آزادگان محدود می‌شود و دارای سه بخش به نام‌های مرکزی، حمیدیه و باوی می‌باشد. آب و هوای این شهرستان در اکثر نقاط گرم و خشک و در برخی نقاط مرطوب است. بیشتر مردم شهرستان شیعه دوازده امامی و عده‌ای نیز صائبی هستند و اهالی به فارسی و عربی سخن می‌گویند.

ارتفاعات مهم شهرستان اهواز شامل میشداغ به ارتفاع حدود ۲۷۰ متر، مرز طبیعی میان شهرستان‌های اهواز و دشت آزادگان؛ مشرحات به ارتفاع حدود ۱۵۳ متر؛ خنزیره به ارتفاع حدود ۱۵۰ متر؛ خرفخون به ارتفاع حدود ۱۴۳ متر؛ سربال به ارتفاع حدود ۹۱ متر؛ تپه فولی آباد به ارتفاع ۳۰ تا ۷۰ متر است.

شهرستان اهواز یکی از مهم‌ترین مناطق صنعتی و ترانزیتی ایران است و از طریق راه‌های زمینی و ریلی و هوایی دیگر شهرهای ایران را به بنادر مهمی مانند ماهشهر، آبادان، امام خمینی<sup>(ره)</sup> و خرمشهر به عنوان مرزهای آبی و شلمچه و چزابه به عنوان مرزهای زمینی با کشور عراق متصل می‌کند.

با آغاز جنگ و تجاوز سه لشکر ارتش عراق به این شهرستان، قرارگاه هدایت‌کننده جنگ در این منطقه، ترکیبی از فرمانده لشکر ۹۲ زرهی، ستاد جنگ‌های نامنظم شهید چمران، شهید سرلشکر فلاحی، استاندار خوزستان و فرمانده سپاه پاسداران شد و این وضع تا زمان شهادت دکتر چمران در خرداد ۱۳۶۰ تا حدود نُه ماه ادامه داشت. با اجرای عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس این شهرستان از تیررس دشمن خارج شد اما مناطق مختلف این شهرستان همچنان تا پایان جنگ زیر حملات هوایی و موشکی دشمن بود.



◆ بمباران شهر اهواز - آذرماه ۱۳۶۵

## اهواز

اهواز برگرفته از جمع عربی «اخواز» (جمع خوزی) مرکز استان خوزستان است و در فاصله ۱۲۰ کیلومتری شمال غربی خرمشهر و آبادان و در مسیر راه آهن سراسری خرمشهر-تهران واقع است و دومین شهر بزرگ ایران از لحاظ وسعت و هفتمین شهر بزرگ ایران از نظر جمعیت می‌باشد. رودخانه کارون، طولانی‌ترین و پرآب‌ترین رود ایران، اهواز را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم کرده است. اهواز در زمان جنگ چهار پل فلزی به نام‌های پل سیاه (راه آهن) یا پل پیروزی، پل سفید (پل معلق)، پل چهارشیر و پل نادری (سلمان فارسی) داشت که اکنون به نُه پل افزایش یافته است.

انقلاب

دشمن بعثی که قبل از انقلاب با راه‌اندازی و تقویت گروه‌های تروریستی و خرابکار سعی در برهم‌زدن شهر داشت در اولین روز شروع جنگ که همزمان با بمباران شهرها بود؛ نقاط مختلف اهواز از جمله فرودگاه آن را بمباران کرد و در روزهای بعد نیز به طور مداوم این شهر را زیر آتش توپخانه خود قرار داد و خسارات جانی و مالی فراوانی بر این شهر وارد آورد.

ارتش عراق که برای اشغال خوزستان، هدف اصلی خود را تصرف اهواز قرار داده و مبادرت به تغییر اسامی جغرافیایی این استان در کتب و نقشه‌های خود کرده بود و اهواز را با نام جعلی «الاحواز» معرفی می‌کرد، با دو لشکر ۵ و ۹ از دو محور برای اشغال و تصرف اهواز پیشروی کرد: الف) محور طلائییه-جفیر- اهواز که در ۱۳۵۹/۷/۵ در حوالی کارخانه نورد و در چند کیلومتری جنوب شهر متوقف شد؛ ب) محور چزابه-بستان- سوسنگرد- حمیدیه- اهواز که پس از اشغال سوسنگرد، در ۱۳۵۹/۷/۸ تا جنوب جاده حمیدیه- اهواز پیشروی نمود.

احساس نگرانی شدید از سقوط اهواز و سخن تکان دهنده امام خمینی (ره) مبنی بر اینکه:



«مگر جوانان اهواز مرده‌اند؟!»  
منجر به طراحی و انجام عملیات  
غیوراصلی و شبیخون‌های متعدد  
رزمندگان اهواز به قوای دشمن و  
انهدام آن‌ها شد. با وجود مقاومت  
مدافعان به ویژه در مدخل ورودی  
جنوب اهواز، به نظر می‌رسد که  
مهم‌ترین عامل توقف لشکره، کندی  
حرکت لشکر ۹ در جبهه سوسنگرد بوده است.

مهم‌ترین عملیاتی که در منطقه اهواز به اجرا درآمد، عملیات بیت‌المقدس بود که با اجرای  
آن، دشمن تا مرز عقب رانده شد و اهواز از حملات دشمن رهایی یافت. با هجوم مجدد  
سراسری دشمن پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نیز نبرد بزرگی در این منطقه در گرفت و در  
حالی که دشمن با انبوهی از لشکرهای خود به مناطق اهواز و خرمشهر تهاجم نمود، پیام  
هشداردهنده امام، همت رزمندگان را برانگیخت و در عملیات سرنوشت، دشمن دوباره تا  
مرز به عقب رانده شد.

در طول جنگ این شهر مرکز پشتیبانی تدارکاتی و تأمین نیرو و مرکز قرارگاه‌ها بود و تا  
پایان جنگ رزمندگان از سراسر کشور برای شرکت در عملیات‌های مختلف و اعزام به خط  
مقدم به اهواز عزیزت می‌کردند. استقرار پادگان لشکر ۹۲ زرهی استان خوزستان در اهواز نیز  
بر حساسیت نظامی این شهر افزوده بود. بیمارستان شهید بقایی واقع در انتهای منطقه گلستان  
و معراج شهدا واقع در منطقه نورد، ساختمان سپنتا و پایگاه منتظران شهادت (گلف) از جمله  
نقاط حماسی اهواز در طول جنگ است. اغلب مساجد اهواز نظیر مسجد امام علی<sup>(ع)</sup> و مسجد  
صاحب‌الزمان<sup>(ع)</sup> ضمن تشکیل ستاد جمع‌آوری کمک‌های مردمی به جذب و آموزش بسیجیان  
می‌پرداختند. زینبیه اهواز به‌عنوان ستاد پشتیبانی و جمع‌آوری مایحتاج جبهه‌ها توسط بانوان  
اهواز راه‌اندازی شد که علاوه بر بسته‌بندی اقلام اهدایی به جبهه‌ها، به شستشوی پتو و ملحفه  
رزمندگان و زخمی‌ها نیز اقدام می‌کردند. حسینیه اعظم؛ محل تجمع مردم اهواز در طول  
دوران مبارزات انقلاب و بعد از انقلاب، نیز ضمن برپایی نماز جمعه اهواز در طول جنگ به  
محلی برای تشییع جنازه شهدا تبدیل شده بود.

همچنین زیارتگاه علی‌بن‌مهزیار و شهیدآباد محل برگزاری مراسم سخنرانی و مذهبی  
رزمندگان در طول جنگ بود. در ابتدای جنگ ساختمان استانداری اهواز نیز محل استقرار ستاد  
جنگ‌های نامنظم به فرماندهی شهید دکتر چمران و آیت‌الله خامنه‌ای بود. ستاد بسیج‌عشایر  
به فرماندهی عبدالهادی کرمی هم در مدرسه خانلری اهواز مستقر بود و در ابتدای جنگ به  
صورت چریکی فعالیت می‌کرد.



◆ شناورهای غرق شده توسط دشمن در حاشیه کارون

## کارون

رودخانه کارون به طول ۸۵۰ کیلومتر، طولانی‌ترین رودخانه ایران است و یکی از عوارض و موانع طبیعی بسیار مهم و استراتژیک خوزستان به شمار می‌آید. سرچشمه شاخه‌های اصلی کارون (ارمند و بازفت) و چشمه دیمه، زردکوه بختیاری در استان چهارمحال و بختیاری است ولی شاخه‌های فرعی آن از کوه‌های مختلف سرچشمه می‌گیرد؛ مانند خراسان از دنا در استان کهگیلویه و بویراحمد و دز از ارتفاعات لرستان. این رود، پس از عبور از مناطق کوهستانی و پر پیچ و خم، در منطقه‌ای به نام گتوند وارد دشت خوزستان می‌شود. رود کارون در شمال شوشتر به دو شاخه تقسیم می‌شود که در جنوب شوشتر به یکدیگر متصل می‌شوند. مهم‌ترین شاخه فرعی کارون، رود دز است که در شمال اهواز به کارون ملحق می‌شود.

رود کارون در مرز ایران و عراق، به اروندرود پیوسته و روانه خلیج فارس می‌شود. پیچ و خم‌های موجود در سر راه این رود، خوزستان را به جلگه‌ای بی‌نظیر تبدیل کرده‌است. سدهای مختلفی بر روی این رودخانه ساخته شده است که مهم‌ترین آن‌ها، سدهای کارون ۱، کارون ۳، کارون ۴، مسجد سلیمان و در پایین‌تر، سدهای گتوندعلیا و سد تنظیمی گتوند است. روزانه بیست هزار متر مکعب آب رودخانه کرخه از کانالی معروف به کانال شهید چمران به رودخانه کارون منتقل می‌شود. کارون اکنون مانند سابق پرآب نیست و قابلیت کشتیرانی ندارد. کارون از خرمشهر تا اهواز ۱۸۰ کیلومتر طول دارد و به کارون سفلی موسوم است.

این رود در گذشته از ۴ کیلومتری شمال اروندرود مستقیم به خلیج فارس می‌ریخت اما با حفر کانال عضدی در خرمشهر و در زمان عضالدوله دیلمی (۳۷۲-۳۲۴ ق) این رود به دو



◆ حاشیه کارون

شعبه تقسیم شد. یک شعبه به نام بهمن شیر در شمال آبادان که به موازات اروندرود به خلیج فارس می پیوندد و شعبه دیگر به همان نام کارون که به کانال عضدی نیز معروف است و از جنوب خرمشهر به اروندرود

می ریزد. این رودخانه دارای عرضی متغیر است به گونه ای که در پاره ای نقاط فاصله ی دو ساحل کارون حدود ۱۵۰ متر است؛ حال آنکه در دیگر مناطق، این فاصله بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ متر می باشد.

ارتش عراق با آغاز جنگ به علت ناتوانی در عبور از اروندرود و نیز دشواری عبور از سد مدافعان خرمشهر، عملیات اشغال آبادان را با عبور از رودخانه کارون در منطقه مارد و سپس پیشروی به سوی بهمن شیر طراحی نمود. بر این اساس تیپ ۶ لشکر ۳ زرهی ارتش عراق در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۹ با ایجاد پل شناور در منطقه مارد ضمن عبور از کارون، محاصره آبادان را تکمیل کرد و سپس برای تقویت نیروهای خود و سپس گسترش منطقه تصرف شده در شرق کارون، در منطقه قصبه پل دیگری بر روی کارون نصب کرد. با سقوط خرمشهر در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۴ و انهدام پل خرمشهر بر روی کارون، این رودخانه به عنوان یک مانع طبیعی بین نیروهای خودی در آبادان و نیروهای دشمن در خرمشهر اهمیت یافت.

با انجام عملیات ثامن الائمه<sup>(ع)</sup> در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۵ دشمن به طور کلی از ساحل شرقی کارون بیرون رانده شد. با نصب پل پیروزی بر روی کارون در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۰ در منطقه دارخوین، مقدمات آزادی خرمشهر و ساحل شمالی رودخانه کارون در تاریخ ۱۳۶۱/۳/۳ فراهم شد.

اکنون در یادمان شهدای شرق کارون در بخش شرقی رودخانه کارون و شمال شرقی شهر آبادان ۹ شهید دوران دفاع مقدس به خاک سپرده شده اند.

◆ یادمان شهدای شرق کارون





♦ تانک غنیمتی دشمن در حمیدیه (عکاس سید مهدی موسوی)

## حمیدیه



شهر حمیدیه مرکز بخش حمیدیه در شهرستان اهواز است و در ۲۳ کیلومتری شمال غربی اهواز و ۲۵ کیلومتری شرق سوسنگرد قرار دارد. رودخانه کرخه نور با عبور رودخانه کرخه از این شهر منشعب می‌شود. حمیدیه به علت قرار گرفتن در مسیر اهواز - سوسنگرد یکی از مناطق مهم و حساس جنگ و دروازه ورود به شهر اهواز به‌شمار می‌رفت و به همین علت دشمن با عبور از محور چزابه- بستان- سوسنگرد در هفتم مهرماه ۱۳۵۹ خود را به‌روستای «کوت سید نعیم» در ۵ کیلومتری حمیدیه رسانید.

از آنجا که سقوط حمیدیه دروازه ورود دشمن به اهواز تلقی می‌شد، با نزدیک‌تر شدن دشمن به حمیدیه و در پی فرمایش امام خمینی (ره) مبنی بر اینکه «مگر جوانان اهواز مرده‌اند؟!»، یک گروه ۲۸ نفره از رزمندگان سپاه اهواز به فرماندهی شهید علی غیوراصلی مسئول آموزش سپاه اهواز برای جلوگیری از پیشروی یگان‌های زرهی و پیاده عراق به این منطقه اعزام شدند و در صبح ۹ مهرماه ۱۳۵۹ حمله غافل‌گیرانه‌ای به یگان‌های زرهی و پیاده عراق آغاز کردند؛ به گونه‌ای که ارتش عراق با دادن تلفات و به جا گذاشتن تعدادی از تانک‌های خود تا غرب سوسنگرد عقب‌نشینی کرد. این اولین عملیاتی بود که پیشروی دشمن به سمت اهواز را متوقف می‌کرد.



با شکست ارتش عراق در تهاجم خود به جنوب حمیدیه و محور سوسنگرد- اهواز، رژیم بعث به فاصله دو روز پس از اولین پیشنهاد، در نهم مهرماه و در حالی که مناطق وسیعی را در اشغال خود داشت، دوباره پیشنهاد آتش‌بس داد.

بیمارستان صحرایی حمیدیه که اولین بیمارستان صحرایی مجهز به اتاق عمل در جنگ بود، با تلاش پزشکان و امدادگران اعزامی از اداره کل بهداری استان خراسان قبل از عملیات بیت‌المقدس در حمیدیه راه‌اندازی شد.

شهید علی‌هاشمی فرمانده سپاه حمیدیه نیز نقش مهمی در تشکیل هسته‌های مقاومت مردمی حمیدیه و گسترش توان عملیاتی محور حمیدیه برعهده داشت.

حد نهایی تجاوز عراق به خاک ایران (از محور چرابه، بستان، سوسنگرد، حمیدیه و اهواز) در ۲ کیلومتری جنوب غربی حمیدیه و تا روستای شبیشه بود و به همین مناسبت یادمان شهدای حمیدیه که یادآور حدنهایی پیشروی ارتش عراق و حماسه رزمندگان اسلام در این منطقه است به صورت یک ستون و یک تانک در این منطقه خودنمایی می‌کند.





♦ تانک‌های غنیمتی دشمن در عملیات شهید غیور اصلی

## منطقه عملیاتی شهید غیور اصلی

منطقه عملیاتی شهید غیور اصلی حداقل کوت، شبیشه و شهر حمیدیه قرار دارد. با پیشروی نیروهای عراقی در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۷ به سمت جاده حمیدیه- سوسنگرد و اجرای آتش بر روی شهر حمیدیه و نیز حرکت واحدهای زرهی دشمن برای قطع جاده حمیدیه- اهواز و در نتیجه احتمال سقوط اهواز؛ از امام خمینی<sup>(ره)</sup> کسب تکلیف شد و پیام ایشان مبنی بر اینکه «مگر جوانان اهواز مرده اند؟!» به مردم و مدافعان رسید.

اندک مدافعان مستقر در شهر با شنیدن این پیام در مقر سپاه اهواز گردآمدند و با تشکیل گروهی ۲۸ نفره به فرماندهی علی غیور اصلی (مستول آموزش سپاه خوزستان) شبانه به سمت دشمن حرکت کردند و با خودرو تا سه راه حمیدیه و سپس پیاده طی مسیر کرده و با رسیدن به نزدیکی دشمن، در کنار جاده حمیدیه-اهواز و باغ‌های اطراف آن موضع گرفتند. فرمانده دسته سازمان خود را به چندین گروه آر.پی.جی زن تقسیم کرد و در طول یک کیلومتر آنها را آرایش داد.

ساعت ۴ بامداد ۱۳۵۹/۷/۹ با دستور فرمانده عملیات اجرای آتش به سمت تانک‌های عراقی اجرا شد و چندین تانک دشمن به آتش کشیده شد. نیروهای عراقی که غافلگیر شده بودند و نمی‌دانستند با چه توانی به آن‌ها حمله شده است، در حالی که خسارات قابل توجهی دیده بودند، با رها کردن تعدادی از تانک‌های خود به سمت کرخه‌نور و دبحردان عقب‌نشینی



کردند. پس از این عقب‌نشینی جاده حمیدیه- سوسنگرد آزاد شد و جاده اهواز- حمیدیه تأمین شد.

در این عملیات علی غیور اصلی فرمانده عملیات، محمود مراد اسکندری، اصغر گندمکار و دو تن دیگر از رزمندگان به شهادت رسیدند.

پس از این عملیات رزمندگان که با پشتیبانی ارتش تا گلبهار پیش رفته بودند، با پوشش هوایی بالگردهای هوایروز ارتش از این ناحیه به طرف سوسنگرد حرکت کردند و وارد این شهر که در اختیار ضدانقلاب بود شدند و با همکاری مردم شانزده تن از عناصر ضدانقلاب از جمله بخشدار و فرماندار منصوب شده از طرف ارتش عراق را دستگیر و اعدام کردند. پس از مقاومت مردمی در این مناطق، استراتژی دشمن مبنی بر حداقل درگیری با اعراب ساکن در این مناطق تغییر کرد و دشمن به ده‌ها شهر و روستا در دشت آزادگان حمله هوایی و توپخانه‌ای کرد که شهدای فراوانی در پی داشت.





## یادمان شهدای گمبوعه

به دنبال لشکرکشی قوای روسیه تزاری و انگلستان به خاک ایران در جنگ جهانی اول در سال ۱۲۹۳ش، ایران صحنه یکی از مهم‌ترین مناقشات بین‌المللی شد. در این دوران به دلیل آنکه احمدشاه تقریباً سه هفته بود که در ایران تاج‌گذاری کرده و مجلس سوم هم تازه تشکیل شده بود و دولت قاجاریه قادر به تصمیم‌گیری مؤثری نبود و آمادگی و نیرویی برای دفاع از کشور نداشت، لذا علی‌رغم اعلان موضع بی‌طرفی ایران، بخش‌هایی از کشور به اشغال دشمن درآمد.

به دلیل اینکه در جنوب ایران مقابله با نیروهای متجاوز انگلیسی در مناطق بوشهر «تنگستان» و «دشتستان» با هدایت علما سازماندهی شده بود، اقتضای کرد که در منطقه خوزستان هم دفاع مردمی شکل بگیرد، لذا با فتوای مرحوم «آیت‌الله سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی» از مراجع بزرگ نجف، نهضت مقابله با نیروهای انگلیسی در خوزستان شکل دیگری یافت. اما به دلیل خیانت «شیخ خزعل» حاکم وقت خوزستان و ایجاد شکاف در صفوف مسلمین، نیروهای انگلیسی موفق شدند بصره را فتح کنند و بعد هم به سمت بغداد پیشروی کردند و در سال سوم جنگ، انگلیسی‌ها بغداد را تصرف کردند.

در خوزستان برخی طوایف عرب خوزستان، عشایر غیور و مؤمن دشت‌آزادگان، هویزه، بخش‌هایی از شادگان و منطقه «ویس» شامل طایفه «بنی‌طرف» در هویزه، طایفه عشایر «باوی» در «ویس»، عشایر «بنی‌لام» و همچنین عشایری از «بنی‌کعب» در مناطق حمیدیه، منجور، شادگان و همچنین منطقه «گمبوعه» به صورت پراکنده به مقابله با نیروهای متجاوز انگلیسی پرداختند و تعداد زیادی از آنها به شهادت رسیدند. منطقه گمبوعه کنونی که به صورت پارک جنگلی درآمد است، در ۱۰ کیلومتری اهواز به سمت حمیدیه قرار دارد.

با شروع جنگ تحمیلی جنگل گمبوعه محل استقرار و مبارزه نیروهای نظامی و مردمی در مقابله با دشمن برای ممانعت از اشغال اهواز بود. در عملیات بیت‌المقدس نیز قرارگاه قدس و بخشی از نیروهای عمل‌کننده در این منطقه استقرار داشتند. در طول جنگ به پوشش درختی این منطقه خسارات قابل توجهی وارد آمد که پس از جنگ بخش‌هایی از آن بازسازی و نهال‌کاری شد. به دلیل اهمیت دفاع مقدس مردمی که پیوند عمیقی با مرجعیت دینی در سال ۱۲۹۳ش و نیز در هشت سال دفاع مقدس داشت به دستور رهبر معظم انقلاب در این منطقه «یادمان شهدای گمبوعه» در جوار قبور شهدای این منطقه احداث شده است.

## دُبِّ حَرْدَان

دبِّ حَرْدَان؛ جنگل و روستایی است واقع در ۵ کیلومتری جنوب غربی اهواز، که لشکره مکانیزه عراق با عبور از مرز و رسیدن به جاده اهواز- خرمشهر در روز هفتم جنگ با دهها تانک و نفربر آن را به اشغال موقت خود درآورد و با اجرای مستقیم آتش بر روی اهواز، خسارات قابل توجهی به بار آورد. اما این لشکر به دلیل آب افتادن در منطقه مجبور به عقب نشینی تا امامزاده سیدطاهر شد.

در پی اجرای موفق عملیات غیور اصلی و عقب نشینی نیروهای عراقی از سوسنگرد و بستان، بخشی از نیروهای زرهی باقی مانده دشمن با عبور از رودخانه کرخه نور، با سه دهانه پل شناور نظامی، در روز دوازدهم جنگ از کنار روستاهای سیار، احمدآباد و حمودی عبور کرده و برای تقویت این جبهه، خود را به ۲ کیلومتری دب حردان رساندند و تا اجرای مرحله دوم عملیات بیت المقدس در این منطقه توسط قرارگاه قدس همچنان اهواز را گلوله باران می کردند.

پس از غرقاب کردن مواضع دشمن در حوالی روستای دب حردان با پمپاژ آب رودخانه کرخه نور، دشمن با شکافتن جاده اهواز- خرمشهر و هدایت دوباره آب به شرق جاده توانست در برابر جنگ آب رزمندگان تا حدی مقاومت نماید.

اکنون در نزدیکی دب حردان و در شرق جاده اهواز- خرمشهر نماد یادبودی قرار دارد که یادآور حدنهایی تجاوز ارتش عراق به خوزستان است.





♦ رزمندگان در جبهه (عکاس سعید صادقی)

## کارخانه نورد



کارخانه نورد و لوله اهواز که به منظور تولید کلاف ورق گرم فولادی، لوله‌های سیاه، گالوانیزه، گاز و پروفیل در مهرماه ۱۳۵۰ مورد بهره‌برداری قرار گرفت در ۱۰ کیلومتری جنوب غربی اهواز و در حاشیه شرقی جاده اهواز- خرمشهر قرار دارد.

در روزهای ابتدایی جنگ و با ورود ارتش عراق به حومه اهواز در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۵ و اشغال روستای مکطوع و ام‌الطیر در جنوب کارخانه در محدوده شهرک نورد که متعلق به کارکنان کارخانه است و نخلستان‌های پیرامون آن مقاومت سرسختانه مدافعان برای جلوگیری از ورود دشمن به شهر اهواز آغاز شد.

۲۰۴

در نتیجه این مقاومت، دشمن نتوانست از این نقطه برای تصرف اهواز پیش‌روی نماید و با جنگ آب مجبور به عقب‌نشینی تا امامزاده سیدطاهر شد و رزمندگان خط پدافندی خود را در ضلع شرقی سیدطاهر و جاده اهواز برقرار کردند و تا عملیات بیت‌المقدس به عراق اجازه هیچ‌گونه تحرکی در این منطقه ندادند. این خط دفاعی در طول جنگ به خط‌نورد معروف شد.



♦ موقعیت تپه‌های فولی آباد

♦ شهید مسعود منفرد نیکی فرمانده لشکر ۹۲ زرهی و جانشین اداره سوره (عملیات) ارتش در جنگ

## تپه‌های فولی‌آباد

تپه‌های فولی‌آباد در شرق ابتدای جاده اهواز - سوسنگرد قرار دارد و از شمال غرب اهواز تا حمیدیه امتداد یافته است. ارتفاع این تپه‌ها حدود سی متر و مرتفع‌ترین آن‌ها هفتاد متر است و در مجاورت آن پادگان شهید غلامی قرار دارد. انبارهای مهمات لشکر ۹۲ زرهی ارتش و سوله‌های مخصوص تانک از قبل از انقلاب در این منطقه استقرار داشتند.

لشکر ۹ زرهی ارتش عراق، در روز هفتم مهرماه ۱۳۵۹ خود را به حمیدیه رسانده بود و احتمال خطر ورود عراق به اهواز و سقوط مرکز استان خوزستان پیش‌بینی می‌شد. بنابراین رزمندگان برای دفاع از اهواز و جلوگیری از پیشروی ارتش عراق در بالای این تپه‌ها مستقر شدند و با ایجاد انواع موانع در اطراف جاده و تپه‌ها، خود را آماده دفاع کردند.

در روز هشتم مهرماه ۱۳۵۹ انبارهای مهمات مجاور پادگان لشکر ۹۲ زرهی به دلایل نامعلومی دچار حریق شد و انفجارهای پی‌درپی آن اهواز را به لرزه درآورد و مردم به احتمال اینکه دشمن وارد اهواز شده است، سراسیمه به خیابان‌ها آمدند.

با انجام عملیات غیورانه و مقاومت سرسختانه رزمندگان در غرب حمیدیه، ارتش عراق هرگز نتوانست به این منطقه که دید و تسلط خوبی بر شهر اهواز داشت دست‌یابد.



◆ منطقه جفیر (عکاس سید مهدی موسوی)

## جفیر

جفیر دشت وسیعی است که از غرب به هورالهوریه، از شرق به رود کارون و از شمال به کرخه‌نور محدود شده و یکی از معابر اصلی هجوم ارتش عراق به شهرستان دشت آزادگان و اهواز بود. با آغاز جنگ لشکره مکانیزه که با هجوم سراسری دشمن، حرکت خود را از طلائیه آغاز کرده بود، در چهارمین روز جنگ (۱۳۵۹/۷/۳) به جفیر رسید و ضمن استقرار عمده قوای زرهی خود در این منطقه، تعدادی از واحدهایش را به سوی کرخه‌نور روانه کرد. از این پس جفیر مرکز هدایت و پشتیبانی قوای جبهه کرخه‌نور و هویزه و نیز مرکز ارتباطی و هماهنگ‌کننده قرارگاه‌های لشکرهای ۵ و ۶ ارتش عراق با عقبه خود و تأمین‌کننده نشوه و حتی شهر بندری بصره محسوب می‌شد.

در عملیات نصر (۱۳۵۹/۱۰/۱۵) رزمندگان قصد آزادسازی جفیر را داشتند، لیکن قوای زرهی عراق با بهره‌گیری از وضعیت مساعد زمین برای مانور زرهی، رزمندگان را عقب راند و تعدادی از نیروهای ارتش، سپاه پاسداران و دانشجویان پیرو خط امام را به شهادت رساند. پس از آن تعدادی از واحدهای دشمن از جفیر به سمت هویزه رفته و آنجا را نیز اشغال کردند. با آغاز عملیات بیت‌المقدس، دو لشکر مذکور به مقابله با رزمندگانی که از کرخه‌نور به سمت جفیر وارد عمل شد بودند پرداختند؛ لیکن در مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس با دستیابی رزمندگان به نوار مرزی، دشمن که محاصره شدن دو لشکر خود را محتمل می‌دانست، در روز ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۱ به منظور حفظ قوای خود مجبور به عقب‌نشینی از جفیر شد. از آن هنگام منطقه جفیر یکی از مراکز اصلی هدایت و پشتیبانی عملیات‌های رزمندگان در هورالهوریه شد. از جمله در دو عملیات خیبر و بدر قرارگاه مرکزی هدایت عملیات در این منطقه مستقر بود. کیلومترها جاده آسفالتی که توسط واحد مهندسی سپاه سوم ارتش عراق طی یک سال و نیم اشغال منطقه در دل دشت جفیر احداث شده بود، میزان اهمیت دشت جفیر را در تدابیر دشمن برای استمرار اشغال کل منطقه نمایان می‌کند. جاده جفیر به طلائیه از سهرای نزدیک پادگان حمید که به سهرای طلائیه مشهور است، آغاز شده و پس از عبور از سهرای جفیر و دشت کوشک به طلائیه می‌رسد. این جاده که در اوایل جنگ توسط دشمن بازسازی شده بود تا قبل از عملیات خیبر تنها جاده آسفالت منتهی به هور بوده است.





◆ تخریب پادگان حمید پس از اشغال

## پادگان حمید

این پادگان متعلق به نیروی زمینی ارتش است و در ۴۱ کیلومتری جنوب غربی اهواز و در غرب جاده اهواز- خرمشهر و در حاشیه دشت جُفیر و ابتدای جاده جفیر قرار دارد و محل استقرار یگان‌هایی از لشکر ۹۲ زرهی خوزستان است و منطقه ۷ ارتش محسوب می‌شود.

این پادگان در ابتدای حمله عراق به ایران در روز هفتم مهرماه علی‌رغم دفاع گردان‌های ۲۳۱ و ۲۳۲ لشکر ۹۲ زرهی ارتش و تقدیم ۸۳ شهید، به ناچار تخلیه شد و به اشغال متجاوزین درآمد.

پس از گذشت نوزده ماه از سقوط پادگان حمید، سرانجام به دنبال تکرر موفقی رزمندگان به روی دژهای مرزی کوت‌سواری در مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۱، دشمن از بیم قطع خطوط سراسری سپاه سوم خود، در حدفاصل دشت جفیر تا شلمچه و نگرانی از بابت سرنوشت لشکر ۵ مکانیزه و لشکر ۶ زرهی خود که در جفیر و پادگان حمید مستقر بودند، روز ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۱ به این دو یگان فرمان عقب‌نشینی سریع از جفیر و پادگان حمید از طریق پاسگاه مرزی شهابی ایران؛ واقع در ضلع جنوب غربی صحرائی کوشک را صادر و به هنگام فرار و عقب‌نشینی پادگان را به کلی تخریب کرد.







◆ ایستگاه دغاغله



◆ پمپ‌های شناور کانال سلمان

## کانال سلمان

پس از موفقیت نسبی کمیته آب و ستاد جنگ‌های نامنظم به فرماندهی شهید دکتر چمران در طراحی و اجرای مبتکرانه «جنگ آب» و غرقاب‌سازی مناطق استقرار دشمن با احداث کانال و هدایت آب، نظیر اجرای طرح «سدسیدشریف» و غرقاب نمودن دبحردان در آبان‌ماه ۱۳۵۹ و نیز اجرای «سدسیدعزیز» در غرب حمیدیه و غرقاب نمودن مناطق استقرار دشمن در منطقه سعدون حمادی و نیز احداث کانال ۱۳ کیلومتری دغاغله در سال اول جنگ، پیشنهاد اجرای طرح تکمیلی کانال دغاغله (معروف به طرح شهید چمران) در خرداد ماه سال ۱۳۶۱ ارائه شد و تحت عنوان «طرح سلمان» به تصویب شورای عالی دفاع رسید و قرارگاه مهندسی خاتم‌الانبياء (ص) به عنوان کارفرما، طراحی و نظارت بر اجرای این پروژه را به جهادسازندگی ابلاغ نمود.

با اتمام تأسیسات و کانال انتقال آب سلمان به طول صد کیلومتر در مهرماه ۱۳۶۳، آب در دشت‌های جفیر، کوشک و طلائی‌ه‌رها شد و رزمندگان توانستند ضمن ایجاد موانع و درگیر کردن دشمن در فعالیت‌های عمرانی و مهندسی آب، بخشی از نیروهای خود را آزاد و در جبهه‌های دیگر به کار گیرند. پس از جنگ همچنان از کانال سلمان برای آبیاری اراضی دشت جفیر و مناطق اطراف آن استفاده می‌شود.



◆ پمپ‌های شناور کانال سلمان



## پایگاه منتظران شهادت (گلف)

ستاد عملیات جنوب سپاه پاسداران یا پایگاه منتظران شهادت (گلف) در بلوار شهید مدرس اهواز و در مسیر جاده رامهرمز در بخش غربی شهر قرار دارد. این پایگاه که ساختمان‌های متعدد و محکمی داشت، در قبل از انقلاب با عنوان باشگاه گلف، مورد استفاده ورزشی اتباع امریکایی قرار می‌گرفت. بعد از انقلاب کارمندان شرکت نفت برای حفاظت از لوله‌ها و تأسیسات نفتی جنوب در برابر خرابکاری‌های ضدانقلاب برای مدتی در این باشگاه مستقر شدند. پس از مدتی حفاظت از تأسیسات به سپاه پاسداران واگذار شد و باشگاه محل استقرار آن‌ها شد.

۲۰۹

با شروع جنگ این مکان به دلیل ناشناخته بودن و نزدیکی به فرودگاه اهواز و قرار داشتن در پناه کوه و موقعیت جغرافیایی مناسب به عنوان قرارگاه مرکزی کربلا به مرکز فرماندهی و هدایت جنگ سپاه پاسداران در جنوب (از دهلران تا رأس البیشه) تبدیل شد و به نام پایگاه منتظران شهادت نامگذاری شد. تشکیل اتاق جنگ و فعال شدن اطلاعات و عملیات، اعزام نیرو و تشکیل واحدهای جنگ و حضور مسئولین نظام از مشخصات اصلی پایگاه منتظران شهادت بود.



◆ شهید حسن باقری و شهید علی صیاد شیرازی

فرماندهی این قرارگاه در شش ماه اول جنگ برعهده شهید داوود کریمی و شهید حسن باقری و در شش ماه دوم برعهده برادر رحیم صفوی و حسن باقری و از سال دوم برعهده برادر غلامعلی رشید و به جانشینی شهید حسن باقری بود. فرماندهان محورهای عملیاتی سپاه روزهای چهارشنبه و مسئولین اطلاعات یگان‌ها روزهای دوشنبه به این پایگاه می‌آمدند و در جریان آخرین اطلاعات قرار گرفته و در خصوص هدایت جنگ در جنوب به تبادل نظر می‌پرداختند. اولین گزارش‌های اطلاعات و عملیات جنگ توسط شهید حسن باقری که مسئول اطلاعات و عملیات جنوب بود، در این پایگاه منتشر شد که در تغییر استراتژی و تحول جنگ تأثیر بسزایی داشت. با شهادت حجت‌الاسلام فضل‌الله محلاتی نماینده حضرت امام<sup>(ع)</sup> در سپاه پاسداران در سال ۱۳۶۵، این پایگاه به نام این شهید نامگذاری شد. این مکان اکنون در ردیف آثار ملی دفاع مقدس قرار دارد.





# شوش

آبدیشک

دزفول

عبدالممن  
(المراد)

کرگانه حضرت صالح

هورالهویزه

هورالهویزه

اهواز

عراق

کوت خوران

شادگان







◆ تصویر هوایی از شهر شوش - حدود یکصد سال قبل

## شهرستان شوش

شهرستان شوش با مساحت ۳۵۴۰ کیلومترمربع در غرب استان خوزستان واقع است و از شمال به شهرستان دزفول و اندیمشک، از شمال غرب به شهرستان دهلران، از شرق به شهرستان شوشتر، از جنوب شرق به شهرستان اهواز و از غرب و جنوب غربی به شهرستان دشت آزادگان محدود می‌شود.

شهرستان شوش یکی از کهن‌ترین مراکز تمدن در جهان است و آثار و بقایایی در این منطقه یافت شده است که قدمت آنها به دوران ماقبل تاریخ بازمی‌گردد. عیلامیان اولین اقوامی بودند که شوش را رونق بخشیدند و شهر باستانی شوش آنچنان اعتبار یافت که به پایتختی برگزیده شد و علی‌رغم دست‌اندازی‌های سومری‌ها، اکدی‌ها و اقوام دیگر و حتی استیلای آشور بانیپال اهمیت خود را از دست نداد. پس از تسلط هخامنشیان نیز شوش همچنان عظمت خود را حفظ کرد و داریوش هخامنشی آن را به عنوان پایتخت زمستانی خود برگزید.

اکنون شهر شوش مرکز این شهرستان است و مردم آن اکثراً شیعه دوازده امامی‌اند و به فارسی و عربی تکلم می‌کنند. شوش در سال ۱۳۶۸ شهرستان شد و قبل از آن بخشی از شهرستان دزفول بود. وجود رودخانه کرخه در این شهرستان که از حوالی کوه الوند در همدان سرچشمه می‌گیرد و در مسیر خود با شعباتی از کرمانشاه، ایلام و لرستان به جلگه خوزستان می‌رسد باعث حاصل‌خیزی و سرسبزی بخش مرکزی و شرقی شهرستان می‌شود اما بخش غربی آن بیابانی و خشک است.

دو رودخانه دز و شاوور نیز این شهرستان را سیراب می‌کند. رود دز از کوه‌های لرستان سرچشمه گرفته و پس از طی مسافتی در شوشتر به کارون ملحق می‌شود. شاوور نیز بین دز و کرخه جریان دارد و از کوچک‌ترین رودخانه‌های خوزستان محسوب می‌شود. با احداث سد دز شبکه خطوط انتقال انرژی، سیستم آبیاری مدرن، ایجاد کشت و صنعت‌ها به خصوص هفت تپه و واحدهای صنعتی متعدد منطقه شمال خوزستان به خصوص ناحیه اطراف شهر شوش،

این شهرستان تحول اقتصادی عظیمی یافت و جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد ملی و توسعه کشور به دست آورد.

شهرستان شوش اکنون عمده‌ترین تولیدکننده استان است و کشاورزی و صنایع وابسته به آن اهمیت فراوانی دارد. کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، شامل مزارع نیشکر و کارخانه تولیدی قند و شکر، و کارخانه کاغذسازی پارس از جمله مهم‌ترین واحدهای اقتصادی این منطقه است. شوش آثار و بناهای تاریخی مهم و متعددی نظیر بقعه دانیال‌نبی<sup>(ع)</sup>، موزه شوش، مجموعه تپه‌های باستانی شوش (اکروپل، شهرشاهی و کاخ آپادانا) و معبد زیگورات (چغازنبیل) دارد.

با آغاز جنگ و هجوم لشکر ۱ مکانیزه ارتش عراق به این شهرستان و توقف آنها در غرب کرخه، شهر شوش و مناطق اطراف آن تا انجام عملیات فتح‌المبین به مدت هجده ماه زیر آتش دشمن قرار داشت و به همین علت، خالی از سکنه شد و ساکنان آن به مناطق امن مهاجرت کردند.

تحركات عراق در این جبهه باعث شد که این شهرستان به عنوان یک جبهه میانی اهمیت یابد و شهید مجید بقایی فرمانده سپاه شوش با تشکیل قرارگاه فجر و سازماندهی یگان‌هایی چون تیپ ۱۷ علی‌ابیطالب<sup>(ع)</sup> و تیپ ۱۵ امام‌حسن‌مجتبی<sup>(ع)</sup> به کمک شهید حسن درویش، شرایط اجرای موفق عملیات فتح‌المبین را فراهم کنند.

♦ تصویر هوایی از شهر شوش - حدود یکصد سال قبل





## شوش

شهر شوش در ۲۴ کیلومتری جنوب غربی دزفول و ۱۰۵ کیلومتری شمال غربی اهواز واقع است. این شهر در زمان جنگ از توابع شهرستان دزفول بود اما از سال ۱۳۶۸ به بعد شهرستان شوش به مرکزیت این شهر تشکیل شد. این شهر باستانی از مراکز تمدن قدیم و پایتخت چهار هزار ساله حکومت عیلام و همچنین پایتخت زمستانی امپراتوری هخامنشی بوده است.

شوش در قرون وسطی، مرکزی بزرگ برای خوزستان بوده که در آن شهر قلعه‌ای محکم و قدیمی، بازارهایی با شکوه و مسجدی با ستون‌های گرد وجود داشته است. در طبقات پایین‌تر این شهر آثاری به دست آمده که باستان‌شناسان آنها را مربوط به هشت هزار سال پیش می‌دانند.

شوش چهار اثر باستانی معروف دارد؛ اکروپل یا ارگ شاهنشاهی که قبرستان شاهان عیلامی بوده است. کاخ آپادانا که هفت حیاط و سالن بزرگی با ۷۲ ستون سنگی دو متری دارد و داریوش اول هخامنشی آن را ساخته است. شهر شاهی یا شهر پانزدهم که در آن پانزده لایه از پانزده تمدن کشف کرده‌اند و شهر صنعتگران که از سه تمدن ساسانی، اشکانی و اسلامی نشان دارد.

در زمان مظفرالدین‌شاه (سال ۱۲۶۹) ژان دومرگان، باستان‌شناس معروف فرانسوی با صد و بیست نفر به ایران آمد و با دولت قرارداد بست تا در شوش کاوش کند. آنها با آجرهایی که از کاخ باستانی آپادانا یافتند، قلعه‌ای شبیه قلعه باستیل فرانسه ساختند تا هم در آن زندگی کنند و هم هر چه را می‌یابند در آن نگه دارند اما بعدها دومرگان یافته‌هایش را به موزه لوور





◆ آثار گلوله‌های دشمن بر قلعه دومرگان

پاریس فرستاد. هنگامی که مرکز خوزستان به اهواز منتقل شد، شوش کم‌کم اهمیت خود را از دست داد اما با احداث راه اصلی تهران - خرمشهر و راه آهن سراسری، حیات اقتصادی شهر شوش رونق گرفت. اهمیت تاریخی شوش نیز موجبات توجه و جذب جهانگردان و مشتاقان زیارت بارگاه دانیال نبی<sup>(ع)</sup> را فراهم آورد، به نحوی که این شهر با افزایش جمعیت در سال ۱۳۳۵ دارای شهرداری شد.

شوش در طرح عملیاتی ارتش عراق به این دلیل اهمیت داشت که راه آهن و جاده اندیمشک- اهواز از مجاورت آن می‌گذشت و قطع این راه‌ها بر جبهه اهواز و دزفول تأثیر زیادی می‌گذاشت. لشکر ۱ مکانیزه ارتش عراق با پیشروی به سمت این شهر در ۷ کیلومتری غرب آن موضع گرفت و از آنجا به طور مداوم شوش را زیر آتش خود قرار داد. این شهر در هجوم سراسری عراق پیوسته مورد حملات هوایی و توپخانه‌ای قرار داشت و به همین دلیل شهر شوش به تدریج خالی از سکنه شد و اهالی آن در شرایطی بسیار سخت به مناطق امن مهاجرت کردند.

در طول جنگ رزمندگان از منازل این شهر به عنوان عقبه جبهه استفاده می‌کردند. شوش به دلیل همپارانی و زیر آتش قرار گرفتن در طول هجده ماه، خسارات فراوانی دید و بیشتر منازل و اماکن این شهر تخریب شد. با انجام عملیات فتح‌المبین در غرب و شمال غرب شهر شوش، این منطقه از دید و تیر مستقیم متجاوزان خارج شد و تا پایان جنگ در امان ماند.



♦ تخریب بخشی از بارگاه  
توسط دشمن

## بارگاه دانیال نبی<sup>(ع)</sup>

بارگاه دانیال نبی<sup>(ع)</sup> مزاری زیبا و باشکوه است که در مرکز شهر شوش و در ساحل شرقی رودخانه شاور قرار دارد و سالیان بسیاری است که شوش را بدان می‌شناسند و به همین منظور این شهر را شوش دانیال نیز می‌نامند. دانیال به زبان عبری به معنای «خدا حاکم من است» و دانیال نبی<sup>(ع)</sup> پیامبری از دین یهود بود که در تورات کتابی با دوازده باب به وی اختصاص دارد. بعضی مورخان عقیده دارند پس از آنکه دانیال نبی<sup>(ع)</sup> به اسارت «بخت النصر» درآمد، به همراه هزاران یهودی به بابل برده شد و در آنجا ماند تا اینکه پس از تصرف بابل به دست کوروش، دانیال نبی به همراه عده‌ای از اقوام یهود به شوش آمد و در آنجا وفات یافت. قول اکثر مورخین اسلامی این است که پس از تصرف شوش به دست لشکریان اسلام، درباره این مقبره از امام علی<sup>(ع)</sup> پرسیدند، که ایشان فرموده‌اند: «مَنْ زَارَ أَخِي دَانِيَالَ كَمَنْ زَارَنِي»؛ هر کس قبر برادرم دانیال را زیارت کند، مثل این است که مرا زیارت کرده است. گنبد دانیال نبی<sup>(ع)</sup> به سال ۱۲۸۷ ق پس از آنکه سیل بقعه قدیمی را خراب کرد، از نو ساخته شد. بنای این زیارتگاه شامل دو حیاط است و بر روی گنبد مخروطی- پله‌ای قرار دارد که نوع رایج گنبدهای منطقه است.

با شروع جنگ و پیشروی ارتش عراق تا نزدیکی شوش، دشمن این بارگاه را آماج گلوله باران خود قرار داد به نحوی که بخشی از گنبد اصلی آن تخریب شد. تا پایان جنگ، مزار حضرت دانیال نبی<sup>(ع)</sup> محل مناجات، دعا و قوت قلب برای رزمندگان جبهه شوش بود.



◆ سد و دریاچه کرخه

## گرخه

رودخانه کرخه به طول حدود ۹۰۰ کیلومتر از ارتفاعات الوند در استان همدان سرچشمه می‌گیرد و با عبور از کنار شهر بیستون در کرمانشاه وارد استان‌های لرستان و ایلام شده و سپس در امتداد شمالی-جنوبی وارد شهرستان شوش در استان خوزستان می‌شود و در نهایت در مرز مشترک ایران و عراق به مرداب هورالهویزه می‌ریزد.

رودخانه کرخه پس از رودخانه‌های کارون و دز سومین رودخانه بزرگ ایران از نظر آبدهی محسوب می‌شود. حوزه آبریز رودکرخه به وسعت حدود ۴۳ هزار کیلومتر مربع، و شامل استان‌های همدان، کرمانشاه، کردستان، ایلام، لرستان و خوزستان است. این رودخانه در محدوده شهرستان دشت آزادگان تغییر جهت تقریباً ۹۰ درجه پیدا می‌کند و از وضعیت شمالی-جنوبی به وضعیت شرقی-غربی تغییر مسیر داده و در نهایت در منطقه چرابه به هورالهویزه می‌ریزد.



کرخه مانند کارون از جمله بزرگ‌ترین موانع دست‌یابی ارتش عراق به مرکز استان خوزستان بود. کرخه در جریان هجوم سراسری عراق، عامل بازدارنده مهمی برای لشکر ۱ مکانیزه و لشکرهای ۹ و ۱۰ زرهی دشمن در تصرف شهرهای دزفول، اندیمشک و شوش بود. لشکر ۹ ارتش عراق برای گسترش تجاوز خود کوشید از دو نقطه در کرخه عبور کند. یکی در منطقه سبحانیه که عراق دو بار در این منطقه پل زد و نیروهای خود را وارد سوسنگرد کرد که البته در هر دو حمله شکست خورد و دیگری در منطقه ابوچلاچ که پس از تخریب پل بستان به دست نیروهای خودی به منظور جلوگیری از نفوذ دشمن، ارتش عراق ناچار شد در منطقه ابوچلاچ بر روی کرخه پل نظامی نصب کند.

نیروهای خودی نیز در طول جنگ از آب کرخه برای جلوگیری از پیشروی دشمن بهره گرفتند و در منطقه جنوب جاده حمیدیه-سوسنگرد و حد فاصل روستای هوفل تا سید خلف، با عملیات آب‌اندازی، نه تنها پیشروی دشمن را سد کردند بلکه عقب‌نشینی اجباری را به عراق تحمیل کردند. ارتش عراق تا اجرای عملیات فتح‌المبین مناطق غرب کرخه را در اشغال خود داشت.

◆ موقعیت روستاهای  
زغن، عنکوش و شلیبه



## زغن، عنکوش و شلیبه

روستای زغن و تپه‌های اطراف آن حدود دو کیلومتر از کرانه رودخانه کرخه فاصله دارد و در هفته اول جنگ به اشغال دشمن درآمد. این منطقه مناسب‌ترین نقطه

برای پدافند بود و چنانچه این نقطه از وجود دشمن پاك می‌شد، از تحرك عناصر شناسایی دشمن به آن سوی کرخه جلوگیری و آزادی عمل رزمندگان را در آماده‌سازی رودخانه برای عبور فراهم می‌کرد و از طرفی دشمن از دید مستقیم بر روی رودخانه و سواحل آن محروم می‌شد. روستای عنکوش نیز در دامنه تپه ابوصلیبی‌خات و جنوب روستای زغن قرار دارد و آزادسازی آن ارتباط زمینی نقاط غرب رودخانه کرخه را تا رقابیه و میشداغ تسهیل می‌کرد.

به طور کلی در طول جنگ مجموعه روستاهای شلیبه، زغن و عنکوش مدخل ورودی شهر شوش از سمت غرب به شمار می‌آمد و از این حیث اهمیت نظامی داشتند. استعداد دشمن در روستای زغن دو گروهان پیاده و مکانیزه برآورد شده بود که از دامنه ارتفاعات ابوصلیبی‌خات با آتش توپخانه و تانک پشتیبانی می‌شد. لذا با هدف ایجاد سرپل مقابل شهر شوش و پاکسازی روستاهای زغن و شلیبه عملیاتی طراحی و آماده اجرا شد.

این عملیات در ساعت ۴ بامداد ۱۳۶۰/۱/۲۵ آغاز شد و نیروهای عمل‌کننده بدون آتش تهیه و با رعایت اصل غافل‌گیری از شش نقطه به طور هماهنگ وارد عمل شدند و تا ساعت ۸ صبح تلفات و خساراتی به دشمن وارد کردند و آنها را عقب راندند. با آغاز روشنایی روز، دشمن با اجرای آتش شدید، در دو نوبت و هر بار با يك گروهان زرهی پاتک کرد که مقاومت رزمندگان و اجرای به موقع آتش بالگردهای هوانیروز، آنها را پس از تحمل تلفات و خسارات ناچار به عقب‌نشینی کرد. دشمن در پاتک سوم که با يك گردان پیاده و يك گردان زرهی ایجاد کرد، پس از ساعت‌ها درگیری، مواضع آزادشده را بار دیگر اشغال کرد و نیروهای خودی به مواضع قبلی بازگشتند. ارتش عراق با استقرار يك گردان مکانیزه در منطقه عنکوش، نزدیک‌ترین نقطه به کرخه را در غرب شوش اشغال کرده بود. هم‌زمان با عملیات امام‌علی<sup>(ع)</sup> در محور سوسنگرد، رزمندگان محور شوش، به فرماندهی مرتضی صفاری به همراه یک گردان از لشکر ۲۱ حمزه ارتش از ساعت ۳:۳۰ بامداد ۱۳۶۰/۲/۳۱ وارد عمل شدند و تا ساعت ۱۰:۳۰ موفق شدند با انهدام يك گردان مکانیزه عراق، تپه‌های حد فاصل عنکوش و شلیبه را آزاد کنند. در پی این اقدام دشمن سعی کرد با چند پاتک سنگین مواضع از دست داده را بازپس گیرد، لیکن رزمندگان اسلام با ایستادگی و تقدیم تعدادی شهید و مجروح، پاتک‌های دشمن را خنثی کردند. پیش از عملیات فتح‌المبین در این محور، درگیری‌های متعددی میان گروه‌های گشتی رزمندگان با دشمن روی

داد که به کشته شدن تعدادی از نیروهای عراقی در عنکوش منجر شد. در عملیات فتح‌المبین که در فروردین ۱۳۶۱ با هدف آزادسازی بخش وسیعی از مناطق اشغالی در غرب شهرهای شوش، اندیمشک و دزفول به انجام رسید، قرارگاه فجر که هدایت محور عنکوش را بر عهده داشت، در مرحله سوم و چهارم عملیات، این روستا و اراضی غرب آن را تا تنگ رقابیه آزاد نمود.

## کانال هندلی

در ۵ کیلومتری جنوب پل نادری کانالی ال (L) شکل موسوم به کانال هندلی وجود دارد که اهالی منطقه قبل از انقلاب آن را برای پمپاژ و هدایت آب کرخه به زمین‌های کشاورزی احداث کرده بودند.

این کانال هندلی شکل با چهار متر ارتفاع از کرانه غربی کرخه شروع می‌شود و پس از پانصد متر امتداد، از سمت غرب به طرف جنوب منحرف شده و پس از پنجاه متر دوباره به سمت غرب ادامه مسیر داده و بعد از حدود ۱۵۰۰ متر، به سطح زمین‌های کشاورزی می‌رسد.

لشکر ۱۰ زرهی ارتش عراق با اشغال این منطقه در پنجمین روز جنگ و استقرار ادوات زرهی در پشت این کانال، توانست خطی مستحکم و غیرقابل نفوذ ایجاد کند. از آنجا که مواضع دشمن در غرب رودخانه کرخه به غیر از محور کانال هندلی، در سایر نقاط از ساحل رودخانه فاصله داشت این امکان برای لشکر ۱۰ زرهی دشمن به وجود آمد که از طریق کانال هندلی، پل کرخه و جاده منتهی به آن را زیر دید و تیر خود قرار دهد. رزمندگان ایران نیز با درک این موضوع از طریق رودخانه و با استفاده از دوبه و پل متحرکی که ارتش در جنوب شوش نصب کرده بود (پل شجاع) به آن سوی کرخه می‌رفتند و به گشت زنی و جمع‌آوری اطلاعات از مواضع دشمن می‌پرداختند.

با توجه به اهمیت این منطقه یک گروهان از سپاه و بسیج به همراه تیپ یکم لشکر ۲۱ حمزه ارتش در سحرگاه پانزدهم فروردین ۱۳۶۰ در منطقه جنوب غربی پل کرخه عملیات محدودی را برای تصرف کانال هندلی آغاز کردند. اما به علت مسطح بودن زمین و آماده نبودن آن برای مقابله با قوای زرهی دشمن، نیروهای خودی پس از آزادسازی چند ساعته این کانال، سرانجام به ۳۰۰ متری شمال کانال (یک کیلومتر جلوتر از خط پدافندی قبل از عملیات) تغییر موضع دادند. در این عملیات محدود حدود صد تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی و پنجاه و هفت نفر به اسارت درآمدند. این عارضه حساس در پی تک احاطه‌ای رزمندگان تحت امر قرارگاه نصر در عملیات فتح‌المبین برای همیشه آزاد شد.



◆ ادوات غنیمتی دشمن در مقر تیپ ۳۰ زرهی سپاه - منطقه فتح المبین

## منطقه عملیاتی فتح المبین

منطقه عملیاتی فتح المبین از شمال به ارتفاعات صعب العبور تی شکن، دالپری، شاوریه، چاه نفت و تپه سپتون؛ و از جنوب به ارتفاعات میشداغ، تپه‌های رملی و لخیضر و از شرق به رود کرخه و از غرب به مرز بین‌المللی (در شمال و جنوب فکه) منتهی می‌شود و در کل ۳۰۰۰ کیلومترمربع وسعت دارد که بخش اعظم آن در استان خوزستان واقع است. این منطقه از لحاظ جغرافیایی ناهموار است و علاوه بر ارتفاعات یادشده، تپه ماهورهای بسیار و گاهی غیر قابل عبور دارد. این بلندی‌ها به دلیل پستی زمین در شرق کرخه، روی شهرهای شوش، هفت‌تپه و جاده اهواز- اندیمشک کاملاً مشرف است.

ارتفاعات ابوصلیبی‌خات با ۲۰۲ و ۱۸۹ متر، تپه‌های برغازه، دوسلک، رقابیه، تی شکن، کمر سرخ، تنگ ابوغریب، سایت ۵، ۴ و رادار و سهرای قهوه‌خانه از نقاط مهم در عملیات فتح المبین بود. جاده‌های آسفالت دزفول- دهلران، جاده تنگ ابوغریب و جاده امامزاده عباس از مهم‌ترین راه‌های مواصلاتی این منطقه عملیاتی در استان خوزستان محسوب می‌شود.

پس از موفقیت عملیات طریق‌القدس و به منظور جلوگیری از تجدید سازمان و تقویت قوای دشمن، از اواسط آبان ۱۳۶۰ طرح‌ریزی عملیات فتح المبین آغاز شد و در نهایت در ساعت ۳۰ دقیقه بامداد روز دوشنبه ۲ فروردین ۱۳۶۱ عملیات سرنوشت‌ساز فتح المبین با هدف آزادسازی بخش وسیعی از مناطق اشغالی، خارج کردن شهرهای شوش، اندیمشک و دزفول و جاده‌های مواصلاتی آن‌ها از آتش موثر توپخانه‌های دشمن و دستیابی به خطوط پدافندی مناسب آغاز شد. در مرحله اول این عملیات در محور قرارگاه قدس؛ رزمندگان موفق شدند با حرکت احاطه ای از شمال غربی و غرب رودخانه چیخواب با تصرف منطقه عین‌خوش، عقبه

دشمن را در این محور مسدود کند. نیروهای جناح چپ این قرارگاه از شمال دشت عباس به طرف امامزاده عباس و تپه ۲۰۲ پیشروی کرده و مواضع دشمن را به تصرف خود درآوردند، لیکن این مواضع در جریان پاتک‌های شدید دشمن دوباره اشغال شد.

در محور قرارگاه نصر؛ سه گردان از تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) به همراه سه گردان ادغامی تیپ ۲ لشکر ۲۱ حمزه ارتش که مأموریت تصرف ارتفاعات علی‌گره‌زد و خاموش کردن آتش توپخانه مستقر در آن را بر عهده داشت تا عمق خطوط دشمن نفوذ کرده و توپخانه دشمن را به تصرف درآوردند. در نتیجه یگان‌های دیگر این قرارگاه موفق شدند مواضع پدافندی دشمن را در شمال محور پل نادری، سرخه فلیه، سرخه صالح و تپه چشمه، کوت کاپون، سه‌راهی قهوه‌خانه و تپه شاوریه به تصرف درآورند. در محور قرارگاه فجر؛ به دلیل مستحکم بودن خطوط پدافندی و حجم انبوه آتش و هوشیاری دشمن نسبت به جهت حمله و نیز انسداد اکثر راه‌کارهای پیش‌بینی شده ایران، نیروهای این قرارگاه با روشن شدن هوا به موقعیت اولیه خود بازگشتند. در محور قرارگاه فتح؛ مأموریت این قرارگاه به اعزام گروه‌های آرپی-جی‌زن برای شکار تانک‌ها محدود شد.

مرحله دوم عملیات در ساعات ۱ بامداد چهارشنبه ۴ فروردین آغاز شد و در اولین ساعات تلفات سنگینی بر دشمن وارد آمد و رزمندگان به مواضع دشمن در جبهه‌های غرب شوش و دزفول دست یافتند و تنگ رقابیه و ارتفاعات میشداغ پاک‌سازی شد. در این مرحله مأموریت اصلی به عهده قرارگاه فتح بود.

مرحله سوم عملیات فتح‌المبین مقارن ساعت ۲۲:۳۰ دقیقه شب ۷ فروردین در شمال غربی شوش آغاز شد و همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد، دشمن برای مصون ماندن از انهدام و اسارت نیروهایش، مواضع خود را در رقابیه به ناچار ترک کرد و به خطوط پدافندی خود در مناطق چنانه، دوسلک و غرب ارتفاعات تینه عقب‌نشینی نمود.

مرحله چهارم عملیات سحرگاه روز یکشنبه ۸ فروردین آغاز شد و در آن قرارگاه نصر به پاک‌سازی مناطق متصرفه در شرق ارتفاعات تینه پرداخت و پس از آن به کمک قرارگاه قدس شتافت. قرارگاه قدس که در روز گذشته ارتفاعات ۲۰۲ تنگ ابوغریب را به تصرف درآورده بود، می‌کوشید از فرار نیروهای در حال عقب‌نشینی عراق جلوگیری نماید. قرارگاه فجر نیز مسئولیت پاک‌سازی منطقه متصرفه خود را بر عهده داشت. همچنین نیروهای قرارگاه فتح ضمن عبور از تنگ دلیجان موفق شدند مواضع دشمن را در تنگ رقابیه دور زده و دو منطقه برغازه و دوسلک را به تصرف درآوردند و با نیروهای قرارگاه نصر الحاق نمایند. در مجموع طی این مرحله از عملیات ارتفاعات تینه، دوسلک و برغازه به تصرف کامل درآمد و دشمن به غرب رودخانه دویرج و تپه ۱۸۲ عقب رانده شد. با اتمام موفقیت‌آمیز این عملیات ۳۰۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران شامل ده‌ها بخش و روستا، جاده مهم دزفول-دهلران، سایت ۴ و ۵ و رادار آزاد شد و شهرهای دزفول، اندیمشک و شوش و مراکز مهمی چون پایگاه هوایی وحدتی دزفول از تیررس توپخانه دشمن خارج شد.







## بلتا

بلتا یکی از عوارض حساس غرب کرخه است که در شمال غربی دهکده بلتا و در جنوب ارتفاعات شاوریه و دهلیز و در شمال جاده اندیمشک- دهلران قرار دارد. به علت موقعیت حساس این تپه، دشمن در اسفند ۱۳۵۹ در راستای تأمین خطوط پدافندی خود در برابر شبیخون‌های رزمندگان، آن را اشغال نمود.

در تاریخ ۱۳۶۰/۵/۱۲ رزمندگان با هدف آزادسازی ارتفاعات شاوریه و دهلیز که در مجاورت بلتا بود و بر جاده تدارکاتی دشمن تسلط داشت وارد عمل شدند، اما رزمندگان به دلیل ضعف پشتیبانی فقط موفق شدند بر روی تپه بلتا که دشمن از آن برای دیدبانی استفاده

می‌کرد مستقر شوند. این تپه بر نیروهای دشمن که در کوت‌کاپن، تپه چشمه و علی‌گره‌زد مستقر بودند، تسلط داشت.

دشمن برای بازپس‌گیری تپه بلتا در تاریخ ۱۳۶۰/۵/۲۷ از سه‌محور حمله کرد که پس از چند ساعت مقاومت، حمله دشمن خنثی شد. این منطقه تا قبل از عملیات فتح‌المبین در اختیار لشکر ۲۱ حمزه ارتش و تیپ ۷ ولیعصر سپاه دزفول قرار داشت اما به درخواست تیپ ۲۷ محمدرسول‌الله<sup>(ص)</sup> برای شناسایی منطقه عملیاتی فتح‌المبین، کمپ بلتا که شامل چهارسنگر اجتماعی بود در آن منطقه تشکیل شد و واحدهای شناسایی این تیپ زیر نظر شهید محمود شهبازی و با مسئولیت حسین همدانی بفرز بلتا استقرار یافتند؛ چراکه موقعیت طبیعی این منطقه به گونه‌ای بود که با بهره‌گیری از شیارها و دامنه تپه ماهورها امکان نفوذ به عمق نیروهای سپاه چهارم عراق وجود داشت.

رزمندگان تخریبچی تیپ ۲۷ محمدرسول‌الله<sup>(ص)</sup> در شناسایی‌های قبل از عملیات فتح‌المبین برای اولین بار در این منطقه با مین‌های و المری دشمن برخورد و نحوه خنثی‌سازی آن را تجربه کردند. در بلتا دو تپه حساس و مشرف به شیارهای عبوری رزمندگان وجود داشت که به واسطه استقرار واحدهای زرهی دشمن به استعداد یک گروهان شامل بیست و پنج دستگاه تانک در یکی از تپه‌ها، به تپه تانک و به دلیل استقرار یک گردان از نیروهای پیاده دشمن در تپه دیگر، به تپه پیاده معروف شد. سرانجام رزمندگان قرارگاه نصر در مرحله نخست عملیات فتح‌المبین علاوه بر بلتا را برای همیشه آزاد کردند.



♦ خنثی‌سازی مین و المری - تپه بلتا



♦ دیدبانی در تپه چشمه

## تپه چشمه

در جنوب ارتفاعات سپتون عارضه‌ای حساس و کوچک به نام تپه چشمه وجود دارد که مشتمل بر بلندی‌های ۲۴۶،۲۴۹ و ۲۲۰ است و برای دیدبانی و تسلط بر منطقه موقعیت بسیار مناسبی دارد. در شروع جنگ این عارضه مورد توجه ارتش عراق قرار گرفت و لشکر ۱۰ زرهی ارتش عراق در پنجمین روز جنگ با اشغال این منطقه، نیروهای خود را در بخشی از آن مستقر نمود.

با توجه به اهمیت تسلط بر این منطقه، عملیات محدودی توسط یک گروهان از سپاه و بسیج به همراه تیپ یکم لشکر ۲۱ حمزه ارتش برای آزادسازی تپه چشمه به عنوان تک اصلی و تصرف کانال هندلی به عنوان تک فرعی طراحی و اجرا شد. این عملیات در ساعت ۳ بامداد ۱۳۶۰/۰۱/۱۵ آغاز شد و رزمندگان تا ساعت ۸ صبح تپه چشمه و سپس کانال هندلی را آزاد کردند و توانستند خط پدافندی قبلی را در جناح راست تا ده کیلومتری غرب پل نادری و در جناح چپ تا پنج کیلومتر جنوب آن توسعه دهند، اما این وضعیت چندان دوام نیاورد و دشمن با اجرای پاتک‌های شدید، توانست دوباره تپه چشمه و کانال هندلی را اشغال کند.

این منطقه تا عملیات فتح‌المبین همچنان در اشغال دشمن باقی ماند تا آنکه گردان ۲ تیپ ۵۸ تکاور ارتش به فرماندهی سرهنگ علیرضا رضایی و گردان مالک‌اشتر تیپ ۲۷ محمدرسول الله<sup>(ع)</sup> به فرماندهی شهید محمود شهبازی تحت امر قرارگاه فرعی نصر ۲ در مرحله اول عملیات فتح‌المبین تپه چشمه را برای همیشه آزاد کردند و با کمترین تلفات بیش از ۹۰۰ تن از نیروهای دشمن را به اسارت خود درآوردند.

♦ رهبر معظم انقلاب، حاج احمد متوسلیمان و شهید محمود شهبازی (نفر اول از سمت راست)





◆ تپه‌های علی گره زرد؛ محل استقرار توپخانه دشمن

## علی گره زرد و علی گریزد

تپه‌های «علی گره زرد» و «علی گریزد» در قلب بلندی‌های مشرف بر جاده اندیمشک-دهران قرار دارد و به خوبی بر بلندی‌های شاوریه، تپه چشمه و ابوصیبی خات اشراف دارد. توپخانه صحرایی لشکر ۱۰ زرهی «القادسیه» تحت امر «قوای حطین» (سپاه چهارم ارتش عراق) به استعداد حدود ۱۸۰ عراده از انواع توپ به فرماندهی سرهنگ «خلیل محمد النعمه» از ابتدای اشغال در این منطقه مستقر شدند و شهرهای اندیمشک، هفت تپه، شوش و دزفول را آماج گلوله‌باران توپ‌های دوربرد خود قرار دادند. حفاظت از این توپخانه بر عهده دو گردان کماندویی ارتش اردن، موسوم به «قوای یرموک» بود.

قبل از اجرای عملیات فتح‌المبین و با توجه به تجارب عملیات‌های قبلی، شناسایی دقیق این منطقه و کسب اطلاعات در خصوص آرایش و قدرت آتش واحدها و قبضه‌های مرگبار توپخانه سپاه چهارم ارتش عراق و نیز انهدام آن‌ها در دستور کار نیروهای مسلح ایران قرار گرفت.

با اجرای طرح ابتکاری شهید همت در خصوص فریب رادیویی واحدهای شنود ارتش عراق و ارسال پیام به گردان‌هایی که وجود خارجی نداشتند، گلوله‌باران چند ساعته دشمن، شناسایی اماکن استقرار ادوات و برآورد دقیق قدرت آتش دشمن را قبل از اجرای عملیات ممکن نمود.

احمد متوسلیان فرمانده تیپ ۲۷ محمدرسول‌الله<sup>(ص)</sup> با تشکیل تیمی متشکل از شهید محسن وزوایی (فرمانده گردان حبیب‌بن‌مظاهر)، شهید حسین قجه‌ای (فرمانده گردان سلمان فارسی)،





♦ شهید محسن وزوایی (نفر سمت چپ) و برادر حسین خالقی در منطقه عملیاتی فتح المبین

شهید رضا چراغی (فرمانده گردان حمزه سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>) و شهید عباس کریمی (مسئول اطلاعات تیپ) در اقدامی شجاعانه و برخلاف معمول برای شناسایی دقیق این منطقه، به مدت چند روز به عمق خطوط دشمن نفوذ کردند.

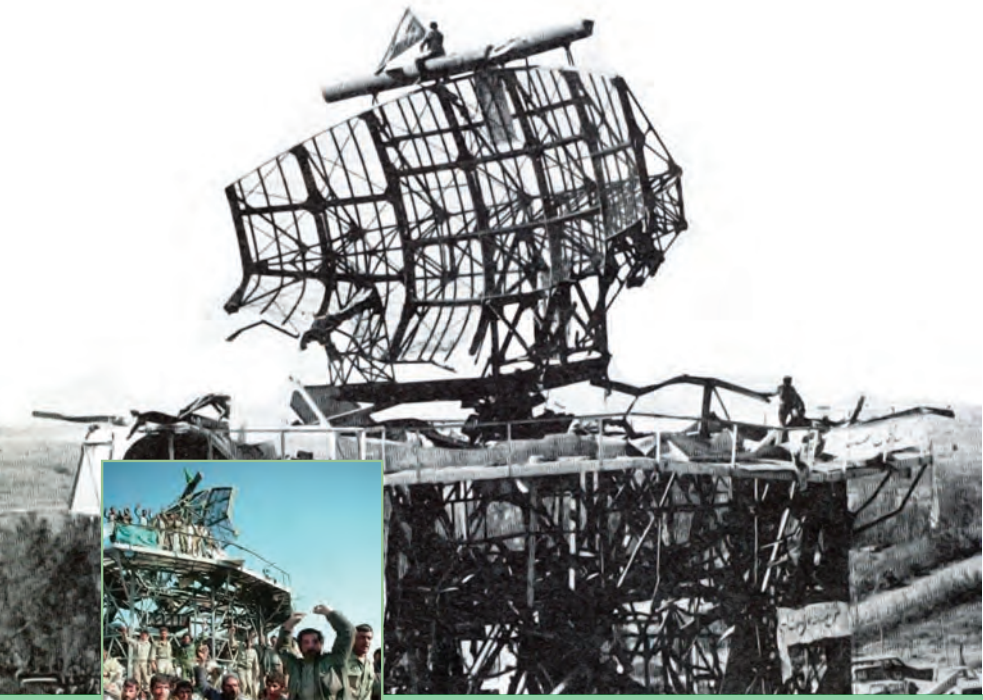
با آغاز مرحله اول عملیات

فتح المبین سه گردان حبیب بن مظاهر، حمزه سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> و سلمان فارسی از تیپ ۲۷ محمدرسول الله<sup>(ص)</sup> به همراه سه گردان ادغامی ۱۴۱، ۱۴۴ و ۱۶۹ تیپ ۲ لشکر ۲۱ حمزه ارتش، تحت امر قرارگاه فرعی نصر ۲ به فرماندهی احمد متوسلیان و سرهنگ شاهین راد، ضمن رعایت اصل غافلگیری و با استفاده از پهن کردن قطعات پتو بر روی بستر خشک و پوشیده از قلوه سنگ رودخانه فصلی، پس از هشت کیلومتر پیاده روی در سکوت مطلق، ضمن عبور از خط اول دشمن، خود را به نزدیکی جاده اندیمشک- دهلران رساندند و با تصرف «تپه تانک» و «تپه پیاده» و بستن جاده و تسلط بر آن، گام دوم عملیات یعنی تصرف توپخانه دشمن را آغاز نمودند.

در این مرحله رزمندگان گردان حبیب و گردان ادغامی ارتش، در حالی که خطوط اول دشمن هنوز تصرف نشده بود، در عین ناباوری با دوازده کیلومتر پیش روی دیگر، به طرز معجزه آسایی توپخانه مستقر در ارتفاعات «علی گره زد» و ستاد فرماندهی آن‌ها را در «علی گریزد» تصرف کردند که این امر زمینه ساز شکست سنگین دشمن در این عملیات شد.

♦ توپخانه عراق





◆ آزداسازی سایت و رادار

## سایت‌های ۴،۵ و رادار



سایت‌های ۵،۴ و رادار در ۱۸ کیلومتری غرب شوش

و در جنوب جاده شوش- فکه و در دامنه ارتفاعات ابوصیبی خات (معروف به ارتفاعات رادار) واقع بود که به عنوان مرکزی برای کنترل هوایی و رادیویی ارتش فعالیت می‌کرد. با اشغال غرب شوش در ابتدای جنگ، این منطقه به تصرف ارتش عراق درآمد و لشکر ۱ مکانیزه سپاه چهارم ارتش عراق در منطقه غرب رودخانه کرخه با انهدام این تأسیسات در آن استقرار یافت. عراق برای حملات موشکی و توپخانه‌ای به شهرهای دزفول، اندیمشک، شوش، هفت تپه و جاده اندیمشک به اهواز از موقعیت این منطقه استفاده می‌کرد.

با تدابیر اندیشیده شده در مرحله سوم عملیات فتح‌المبین مبنی بر زمین‌گیر کردن واحدهای زرهی دشمن در دشت عباس و هجوم گردان‌های انصار، سلمان فارسی و حبیب‌بن مظاهر تیپ ۲۷ محمدرسول‌الله<sup>(ع)</sup> تحت امر قرارگاه قدس به همراه سه گروه رزمی لشکر ۲۱ حمزه ارتش؛ تپه‌های ابوصیبی خات و منطقه سایت و رادار در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۷ برای همیشه آزاد شد.

بعد از این عملیات تعدادی از فرماندهان و افسران ارشد لشکر ۱ مکانیزه ارتش عراق که در این منطقه مجبور به عقب‌نشینی شده بودند، به دستور صدام اعدام و یا به تحمل چند سال زندان محکوم شدند. هنوز بخشی از بقایای سایت‌های ۵،۴ و رادار در این منطقه وجود دارد.



◆ به ترتیب از چپ به راست شهید احمد سوداگر (مسئول اطلاعات قرارگاه کربلا) شهید احمد کاظمی (فرمانده لشکر ۸ نجف) و شهید مهدی باکری داخل بالگرد بر فراز منطقه عملیاتی فتح المبین

## رقابیه

رقابیه نام تپه و تنگه‌ای در شمال ارتفاعات میشداغ و سی کیلومتری جنوب غربی شوش است و در مسیر جاده عبدالخان- عین خوش قرار دارد. این تپه یکی از نقاط مهم و حساس در دوران جنگ تحمیلی بود که دشمن با استقرار در آن، منطقه را تحت کنترل داشت.

در ۲۵ اسفند ۱۳۵۹ ارتش عملیات رقابیه را برای آزادسازی این منطقه طراحی و اجرا کرد که تا اول فروردین ۱۳۶۰ به مدت شش روز ادامه داشت.

هرچند در این عملیات تیپ ۲ لشکر ۱۶ زرهی قزوین در سمت جنوبی تپه‌های ابوصلیبی خات و رقابیه متوقف شد ولی توانست با وارد کردن تلفات به دشمن، پیشروی احتمالی آنها را در غرب رودخانه کرخه متوقف کند.

با ابتکار عمل تیپ نجف اشرف سپاه پاسداران به فرماندهی احمد کاظمی و تیپ ۵۵ هوابرد ارتش در مرحله دوم عملیات فتح المبین؛ عقبه نیروهای دشمن در غرب رقابیه بسته شد و بسیاری از عناصر دشمن به اسارت درآمدند.



## یادمان شهدای فتح‌المبین

یادمان شهدای فتح‌المبین در هشت کیلومتری شمال‌غربی شوش و در غرب رودخانه کرخه قرار دارد. در این منطقه تعدادی از رزمندگان قرارگاه فجر که به فرماندهی شهید مجیدبقایی شش روز مانده به عملیات فتح‌المبین، قصد رخنه از نه‌شیار به سنگرهای دشمن را داشتند - بعدها به نام شیارهای المهدی، شیخی، شلیکا، خنگ، محلات، شیرعلی‌سلطانی، شهید ربیعی، شهید میرزایی و شهید ترکی معروف شدند- با سنگرهای کمین دشمن درگیر شده و تعداد زیادی از آنها در این شیارها به شهادت می‌رسند.

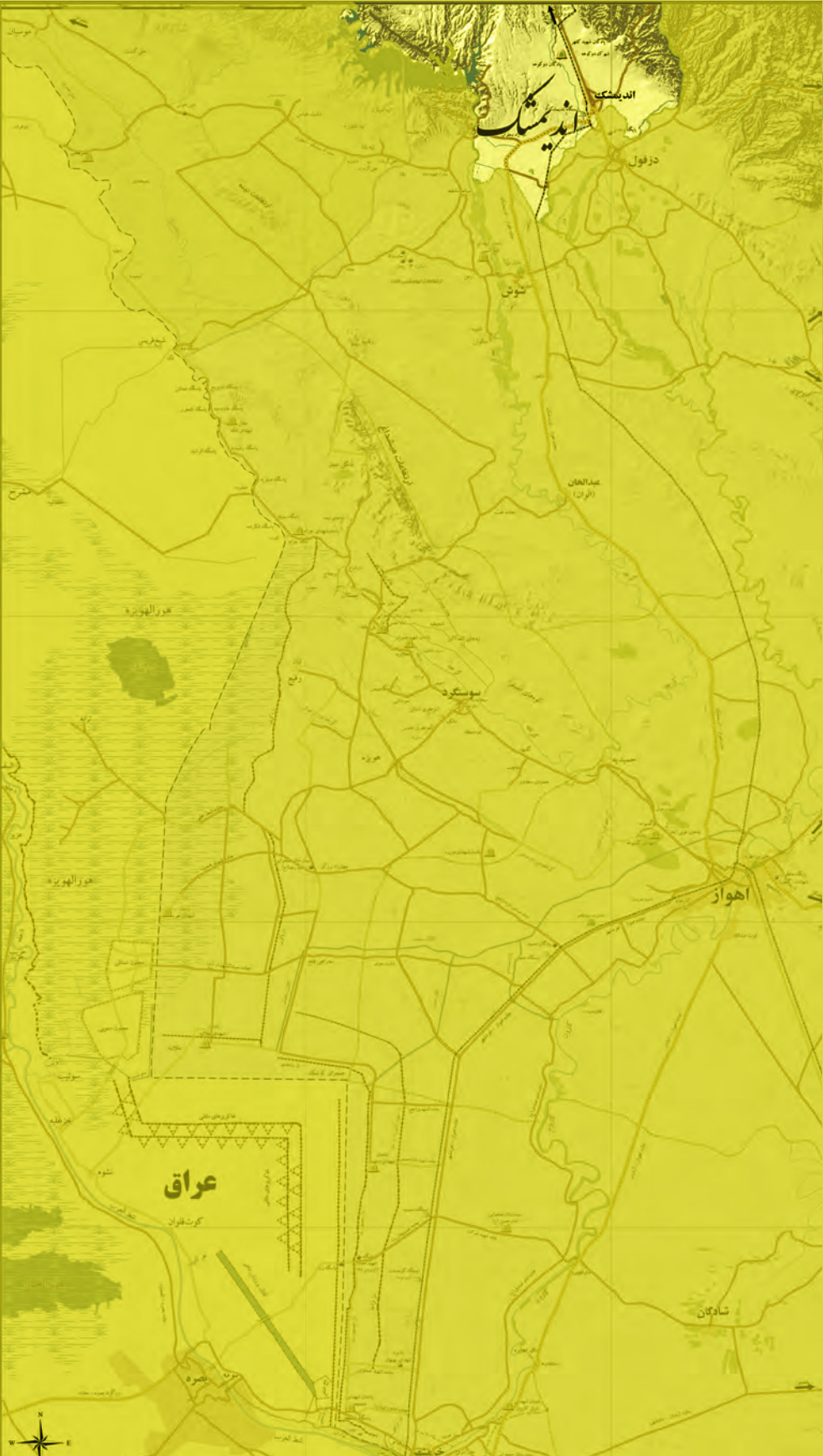
انقلاب

در ۱۹ دی‌ماه ۱۳۸۱، مردم شهیدپرور شهرستان شوش هشت شهید گمنام را تشییع و در این یادمان به خاک سپردند. در کنار آنها نیز برخی از شیارهای عملیاتی به صورت بازسازی شده قرار دارند که یادآور نبرد حماسی رزمندگان در این منطقه است.

۲۳۰



♦ رهبر معظم انقلاب در  
یادمان شهدای فتح‌المبین







## شهرستان اندیمشک

شهرستان اندیمشک به مرکزیت شهر اندیمشک، شمالی‌ترین شهرستان استان خوزستان است و از شرق با دزفول، از جنوب با شوش و دزفول، از غرب با آبدانان (استان



♦ تصویر ماهواره ای از شهر اندیمشک

ایلام) و از شمال با پلدختر و خرم‌آباد (استان لرستان) همسایه است. این شهرستان از نظر تقسیمات کشوری، دو بخش به نام‌های مرکزی و آوار گرمسیری دارد. راه آهن سراسری جنوب به شمال از اندیمشک می‌گذرد و مردم شهرهای شمال خوزستان برای سفرهای خود از راه آهن این شهر بهره می‌برند. مردم اندیمشک شیعه دوازده امامی بوده و به زبان فارسی و گویش لری (خرم‌آبادی) سخن می‌گویند.

شمال و شمال شرقی شهرستان اندیمشک کوهستانی و بقیه قسمت‌های شهرستان در دشت گسترده است لذا این شهرستان دارای دو منطقه آب و هوایی معتدل و خشک است. دو رودخانه کرخه و دز در دو سوی شهرستان اندیمشک جریان دارد و رود کرخه مرز غربی (۱۵ کیلومتری) شهرستان اندیمشک را تشکیل می‌دهد. این رود که از کوه‌های الوند و گرو سرچشمه می‌گیرد، در ابتدای مسیر طولانی خود؛ گاماسب، در لرستان سیمره، و در خوزستان کرخه نامیده می‌شود. شاخه مهم آن در اندیمشک، رود زال است. رود دز نیز که مرز شرقی شهرستان اندیمشک را تشکیل می‌دهد، از کوه‌های لرستان سرچشمه می‌گیرد و پس از آبیاری نواحی خاوری اندیمشک و دزفول و پیوستن آب شطیط به آن، در نقطه‌ای به نام بندقیر به کارون می‌ریزد.

عراق پس از پیروزی انقلاب کوشید در این منطقه سلاح پخش کند و عشایر منطقه را در اختیار خود بگیرد؛ ولی هرگز موفق نشد. در طول جنگ این شهرستان بارها با موشک‌های رژیم عراق هدف قرار گرفت و شهدای فراوانی را تقدیم انقلاب کرد.

جدی‌ترین حمله عراقی‌ها در ماه‌های اولیه جنگ، تنها موجب اشغال بخشی از اراضی منطقه غربی شهرستان اندیمشک شد، اما هیچگاه از رود کرخه و پل نادری که مهم‌ترین محور دسترسی به اندیمشک بود، فراتر نرفت و این امر که دشمن هرگز نخواهد توانست این شهر کلیدی را اشغال نماید، در آبان ماه ۱۳۵۹ مسجل شد. در این شهرستان و در حاشیه رودهای کرخه و دز عملیات فتح‌المبین به انجام رسید که این شهرستان عقبه تدارکاتی و پشتیبانی آن محسوب می‌شد. در سال ۱۳۶۵ شدت حملات هوایی به اندیمشک بیشتر شد و در یکی از این حملات به قطاری در هفت تپه، بیش از سیصد نفر شهید و مجروح شدند.



◆ بمباران راه آهن اندیمشک

## اندمشک

شهر اندیمشک در ۱۵۰ کیلومتری شمال شرقی اهواز و در مسیر راه تهران- اهواز، همچنین در مسیر راه آهن جنوب (تهران- خرمشهر) و در بخش جلگه‌ای و هموار استان خوزستان قرار دارد. اندیمشک یا اندامش نام کهن شهر دزفول و پل بزرگ مجاور آن نیز بوده، که در کنار شهر «لور» و «جندی شاپور» قرار داشته است. همچنین دژی استوار در این نواحی با نام «اندمشن» (گیلگرد) برپا بوده که به «انوشپرد» شهرت داشته است. برخی مأخذ کهن، نام آن دژ را «آنوش» به معنای فراموش شده آورده‌اند و این نام‌گذاری بدان سبب بوده که بر زبان آوردن نام زندانیان آن و حتی نام دژ ممنوع بوده است.



صالح خان مکی، حاکم شوستر و دزفول، در ۱۲۲۰ ق چند بنا از جمله دژی در نزدیکی شهر کهن لور (تقریباً ۱۸ کیلومتری شمال غربی دزفول) برای سکونت خویش ساخت که به قلعه صالح یا قلعه لور معروف شد و به انضمام حومه آن، صالح آباد نامیده شد. روستای صالح آباد با اسکان برخی عشایر به تدریج شکل گرفت و در ۱۳۱۴ ش اندیمشک نامیده شد. اندیمشک به سبب ایجاد خط آهن در ۱۳۰۶ ش و افتتاح آن در ۱۳۱۷ ش توسعه یافت و به موجب معاهده‌ای در جنگ جهانی دوم، به محلی برای انتقال نفت به روسیه تبدیل شد. اندیمشک در ۱۳۳۵ ش به عنوان مرکز بخش اندیمشک و در ۱۳۵۹ ش به عنوان مرکز شهرستان اندیمشک انتخاب شد.

۲۳۴

این شهر پس از انقلاب اسلامی، چندین بار صحنه تظاهرات گروه‌های ضدانقلاب بود، تا جایی که نیروهای ضدانقلاب در اردیبهشت ۱۳۵۹ در صدد آسیب رساندن به واگن‌های راه آهن

اندیمشک- اهواز بودند که با رشادت نیروهای نهادهای انقلابی ناکام ماند. این شهر که از ابتدای جنگ میزبان رزمندگان برای حضور در مناطق عملیاتی بود، هجده مسجد و سه حسینیه داشت که از مراکز حمایتی جنگ و محل اعزام نیرو به جبهه بود.

در هفته اول جنگ و با توقف پیشروی ارتش عراق در غرب رودخانه کرخه و پل نادری، این شهر و جاده اندیمشک- اهواز در تیررس حملات توپخانه‌ای و موشکی عراق قرار گرفت. معراج شهدای اندیمشک در طول جنگ و به خصوص در عملیات فتح‌المبین بسیار فعال بود و بیمارستان شهید کلانتری که از سال ۱۳۶۰ به بهداری سپاه پاسداران تحویل داده شده بود، تا پایان جنگ به مداوای مجروحین جبهه شمالی خوزستان می‌پرداخت. ایستگاه راه‌آهن اندیمشک نیز که در جنوب غربی شهر قرار دارد، در طول جنگ بارها مورد حملات هوایی دشمن قرار گرفت که آثار واکن‌های منهدم شده آن همچنان در این ایستگاه موجود است.

سه‌راهی دهلران در ۱۵ کیلومتری جنوب غربی اندیمشک که جاده دهلران- دزفول از آن منشعب می‌شود، تقاطع منطقه عملیاتی فتح‌المبین، محرم، والفجرمقدماتی و والفجر ۱ یکی از نقاط مهم دسترسی به شمال غربی خوزستان است. در حملات موشکی و هوایی دشمن در ۱۳۶۲ ش بیش از ۶۸۰ نفر از اهالی این شهر شهید و مجروح شدند و خسارات فراوانی به واحدهای مسکونی، تجاری، مساجد و مدارس شهر وارد شد به نحوی که در سنگین‌ترین این حملات در اسفندماه ۱۳۶۲ ش ۱۲۴ نفر به شهادت رسیدند و به ۴۰۰ واحد مسکونی خساراتی وارد شد. طولانی‌ترین بمباران تاریخ ایران نیز در ۴ آذرماه ۱۳۶۵ در این منطقه صورت گرفت و شهر اندیمشک، ایستگاه راه‌آهن و حومه آن به مدت یک ساعت و ۴۵ دقیقه توسط ۵۴ فروند هواییمای دشمن بمباران شد و بیش از ۳۰۰ نفر از شهروندان و مسافران شهید و حدود ۷۰۰ نفر مجروح شدند.

رزمندگان این شهرستان هیچگاه اجازه ندادند دشمن از پل نادری پیش‌تر بیاید. اکنون در جنوب شرقی شهر اندیمشک و نزدیک میدان بسیج این شهر، پنج شهید گمنام به خاک سپرده شده‌اند تا یادگاری از دوران مقاومت در این شهر باشند.

◆ مقبره شهیدای گمنام اندیمشک (عکاس سید مهدی موسوی)





## پل نادری

پل فلزی نادری که به جسر نادری، پل کرخه، پای پل و پل سرخه نادری نیز معروف

است در ۲۰ کیلومتر جاده اندیمشک- دهلران و در شمال آبادی سرخه نادری و بر روی رودخانه کرخه قرار دارد. این منطقه در واقع پل ارتباطی استان‌های خوزستان- ایلام و شهرهای اندیمشک به دهلران محسوب می‌شود و جبهه‌های موسیان، عین‌خوش و دشت‌عباس را به یکدیگر متصل می‌کند.

تصرف پل و عبور از آن برای دشمن نقطه عطفی در جنگ به‌شمار می‌رفت؛ چرا که این امکان را برای دشمن فراهم می‌ساخت تا ارتباط خوزستان، با استان‌های شمالی قطع و شهرهای اندیمشک و دزفول را در خطر سقوط قرار دهد و در نهایت از جبهه‌های جنوب، میانی و شمالی خوزستان مرکز استان را محاصره و در معرض سقوط قرار دهد. دشمن متجاوز بر همین مبنا حرکت خود را در طول مسیر دهلران به اندیمشک و تصرف پل نادری و عبور از آن قرار داد و این پل محور اصلی هجوم لشکر ۱۰ زرهی ارتش عراق تعیین شد. در بعد از ظهر روز پنجم جنگ با نزدیک شدن یگان‌های زرهی دشمن به این منطقه، تخریب این پل با هدف ممانعت از نفوذ دشمن مورد بحث قرار گرفت اما به علت منحصر به فرد بودن این پل برای پشتیبانی و عقب‌نشینی احتمالی رزمندگان غرب کرخه، ضمن ممانعت از تخریب پل، بر ایجاد یک خط پدافندی در این محور با محوریت نیروهای مردمی و تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی ارتش تأکید شد. با ورود لشکر پیاده ۲۱ حمزه ارتش به این منطقه، اولین عملیات گسترده و آفندی با هدف به عقب راندن دشمن تا نوار مرزی به فرماندهی بنی‌صدر در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۳ با عنوان عملیات پل نادری در دستور کار قرار گرفت. اما با موفق نشدن این عملیات، دشمن در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۹ برای تصرف پل نادری تهاجم وسیعی را آغاز کرد که با مقاومت سرسختانه رزمندگان، نیروهای دشمن به ناچار ضمن عقب‌نشینی در مناطق سه‌راهی قهوه‌خانه، کوت کاپون و بر روی تپه‌های مشرف بر ساحل رودخانه مستقر شدند و این وضعیت تا عملیات فتح‌المبین همچنان ادامه یافت. پس از موفقیت مرحله اول عملیات فتح‌المبین و عقب‌نشینی گسترده دشمن، یک پاسگاه مشترک بین ارتش و سپاه با نام پاسگاه شهید قدوسی در کنار پل نادری ایجاد شد که همه عبور و مرورها به مناطق عملیاتی غرب کرخه را در طول جنگ کنترل می‌کرد. ایستگاه صلواتی کرخه نیز که قبل از سه‌راهی قهوه‌خانه قرار داشت، تا پایان جنگ به پذیرایی از رزمندگان می‌پرداخت. اکنون پل جدید نادری در کنار بقایای پل تاریخی و پل نادری زمان جنگ که در ردیف آثار ملی دفاع مقدس قرار گرفته است، احداث شده است.



زمین صبحگاه دوکوهه



رزمندگان در ایستگاه دوکوهه

## پادگان دوکوهه (احمد متوسلیان)

دوکوهه نام منطقه و پادگانی است در ۴ کیلومتری شمال غربی شهر اندیمشک، در مجاورت جاده اندیمشک- خرم آباد که دهستان دوکوهه در شرق جاده و پادگان دوکوهه در غرب جاده واقع شده است. این پادگان از شمال و غرب به رودخانه فصلی بالارود منتهی می‌شود و بخش جنوبی آن نیز با عوارض مصنوعی محدود شده است. این منطقه به علت وجود دو ارتفاع ۳۱۶ و ۲۸۱ متری در کنار هم که مانند دوکوهه دوقلو در این منطقه مسطح خودنمایی می‌کنند، دوکوهه نام گرفته است. مساحت این پادگان با حواشی آن پانزده کیلومتر مربع می‌باشد که وسعت بخش اصلی آن کمتر از پنج کیلومتر مربع است. بخش اصلی پادگان که شامل ساختمان‌های گردان‌ها، ساختمان‌های اداری، دژبانی و انبار و ادوات و همچنین زمین صبحگاه است، در کنار جاده و ایستگاه راه آهن موقت دوکوهه قرار دارد.

دوکوهه قبل از انقلاب پادگان پشتیبانی لشکر ۹۲ زرهی و یگان‌های نظامی جنوب غرب کشور بود و ساختمان‌هایی نیمه‌ساز برای نیروهای پادگان وجود داشت. با شروع جنگ این پادگان در اختیار سپاه پاسداران قرار گرفت و در دوران دفاع مقدس به مهم‌ترین پادگان عملیاتی خوزستان مبدل شد. این پادگان که عقبه یگان‌های عمل کننده در عملیات فتح‌المبین بود، پس از این عملیات به پادگان تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) تبدیل شد. همچنین لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) نیز در همین پادگان تشکیل و راه‌اندازی شد که بعدها مقر اصلی آن به نزدیکی همین

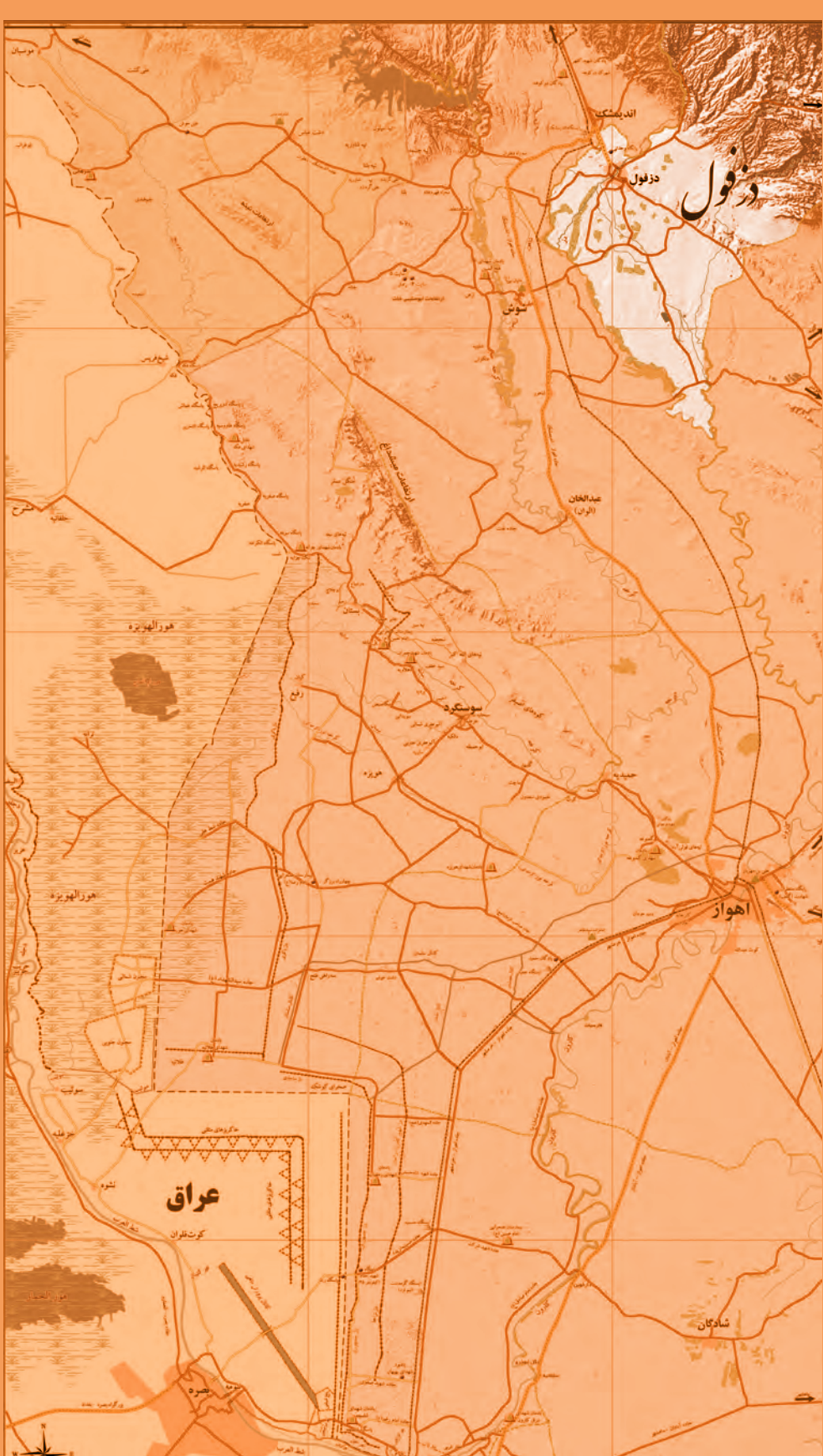


♦ سخنرانی شهید همت در جمع رزمندگان - پادگان دوکوهه

پادگان (پادگان شهید کلهر) منتقل شد. دوکوهه به عنوان بزرگترین منزلگاه برای تجهیز و سازماندهی نیروهای جبهه جنوب، و مثل يك شهر، مملو از جمعیت، تحرك، نشاط و زندگی بود.

دو نوع ساختمان در دوکوهه بود؛ ساختمان‌های يك طبقه که در قسمت شمال و غرب پادگان قرار داشتند که واحدهای اداری بودند و کارهای ستادی و خدماتی می‌کردند و دیگر، ساختمان‌های پنج طبقه‌ای که آسایشگاه نیروهای رزمنده بود و در بخش جنوبی پادگان قرار داشت و هر کدام به نام یک گردان پیاده نظیر انصار، مالک اشتر، حبیب بن مظاهر، مقداد و عمار نام گرفته بود. از آنجا که پیش از تکمیل کارهای تأسیساتی پادگان، جنگ شروع شده بود، ساختمان‌ها در ابتدا فاقد امکانات تهویه، شیشه، دستشویی و لوله‌کشی آب مناسب بودند و خیابان‌های پادگان، شنی بود. زمین صبحگاه، حمام و بعضی واحدها مثل مخابرات، حسینیه شهید همت، آرایشگاه و سایر سرویس‌های خدماتی بعدها به وجود آمد. در بخش مرکزی دوکوهه حسینیه شهید همت قرار دارد که قلب این پادگان و سال‌ها شاهد شب زنده داری‌ها و مناجات رزمندگان اسلام بود. حوضی نیز که در مقابل این حسینیه وجود دارد و وضوخانه بسیاری از شهدا بوده است. در ضلع شمالی حسینیه دو ساختمان پنج طبقه دیگر به نام‌های ذوالفقار و القارعه وجود دارد که مقر گردان‌های زرهی بود. کمی بالاتر از ساختمان گردان ذوالفقار، محوطه وسیعی وجود دارد که نمادی از قدس در آن خودنمایی می‌کند، این محوطه زمین صبحگاه و محل تمرین‌ها و اجتماع بسیجیان دوکوهه بود. در بخش جنوبی زمین صبحگاه، حمام‌های دوکوهه و در بخش شمالی آن ساختمان‌های اداری قرار دارد.

در فاصله ۲ کیلومتری جنوب غربی دوکوهه، حسینیه گردان تخریب واقع است که حسینیه حضرت زهرا<sup>(ص)</sup> نام گرفته و چادرهای رزمندگان تخریب‌چی در کنار آن مستقر بود. مقر این رزمندگان به علت تمرین‌های ویژه و سخت‌تر، دور از سایر گردان‌ها قرار داشته است. پس از روبرو شدن حاج‌احمد متوسلیان فرمانده تیپ محمدرسول‌الله<sup>(ص)</sup> در لبنان، پادگان دوکوهه به نام پادگان حاج‌احمد متوسلیان تغییر نام یافت. اکنون دوکوهه حالتی دو بخشی پیدا کرده که با فنس و دیوار از هم جدا شده است، بخش شرقی آن در اختیار لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله<sup>(ص)</sup> قرار دارد که این بخش بیشتر حالت یادمانی دارد و یکی از محل‌های بازدید راهیان نور است. بخش غربی پادگان در اختیار ارتش است که ساختمان‌های پنج طبقه آن مسکونی شده و قسمت‌های دیگر به صورت انبار مهمات و... درآمده است.



دزفول

دزفول

اهواز

عراق

شادگان



# دزفول

دزفول

اندیمشک

پادگان شهید کلهر  
شهرک دوکوهه

پادگان دوکوهه

ایستگاه اندیمشک

پایگاه وحدتی

سه راه دهلران

شاهور

دز

جاده اهواز - اندیمشک

شوش

شاهور

جاده اهواز - اندیمشک

عبدالخان  
(الوان)

جاده نفت

کرخ





◆ تصویر ماهواره ای از شهر دزفول

## شهرستان دزفول

شهرستان دزفول در شمال استان خوزستان واقع شده و از شمال غرب به شهرستان اندیمشک، از غرب به شهرستان شوش، از جنوب به شهرستان شوشتر و از شرق به شهرستان مسجدسلیمان، از شمال شرق به بخش کمی از استان چهارمحال و بختیاری و از شمال به استان لرستان محدود می‌شود. شهرستان دزفول از مناطق پرجمعیت استان خوزستان به حساب می‌آید و مرکز آن شهر دزفول است.

اکثر مردم دزفول شیعه دوازده امامی‌اند و به گویش دزفولی تکلم می‌کنند که از گویش‌های باستانی فارسی به شمار می‌رود و در آن ریشه‌های فراوانی از پارسی میانه دیده می‌شود. از گویش مردم شهرهای دزفول و شوشتر با نام گویش خوزی نیز یاد شده است که ویژه این دو شهر است و ناهمگونی‌های زیادی با گویش‌های لری و بختیاری دارد. کشاورزی پیشه بیشتر مردم روستاهای دزفول است. دشت پر بار دزفول و گذر رودخانه‌های پرآبی مانند دز و کرخه سبب شده که بیشتر فرآورده‌های کشاورزی مانند گندم، جو، برنج، بنشن، گیاهان روغنی، یونجه، تره بار، چغندر و مرکبات گوناگون به ویژه پرتقال در این گستره به دست‌آید. فرآورده‌های چوبی، نمدالی، گیوه‌دوزی، سب‌دبافی، خراطی، نازک‌کاری چوب از قبیل شمعدان، چوب لباسی و نمکدان از جمله صنایع دستی مردم شهرستان دزفول به‌شمار می‌آید. دزفول یک فرودگاه دارد که کاربرد آن بیشتر نظامی است. این شهر به شبکه راه‌آهن سراسری وصل نیست و مردم برای مسافرت با قطار از ایستگاه راه‌آهن شهرستان اندیمشک استفاده می‌کنند. از اماکن مذهبی



بیدمان شهدای گمنام دزفول

دزفول می‌توان به آرامگاه حزقیل نبی<sup>(ع)</sup> پدر دانیال نبی<sup>(ع)</sup>، بقعه امامزاده رودبند و نیز امامزاده سبز قبا برادر تنی امام رضا<sup>(ع)</sup> و همچنین بقعه محمد بن جعفر طیار اشاره کرد.

در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ هواپیماهای عراقی در نخستین روز جنگ به پایگاه چهارم شکاری دزفول موسوم به پایگاه وحدتی حمله کردند و اولین موشک در ۱۹ مهر ماه ۱۳۵۹ به این شهرستان اصابت کرد. در طول جنگ شهر دزفول ۱۷۴ بار مورد حمله موشکی قرار گرفت.

جو فرهنگی و مذهبی و نزدیکی به مناطق نبرد باعث شد بسیاری از فرماندهان جنگ نظیر همت، دستواره، مهدی و حمید باکری، باقری، رئوفی و رشید به همراه خانواده خود در این شهرستان زندگی کنند. تیپ ۷ ولیعصر<sup>(عج)</sup> یگان مهم رزمی این شهرستان است که در دوران جنگ تشکیل شد و در جریان عملیات‌ها حضور موفقی داشت.



بیدمان شهدای فاطمیون دزفول



◆ حمله موشکی به مناطق مسکونی دز فول

## دز فول

شهر دزفول مرکز شهرستان دزفول است و فاصله این شهر از اندیمشک ۱۰ کیلومتر و تا شوش ۲۶ کیلومتر است. «دزپل» یا «دژپل» را در اصطلاح محلی دزفولی و دژپیل گویند و معرب آن دسفول است و به همین علت نام محلی این شهر به گویش دزفولی (شبیبه به فارسی دری و لری بختیاری) «دسفیل» می‌باشد. دزفول در زمان ساسانیان هم‌زمان با ساختن پل در کنار آن بر روی دز (به منظور برقراری ارتباط بین پایتخت جدید یعنی جندی شاپور و شوشتر) بنا شده است. دز به معنی قلعه می‌باشد و احتمالاً نام دزفول یا دزپل از نام همان پل مشتق شده است. شهر دزفول بر روی تپه‌ای به ارتفاع ۲۱۰ متر از رودخانه بنا شده و سرداب‌های عمیق دارد. مردم ساکن جندی شاپور پس از ویرانی این شهر توسط الوار به کناره رود دز مهاجرت و بنای شهر دزفول کنونی را پایه‌ریزی کردند. دزفول از هجوم مغول محفوظ ماند. مهم‌ترین اثر تاریخی دزفول پل قدیم است که شاپور دوم ساسانی به کمک اسیران رومی آن را بر روی رود دز بنا کرد و به همین دلیل به پل رومی نیز مشهور است. همچنین قلعه‌ای نیز برای حفاظت از آن عمارت احداث کرد که اکنون در محل قدیمی آن محله‌ای به نام قلعه وجود دارد. امام‌زاده سبز قبا، ایوان کرخه و شهر باستانی جندی شاپور در ۱۰ کیلومتری دزفول نیز از جمله اماکن تاریخی دزفول است.

با آغاز جنگ، دزفول یکی از شهرهایی بود که به شدت مورد حمله قرار گرفت و در نخستین روز جنگ پایگاه چهارم شکاری دزفول موسوم به پایگاه وحدتی بمباران شد. در طول جنگ



حمله موشکی به مسجد جامع دزفول، سال ۱۳۶۲

دشمن با بمب و موشک‌های ۹ متری «فراگ» و «اسکاد-بی» بارها به شهر دزفول حمله کرد به طوری که شهر دزفول به «بلد الصواریخ» یعنی شهر موشک‌ها مشهور شد.

شهری که تا آن زمان زخم ۱۷۴ موشک و ۱۰۶۴ گلوله توپ دشمن را به جان خریده و همچنان بر پا و استوار بود. در سال‌های دفاع مقدس نماز جمعه باشکوه دزفول به امامت سیدمجدالدین قاضی دزفولی و حضور رزمندگان و پذیرایی مردم مقاوم آن دیار بعد از نماز جمعه در ایستگاه‌های صلواتی، فراموش‌نشده است. با تشکیل ستادهای بسیج مردمی با محوریت مساجد این شهر به‌خصوص مسجد نجفیه، داوطلبان ضمن آموزش نظامی، به کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان و بازسازی منازل مسکونی نیز می‌پرداختند.

بخشی از ابتدای جاده دزفول-دهلران که از سه‌راهی دهلران در جنوب اندیمشک آغاز می‌شود و تا شهر دهلران در استان ایلام ادامه دارد، دارای عرض زیاد و آسفالت مخصوصی است و از آن به عنوان یک باند فرود اضطراری استفاده می‌شود. ارتش عراق برای هجوم به شهرستان دزفول از این جاده استفاده بسیاری کرد و با اتکا بر آن فاصله ۸۰ کیلومتری مرز تا پل نادری را در چهار روز طی کرد.

دزفول که در طول دفاع مقدس میزبان همیشگی خیل عظیم رزمندگان بود در عملیات فتح‌المبین به عنوان عقبه تدارکاتی مورد استفاده زیادی قرار گرفت. رادیو جبهه نیز برای روحیه‌بخشی به رزمندگان توسط جوانان دزفول راه اندازی و به اجرای برنامه می‌پرداخت. اکنون از شهر دزفول به پاس مقاومت و تقدیم بیش از ۲۶۰۰ شهید، به عنوان شهری نمونه یاد می‌شود.



◆ خلبانان پایگاه وحدتی در حال اعزام به ماموریت

## پایگاه وحدتی دزفول

پایگاه هوایی وحدتی دزفول در شمال غربی شهر دزفول و در غرب جاده دزفول- اندیمشک قرار دارد و به یاد سرهنگ وحدتی که در یک سانحه هوایی جان باخت، نامگذاری شده است. در سال ۱۳۲۰ و در جنگ جهانی دوم، نیروهای متفقین برای حمل وسایل و تجهیزات از خلیج فارس به روسیه در مکانی به نام تپه چرمی (موقعیت کنونی پایگاه) توقف می کردند و بعدها در سال ۱۳۲۲ مطالعات برای احداث پایگاه آغاز و در سال ۱۳۳۵ توسط مهندسين ایتالیایی طرح احداث آن ریخته شد و در سال ۱۳۳۷ قسمت هایی از پایگاه آماده و با نام پایگاه دوم شروع به کار کرد. با تحویل هواپیماهای اف-۵ در سال ۱۳۴۲، این پایگاه به نام پایگاه چهارم شکاری تغییر نام داد.

این پایگاه که اکنون پایگاه مادر هواپیمای شکاری اف-۵ نیروی هوایی ارتش محسوب می شود، در طول جنگ بسیار با اهمیت بود؛ چرا که نزدیک ترین پایگاه هوایی به مرزهای شرقی عراق بود و برای پشتیبانی سریع از نیروهای درگیر سطحی جبهه های جنگ می توانست به طور هم زمان تعداد زیادی هواپیمای شکاری را به کار گیرد. با آغاز جنگ این پایگاه جزء اولین نقاطی بود که مورد هدف حمله هوایی دوازده فروند از هواپیمای عراقی قرار گرفت که در آن یک هواپیما و بالگرد خودی منهدم و دو هواپیمای دشمن سرنگون شد.

در بامداد روز اول مهرماه سال ۱۳۵۹ و در جریان عملیات تاریخی کمان ۹۹ نیروی هوایی ارتش که در آن ۱۴۰ فروند هواپیما پایگاه های هوایی عراق را بمباران کردند، پایگاه وحدتی



♦ مرحوم آیت الله مشکینی در حال بدرقه خلبانان



♦ شهید منصور ستاری فرمانده  
نیروی هوایی ارتش

دزفول با چهل فروند هواپیمای جنگنده هم افکن F۵E خود، پایگاه هوایی ناصریه عراق را در هم کوبید. در روزهای بعد نیز این پایگاه یکی از اهداف حملات هوایی دشمن بود که در مواردی هواپیماهای دشمن با شلیک پدافند هوایی پایگاه سرنگون و یا متواری می شدند. این پایگاه در طول جنگ در برخی موارد محل برگزاری جلسات مهم و اضطراری فرماندهان جنگ بود و با تقدیم چهل و پنج شهید، جانباز و آزاده خلبان از جمله شهیدان اسدزاده، فرزین، هارونی، بیگ محمدی و تقدیم ۵۴۳ شهید، جانباز و آزاده غیر خلبان و انجام ۱۵۱۵ سورتی پرواز برون مرزی در طول جنگ، از فعال ترین پایگاه های هوایی کشور بوده است و خلبانانی چون شهیدان فرزین و بابایی به طور شبانه روزی در آن انجام وظیفه کرده اند.



♦ خدمه تانک دشمن در حال فرار از حملات جنگنده های ایرانی



## منابع:

۱. ارتش در هشت سال دفاع مقدس، دوره ۶ جلدی، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، تهران: ۱۳۷۶-۱۳۷۳
۲. اردستانی، حسین، تنبیه متجاوز (تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، چاپ سوم، تهران: ۱۳۸۷
۳. اسدی، هیبت‌الله، ارتش در فاو، هیأت معارف جنگ شهید صیاد شیرازی، ۱۳۸۶
۴. اطلس راهنما (جنگ ایران و عراق)، دوره ۸ جلدی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه
۵. اطلس فشرده مناطق عملیاتی ۱، ۲، ۴ بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، تهران: ۱۳۸۸
۶. آسودی، محمدعلی، راهیان نور خوزستان، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، نذیر، تهران: ۱۳۸۱.
۷. بابایی، گل‌علی، ضربت متقابل، سوره مهر، تهران: ۱۳۸۸



۸. بابایی، گل‌علی، حسین بهزاد، همپای صاعقه، سوره مهر، تهران: ۱۳۸۷.
۹. بابایی، گل‌علی، نبردهای دشت آزادگان: کارنامه تاریخ جغرافیای مناطق عملیاتی جنوب اهواز، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، تهران: ۱۳۸۵.
۱۰. بختیاری، مسعود، عملیات بیت‌المقدس، هیأت معارف جنگ شهید صیادشیرازی، ایران سبز، تهران: ۱۳۸۷.
۱۱. بختیاری، مسعود، عملیات طریق القدس، هیأت معارف جنگ شهید صیادشیرازی، ایران سبز، تهران: ۱۳۸۰.
۱۲. بنی لوحی، سید علی و هادی مرادپیری، نبردهای شرق کارون به روایت فرماندهان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، چاپ اول تهران: ۱۳۷۹.
۱۳. بنی‌هاشمی، سیدهاشم، پل‌بعثت از منظر مهندسی جنگ، به نشر، ۱۳۸۵.
۱۴. بهزاد، حسین، مهتاب‌خین، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و بسیج، فاتحان، تهران: ۱۳۸۹.
۱۵. پوراحمد، احمد، جغرافیای عملیات ماندگار دفاع مقدس، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، صریر، تهران: ۱۳۸۶.
۱۶. پورجباری، پژمان، نبرد در جزیره: کارنامه تاریخ جغرافیای مناطق عملیاتی جزیره آبادان، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۷. پوررکنی، محمدامین، نبردهای دشت آزادگان: کارنامه تاریخ جغرافیای مناطق عملیاتی غرب اهواز، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، تهران: ۱۳۸۸.
۱۸. ترابی‌زاده، محمد، طرح گستره سیلاب در جنگ تحمیلی، سازمان آب و برق خوزستان، ۱۳۸۱.
۱۹. تقویم تاریخ دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران (دوره ۱۶ جلدی)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۰. توکل‌مقدم، حسین، وجه تسمیه شهرهای ایران، جلد ۱، میعاد تهران: ۱۳۷۰.
۲۱. جعفری، فتح‌الله، جزایه، دفتر ادبیات و هنر مقاومت، سوره مهر، چاپ دوم، تهران: ۱۳۸۵.
۲۲. جعفری، فتح‌الله، دکل ابوذر، دفتر ادبیات و هنر مقاومت، سوره مهر، تهران: ۱۳۸۷.
۲۳. جعفری، مجتبی، اطلس نبردهای ماندگار، نیروی زمینی ارتش، چاپ نهم، نوید طراحان، تهران: ۱۳۸۷.
۲۴. حماسه هشت سال دفاع مقدس، جلد ۶-۱، مجمع فرهنگی شهید بهشتی، انتشارات دفاع، تهران: ۱۳۸۳.
۲۵. خرمشهر دژ مقاومت و اتحاد ملی (مجموعه مقالات)، نشر شاهد، تهران: ۱۳۸۶.
۲۶. دایره المعارف دفاع مقدس، جلد اول، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، تهران: ۱۳۸۹.
۲۷. درودیان، محمد، جنگ بازیابی ثبات (تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق ۲)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، چاپ اول، تهران: ۱۳۷۸.
۲۸. درودیان، محمد، خونین‌شهر تا خرمشهر، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، چاپ هفتم، تهران: ۱۳۷۸.
۲۹. درودیان، محمد، آغاز تا پایان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، تهران: ۱۳۸۰.
۳۰. درودیان، محمد و دیگران، خرمشهر در جنگ طولانی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، تهران: ۱۳۷۷.
۳۱. درویشی، فرهاد و دیگران، ریشه‌های تهاجم (علل و زمینه‌های شروع جنگ)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، تهران: ۱۳۸۴.
۳۲. راهیان‌نور، مجموعه ۱۵ جلدی، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، صریر، تهران: ۱۳۸۵.
۳۳. سلیمانی‌خواه، نعمت‌الله، آبادان من، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، تهران: ۱۳۷۵.
۳۴. سمعی، علی، کارنامه توصیفی عملیات‌های ۸ سال دفاع مقدس، نسل‌کوثر، تهران: ۱۳۸۲.
۳۵. شیرعلی‌نیا، جعفر و سعید زاهدی، دوره ۱۰ جلدی کتاب راوی، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و بسیج، چاپ اول، تهران: ۱۳۸۸.

۳۶. صحیفه نور، فرمایشات و اعلامیه‌های حضرت امام خمینی (ره)، جلد چهاردهم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام
۳۷. صفوی، سیدیحیی، مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران: ۱۳۸۰
۳۸. طرفی، حمید، دشت آزادگان در هشت سال دفاع مقدس، نسیم حیات، قم: ۱۳۸۴
۳۹. طرفی، حمید، هویزه در هشت سال دفاع مقدس، نسیم حیات، قم: ۱۳۸۵
۴۰. عبدی بسطامی، علی، حمزین: نگاهی به سلسله عملیات محرم، والفجر مقدماتی و والفجر ۱، هیأت معارف جنگ شهید صیاد شیرازی، عرشان، تهران: ۱۳۸۴
۴۱. فتح‌فاو (طراحی، اجرا، نتایج، بازتاب‌ها)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، چاپ اول، تهران: ۱۳۸۲
۴۲. فرهنگ آبادی‌های کشور (استان خوزستان)، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
۴۳. فصلنامه تاریخ جنگ، دوره کامل، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه
۴۴. فصلنامه نکین ایران (شماره ۱ تا ۳۰)، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه، انتشارات مرکز اسناد
۴۵. کاوشی، حسین، جهاد سازندگی و جنگ، مجمع فرهنگی شهید بهشتی، انتشارات دفاع، تهران: ۱۳۸۵
۴۶. مجموعه روز شمار جنگ ایران و عراق، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه
۴۷. ملک‌ثابت، محمدرضا، سرزمین آسمانی، معاونت روابط عمومی و انتشارات نیروی مقاومت بسیج، تهران: ۱۳۸۰
۴۸. موسوی قویدل، سید علی‌اکبر، عملیات فتح‌المبین، هیأت معارف جنگ شهید صیاد شیرازی، ایران سبز، تهران: ۱۳۸۸
۴۹. ولایتی، علی‌اکبر، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۷۶
۵۰. ویژه‌نامه والفجر ۸، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، بهمن ۱۳۸۶



بنیاد حفظ آزر  
و نشر ارزش‌های دفاع مقدس